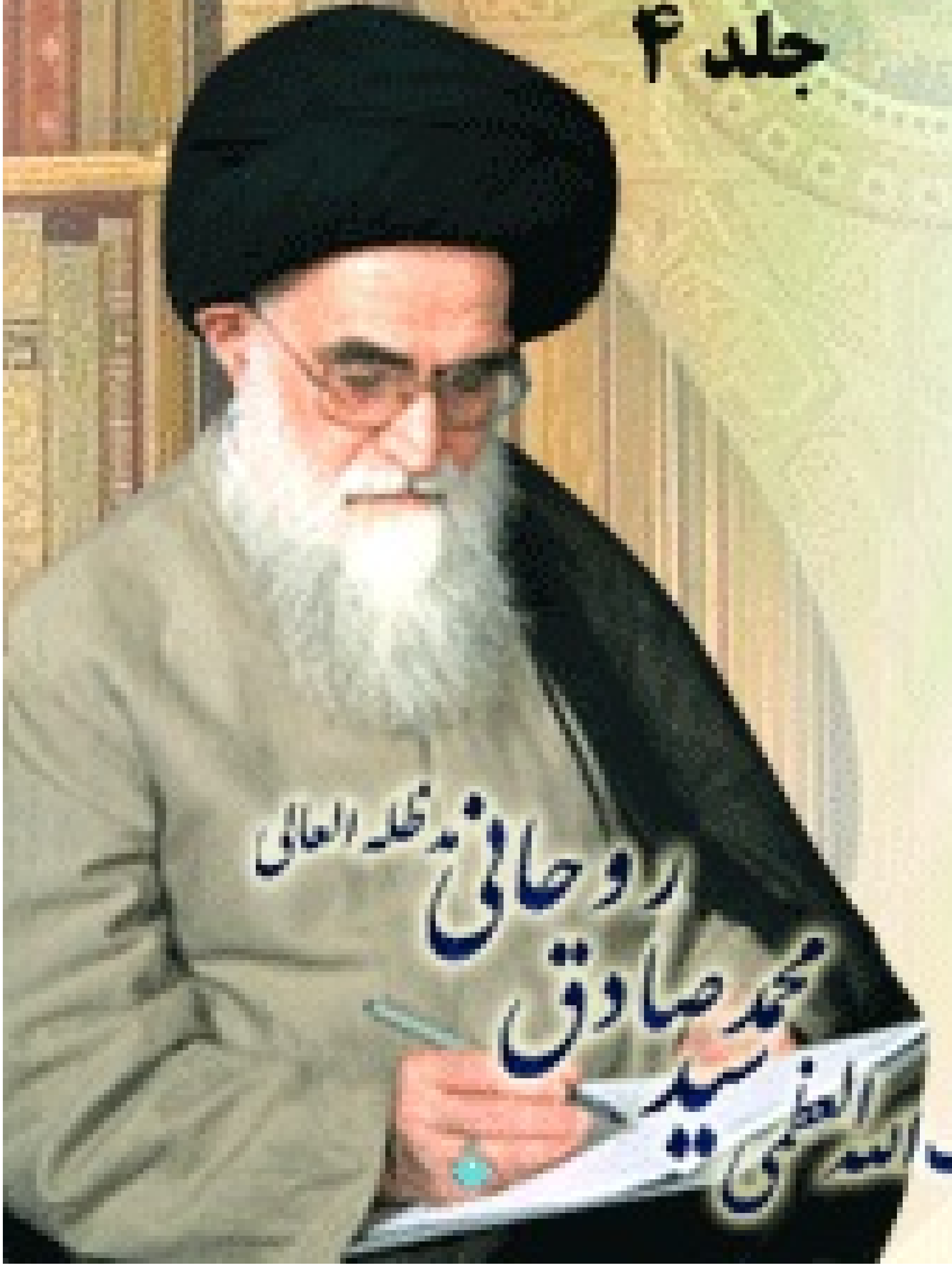
استفتائات

پرسش و پاسخ مسائل شرعی

جلد ۴



حضرت آیت الله العظمی سید محمد صادق روحانی مدظله العالی

بسم الله الرحمن الرحیم

استفتائات آیت الله سید محمدصادق روحانی

نویسنده:

آیت الله سید محمد صادق روحانی

ناشر چاپی:

حدیث دل

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

استفتائات پرسش و پاسخ مسائل شرعی جلد ۴ از:حضرت آیت الله العظمی سید محمد صادق روحانی (مدظله العالی)

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور : استفتائات پرسش و پاسخ مسائل شرعی/محمد صادق روحانی

مشخصات نشر : قم: مهر امیرالمومنین علیه السلام، ۱۳۸۸

مشخصات ظاهری : ج ۴

وضعیت فهرست نویسی : در انتظار فهرستنویسی (اطلاعات ثبت)

یادداشت : فهرستنویسی بر اساس جلد ششم

شماره کتابشناسی ملی : ۱۹۱۶۴۸۰

احکام تقلید

س ۱: با وجود مجتهد اعلم از غیر اعلم، می شود تقلید کرد یا نمی شود؟

ج: هو العالم; تقلید عالم واجد شرایط متعین است و تقلید غیر اعلم جایز نیست.

س ۲: وکیل عام مجتهد جامع الشرائط اعلم، سهم مبارک را از مقلدین غیر اعلم می تواند اخذ نماید؟

ج: هو العالم; در صورت اتحاد مصرف و عمومیت وکالت، بلی.

(ت) س ۳: اگر انسان چنین نیت نماید: ((نیت می کنم از فلان مجتهد جامع شرایط تقلید نمایم قربه الی الله)) آیا با داشتن چنین نیّتی تقلید انسان از آن مجتهد صحیح (محقق) می باشد یا خیر ؟

ج: هو العالم; با مجرد نیت، تقلید، محقق نمی شود، بلکه تقلید عبارت از عمل کردن به فتوای مجتهد است.

س ۴: با داشتن نیّت تقلید در سؤال حکم باقی ماندن بر تقلید آن مجتهد بعد از فوت او چه می باشد؟

ج: هو العالم; بقاء بر تقلید میت در هیچ صورت جایز نیست.

س ۵: اگر جواب سؤالات فوق منفی باشد، پس به نظر مبارک شما شرط محقق بودن تقلید از مجتهد جامع شرایط چه می باشد؟

ج: هو العالم; تقلید همان گونه که اشاره شد، عمل کردن به فتوای مجتهد با استناد به او است.

س ۶: آیا تقلید نمودن عدّه ای از علماء از یکی از مراجع تقلید، دلیل شرعی بر اعلم بودن آن مرجع می

باشد یا خیر؟

ج: هو العالم؛ چنانچه آن علماء معتقدنـد که تقلیـد اعلم متعین است، بلی، تقلید آنان در صورت احراز عدالت، دلیل شـرعی بر اعلم بودن او است.

س ۷: فرق اجتهاد کامل و ناقص چه می باشـد، و آیا زن می توانـد علوم اسـلامی را تحصـیل کند و به مقام اجتهاد برسد، و در صورت تساوی مراجع تقلید و عدم علم به اعلمیت آنها آیا تبعیض در تقلید را جایز می دانید؟

ج: هو العـالم؛ فرق دو اجتهـاد در این است که «نـاقص» در مسـایلی که اسـتنباط آسان است، قـدرت دارد و در مسایل مشـکل نـدارد. و «کامل» در تمام مسائل قدرت دارد. ۲ - تحصـیل زن در مسائل اسـلامی هیچ اشکالی ندارد و می تواند مجتهد شود، ولی تقلید از زن جایز نیست. ۳ - تبعیض در تقلید نیز جایز نیست.

س ۸: آیا ولی فقیه مجتهدی است که مکلّف از آن تقلید می کند یا اینکه به مجتهد حاکم گفته می شود؟

ج: هو العالم؛ خیر، اختصاص به مرجع و حاکم ندارد. بلکه هر مجتهدی ولو حاکم نباشد، مقدار ولایتی که فقیه دارد که خیلی مختصر است همه دارند.

س ۹: اگر اعلم بودن مجتهدی ثابت شود، آیا بر دیگر مجتهدین واجب است که اعلمیّت او را اعلام کنند؟

ج: هو العالم؛ خیر، لازم نیست.

س ۱۰: در زمان غیبت آقا امام زمان(عج)، در جامعه اسلامی «حاکم شرع» چه کسی است؟ (مجتهد جامع الشرایط، رهبر جامعه و...) لطفاً توضیح دهید؟

ج: هو العالم؛ حاکم شرع، مجتهد جامع الشرایط است.

س ۱۱: قید «جامع الشرایط» در مورد مجتهد به چه معنایی می باشد؟

ج: هو العالم؛ معنای جامع الشرایط، مجتهد مطلق بودن

و عدالت است.

س ۱۲: یک مجتهد و مرجع تقلید و صاحب رساله (از مشهورین و غیره) باید دارای چه شرایطی باشد که وقتی حکم کرد برای مراجع دیگر و مقلدان آنها واجب الاتباع باشد؟

ج: هو العالم؛ در لزوم اتباع حکم، صاحب رساله بودن لازم نیست. همین قدر که مجتهد مطلق عادل باشد و حکم بکند، برای همه متابعت لازم است. البته حکم غیر فتوا است.

(ت) س ۱۳: فرق بین حکم و فتوی چیست؟

ج: هو العالم؛ فتوی عبارت است از بیان حکم الله الکلی المجعول در شرع مقدس اسلام و اما حکم، عبارت است از الزام نسبت به موضوع خارجی، مانند حکم به اینکه روز سه شنبه عید فطر است.

س ۱۴: چه فرقی بین مجتهد و مرجع تقلید می باشد.

آیا تبعیض در تقلید جایز است؟

رجوع از غیر اعلم به اعلم چه حکمی دارد؟

آیا می شود از دو مرجع در احکام شرعی تقلید کرد؟

مقصود از اعلم به نظر شما چیست؟

ج: هو العالم؛

۱ مرجع تقلید باید اعلم باشد، مطلق اجتهاد کافی نیست.

۲ تبعیض در تقلید هم جایز نیست.

۳ از غیر اعلم باید رجوع به اعلم نمود.

۴ از دو مرجع، نمی شود تقلید کرد.

۵ مراد از اعلم کسی است که بهتر می تواند از قواعد و روایات استنباط احکام نماید.

س ۱۵: رجوع از مرجع زنده به زنده در صورت علم به اعلمیّت آن، چه حکمی دارد؟

ج: هو العالم؛ واجب است.

س ۱۶: کسـی می خواهـد از مرجعی که تقلیـد می کرده، عدول نموده و از مرجع دیگری تقلید کند. آیا می تواند یا نه؟ و آیا می شود در بعضی مسائل مثل خمس، از مرجع

خود به مرجع دیگر برود یا نه؟

ج: هو العالم؛ عدول به مرجع دیگر، اگر اعلم باشد، واجب است والا جائز نیست (تبعیض در تقلید هم جایز نیست).

س ۱۷: آیا از مرجعی که ولایت فقیه را قبول ندارد، می توان تقلید کرد؟

ج: هو العالم؛ بلی، می توان تقلید نمود.

س ۱۸: کسی که باقی بر تقلید میت باشد، آیا می تواند به مجتهد زنده رجوع کند؟ چون بعضی از مراجع می فرمایند باید مجتهد زنده از میت اعلم باشد، در حالی که بعضی از فتاوای میت برای او مشکل است؟

ج: هو العالم؛ من بقاء بر تقلید میت را جایز نمی دانم ولو میت اعلم باشد.

س ۱۹: اگر گمان داشته باشیم که زید در اکثر مسایل، علی التعیین اعلم از دیگران است، در این صورت آیا می شود از مرجع دیگری تقلید کرد؟ (البته فرض این است که عمل کردن به احوط الاقوال ممکن نیست یاحرجی می باشد.)

ج: هو العالم؛ خیر، نمی شود. باید به مظنون الاعلمیه رجوع شود.

س ۲۰: وقتی گمان داریم که زید در اکثر مسایل لا علی التعیین اعلم از دیگران است. اگر در مسأله ای خاص، هم احتمال اعلمیت بکر را بدهیم و هم احتمال اعلمیت زید را؛ یعنی احتمال اعلمیت آن دو را در این مساله به اندازه مساوی بدهیم آیا در این مسأله می توانیم از بکر تقلید نماییم؟ (فرض این است که عمل کردن به احوط الاقوال ممکن نیست یا حرجی می باشد.)

ج: هو العالم؛ خیر، نمی شود. چون تبعیض در تقلید است و آن خلاف احتیاط است.

س ۲۱: در صورت بقاء بر تقلید میت، آیا واجب است رجوع به مجتهدی

که قائل به جواز بقاء بر تقلید میت است یا واجب نیست. بدون رجوع باقی بر تقلید باشد، کفایت می کند؟

ج: هو العالم؛ اگر مجتهد اعلم حی، قائل به جواز بقاء باشد، بدون رجوع به او می توانید باقی باشید.

طهارت

س ۲۲: اگر شخصی بعد از بول کردن در نهر آب جاری داخل گردد و بعد از مکث طولانی خارج شود، آیا مخرج بول او طاهر گردیده یا چون تعدد غسل مخرج بول صورت نگرفته هنوز نجس است؟

ج: هو العالم؛ در آب جاری تعدد غسل لازم نیست در فرض سؤال مخرج بول پاک است.

س ۲۳: آب کشیدن چیز نجس با دست چپ به چه صورت است؟

ج: هو العالم؛ اشکال ندارد.

س ۲۴: اگر آب کر باشد و کمی از آن برداشته شود و در کر بودن آن شک شود چه باید کرد؟

ج: هو العالم؛ به مقتضای استصحاب بر کر بودن باقی است.

وضوء

س ۲۵: اگر به هنگام وضوء گرفتن بر مواضع مسح کشیدن ترشحات آب بریزد، آیا باید قبل از مسح کشیدن آنها را خشک نمود تا وضوء صحیح باشد و یا اینکه اگر در همان حالت مسح کشیده شود وضوء صحیح است؟

ج: هو العالم؛ چنانچه به مقدار صدق مسح پا خشک باشد وضوء صحیح است.

س ۲۶: آیا در وضوء شستن هر عضو (صورت یا دست ها) یک دفعه به صورت ارتماسی و یک دفعه به صورت ترتیبی جایز است؟ آیا چنین وضویی صحیح است؟

ج: هو العالم؛ بلی جایز است چون مرتبه دوم مستحب است.

س ۲۷: کسی که دو دستش قطع شده چگونه وضوء بگیرد؟

ج: هو العالم؛ چنانچه از بالای مرفق باشد شستن لازم نیست و اگر

از پایین مرفق باشد باید آن مقدار که باقی است بشوید.

س ۲۸: اگر شخصی فقط به نیت نماز ظهر وضوء بگیرد آیا می تواند با آن وضوء دست به قرآن بزند و یا اینکه نمازهای واجب دیگر را بخواند؟

ج: هو العالم؛ بلی، اشکال ندارد.

س ۲۹: کسی قبل از وقت، وضوء می گیرد و قصد قربت می کند، ولی در دلش (می گذرد) با این وضوء که الان گرفته نماز واجب بخواند، با این که وقت داخل نبوده، این وضوء برای نماز او صحیح است یا نه؟

ج: هو العالم؛ وضوء صحیح است و می تواند با آن نماز بخواند.

س ۳۰: شخصی می داند محدث شده، و وضوء گرفته و بعد از آن شک کرد آیا اول وضوء بوده یا اول حدث بوده؟

ج: هو العالم؛ در جمیع صور به محدث بودن محکوم است.

س ۳۱: اگر شخصی فقط دست چپ دارد می تواند دست را در وضوء ارتماسی بگیرد و مسح سر کند؟

ج: هو العالم؛ بلی می تواند به شرط آنکه در حال اخراج دست از آب، قصد وضوء بنماید.

غسل

س ۳۲: آبی سفید رنگ و چسبنده خارج شده و احتمال قوی هست که منی باشد، آیا غسل واجب است؟

ج: هو العالم؛ اگر یقین یا اطمینان به منی داشت و یا اماره قائم به آن شد بلی، والا اگر شک کند که منی است یا بول و حالت سابقه هم معلوم نباشد، غسل با وضوء واجب است والا غسل واجب نیست.

س ۳۳: اگر شخصی در ماه رمضان با آب غصبی قبل از اذان صبح در ماه رمضان غسل کند حکمش چیست؟ و آیا بین جاهل و عالم فرقی

می باشد؟

ج: هو العالم; غسل با آب غصبی باطل است و فرقی بین عالم و جاهل نیست و آن شخص در حالت جنابت صبح کرده است و حکم او را دارد.

س ۳۴: اگر با پارچه غصبی دست زخم یا مجروح را جبیره کند وضوء یا غسل او صحیح است یا نه؟

ج: هو العالم; صحیح نیست.

س ۳۵: شخصی نه نماز می خواند و نه روزه می گیرد و جنب نیز می باشد، آیا غسل جنابت بر او واجب است؟

ج: هو العالم; بلی چون ذی المقدمه واجب است، قهراً مقدمه هم واجب می باشد. و البته غسل جنابت، وجوب نفسی ندارد و بر کسی که نماز و روزه بر او واجب نیست، غسل نیز واجب نیست

س ۳۶: در غسل واجب برای رسیدن آب آیا لازم است که توسط سوهان ناخن گیر زیر ناخن ها را بلند کرده تا آب به آنها برسد؟

ج: هو العالم; لازم نیست.

حیض و نفاس

س ۳۷: زنی به اندازه عادتش نفاس دیده وبعد از آن به صورت لکه بینی ادامه یافته تا به عادت وقتیه خود رسیده، سپس خون زیاد به صفات حیض دیده، لکن بین دو خون ده روز فاصله نیفتاده، نسبت به آن لکه ها و خون بعدی وظیفه اش چیست؟

ج: هو العالم; باید مراعات احتیاط به جمع بین اعمال مستحاضه و تروک نفساء بنماید.

س ۳۸: زنی که هر بیست یا بیست و پنج روز خون می بیند (مثلا اول ماه، بیستم ماه، دهم ماه بعدی و هکذا) آیا چنین زنی صاحب عادت وقتیه است؟

ج: هو العالم; چنانچه واجد شرایط حیض باشد، بلی صاحب عادت وقتیه است.

س ۳۹: زنی که در ماه

رمضان، بعد از ایام عادت ۷ روزه اش دستمال که به کار می برد گاهی ترشح بی رنگ می بیند و گاهی یک لکه زرد رنگ یا نارنجی است؛ ولی شبیه به خون یا حداقل زرد رنگ نیست و نمی داند آیا سر ده روز بند می آید یا بیشتر می شود، وظیفه اش در رابطه با روزه و غسل و همبستری چیست؟

ج: هو العالم؛ اگر خون نباشد هیچ اشکالی از هیچ ناحیه متوجه نیست، اگر خون باشد چنانچه تا ده روز قطع شود حیض است والا استحاضه است.

تیمم

س ۴۰: آیا تیمم بر سنگ مرمرهایی که یک طرف آنها لعابدار و طرف دیگر آنها بدون لعاب و به صورت تراشیده شده می باشد و در نمای دیوارها به کار می روند (البته طرف بدون لعاب) صحیح است یا خیر؟

ج: هو العالم؛ بلی، جایز است.

س ۴۱: باتوجه به اینکه در وضوء موالات شرط است، ولی در غسل شرط نیست. سئوال این است که آیا در تیمم موالات شرط است؟

ج: هو العالم؛ بلی موالات لازم است.

احکام نجاسات

س ۴۲: ادکلن که یک نوع عطر می باشد می گویند در آن از الکل استفاده شده است، حکم آن چه می باشد؟

ج: هو العالم؛ پاک است.

س ۴۳: اگر بول را بخار کنند و بخار را تقطیر کنند، آیا پاک می شود؟

ج: هو العالم؛ بلی پاک می شود.

س ۴۴: اگر آب کُر تا لَب حَوض پُر باشد و با ملاقات به نجاست مقداری از آب کُر بریزد و تغییر حاصل نشود، آیا پاک است یا نه؟

ج: هو العالم؛ خیر، پاک نیست.

س ۴۵: در بعضی از جاها که کثافت

و نجاست است، مثلا داخل دستشوئی، پشه زیادی است. اگر این پشه ها به لباس انسان بخورند لباس نجس می شود یا نه؟ با وجود اینکه انسان خود می بیند پشه از روی سنگ دستشوئی بلند شده و از روی کثافت ها آمده آیا موجب نجس شدن لباس می شود؟

ج: هو العالم; چون احتمال داده اند که پاهای پشه و مگس نجاست نگه نمی دارد و زوال نجاست هم از مطهرات بدن حیوان هست، بنابراین اشکال ندارد و موجب نجس شدن لباس نمی شود.

س ۴۶: اگر آب طاهر بود و نمی دانیم قلیل است یا کثیر آیا با ملاقات با دستمال نجس منفعل می شود یا نه؟ یا قاعده طهارت حاکم و دستمال پاک شده است؟

ج: هو العالم; ماء مشکوک الکریه در صورت عدم علم بحالته السابقه در حکم قلیل است پس با ملاقات با دستمال نجس، دستمال پاک نمی شود، بلکه آب هم نجس می شود و اگر حالت سابقه معلوم باشد، استصحاب آن جاری است و بر آن حکم سابق از طهارت یا نجاست سابقه

مترتب می شود.

س ۴۷: علائم آمدن منی از دختران باکره به غیر دخول چگونه معلوم می شود و شک در آن چگونه است؟

ج: هو العالم; علامت برای زن، خروج آب منی از روی شهوت است.

س ۴۸: اگر شخصی در خواب محتلم گردد و شلوارش به منی آغشته شود، حال اگر بعد از شستن شلوار در آن لکه هایی ببیند (تقریباً در همان جایی که شلوار به منی آغشته شده بود) که نداند و معلوم نباشد این لکه ها غیر منی است یا منی، آیا شلوار پاک است؟

ج:

هو العالم; عین منی مختصر خشونت دارد و رنگ چیزی ندارد، بعد از خشک شدن دست بمالید، چنانچه خشونت داشت منی است والا رنگ و پاک است.

س ۴۹: چگونه می توان بین رنگ منی و عین آن تمایز حاصل کرد؟

ج: هو العالم; تمایز با خشونت است اگر دست به لباس بمالید و مقداری ولو خیلی کم خشونت داشته باشد، عین منی است و اگر نرم باشد، رنگ است.

س ۵۰: اگر سگ دهان یا زبانش را به ظرفی که پنیر و آب پنیر در آن هست بزنند یا دهان به آب بزنند، آیا پنیر هم نجس می شود و در صورت نجس شدن پنیر مذکور چگونه پاک می شود؟

ج: هو العالم; چنانچه به آب دهان بزنند، پنیر نجس می شود و نیز اگر به ظرف بزنند و آب به آن محل اصابت کند، پنیر نجس می شود. در هر دو صورت می شود پنیر را درآب کر آب کشید و به هر مقدار که آب نجس رسیده است آب پاک برسد پاک می شود.

س ۵۱: اگر آبی نجس بود و با اضافه کردن مقداری دیگر آب پاک آن را به کر برسانیم، آیا حکم کر را دارد یا خیر؟

ج: هو العالم; خیر ندارد.

س ۵۲: آیا الکل نجس است؟ یا پاک می باشد.

ج: هو العالم; پاک است.

س ۵۳: شرابی که به نام بیره مشهور می باشد آیا طاهر است یا نجس؟ البته در صورتی که مسکر نباشد؟

ج: هو العالم; پاک است.

س ۵۴: نظر برخی از فقها این است که نصاری نجس اند و حکم نجاست بر آنها جاری است و نظر برخی همچون آیت الله حکیم بر

طهارت آنهاست. نظریه حضرتعالی چیست؟

ج: هو العالم; پاک می باشند.

س ۵۵: آیا کافر کتابی پاک است یا نجس؟

ج: هو العالم; پاک است.

احکام میت

س ۵۶: آیا به محض موت، بدن میت نجس می شود و آیا در صورت لمس آن با دستِ تر، دست نجس می شود؟ اگر شخصی از دنیا رفته باشد و اموالی داشته باشد که پس از مرگ او صرف مراسم گردد وظیفه فرزندان و بستگان وی چه می باشد؟

ج: هو العالم; به مجرد خروج روح از تمام بدن، میت نجس می شود و در صورت لمس با دست تر، دست نجس می شود. ولی وجوب غسل مس میت مخصوص به لمس بعد از سرد شدن بدن است. و در خصوص کفنِ زوجه، باید زوج بدهد ولو زوجه مال داشته باشد و در غیر آن اگر میت اموال دارد از اموال خودش با رعایت موازین شرعیه باید مصرف شود، در غیر آن در مراسم لازمه از بیت المال و به خصوص زکاه باید مصرف نمود.

س ۵۷: آیا مس میت را ناقض وضوء می دانید؟ هم چنین آیا حیض و نفاس را ناقض وضوء می دانید؟

ج: هو العالم; من چون غسل مس میت و غسل حیض و نفاس را مجزی از وضوء می دانم، اینکه آن امور ناقض وضوء می باشند یا نه; اثری ندارد. به هر حال قبل از غسل امور مشروط به طهاره جایز نیست و بعد از غسل بدون وضوء جائز است.

س ۵۸: کسی که میت را با دستکش می شوید و غسل می دهد، اگر بدن غساله به بدن میت نخورد آیا غسل مس میت دارد یا

خیر؟

ج: هو العالم; خیر غسل مس میت واجب نمی شود.

س ۵۹: اگر حنوط میت فراموش شود، آیا برای حنوط گذاشتن چنانچه یک روز یا زیادتر از دفن میت بگذرد در حالی که بدن متلاشی نشده باشد نبش قبر لازم است یا خیر؟

ج: هو العالم; بلی باید برای حنوط نبش قبر نمود مگر آن که بدن میت به نحوی شده باشد که نبش قبر اهانت باشد.

س ۶۰: اگر ولی میت دو نفر دوقلو بودند آیا قضاء روزه بر هر دو می باشد و آیا ولیِ میت روزه قضاء یا نذر را لازم است به جا آورد یا نه؟ و اگر ولی می داند قضاء بر میت بوده و الان شک دارد که آیا در حال حیوه به جا آورده یا نه؟ وظیفه او چیست؟

ج: هو العالم;

۱ اگر ولی ۲ نفر بودند قضاء تنصیف می شود.

۲ بنابر احتیاط وجوبی بر ولی واجب است قضاء هر روزه واجبی ولو نذر باشد.

۳ در مورد شک مزبور، بلی باید قضاء نماید.

اذان و اقامه

س ۶۱: نظر حضرت عالی در رابطه باشهادت ثالثه و رابعه (شهادت به ولایت امیر مؤمنان علی(علیه السلام) و مقام عصمت بانوی اسلام حضرت فاطمه زهرا(علیها السلام)) در تشهد نماز چیست؟ در اذان و اقامه چطور؟

ج: هو العالم; شهادت ثالثه از اجزاء مستحبه اذان و اقامه می باشد. بلکه در این زمان که مخالفین ولایت ائمه طاهرین(علیهم السلام)فعالیت بر علیه آنان می نمایند; اگر مجتهد جامع الشرائطی به عنوان تعظیم شعائر مذهبی حکم به وجوب آن کند من هیچ گونه اشکالی در آن نمی بینم و اما شهاده رابعه از اجزاء نیست ولی فی

نفسه قول حَسن و خوبی است چه در اذان و اقامه چه در موارد دیگر ولی نه به عنوان جزئیت.

احکام نماز

س ۶۲: آیا قبل از گفتن تکبیره الاحرام نماز واجب و مستحب، گفتن شش تکبیر به قصد ورود یا رجاء مستحب است ؟

ج: هو العالم; به قصد ورود مستحب است .

س ۶۳: اگر مُصلی غیر از یک لباس بیشتر نـدارد نجس شود از شـدت گرما یا سـرما نمی تواند آنرا بیرون کند، آیا می شود با آن نماز بخواند؟

ج: هو العالم;بلی، باید با آن لباس نماز بخواند و نمازش صحیح است .

س ۶۴: کسانی که جاهل به مسائل شـرعی می باشـند و نمازهای واجب یا مسـتحب را جلو قبر معصوم(علیه السلام) می خوانند صحیح است یا نه؟

ج: هو العالم; صحیح است.

س ۶۵: با پول حرام مصلی لباس تهیه نماید نماز با او بخواند چگونه است؟

ج: هو العالم; چنانچه لباس را با همان پول حرام بخرد، نماز را نباید با آن لباس بخواند ولی اگر لباس را با پول در ذمه بخرد و از آن پول حرام مافی الذمه را اداء کند که ظاهراً غالباً چنین است، نماز با آن لباس صحیح است.

س ۶۶: اگر مصـلی در وسط نماز قرائت را فراموش کرد و به رکوع رفت، بعـد یادش آمـد، در صورت توجه یا بـدون توجه به رکوع رفته، آیا نماز او باطل است یا نه؟

ج: هو العالم; با توجه به نقص قرائت قبل از رکوع اگر اختیاراً به رکوع برود نماز باطل است والا نماز صحیح است.

س ۶۷: اگر در حال فرو بردن نفس، قرائت نماز را به جای آوریم، آیا صحیح است؟

ج: هو العالم;

در صورتی که قرائت درست اداء شود، صحیح است.

س ۶۸: در وقت خوانـدن تسبیحـات اربعه شک کردم مرتبه دوم است که می گویم یا سوم؛ وظیفه چیست و اگر با این حال به رکوع روم، بدون گفتن دفعه سوم نماز صحیح است؟

ج: هو العالم؛ چون یک مرتبه کفایت می کنـد،بنابراین گرچه به مقتضای شک دروقت بایدبنابگذاردبراین که دوم است،چنان چه به رکوع رودنمازباطل نمی شود.

س ۶۹: کسـی که کثیر الشک می باشـد به کـدام شک هایش نبایـد اعتنا کنـد؟ آیا به هر شـکی که در نماز که اعم از رکوع، سجود و تعداد رکعات و... نباید ترتیب اثر دهد؟

ج: هو العالم؛ در خصوص آن موردی که کثیر الشک است، نبایـد اعتناء کنـد. در بقیه موارد به وظیفه تعیین شده بر آن شـک باید عمل کند.

س ۷۰: اگر نماز گـذار در حال جلوس شک کرد، به نحوی که نمی دانست جلوس از سـجده اول یا دوم یا بعـد از نماز است، چه کند؟

ج: هو العالم؛ باید سجده دوم به جا آورد.

س ۷۱: در رساله توضـیح المسائل فرموده اید که: «وقتی یکی از شک های صـحیح برای انسان پیش آید باید فوراً فکر نماید». آیا در شک هایی که نباید به آنها اعتنا کرد از جمله شک کثیرالشک نیز باید هنگام عروض شک فوراً فکر کرد و در صورت پیدا نشدن یقین یا گمان به یک طرف شک به آنها اعتنا نکرد یا اصلاً فکر کردن لازم نیست؟

ج: هو العالم؛ فکر کردن لازم نیست. ولی فکر کردن با ادامه خوانـدن نماز محـذور نـدارد و اگر یقین به بطلان نماز پیـدا کرد نماز را اعاده کند.

س ۷۲:

بـا توجه بـه اینکه بسـتن طلاـ برای مرد حرام است و سـبب بطلان نماز می شود، سؤال اینجاست که آیا علت حرمت جنبه زینت بودنش می باشد یا نَفْسِ طلا برای مرد حرام است؟

ج: هو العالم؛ ما موظف به بیان علّت احکام شرعیه نیستیم.

س ۷۳: بـه فرض اینکـه اگر حرمت طلاـ به خـاطر زینت باشـد در صـورتی که برای اتصـال قـاب سـاعت بـا بنـد آن سـاعت را جوشکاری می کنند و به خاطر حرارت زیاد هنگام جوش کلّاً زردی رنگ قاب ساعت از بین برود و آن ساعت باز توسط آب کردن طلا به مقدار ۱۲ میکرو، آن را به حالت اولیه و زردی قبلی تبدیل می کند. آیا این مقدار طلای آب شده که جذب قاب ساعت می کنند، سبب بطلان نماز می شود؟

ج: هو العالم؛ رنگ و آب طلا اشکال ندارد، میزان خود طلا است.

س ۷۴: بـا مراجعه به متخصـص و تعمیر طلاـ و سـاعت ایشان گفته انـد که تمام بنـدهای زرد رنگ که رنگ آنها نمی رود در بعضـی کشورها مثل ژاپن به مقـدار ۱۲ تا ۱۸ میکرو طلا را آب می کننـد و توسط اسـید سـیاتیک ترکیب می کننـد در نهایت باالکترولیز کردن آن این مقـدار طلا را جـذب بند ساعت و قاب آن می کنند آیا به دست کردن این ساعت که اکثر مردم بلاد مسلمین حکمش را نمی دانند، باعث بطلان نماز آنها می شود؟

ج: هو العالم؛ خیر، نمی شود.

س ۷۵: آیا بوسیدن «مهر» بعد از پایان نماز وجه شرعی دارد؟

ج: هو العالم؛ بوسیدن جایی که انسان سجده می کند به عنوان احترام، حسن است.

س ۷۶: در بعضی

نمازهای مستحبی خواندن «آیه الکرسی» بعد از سوره حمد، وارد شده است. آیا قبل از قرائت آیه الکرسی «بسم الله الرحمن الرحیم» لازم است؟

ج: هو العالم؛ خیر، لازم نیست بلکه به عنوان ورود، مشروع هم نیست.

س ۷۷: اگر فردی که دائماً از او بول خارج می شود مدّتی قبل از وقت نماز واجب برای خواندن نماز واجب مخرج بول را آب بکشد و وضوء هم بگیرد آیا بعد از داخل شدن وقت باز هم احتیاط واجب آن است که برای خواندن نماز واجب مخرج بول را آب بکشد یا خیر؟

ج: هو العالم؛ چنانچه قدری فاصله می شود بین خروج بول ولو با بستن نخ به آخر مخرج بول، بلی، واجب است و اگر هیچ فاصله ای پیدا نمی شود و مرتب بول خارج می شود لازم نیست مخرج را آب بکشد، چون آب کشیده نمی شود.

س ۷۸: اگر شخصی در هنگام اول وقت نماز دور از وطن خود باشد (به طوری که نماز شکسته بر او واجب باشد) ولیکن احتمال می دهد که تا آخر وقت ادای نماز به موطن اصلی خود باز می گردد و می تواند نماز را کامل بخواند در این صورت تکلیف چیست؟

ج: هو العالم؛ لازم است در سفر، نماز شکسته بخواند، ولی اگر نخواند و قبل از انقضای وقت به وطن رسید، باید نماز را تمام بخواند.

س ۷۹: اگر نمازگزار مسأله را بداند و بعد از نماز بفهمد که بدن یا لباسش نجس بوده نمازش باطل است یا صحیح، اگر در بین نماز بفهمد چطور؟

ج: هو العالم؛ چنانچه بعد از نماز بفهمد، نمازش صحیح است و اگر در بین نماز

بفهمد و تبدیل لباس یا تطهیر با عدم منافی، ممکن است باز نماز محکوم به صحت است والا باطل است.

س ۸۰: اگر کسی بعد از خواندن سوره شک کرد آیا یک آیه از حمد را خوانده یا نه، قاعده تجاوز جاری است یا نه؟

ج: هو العالم؛ بلی، قاعده تجاوز جاری است. باید اعتناء به آن شک نکند.

س ۸۱: اگر کسی شک کرد در نماز با طهارت بوده یا نه؟ وظیفه چیست؟

ج: هو العالم؛ نماز صحیح است. ولی برای نمازهای بعد باید وضوء بگیرد.

س ۸۲: اگر در حال نماز مشغول ذکر واجب بود، قهراً او را هول دهند، ذکر را باید اعاده کند؟

ج: هو العالم؛ اعاده نماز لازم نیست، ولی نباید ذکر را دو مرتبه بگوید.

س ۸۳: اگر شخص نصف بدن او در محلی است که در نماز مخیر است بین قصر و تمام و نصف بدن او خارج از آن محل باشد، نماز را قصر بخواند، یا تمام می تواند بخواند؟

ج: هو العالم؛ باید قصر بخواند.

س ۸۴: هر گاه نیت نماز اخفات را کسی تلفظ کند، اشکال دارد یا نه؟

ج: هو العالم؛ قبل از تکبیره الاحرام اشکال ندارد.

س ۸۵: اگر در حال حرکت بدن ذکر بگوید، مثلاً بین نماز یقه لباس را مرتب کند، نماز باطل است یا نه؟

ج: هو العالم؛ چنانچه معظم اعضاء بدون حرکت باشد، فقط دست را حرکت بدهد، اشکال ندارد.

س ۸۶: آیا می شود ذکر رکوع و سجود نمازهای مستحبی را به یک مرتبه سبحان الله اکتفا کرد.

ج: هو العالم؛ خیر، خلاف احتیاط است.

س ۸۷: اخیراً علما سفارش می کنند که نماز را به ۵ وقت بخوانید. آیا به ۵ وقت

خوانـدن ظهر را به ظهر، عصر را به عصـر، مغرب را به مغرب،مستحب است. آیـا این عمـل رسول خـدا(ص) مورد اتفاق اهل تسنن و شیعه است؟

ج: هو العالم; البته خوب است، ولی رسول خدا(ص) مکرر جمع فرموده اند.

س ۸۸: آیا تغییر نیت نیابت بعد از تکبیر جایز می باشد، و اگر مأموم مساوی با امام جماعت ایستاد، چه صورت دارد؟

ج: هو العالم; ۱ تغییر نیت اشکال دارد ۲ باید ولو خیلی کم در جمیع حالات نماز از امام عقب تر بایستد.

س ۸۹: حکم نماز و روزه نیابتی کسی که خود نماز و روزه قضاء دارد، چیست؟

ج: هو العالم; نماز را می تواند اجیر شود، ولی روزه را خیر، نمی تواند.

س ۹۰: آیا درنمازفریضهونافله جایزاست قرائت سوره یادعارا ازروی قرآن و مفاتیحی که در دست گرفته یا در تابلوی مقابل ما و در منظر و مرآی ماست یا روی زمین است و در حال قیام به آن نظر می کنیم، انجام دهیم یا حتماً بایـد حفظ داشته باشیم تا بتوانیم بخوانیم لطفا راهنمایی کنید؟

ج: هو العالم; خوانـدن از روی قرآن و مفاتیـح جایز است، ولی مقتضای احتیاط غیرلزومی آن است که خصوص حمد و سوره را از روی قرآن نخوانید ولو آنکه اگر بخوانید اشکال ندارد.

س ۹۱: آیـا می توان در وقت واجب نمـاز به نیت طهـارت وضوء گرفت و با آن نماز واجب خوانـد یا اینکه حتما بایـد به نیت وجوب وضوء گرفت؟

ج: هو العالم; نیت وجوب لازم نیست، می توانید به قصد نماز وضوء بگیرید و می توانید به قصد طهارت.

س ۹۲: آیا می توان قبل از وقت واجب نماز به نیت نماز واجبوضوء گرفت؟

ج:

هو العالم؛ خیر، نمی شود. ولی قبل از وقت به قصد مهیا شدن برای نماز می توانید وضوءبگیرد.

س ۹۳: من در نماز بسیار شک می کنم، راه از بین رفتن شک در نماز چه می باشد؟

ج: هو العالم؛ به شک اعتنا نکنید، به نماز ادامه دهید و با همان حالت تمام کنید و اعمال مشکوک را نیز انجام ندهید، با مرور زمان شک از بین می رود.

س ۹۴: مراد از قیام متصل به رکوع کدام یک از موارد زیر است:

الف) از حالت ایستاده به رکوع رفتن.

ب) مقداری ایستادن قبل از رکوع پس از تمام شدن حمد و سوره یا گفتن تسبیحات اربعه.

ج: هو العالم؛ مراد این است که از حال ایستاده به رکوع برود، مثلاً اگر بعد از حمد و سوره بنشیند و از آن حالت به رکوع رود، صحیح نیست.

س ۹۵: حکم گفتن بیش از سه مرتبه تسبیحات اربعه در رکعت سوم و چهارم نمازهای واجب به قصد ورود یا رجاء چیست؟ و حکم خود نماز چیست؟

ج: هو العالم؛ حکم آن عدم جواز است، ولی به قصد ذکر مطلق اشکال ندارد.

س ۹۶: خواندن بیش از یک سوره بعد از حمد در نماز واجب (نماز فرادا و جماعت) و مستحب به قصد ورود یا رجاء چه حکمی دارد؟ و خود نماز چه حکمی دارد؟

ج: هو العالم؛ فتوای بعضی از فقهاء عدم جواز است، در نماز واجب ولی به نظر ما مکروه است.

س ۹۷: خواندن سوره بعد از حمد در رکعات سوم و چهارم نمازهای واجب به قصد ورود یا رجاء چه حکمی دارد و حکم خود نماز چه می باشد؟

ج: هو العالم؛ جایز نیست، چنانچه

با علم به عدم جواز بخواند، نماز باطل است.

س ۹۸: اگر شخصی زمان طولانی جا نمازی در مسجد بیاندازد و خودش برای نماز نیاید، آیا دیگران می توانند آن جا نماز راجمع کرده و در آن محل نماز بخوانند؟

ج: هو العالم؛ بلی، می توانند. اشکال ندارد.

س ۹۹: آیا خواندن آیات یا سور کامله در اثنای سجود یا رکوع در نمازهای واجب، و یا مستحب جایز است؟ در صورت جواز آیا مجزی اند؟

ج: هو العالم؛ خواندن قرآن در حال رکوع و سجود مکروه است، نماز باطل نمی شود، ولی بهتر است نخوانند.

س ۱۰۰: اگر شخصی بتواند قیام و رکوع نمازش را ایستاده به جا بیاورد، ولی نتواند در حالت ایستاده به سجده برود، وظیفه اش چیست؟

ج: هو العالم؛ برای سجده ایستاده اشاره بنماید و بهتر است مهر هم به پیشانی بگذارد، ولی لازم نیست.

س ۱۰۱: آیا خواندن نماز آیات در مواقعی که حوادثی مانند رعد و برق به طور ناگهانی (مثلا هنگام خواب) اتفاق می افتد و موجب ترس فرد می شود واجب می شود یا خیر؟

ج: هو العالم؛ واجب نیست، مگر آنکه بداند موجب وحشت بیشتر مردم می شود که در آن صورت واجب است بخواند.

س ۱۰۲: آیا سورمه غصبی در چشم نمازگزار مبطل نماز است یا نه؟

ج: هو العالم؛ خیر، مبطل نیست.

س ۱۰۳: به نظر حضرتعالی در شب های مهتابی واجب است که بعد از اذان صبح فریضه را به تاخیر بیاندازد تا سپیده فجر بر نور ماه غلبه محسوس پیدا کند یا خیر؟

ج: هو العالم؛ خیر، لازم نیست.

س ۱۰۴: آیا می شود در هر نمازی چه واجب و چه مستحب که نام

حضرت محمد(صلی الله علیه وآله) شنیده شد، صلوات فرستاد و صلوات خللی به نماز وارد نمی کند؟

ج: هو العالم؛ بلی، مستحب است و خللی به نماز وارد نمی شود.

س ۱۰۵: اگر در حال نمازبینی امام یاماموم خون بیایدآیانمازش باطل می شود؟

ج: هو العالم؛ اگر خون کمتر از درهم باشد، باطل نمی شود و همچنین اگر زیادتر باشد و بتواند بدونورودخللی درنماز،آب کشیدوالاباطل می شود.

س ۱۰۶: الف) در نماز، تسبیحات اربعه را چند مرتبه باید خواند و چند مرتبه واجب است؟ ب)هنگامی که عجله داریم مثلاامام جماعت نمازراسریع می خواند، و می خواهیم به آن برسیم یک مرتبه بخوانیم نماز صحیح است یا خیر؟

ج: هو العالم؛ تسبیحات اربعه بیش از یک مرتبه واجب نیست.

س ۱۰۷: در نماز باید بدن آرامش داشته باشد. کسی عادت دارد و خود به خود حرکت می کند. مثلا در نماز خود را به سمت جلو و عقب می کشد یا روی پا بلند می شود، این کار در نماز موجب بطلان می شود یا نه؟

ج: هو العالم؛ چنان چه بی اختیار باشد، اشکال ندارد والا باید آرام باشد.

س ۱۰۸: بستن چشم ها در نماز چه حکمی دارد؟

ج: هو العالم؛ مباح است.

س ۱۰۹: زن و شوهر هر دو از یک زادگاه هستند، ولی محل سکونت جایی دیگری است. وقتی به زادگاه می آیند آیا نماز آنها قصر است یا نه؟ با وجود این که احتمال زیاد می رود که زادگاه هیچگاه برای سکونت اختیار نکنند توضیح بفرمائید؟

ج: هو العالم؛ با احتمال، حکم از بین نمی رود، باید تمام بخوانند.

س ۱۱۰: اگر انسان دندان خود را توسط پزشک بکشد و تا

مدت ۲۴ ساعت دندان خونریزی داشته باشد و آب کشیدن آن میسر نباشد، چون خطر عفونت دارد، آیا نماز او با دهان خونی صحیح است یاخیر؟ و چطور باید نماز خواند؟

ج: هو العالم؛ بلی، صحیح است.

س ۱۱۱: مراد از فرمایش امام صادق(علیه السلام): لیس من شیعتنا من لم یصل صلاه اللیل چیست؟

ج: هو العالم؛ این قبیل روایات از قبیل قضایای خارجیه است نه قضیه حقیقیه که در مقام بیان حکم باشد.

س ۱۱۲: اگر شخص در وقت نماز، غافل بود و نمازی را با جنابت خواند باید اعاده کند یا نه؟

ج: هو العالم؛ بلی، باید اعاده کند.

س ۱۱۳: اگر شخصی در رکعت آخر نماز، در سجده دوم خوابش برد یا مرد آیا نماز او اعاده دارد؟

ج: هو العالم؛ به نظر ما آن نماز صحیح است و اگر زنده بود باید قضاء تشهد را بجا آورد.

س ۱۱۴: زائر حضرت اباعبدالله الحسین(ع) چطور باید در حائر حسینی نماز بخواند؟ کامل یا شکسته؟ آیا در تمام عتبات اینطور است یا فقط در کربلای معلی؟

ج: هو العالم؛ تخییر بین تمام و شکسته مختص به کربلا است و آن هم حائر نه تمام شهر.

س ۱۱۵: دقیقاً چند دقیقه پس از اذانی که در صبح از رادیو و تلویزیون پخش می شود، می توان نماز خواند؟

ج: هو العالم؛ میزان اطمینان به طلوع فجر است، من خودم یک ربع ساعت از اول اذان بگذرد، شروع به نماز می کنم.

س ۱۱۶: نماز جمعه را کسی که می خواند باید اذن از مجتهد حاکم شرع بگیرد یا خیر؟

ج: هو العالم؛ لازم نیست، ولی ما در زمان غیبت نماز جمعه را مجزی از نماز ظهر نمی

دانیم.

احکام قنوت و ادعیه

س ۱۱۷: آیا خواندن قنوت به زبان فارسی در نماز در نمازهای واجب جایز است و خللی در نماز وارد نمی کند؟

ج: هو العالم; بنابر احتیاط لزومی قنوت به غیر عربی جایز نیست.

س ۱۱۸: دیده شده عده ای در قنوت نماز نگین انگشتر را به طرف صورت می کنند آیا این عمل در اسلام است یا نه؟

ج: هو العالم; خیر از اسلام نیست، بلکه روایت دارد که این کار را نکنید، البته حرام نیست.

س ۱۱۹: دعای یا حمید بحق محمد یا عالی بحق علی یا فاطر بحق فاطمه... الخ که افرادی به عنوان تعقیبات نماز می خوانند در کدام کتب ادعیه مکتوب است؟

ج: هو العالم; در کتاب بحارالانوار علامه مجلسی(ره) ج ۴۴ نقلا- از الدرالثمین فی تفسیر (فتلقی ادم ربه...) ص ۲۴۵; ایضاً بحارالانوار، ج ۱۰۹، ص ۸۵. در العوالم الامام الحسین(ع) للشیخ عبدالله البحرانی، ص ۱۰۴.

س ۱۲۰: آیا خواندن ادعیه زیر در زمان های زیر به قصد ورود یا رجاء مستحب است؟

الف) دعای کمیل در شب جمعه و شب نیمه ماه شعبان

ب) دعای توسل در شب چهارشنبه

ج) دعای ندبه در روز جمعه و در اعیاد مبارک فطر، قربان و غدیر خم

د) دعای سمات در عصر روز جمعه

ر) دعای جوشن کبیر و صغیر در شب ۱۹ و ۲۱ و ۲۳ ماه مبارک رمضان.

ج: هو العالم; همه اینها به قصد استحباب جایز است به واسطه قاعده تسامح در ادله سنن.

سجده

س ۱۲۱: آیا (سبحان ربّی الا علی و بحمده) ذکر مخصوص سجده است که گفتن عمدی آن در رکوع حرام باشد و نماز را باطل کند؟

ج: هو العالم; نه مخصوص سجده نه متعین در

آن است و جائز است ذکر دیگر در سجده گفته شود، البته بهتر است همان ذکر باشد و جائز است در رکوع نیز گفته شود.

س ۱۲۲: آیا (سبحان ربّی العظیم و بحمده) ذکر مخصوص رکوع است که گفتن عمدی آن در سجده حرام باشد و نماز را باطل کند؟

ج: هو العالم؛ بهتر است همان ذکر گفته شود، همان گونه که بنای علما و مسلمانان بر آن است، ولی متعین نیست و گفتن آن در سجده حرام نیست.

س ۱۲۳: آیا سجده بر دستمال کاغذی صحیح است؟

ج: هو العالم؛ در صورتی که ماده ای که از آن دستمال درست می کنند مایصح السجود علیه باشد بلی والا به عنوان دستمال کاغذی خیر.

س ۱۲۴: آیا در سجده هر دعایی را می توان خواند یا اینکه باید دعاهایی که وارد شده را قرائت کرد؟

ج: هو العالم؛ دعای خاصی لازم نیست، هر دعایی می توان خواند. ولی مقتضای احتیاط در ذکر سجده این است که همان ذکر مخصوص (سبحان الله) یا سبحان ربی الاعلی و بحمده گفته شود ولو الحمدلله هم مثلا کافی است.

س ۱۲۵: یکی از دو طرف مهرهای نماز مقداری برجستگی دارد آیا سجده بر سطح ناهموار آن صحیح است؟

ج: هو العالم؛ بلی صحیح است.

س ۱۲۶: کسی در حال سجود نتواند تنها انگشت بزرگ خود را روی زمین بگذارد ولی باقی را می تواند آیا نمازش باطل است یا خیر؟ اگر باطل است نماز را چطور بخواند؟

ج: هو العالم؛ اشکال ندارد، بقیه را به زمین بگذارد.

س ۱۲۷: اگر هنگامی که سوار ماشین هستیم، قرآن بخوانیم و به آیه سجده برسیم، آیا لازم است که آن

را نخوانیم و وقتی که توانستیم سجده را به جا آوریم آیه را بخوانیم و یا می توانیم آن را تلاوت کنیم و با اشاره سجده را انجام دهیم؟

ج: هو العالم؛ نباید بخوانید، مگر آن که با نذر و نظیر آن ملزم به خواندن باشید و ماشین را نمی توانید نگاه دارید با این قید می توانید بخوانید و با اشاره سجده نمائید.

س ۱۲۸: اگر سمت صاف و ساده مهر چرکی باشد بر سمت دیگر آن که تمیز است، ولی دارای عکس گنبد یا کف دست یا نوشته است می توان سجده کرد یا نه؟

ج: هو العالم؛ بلی می تواند سجده نمود، چه سمت صاف چرک باشد یا تمیز.

س ۱۲۹: وقف کم یا زیاد بر کلمه (اله) در موارد زیر به نظر مبارک شما چه حکمی دارد و نماز صحیح یا باطل است؟ الف- اَشْهَدُ اَنْ لا اله الّاالله. ب- لا اله الّا الله ج- سُبْحانَ الله و اَلْحَمْدُ و لااله الّا الله و الله اَکْبَر .

ج: هو العالم؛ در وقف زیاد چون کلام ناقص می شود و مفید معنی نیست، جایز نیست. در وقف کم چون وصل به سکون است از آن جهت اشکال پیدا می شود.

نماز آیات

س ۱۳۰: آیا خواندن نماز آیات برای پدیده نجومی عبور سیاره زهره از مقابل خورشید که در روز سه شنبه ۱۹/۳/۸۳ پس از ۱۲۲ سال اتفاق افتاد واجب است؟

ج: هو العالم؛ چنانچه سیاره زهره بین خورشید حائل شده باشد و مکلف حساً بفهمد نه به واسطه قواعد نجومی، بلی، واجب است. و در مورد قضیه واقعه در روز سه شنبه ظاهراً عرفا گرفتن خورشید صدق نمی کرد

و نماز آیات واجب نشد.

س ۱۳۱: در آمدن زلزله آیا کسی که خوابیده و نداند باید نماز آیات بخواند یا خیر؟

ج: هو العالم؛ بلی، واجب است.

احکام نماز جماعت

س ۱۳۲: در صف نماز جماعت می شود که هنوز صف اول نیت نکرده صف دوم نیت کنند یا در صف اول چند نفر نیت کرده اند و در بین اینها تا آخر صف فاصله است، اگر صف دوم نیت بکنند نیت آنها صحیح است یا نه؟ و در صف اول هم آنها که نیت کرده اند فاصله تا امام چند نفر است و دور هم می باشند. اگر نیت بکنند صحیح می باشد یا نه؟

ج: هو العالم؛ مهیا بودن برای نیت جهت اقتدا کافی است ولی مختصری صبر کنید، بعد از نیت اقتدا کنید بهتر است.

س ۱۳۳: آیا بدون اذن متولی شرعی مسجد کسی می تواند اقامه نماز جماعت کند یا نمی تواند؟

ج: هو العالم؛ در صورتی که متولی امام معینی را در حین وقف تعیین کرده است نمی تواند، ولی اگر امام تعیین نکرده است اجازه او شرط جواز اقامه نماز جماعت نیست.

س ۱۳۴: در رابطه با اتصال به جماعت در حال تشهد امام برای درک فیض جماعت، آیا این حکم در جایی که امام به سلام نماز رسیده و در حال سلام نماز است، نیز جریان دارد و ثانیاً آیا مأموم در این هنگام جهت متابعت امام تشهد و سلام را با امام بخواند؟

ج: هو العالم؛ این حکم در حال سلام جریان ندارد و اگر در حال تشهد داخل جماعت شود، چنانچه تشهد اوّل باشد باید بایستد تا امام برای رکعت سوم بایستد و اگر تشهد

آخر باشد می تواند بنشیند. البته به حال تجافی و می تواند تشهد را بخواند، البته بنابر احتیاط به قصد ذکر مطلق بخواند و پس از سلام امام برخیزد و نماز را بدون تکرار تکبیره الاحرام فرادی بخواند.

س ۱۳۵: آیا پشت سر امام جماعت صبی ممیز عادل یا معلول بالغ عادل می شود اقتدا کرد یا نه؟

ج: هو العالم؛ مأموم بالغ نمی تواند اقتدا به صبی نماید، ولی غیر بالغ می تواند و اقتداء به معلولی که نمی تواند نماز صحیح بخواند جایز نیست.

س ۱۳۶: آیا جواز و صحت نماز جماعت در نماز آیات شامل فقط خسوف و کسوف یا شامل همه موارد وجوب نماز آیات می شود؟

ج:هوالعالم؛شامل همه مواردوجوب نمازآیات می شود.

س ۱۳۷: در نماز جماعت امام سهوا بعد از تکبیره الاحرام به رکوع می رود در این مورد تکلیف مامومین چه می باشد؟

ج: هو العالم؛ نماز امام صحیح است به مقتضای حدیث لاتعاد قهرا مأمومین هم نمازشان صحیح است.

س ۱۳۸: اگر مأموم بر طبق تقلید یا اجتهاد خودش خواندن سوره را بعد از حمد واجب بداند و امام جماعت بر طبق تقلید یا اجتهادش خواندن آن را واجب نداند، آیا جایز و صحیح است که چنین مأمومی به چنین امام جماعتی در رکوع یا قبل از رکوع اقتدا کند؟ (خواه دررکعت اول خواه در رکعت دوم باشد)

ج: هو العالم؛ مانعی ندارد.

س ۱۳۹: در کتاب تحریر الوسیله مسأله آمده است: القول فی احکام الجماعه لایجب علی المأموم الطمأنینه حال قرائه الامام و ان کان الاحوط ذلک و کذا لاتجب علیه المبادره الی القیام حال قرائته، فی الرکعه الثانیه فیجوز أن یطیل سجوده و یقوم

أن قرا الامـام بعض القراه، لولم ينجر الى تأخر الفاحش، بيان فرماييـد آيا با نظر فوق موافق می باشـيد و اگر قائل به نظر دیگری می باشید آن را مرقوم نمایید.

ج: هو العالم; نظر دیگری ندارم.

س ۱۴۰: از چه راهی باید بفهمیم که امام جماعت نمازش صحیح است و او این صلاحیت را دارد؟

ج: هو العالم; اصاله الصحه راه شناختن صحت نماز امام است.

س ۱۴۱: اگر در محلی که نماز جماعت به اقامت روحانی اقامه می شود، شخصی به صورت فرادا به اقامه نماز بپردازد، نمازش چه حکمی دارد؟

ج: هو العالم; چنانچه عنوان هتك و اهانت صدق کند، جایز نیست والا اشکال ندارد.

س ۱۴۲: در نماز جماعت جهریه، اگر امام در رکعت سوم باشد و مأموم در رکعت دوم، آیا جایز است مأموم قرائت را به جهر بخواند؟

ج: هو العالم; خیر، جایز نیست. حتی بسم الله را نباید بلند بخواند.

س ۱۴۳: نمـاز خوانـدن پشت سـر امـام جمـاعتی که انسان او را نمی شـناسد چه حکمی دارد، و اگر در همین مکان نماز فرادا خواند که نماز جماعت هم برگزار است نماز او باطل می شود یا خیر؟

ج: هو العالم; ۱ شـرط اقتداء، ثبوت عدالت امام از طریقی که در شرع تعیین شده، می باشد. ۲ فرادا خواندن اگر اهانت نباشد، اشکال ندارد.

س ۱۴۴: آیا در اسـتحباب گفتن (کـذلک الله ربی» و «کـذلك الله ربنا» بعد از تمام شدن خواندن سوره در نماز جماعت فرقی بین امام و ماموم وجود دارد یا خیر؟

ج: هو العالم; فرقی بین امام و مأموم و منفرد نیست. بلی، در بعد از فراغ امام از قرائت حمد مستحب است ماموم

و منفرد بگویند: الحمدالله رب العالمین، بر امام مستحب نیست.

س ۱۴۵: در یک مکانی امام جماعت راتب است، ولی معمم نیست و کسی می آید معمم است و از لحاظ سنی بالاتر است، اینجا کدام مقدم هستند و باید نماز را بخوانند؟

ج: هو العالم؛ معمم بودن شرط نیست، امام راتب مقدم است.

س ۱۴۶: مأموم وقتی وارد بر امام می شود که امام در حال رکوع است برای این که به امام برسد، یا الله می گوید که امام متوجه بشود و صبر کند. بعضی گفته اند این کار را انجام ندهید. گفته اند موقعی که امام به رکوع است به او اقتدا کنید و چیزی نگویید. اگر این طور باشد، چه باید کرد؟ راهنمایی بفرمائید

ج: هو العالم؛ گفتن «یا الله» اشکال ندارد.

س ۱۴۷: عالم دینی که پس از چند سال مال امام خوردن و درس خواندن در دفاتر غیر مسلم برای مال دنیا کارمند شده یا تبلیغ مذاهب باطله یا حمایت از آنها بکند. مثل آغاخانی ها و یهودی ها و وهابیت و غیره و نیز در دید مردم از شبهات و حرام پرهیز نمی کند.

۱- آیا در این صورت نماز خواندن پشت سر او جایز است یا خیر؟

ج: هو العالم؛ ابداً جایز نیست.

۲- آیا عدالت آنها باقی می ماند؟

ج: هو العالم؛ باقی نمی ماند.

س ۱۴۸: اینجانب مدتی در نماز جماعت یکی از مراجع محترم تقلید شرکت می کردم، ایشان به خاطر لهجه ای که داشتند (به تشخیص خودم) بعضی کلمات را صحیح اداء نمی کردند، مثلاً در آیه شریفه: «تنزل الملائکه و الروح...» تنزل را با حرف (ض) یا (ظاء) تلفظ می کردند،

پس از آنکه متوجه این امر شدم در نماز جماعت شرکت نکردم. حال سئوال حقیر این است که: آیا آن نمازها احتیاج به اعاده و قضاء دارد یا خیر؟

ج: هو العالم; نمازهایی که با ایشان خوانده اید، صحیح است و احتیاج به اعاده و قضا ندارد.

س ۱۴۹: وقتی در مسجد نماز جماعت اقامه می شود، گروهی حین اقامه نماز جماعت، نمازشان را فرادی می خوانند که این امر موجب تفرقه و بگو مگو میان نمازگزاران و این افراد می گردد. وجه شرعی این عمل از نظر حضرتعالی چیست؟

ج: هو العالم; چنانچه امام جماعت ظاهرالصلاح باشد که به حسب ظاهر علمای آن دیار چنین هستند; نماز فرادا خواندن گروهی که عملاـ تفسیق امام باشد، جایز نیست. هم نمازشان باطل است و هم کار خلافی است، بلی، چنانچه تفسیق نباشد، اشکال ندارد.

س ۱۵۰: گفته می شود شخصی فردی را عادل می دانست و با او نماز می خواند، بعداً به گفته دیگران در عدالت یا کم سوادی فرد شک و یا یقین می کند، آیا اعاده نمازهایی که با آن امام خوانده است، لازم است یا خیر؟

ج: هو العالم; اعاده لازم نیست. همه نمازها محکوم به صحت است به علاوه کم سوادی اصلا تأثیر در بطلان نماز ندارد.

س ۱۵۱: امامت جماعت و منبر رفتن افراد غیر معمم با وجود معممین و اهل علم چه صورتی دارد؟

ج: هو العالم; شرط صحت جماعت معمم بودن نیست، پس به عنوان اولی اشکال ندارد. ولی چنانچه به عنوان ثانوی مانند آنکه درصدد باشند روحانیون حقیقی راکنار بگذارند و اهانت به روحانیت باشد و قصد دور نمودن روحانیت صحیح و واقعی،

نه روحانی ظاهر الفساد از مقام تبلیغی باشد; اشکال دارد.

س ۱۵۲: خواندن نماز جماعت به همراه اهل سنت کافی است یا باید نماز اعاده شود؟

ج: هو العالم; باید اعاده شود.

نماز قضاء

س ۱۵۳: این حقیر چند سال نماز قضاء بر ذمّه دارم و چون حوصله نمی کنم هر روز بعد از نماز ظهر و عصر روز اول قضای نماز صبح، و بعد از نماز مغرب و عشاء روز اول قضای نماز ظهر را می خوانم و روز دوم بعد از نماز ظهر و عصر قضای نماز عصر و بعد از نماز مغرب و عشاء قضای نماز مغرب را قضاء می کنم و روز سوم بعد از نماز ظهر و عصر قضای نماز عشاء را می خوانم و در آخر بعد از نماز مغرب و عشاء دوباره شروع به قضای نماز روز دوم کرده و قضای نماز صبح را می خوانم و به همین ترتیب ادامه می دهم. آیا کیفیّت مذکور صحیح می باشد یا نه؟ باید چگونه قضاء نمایم؟

ج: هو العالم; به همان نحو صحیح است، اشکال ندارد.

س ۱۵۴: در مسئله قبل گاهی اوقات در بین آن سه روزی که نماز یک روز را قضاء می کنم، جنابتی رخ می دهد و عذری شرعی پدید می آیدکه تا مدتی نمی توانم غسل کنم و نمازهای اداء را با تیمّم می خوانم ولی ادامه آن یک روز نماز قضاء را در این مدت قطع می کنم و بعد از آن که عذر برطرف شد غسل می کنم و دوباره ادامه قضای آن یک روز را از سر می گیرم و می خوانم آیا این کیفیّت صحیح است

یا نه و باید چگونه قضاء نمایم؟

ج: هو العالم; صحیح است، به همین نحو عمل کنید، هیچ محذوری ندارد.

س ۱۵۵: چنانچه شخصی نماز قضاء به گردن دارد و به مسافتی سفر می کند که از ۴ فرسخ بیش تر است و می خواهد نمازهای قضاء را بخواند، چنان چه نماز همان روز او شکسته است. آیا برای خواندن نمازهای قضاء باید شکسته بخواند یا صحیح؟

ج: هو العالم; چنانچه نماز تمام فوت شده است قضای آن را هم باید تمام بخواند ولو در سفر باشد.

نماز مستحبی

س ۱۵۶: آیا خواندن نماز غفیله بعد از نماز مغرب به قصد ورود یا رجاء مستحب و صحیح است؟

ج: هو العالم; به قصد استحباب نفسی صحیح است.

س ۱۵۷: آیا خواندن نماز غفیله بعد از نماز عشاء به قصد ورود یارجاء مستحب است؟

ج: هو العالم; وقت نماز غفیله بین صلاه المغرب و العشا است و استحباب بعد از صلاه عشاء دلیل ندارد و قضای آن هم بی دلیل است، ولی رجاءاً مانعی ندارد خوانده شود.

س ۱۵۸: آیا در نماز مستحبی برای سلام گفتن جمله(السلام علیکم و رحمه الله و برکاته) کفایت می کند؟ در نماز واجب چه طور؟

ج: هو العالم; در نماز مطلقا چه واجب و چه مستحب، گفتن السلام علیکم و رحمه الله و برکاته کفایت می کند.

س ۱۵۹: آیا در نماز مستحبی جلسه استراحت بین سجدتین واجب است و یا به مجرد جداشدن سر از مهر می توان سر را بر مهر گذاشت و به سجده دوم رفت؟ در نماز واجب چه طور؟

ج: هو العالم; جلسه استراحت اصطلاحاً جلسه بعد از سجده دوم در رکعت اول و سوم

است و به نظر ما واجب نیست.

نماز استیجاری

س ۱۶۰: کسی برای میتی اجیر می شود تا نماز بخواند آیا گفتن اذان و اقامه لازم است؟

ج: هو العالم; چنانچه در اجاره اذان شرط نشود قطعاً واجب نیست و وجوب اقامه منوط است به آنکه مرجع اجیر چه فتوایی دهد، اگر اقامه را مطلقاً واجب نداند، آن هم لازم نیست.

نماز مسافر

س ۱۶۱: به استحضار می رسانم مسافر در چهار مکان می تواند نماز را کامل بخواند، حرم سیدالشهداء(ع)، مسجد کوفه، مسجدالحرام و مسجد پیغمبر(ص). در مکان های فوق به مقدار چند متر می تواند نماز را تمام خواند؟ البته بعضی ها شهرها را ملاک می دانند، لطفاً نظر مبارک رابفرمایید.

ج: هو العالم; میزان و ملاک در مکّه و مدینه شهر است و در کوفه، مسجد; و در کربلا، حرم مطهر که بعد از رواق شروع می شود.

س ۱۶۲: اگر کسی شغلش سفر است، مانند بارکش باری و در بین راه عمل خود در محل زیارتگاه یا فامیل خود دو روز بماند، ضرر به دوام السفر بودن او می رساند یا خیر؟

ج: هو العالم; مضر نیست.

س ۱۶۳: آیا سفر در ماه مبارک رمضان برای زیارت عتبات عالیات (مانند نجف اشرف، کربلا معلی و غیره) مستحب است یا خیر؟

ج: هو العالم; بلی مستحب است و اشکال ندارد.

س ۱۶۴: معلّمی در هفته شش روز برای آموزگاری در سفر است و یک روز به وطن بر می گردد تکلیف نماز و روزه او چیست؟

ج: هو العالم; چنانچه شش روز در یک محل می ماند و بنا است به این نحو باشد، آنجا محل سکنی می باشد و حکم وطن را دارد.

س ۱۶۵: اینجانب ساکن شهرستان اهواز بوده و

خانواده نیز هم اکنون در آن جا سکونت دارند، از ابتدای سال تحصیلی جدید به طور رسمی به عنوان طلبه به قم آمده و به تحصیل علوم دینی مشغول شده ام، در این صورت مرقوم فرمائید:

تکلیف اینجانب نسبت به نماز و روزه در سفر به اهواز چگونه می باشد؟ ایضاً در صورتی که در قم کمتر از ده روز بمانم، نماز را چگونه اداء نمایم؟ ضمناً مدتی قبل از این که به طور رسمی طلبه شده و وارد قم شوم، چند ماهی جهت آشنایی با حوزه علمیه و آمادگی آزمون ورودی حوزه در قم بودم و چون قصد آمدن و ماندن در قم را داشتم در سفری که در طی این مدت به اهواز داشتم نماز را شکسته خواندم، آیا این نمازها صحیح می باشد یا خیر؟ (یادآور می شوم که اهواز محل تولدم نیست و از محل ولادت خود نیز اعراض کرده ام و به تبعیت از والدین تا به حال (حدود ۱۵ سال) در اهواز بوده ام.

ج: هو العالم; اهواز وطن اتخاذی شما است. مادامی که از آنجا اعراض نکرده اید باید نمازها را تمام بخوانید و چنانچه بدون اعراض شکسته خوانده اید، قضاء نمایید و قم چنانچه بنا دارید مدت معتنی به، مانند هفت هشت سال اقلا بمانید وطن عرفی شما است. در اینجا نیز نماز را تمام بخوانید ولو کمتر از ده روز بمانید.

س ۱۶۶: برای اینکه مکان تازه ای وطن انسان گردد آیا اسکان در آن مکان و نیت کفایت می کند یا اینکه چیز دیگری هم لازم می باشد؟ به طور مثال بنده برای تحصیل می خواهم به قم

بیـایم، آیـا همین که در آنجا ساکن شوم و نیت وطن کنم کفایت می کنـد؟ در صورتی که نمی دانم چنـد سال در آن جا می مانم؟

ج: هو العالم; معتبر است بنا داشته باشید که مدت معتنی به مثلا ده سال بمانید که عرفا بگویند در آن محل مسافر نیست.

س ۱۶۷: مسافرت مردان به عتبات عالیات یا موضع تجارت بدون رضایت همسر چگونه می باشد؟

ج: هو العالم; مسافرت مرد به عتبات و غیرعتبات بدون اجازه همسر هیچ اشکالی ندارد.

س ۱۶۸: اگر کسـی کـامیون داشـته باشـد و کـارش بـاربری بـا کامیون مـذکور باشـد، اگر چنین شخصـی برای کار دیگری با اتوبوس مسافرت نماید، حکم نماز و روزه اش چیست؟

ج: هو العالم; اگر با اتوبوس که می رود برای شـغل دیگری است، بایـد تمام بخوانـد و اگر برای کار شخصـی مانند گردش و زیارت و امثال این ها است، باید شکسته بخواند.

س ۱۶۹: دختر از خانه پدری و شـهری که زادگاهش بوده، به خانه شوهر در شهر دیگر رفته این دختر وقتی که به شهر زادگاه خویش می آید، می گوید: من از زادگاه و وطن خود اعراض نکرده ام، آیا می تواند نماز را تمام بخواند یا باید قصر بخواند؟

ج: هو العالم; چنانچه معنی اعراض را می داند، در آنجا باید نماز را تمام بخواند و هنوز حکم وطن را دارد.

س ۱۷۰: بعـد از گرفتن وضوء یعنی شسـتن صورت و دست قبـل از مسـح، دست ها را دوباره با هم به صورت می کشـند. آب دست با آب صورت مخلوط می شود، آیا می تواند مسح کند یا دوباره وضوء بگیرد؟

ج: هو العالم; نمی تواند

مسح نماید، باید دوباره وضوء بگیرد.

س ۱۷۱: عدّه ای از اهالی هشترود مدتی است که (از یک تا ۳۰ سال) برای کار کردن به شهرستان بوشهر مسافرت می کنیم در آنجا هم یک منزلی را برای اسکان اجاره کرده ایم. ولی گاهی اوقات اتفاق می افتد که ما برای کارمان به شهرستان های اطراف می رویم و این کار هم ممکن است از چند ماه تا چند سال طول بکشد، حال سؤال ما این است.

۱ که آیا نماز و روزه ما در آن شهرستان (مثلا خور موج) چگونه است (در صورتی که مثلا در این مدت یک جوری پیش آمد که کمتر از ۱۰ روز ماندیم).

۲ اینکه نمی دانیم کارمان در آن شهرستان چقدر طول می کشد یا اینکه اصلاً چقدر اجازه می دهند که در آنجا کار کنیم (مثلاً شاید بعد از مدتی دیگر اجازه کار را صاحب کار به بنده ندهد)

۳ در این موقع (یعنی زمانی که در شهرستان کار می کنم) نماز و روزه ما در خود بوشهر چگونه است در حالی که در بوشهر همان منزلی که اجاره کرده ایم باز هم در اختیار ماست. مثلا برای چند روز به عنوان مهمان و یا گردش به بوشهر می رویم.

ج: هو العالم؛ چنانچه در بوشهر مدت معتنی به مثلاً ـ ده سال می مانید و محل زندگی را در آنجا قرار داده اید، آنجا وطن اتخاذی می شود و تا مادامی که از آن شهر اعراض نکرده اید حکم وطن دارد و اما شهرهای دیگری که می روید، چنانچه کمتر از ده روز بمانید مسافر حساب می شوید.

س ۱۷۲: احتراماً آیا ولیمه

دادن بعد از سفر تا چه حدودی است؟

ج: هو العالم؛ هیچ مقدارش واجب نیست، ولی عمل خوبی است.

احکام مسجد

س ۱۷۳: مسجدی در روستای شهرجرد در حومه شهر اراک وجود دارد که به واسطه قدمت مخروبه گردیده و اهالی قصد ترمیم آن را دارند. چرا که حیوانات هم به واسطه مخروبه بودن مسجد به آن رفت و آمد می کنند. از طرفی مسجد در بافت جدید روستا در معبر و خیابان کنار آن قرار گرفته که راه عمومی را مسدود کرده است، لذا مستدعی است نسبت به تعمیر و ترمیم مسجد در جای فعلی او و تخریب و عقب نشینی مسجد از خیابان، نظر مبارک خود را بفرمایید؟

ج: هو العالم؛ تعمیر و ترمیم مسجد بسیار کار خوبی است و تخریب آن برای تعمیر جایز است، و اما عقب نشینی چنانچه بودن به همین حالت برای نزدیکی اهالی زحمت است و موجب اختلال می شود، مجازند در عقب نشینی به شرط آن که به آن مقدار که از مسجد در خیابان واقع می شود به مسجد اضافه گردد. ولی معلوم باشد که آن مقدار که در خیابان قرار می گیرد بعضی احکام مسجد را دارد که در رساله های عملیه مذکور است، مراجعه کنید.

س ۱۷۴: در برخی از مساجد صدای بلندگوها را بلند می کنند که به حدی تا چند محله دورتر صدای سخنرانی ها و عزاداری ها شنیده می شود. در صورتی که بعضی از اهالی ساکن در محل معترض و ناراضی هستند، آیا این کار صحیح می باشد. آیا در مورد نماز و ادعیه که صبح زود برپا می شود، صدای بلندگوها اشکال دارد یا

خیر؟

ج: هو العالم؛ چنانچه واقعاً موجب ناراحتی و ضرر برای مریض ها و ضعفاء شود جایز نیست والا اشکال ندارد.

س ۱۷۵: آیا شخص جنب می تواند دست یا سر خود را داخل مسجد کندیانه؟

ج: هو العالم؛ عبور در مسجد برای جنب جایز است، مکث در مسجد و دخول بدون قصد عبور جایز نیست، مجرد دست یا سر را داخل مسجد نمودن خلاف احتیاط است.

روزه

س ۱۷۶: اگر روزه دار با مسواک و خمیر دندان مسواک کند، و بعد از آن دهان را بشوید، روزه او باطل می شود؟

ج: هو العالم؛ اگر آب از حلق، پایین نرود؛ روزه اش صحیح است.

(ت) س ۱۷۷: اگر کسی در ماه رمضان مریض شد، آیا واجب است خود را مداوا کند تا روزه بگیرد ولو با قرض گرفتن یا لازم نیست؟

ج: هو العالم؛ خیر، واجب نیست، چون صحت و سلامتی شرط وجوب است.

س ۱۷۸: آیا می توان در سفر روزه قضاء به جا آورد؟

ج: هو العالم؛ خیر نمی توان.

س ۱۷۹: مساله در مورد روزه مستحبی چگونه است؟

ج: هو العالم؛ غیر از روزه در عرفات و روزه نذری هیچ روزه ای در سفر صحیح نیست.

س ۱۸۰: در ماه مبارک رمضان اگر بر اثر ملاعبه آب حرکت کند، لکن خارج نشود، آیا اگر در طول روز بول کند، روزه اشکال پیدا می کند؟

ج: هو العالم؛ روزه باطل نمی شود.

س ۱۸۱: آیا روزه برای شخصی که کم خونی دارد و باعث سرگیجه او می شود واجب است یا خیر؟ چنان چه شخصی در ماه رمضان عمداً مسافتی را طی کند تا روزه نگیرد آیا حرام است یا خیر؟

ج: هو العالم؛ ۱ سرگیجه

موقت موجب سقوط وجوب روزه نمی شود. ۲ و طی کردن مسافت برای خوردن روزه اشکال ندارد.

س ۱۸۲: کشیدن فضولات از سر به سوی حلق در هنگام روزه و در همان حال بلعیدن آن چه حکمی دارد؟

ج: هو العالم; اشکال ندارد و مفطر نیست.

س ۱۸۳: اگر کافر قبل از زوال مسلمان شود، واجب است بقیه روز را امساک کند؟

ج: هو العالم; صوم او صحیح نیست. مقتضای احتیاط امساک است تأدباً.

س ۱۸۴: آیا ایمان شرط در صحت روزه می باشد یا نه؟

ج: هو العالم; بلی شرط است ولو در حاشیه عروه نوشته ام معلوم نیست.

س ۱۸۵: اگر روزه دار اخبار دروغ از خبر پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله) کرده بود آیا روزه او باطل می شود با این که او قصد صدق اخبار از این خبر را داشته است؟

ج: هو العالم; روزه او صحیح است.

س ۱۸۶: آیا در قضاء ماه رمضان ترتیب در روزه ها لازم است یا نه؟

ج: هو العالم; لازم نیست، ولی تعیین لازم است.

س ۱۸۷: با توجه به این که اعمال و رفتار ائمه اطهار(علیهم السلام) برای ما حجت است و باید آن را برای خود الگو قرار دهیم. سؤال این است که کیفیت و نحوه برگزاری مجلس جشن و عروسی حضرت امیرالمؤمنین(علیه السلام) و حضرت فاطمه زهرا(علیها السلام)ازنظر شادی و سرور چگونه بوده است؟

ج: هو العالم; ما ممکن نیست در جمیع امور بتوانیم مانند آنان عمل کنیم. آن چه بر ما لازم است این است که عملی را که به عنوان واجب انجام می دادند، باید متابعت کنیم و اگر به عنوان حرام ترک می کردند باید ترک کنیم. اموری که

به آنها اشاره شد، از این قبیل امور نیست.

س ۱۸۸: شخصـی در شب اول شوال عـده ای را در مسـجد یا حسـینیه دعوت کرده افطاری می دهد، آیا فطریه آنها بر او لازم است؟

ج: هو العالم؛ چنان چه نزدیک غروب آن جا باشند، واجب است والّا واجب نیست.

س ۱۸۹: در هنگـام جـارو کردن و گرد گیری که گرد و غبـار غلیـظ به چشم نمی خورد، اما پس از پایان کار هنگام انـداختن اخلاط ذرات خاکی در اخلاط دیده می شود، آیا برای روزه ایجاد مشکل نمی کند؟

ج: هو العالم؛ خیر مشـکلی ایجاد نمی شود. حتی غبار غلیظ هم اگر بـدون اختیار به حلق برسـد، در صورت امکان بیرون بریزد والا روزه صحیح است.

س ۱۹۰: ۲ سـال است که مرسـوم شـده اذانی که از رادیوی قم پخش می شود دو دقیقه از اذان تهران دیرتر گفته می شود،آیا باز کردن روزه و افطار کردن با همان ساعت و اذان تهران کفایت می کند، یا باید صبر کنیم تا رادیوی اذان قم بگوید؟

ج: هو العـالم؛ میزان اطمینـان انسـان به طلوع فجر و مغرب است البته اذان رادیو کـاشف است، ولی بهتر است بیش از دو دقیقه در طرفین ملاحظه شود.

س ۱۹۱: آیا موقع الله اکبر گفتن اول اذان می توان افطار کرد یا باید صبر کرد تا اذان تمام شود؟

ج: هو العالم؛ صبر کردن تا وقتی اطمینان پیدا شود لازم است.

س ۱۹۲: آیا از نظر شرع مقدس اسلام مردم می توانند فطریه ماه مبارک رمضان را به بیماران نیازمند اختصاص دهند؟

ج: هو العالم؛ بلی می توانند.

س ۱۹۳: شخصی قضای روزه ماه مبارک رمضان را می گیرد و

قبل از اذان ظهر از عمـد لب هایش را با زبان مرطوب می کنـد و شوری لب را حس می کند. در این لحظه با یکی از دوسـتان مواجه می شود و چون می خواهـد بی احترامی نشود آب دهـان را عمـداً می بلعـد. آیـا روزه باطـل است، لطفـاً نظر مبارک را بفرمایید؟

ج: هو العالم؛ چنانچه آب دهان که به لب رسـیده با شوری توأم شـده و بلعیـده، روزه باطل می شود و اگر می دانـد نبلعیـده و آنچه بلعیده آب داخل دهان است یا شک دارد و یا شوری مستهلک شده در آب دهان، روزه صحیح است.

س ۱۹۴: آیا اعلام عید فطر مخصوص حاکم شـرع (ولی فقیه جامع الشـرایط) است یا مراجع تقلید نیز می توانند اعلام عید فطر کنند؟

ج: هو العالم؛ هر مجتهـدی می تواند اعلام کند و در صورتی که یک مجتهد عادل حکم نمود برای همه حتی مجتهدین دیگر واجب است، تبعیت کنند.

س ۱۹۵: به نظر مبارک شما علامت یا علامت های هلال شب اول ماه قمری چه می باشد؟

ج: هو العالم؛ رؤیت هلال و شهادت دو نفر ثقه، و گذشتن سی روز تمام از ماه قبل و بعضی امور دیگر.

س ۱۹۶: اگر برای بعضـی از مراجع تقلیـد اول شوال ثـابت شود و عیـد فطر را اعلام نماینـد ولی حـاکم شـرع (مجتهـد جـامع الشرایط) اول ماه را اعلام نکند، وظیفه مقلد چیست؟

ج: هو العـالم؛ مسأله ثبوت هلال نه ربطی به مرجع دارد و نه مجتهـد؛ بلکه موضوع خارجی است. اماراتی در شـرع برای ثبوت آن قرار داده شده است. بلی! چنانچه مجتهد جامع الشرایط حکم کند به ثبوت ماه و این

که فردا عید است، تمام افراد حتی مجتهدین دیگر باید اطاعت کنند.

س ۱۹۷: به نظر مبارک شما شبی که در آن ماه به صورت قرص کامل است (شب چهاردهم) دلیل و ملاک شرعی برای ثابت شدن اول ماه قمری می باشد تا از این راه وضعیت یوم الشک معلوم شود؟

ج: هو العالم؛ بلی روایت معتبر دلالت بر آن می کند و ما هم فتوا به آن داده ایم.

س ۱۹۸: کلام فقهاء در باب کسی که مشمول حد شرب خمر شود (و یدرأ عنه الحد ان ادّعی انه شرب لأیجاد الرمق) اگر ادعا کند خمر را برای ایجاد رمق و نجات از ضعف بسیار نوشیده، حد از او برداشته می شود؛ آیا مفهومش جواز خمر برای مداوا است یا فقط دفع حد را می رساند؟

ج: هو العالم؛ برداشتن حد متوقف است بر این که احتمال داده شود شرب خمر به توّهم جواز آن بوده ولو در واقع حرام باشد.

س ۱۹۹: اگر کسی فراموش کرد که روزه است و غذا خورد بعد از آن قطع پیدا کرد که روزه او فاسد شده و افطار عمدی کرده آیا روزه او باطل می شود یا نه؟

ج: هو العالم؛ بلی، باطل می شود.

س ۲۰۰: اگر روزه دار به خاطر تقیه ازظالم افطارکردآیاروزه اوباطل می شود؟

ج: هو العالم؛ بلی، باطل می شود.

س ۲۰۱: اگر شخص روزه داری در روز حجامت کند با این که می داند موجب ضعف شدید می شود جایز است یا نه؟ در صورتی که طبیب لازم می داند که حجامت در روز باشد.

ج: هو العالم؛ کراهت دارد مگر در مورد تلف نفس ولی حرمت معلوم نیست.

س ۲۰۲:

اگر روزه دار مضطر شد به دروغ بر خدا و رسول(صلی الله علیه وآله) در مقام تقیه از ظالم، آیا روزه باطل است؟

ج: هو العالم; روزه باطل نمی شود.

س ۲۰۳: اگر روزه دار بعد از بلند شدن از خواب دید رطوبتی بر لباس او هست، برای اینکه بداند منی است یا بول مقداری آلت خود فشار داد و منی درآمد و معلوم شد که جُنُب شده، آیا روزه باطل می شود؟

ج: هو العالم; باطل نمی شود.

س ۲۰۴: اگر شخصی عمداً روزه بخورد، برای قضای آن چه عملی را باید انجام دهد تا کفاره آن باشد؟

ج: هو العالم; غیر از یک روزه قضاء مخیر است بین شصت روز روزه متوالی به عنوان کفاره یا اطعام شصت مسکین (یا آزاد کردن یک بنده)

اعتکاف

س ۲۰۵: اعتکاف کردن در غیر مساجد جامع رجاءاً چه حکمی دارد؟ اعتکاف در مسجدی که جامع بودنش مشکوک است به صورت رجاء چه صورتی است؟

ج: هو العالم; در هر دو مورد رجاءاً مانعی ندارد. در صورت دوم اگر حالت سابقه جامع بودن باشد، استصحاب بقای جامعیت هم جاری است.

رؤیت هلال

س ۲۰۶: اگر مردم شیعه افغانستان مطابق شیاع افق آنجا تشخیص اثبات هلال ماه شوال نمایند و افطار نمایند، آیا افطار جایز است یا باید تابع ایران باشند؟

ج: هو العالم; چنانچه در افغانستان شرعاً هلال ثابت شده باشد، تابع ایران بودن معنی ندارد، بلکه ایران باید تابع شود.

س ۲۰۷: آیا رؤیت هلال و اثبات اول ماه الزاما باید با چشم غیر مسلح صورت بپذیرد یا اینکه رؤیت با چشم مسلح (استفاده از دوربین دو چشمی و تلسکوپ) کافی است؟

(توضیح: قدرت دید تلسکوپها، دهها برابر

قویتر از دوربین های دو چشمی است).

ج: هو العـالم; بر حسب ظاهر ادله میزان، رسـیدن ماه به محلی است که با چشم غیر مسـلح امکان دیـدن آن باشـد ولو در یک محل از کره زمین.

س ۲۰۸: در صورتی که رؤیت بـا دوربین را هم قابـل پـذیرش می دانیـد، آیاملاـک رؤیت بـا دوربین متعارفی (ماننـد دوربین ۷×۵۰) است که می تواند در اختیار همه مردم قرار بگیرد یا اینکه اگر هلال با دروبین های دو چشـمی غیر متعارف فوق العاده قوی (مانند دوربین ۱۵۰×۴۰) هم رؤیت شد، هلال ثابت می شود؟

ج: هو العالم; دیدن با دوربین قابل پذیرش نیست، فضلا از دیدن با دوربین ۱۵۰×۴۰ .

س ۲۰۹: وضـعیت رؤیت هلاـل در برخی از ماهها به تعبیر متخصصـین (حالت بحران) است، در این حالت اگر هلال با دوربین های دو چشمی قوی یا تلسکوب رؤیت نشد آیا می توان سخن مدعیان رؤیت (شهادت شهود) را پذیرفت یا خیر؟

ج: هو العالم; اگر بینه (شهادت شهود) قائم بر رؤیت شد، حالت بحرانی مشارالیه مانع از پذیرفتن نمی شود.

س ۲۱۰: در برخی از ماه ها، متخصصـین رؤیت هلال به اتفاق بر این عقیـده هسـتند که هلال ماه اصـلا قابل رؤیت نیست و در عین حال عده ای به رؤیت هلال شهادت می دهند، نظر حضرتعالی در هنگام تعارض شهود با نظر متخصصین چیست؟

ج: هو العالم; چنانچه شهود مورد اتهام نباشند و شهود عادل باشند، نظر متخصصین مانع پذیرفتن نمی شود.

س ۲۱۱: در صورت عدم اقامه شـهود بر رؤیت هلال به دلیل ابری بودن آسـمان یا عوامل دیگر، اگر متخصصـین رؤیت هلال، نظر قطعی به قابل رؤیت بودن آن

دادند، حکم مسئله چگونه می شود؟

ج: هو العالم؛ چنانچه متخصصین ماهر در این فن باشند و موثق باشند از مصادیق رجوع به اهل خبره است که بنای عقلاء بر آن است.

س ۲۱۲: اگر در چند رصدخانه در مناطق مختلف ایران هلال ماه را با تلسکوپ ببینند و در این رصد خانه ها دوربینهای فیلم برداری تلویزیونی پشت تلسکوپ ها قرار بگیرند و به طور مستقیم (پخش زنده) تصویر هلال را از طریق تلویزیون به مردم نشان بدهند، به گونه ای که مردم اطمینان پیدا کنند تصاویر پخش شده واقعی است و ساختگی نیست، حکم اثبات اول ماه را در این صورت بیان بفرمایید؟

ج: هو العالم؛ ثابت نمی شود.

س ۲۱۳: رؤیت پذیری هلال در آفاق با تغییر در طول و عرض جغرافیایی تغییر پیدا می کند و این خود دو حالت دارد:

الف گاهی هلال در شهری همچون مدینه منوره که نسبت به تهران در عرض جنوبی تری واقع شده، دیده می شود اما در تهران دیده نمی شود. در این گونه موارد آیا ماه جدید برای ساکنان تهران آغاز می شود یا خیر؟ همچنین صورت عکس آن چگونه خواهد بود؟

ج: هو العالم؛ من به وحدت افق قائلم و لذا در یک جا که ماه دیده بشود برای سایر بلاد هم به ثبوت هلال قائلم.

س ۲۱۴: برخی اوقات هلال در شهری مانند مشهد مقدس که نسبت به شهر دمشق در طول جغرافیایی شرقی تری واقع شده، دیده می شود ولی در دمشق نمی شود. در چنین صورتی آیا اول ماه برای اهل دمشق ثابت می گردد یا خیر؟ همچنین حکم مسئله در فرض عکس آن چگونه

است؟

ج: هو العالم; از جواب مساله قبل حکم این مساله و مساله لاحقه معلوم می شود.

س ۲۱۵: گاهی اوقات به دلیل وسعت جغرافیایی بعضی از کشورهای جهان، احتمال دیده شدن هلال در برخی از مناطق این گونه کشورها وجود دارد اما در سایر نقاط آن، هلال قابل رؤیت نیست. حکم آغاز ماه در کشورهای اینچنینی چگونه است؟

ج: هو العالم; در یکجا دیده شود هلال برای بقیه جاها کافی است.

س ۲۱۶: آیا تبرّع کفاره از حی جایز است یا نه؟

ج: هو العالم; در خصوص صوم جایز نیست، ولی در غیر صوم جائز است.

س ۲۱۷: اگر چند روز از ماه رمضان عمداً روزه نگرفت و تا ماه رمضان بعدی قضاء نکرد آیا کفاره جمع باید بدهد؟

ج: هو العالم; خیر، لازم نیست.

خمس

س ۲۱۸: در افغانستان فعلی با وجود نیاز شدید مدارس علمیه و طلاب مستحق از سهم مبارک امام (ع) می توان برای بازسازی امام زاده، مسجد و حسینیه، مهدیه استفاده کرد یا خیر؟

ج: هو العالم; در اولویت صرف در طلاب مستحق شکی نیست ولی مصرف در حسینیه هم اشکال شرعی ندارد.

س ۲۱۹: کسیکه حق مصالحه در مشکوکات از طرف مجتهد را دارد. گذشته مشکوک افراد را از جهت خمس.... به دل بخواهی خود می تواند مصالحه نماید یا معیار همان میزان قدرت و عدم قدرت طرف می باشد.

ج: هو العالم; میزان قدرت طرف است.

س ۲۲۰: آیا مردم می توانند مالیاتی که به دولت پرداخت می نمایند، بابت خمس آل محمد (ص) حساب نمایند یا نه؟

ج: هو العالم; خیر، نمی توانند.

س ۲۲۱: آیا بر هدیه خمس تعلق می گیرد؟

ج: هو العالم; خمس به هدیه مانند

بقیه فائده ها و ارباح کسب به شرط زیادی آن بر مؤنه سال تعلق می گیرد.

س ۲۲۲: آیا هبه و جهیزیه خمس دارد یا نه؟

ج: هو العالم; جهیزیه خیر ولی هدیه مانند فوائد دیگر است و خمس دارد.

س ۲۲۳: اگر کسی اصل سرمایه اش که به صورت پول نقد است در اختیار دیگری است فقط سودهای حاصله به دستش برسد، برای تخمیس اصل سرمایه باید چه کاری انجام دهد؟

ج: هو العالم; باید اصل سرمایه را تخمیس کند، لازم نیست از عین آن پول، خمس بدهد، از اموال دیگر هم می تواند بپردازد.

س ۲۲۴: اگر کسی مطابق فتوای تبعیض عمل کند، وجوهات خمس را به کدام یک از مراجع باید پرداخت نماید و فردی که توان پرداخت خمس را ندارد و دستگردان می کند، آیا دستگردان نمودن با چک مدّت دار یا چکی که وعده آن رسیده صحیح است یا خیر؟

ج: هو العالم; ۱ به هر کدام بدهید کافی است. ۲ و دستگردان با چک مدت دار جایز نیست.

س ۲۲۵: آیا جهیزیه ای که برای دختران تهیه می گردد و کنار گذاشته می شود متعلق خمس است یا خیر؟

ج: هو العالم; چنانچه قدرت تهیه جهیزیه در یک سال را ندارد و باید به تدریج تهیه کند، خمس واجب نیست.

س ۲۲۶: اگر مرد از مال خمس نداده، منزل بخرد، آیا تصرفات او و نماز در خانه، باطل و حرام است یا نه، و در صورت اول زن و بچه های او، با رضایت و یا عدم رضایت به کار او، چه حکمی دارند؟

ج: هو العالم; چون معمولا خرید به عین مال غیر مخمس نیست، بلکه به

ذمه است، اشکال ندارد.

س ۲۲۷: با توجه به اینکه در منابع فقهی ما در کتاب لمعه در ارتباط با مسئله خمس و حتی مصرف آن برای الفت و مهربانی بین مسلمانان و صاحبان کتاب جایز و روا دانسته شده است یا مرحوم آیت الله حاج سید احمد خوانساری «رضوان الله تعالی علیه» علی القاعده می فرمودند به فامیل فقیر و آشنایان ناتوان که نماز خوان باشند، بدهید. آیا جناب عالی اجازه می فرمایید از سهم مبارک امام(علیه السلام) یا سهم سادات به بستگان، اطرافیان و ضعفای آبرومند و متدین متشرع تقدیم نمود؟ منظور یک سوم نیست، بلکه آنچه تمییز و تشخیص می دهیم؟

ج: هو العالم؛ زکات را می توان به مؤلفه قلوبهم پرداخت، ولی خمس را خیر. در خمس هم نسبت به سهم سادات که نصف خمس است به بستگان و اطرافیان مستحق در صورتی که از سادات باشند می توان پرداخت نمود و اگر از سادات نباشند، نمی شود پرداخت کرد. اما باید مصرف سهم مبارک امام ارواحنا فداه تحت نظر مجتهد جامع الشرائط قرار داده شود.

س ۲۲۸: الف) کسی مقداری پول به کسی داده تا ازدواج کند ولی به واسطه مشکلات ازدواج نکرد قبل از سال خمسی او (مثلا ۴ ماه یا کمتر) مانده می تواند این پول را به شخص دیگری به عنوان قرض بدهد و بعد از سال خمسی (چند ماه بگذرد) قرض را برگرداند یا نه؟ ب) و همچنین آیا خمس به آن مقدار پولی که نتوانسته با آن ازدواج کند تعلق می گیرد یا نه؟

ج: هو العالم؛ به تمام اموالش خمس تعلق می گیرد ولو قرض بدهد.

س ۲۲۹: اگرسهم

مبارک امام درافغانستان مصرف شود،کجابایدمصرف نمود؟

۱- مدرسه علمیه ۲- مسجد ۳- حسینیه ۴- امام زاده

ج: هو العالم؛ اول در مدرسه، بعد اگر متبرعی نباشد یا زکات کافی نباشد در مسجد بعد حسینیه.

س ۲۳۰: کسی که وام بدهکاری دارد وسال خمسیش رسیدهومبلغی نقداضافه از قسط وامی دارد، این خمس دارد یا خیر چنین برسالش گذشته است؟

ج: هو العالم؛ مقداری که مدیون است خمس ندارد.

س ۲۳۱: چون قسط پرداخت وامی که سالی گذشته است می خواهد به مصرف مخارجاتش برسانند آیا خمس دارد یا خیر؟

ج: هو العالم؛ بلی، خمس دارد.

س ۲۳۲: با توجه به عدم پرداخت خمس در مبالغی بعد از گذشت سال خمسی در مبالغی به دلیل نیاز مصرف شخصی تصرف نموده ایم آیا جایز بوده است و آیا فعلا تا حساب سال خمسی اجازه می فرمایید تصرف نماییم؟

ج: هو العالم؛ تصرفاتتان نافذ و جایز بوده است و بعداً نیز در تصرفات مجازید مادامی که بنا بر دادن خمس دارید.

س ۲۳۳: با توجه به اینکه مبالغ حساب در بانک جهت خرید وسایل و امکانات زندگی می باشد و با پرداخت خمس آنها ممکن است نتوانم وسایل و امکانات زندگی را تهیه نمایم، از لحاظ وظیفه خمس حکم آن چیست؟

ج: هو العالم؛ دستگردان بنمایید به تدریج بپردازید.

س ۲۳۴: با توجه به تصرف در مبالغی بعد از گذشت سال خمسی پرداخت حساب سال خمسی جدید چگونه تعیین می شود؟ (با توجه به عدم اطلاع دقیق)

ج: هو العالم؛ بعد از مراجعه به بانک بدهی تان معلوم می شود. در صورتی که معلوم نشود، حداقلی که متیقن است بپردازید مازاد را دستگردان نموده، در صورت احتیاجتان، اجازه تصرف می دهم.

س ۲۳۵: سال خمسی

را مدت ۲ سال است تعیین نموده، ولی پرداخت نکرده ایم. مقداری مبلغ در حساب بانکی آخر سال اول موجود بوده که خمس آن پرداخت نشده و آخر سال دوم نیز همین طور که خمس آن نیز پرداخت نشده و مبالغی در وسط هر ۲ سال به دوستان قرض داده ایم.

الف) با توجه به ندانستن از مبلغ یقینی موجودی در اواخر ۲ سال، خمس آن چگونه تعیین می شود؟ متاسفانه ته برگ دفترچه نیز موجود نمی باشد که از طریق آن مطلع شوم. آیا با مراجعه به بانک و سؤال از متصدی کامپیوتری می توان از حساب آخر سال مطلع شد و این حجت شرعی است؟

ج: هو العالم؛ باید رجوع به بانک بنمایید و قول آنها هم حجت است، چون امین می باشند.

س ۲۳۶: آیا با پس گرفتن بدهی ها، خمس آنها باید پرداخت گردد؟

ج: هو العالم؛ خمس همه آنها باید پرداخت شود.

س ۲۳۷: اگر کسی دسترسی به مجتهد یا وکیل او ندارد، آیا می تواند تصرف در سهم امام(ع) کند به موارد خیرات و آنچه به نظر او می رسد مانند ساختن مسجد یا حسینیه یا تعظیم شعائر اسلام و غیره یا نه؟

ج: هو العالم؛ خیر، نمی تواند.

س ۲۳۸: خمس دادن برای اشخاصی که صاحب مسکن و مغازه و سرمایه لایق به شأن نیستند و یا با قناعت جمع کرده اند و خود محتاج آن هستند، چگونه می باشد؟

ج: هو العالم؛ مغازه و سرمایه مطلقا خمس آن باید داده شود، مگر آنکه اگر خمس آن را بدهند لازمه اش معطل ماندن در زندگی باشد.

س ۲۳۹: آیا در دادن سهم امام، اجازه مرجع تقلید

لازم می باشد یا خیر؟

ج: هو العالم; در دادن سهم امام(ع) اجازه مجتهد کافی است و اجازه مرجع تقلید لازم نیست.

س ۲۴۰: افراد زیادی هستند که حساب سال نداشتند و جهت عزاداری کمک می کنند، چه حکمی دارد؟ و بافرض مسئله و مخلوط شدن پول ها آیا استفاده از چای و شام و نهار در مجالس برای دیگران اشکالی ندارد؟

ج: هو العالم; ندادن وجوهات خلاف است، ولی استفاده کردن دیگران از چای و غیره اشکال ندارد.

س ۲۴۱: اگر ملکی به زید از پدر و به پدرش از جد ارث رسیده باشد و زید نمی داند خمس ملک مذکور را داده اند یا نه، وقتی ملک را فروخت تکلیف زید چیست؟

ج: هو العالم; خمس واجب نیست.

س ۲۴۲: شخص کارمندی جهت خرید منزل مسکونی مورد نیاز ناچاراً به طور ماهانه مبلغی از حقوق خود را کنار می گذارد. با توجه به نرخ تورمی حدود ۲۰ درصد) که در جامعه وجود دارد و با فرض تعلق خمس عملا ۱۰۰ هزار تومان این سال حدوداً برابر ۶۰ هزار تومان سال آینده می شود. لذا خواهشمند است نظر مبارک را در مورد تعلق خمس بفرمایید. و نیز اگر پس انداز وی جهت خرید خانه مکفی نباشد و ایشان (مثلا به صورت مضاربه) این پول را به کار بیاندازد و سود آن را هم مختص خرید خانه به کار بزند، مسئله چگونه خواهد بود؟

ج: هو العالم اگر در مقابل; پولی که برای خانه کنار می گذارد مدیون نباشد، مادامی که خانه نخریده خمس تعلق می گیرد و همچنین اگر به عنوان مضاربه بدهد، هم به پول و هم به

سود آن خمس تعلق می گیرد.

س ۲۴۳: مقداری وام گرفته ام که در طول چهار سال بپردازم، آیا به این پول خمس تعلق می گیرد؟

ج: هو العالم؛ خیر، تعلق نمی گیرد.

س ۲۴۴: فردی از طریق پس اندازهای شخصی و قرض، ابتدا موتوری جهت استفاده و سپس با فروش طلاهای همسر، به جای موتور ماشینی برای استفاده، خریده حال اگر ماشین را جهت پیش خرید یک واحد منزل مسکونی بفروشد (در حالی که خود در منزل اجاره ای ساکن است) آیا آن پول به دست آمده که اکنون به صورت سرمایه است متعلق خمس است یا خیر؟ و اگر چندین بار با خرید و فروش منازل به غیر قصد سودی به دست آورد بر این سودها چطور؟

ج: هو العالم؛ معادل دیونی که به همسرش مدیون است، خمس ندارد و در مازاد باید خمس دهد.

زکات

س ۲۴۵: اگر کسی زکات را کنار گذاشت و بعداً به مستحق داد. بعد آشکار شد که خلاف بوده و آن شخص فقیر نبوده است آیا ضمان دارد؟

ج: هو العالم؛ کنار گذاشتن در حکمی که سؤال نمودید تأثیر ندارد و در مورد سؤال ضمان دارد.

س ۲۴۶: آیا تصرف در مالی که متعلق زکات واقع شده و هنوز زکاتش پرداخت نشده، جایز است و آیا به گندم که بعد از فروش تمام پول آن صرف پرداخت قرض می گردد و از زمین خود شخص هم نبوده زکات تعلق می گیرد.

ج: هو العالم؛ ۱ تصرف در مالی که زکات به آن تعلق گرفته جائز است قبل از اداء زکات و زکات منتقل بذمه می شود. ۲ به مالی که پولش پرداخت قرض می گردد زکات

تعلق می گیرد و با پرداخت قرض منتقل بذمه می گردد.

س ۲۴۷: چند نفر در کشاورزی با هم شریک هستند، نحوه پرداخت زکات آنها در امر کشاورزی چگونه می باشد؟ آیا با به دست آوردن محصول باید زکات آن را قبل از تقسیم بدهند یا اینکه هر کس خود باید زکات خویش را بپردازد؟

ج: هو العالم؛ هر کدام موظفند که سهم خود را بپردازند.

س ۲۴۸: زکات پدر به فرزند فقیر داده می شود؟

ج: هو العالم؛ فرزند فقیر واجب النفقه پدر غنی است. پدر به او نمی تواند زکات بدهد.

حج

س ۲۴۹: آیا تحقق احرام حج فقط به تلبیه است یا با لباس احرام و تلبیه می باشد؟

ج: هو العالم؛ احرام حج و عمره منعقد نمی شود مگر به تلبیه و مادامی که تلبیه نگفته، محرمات حرام نمی شود ولو لباس احرام پوشیده باشد.

س ۲۵۰: آیا خواندن نماز طواف واجب خانه کعبه به جماعت به قصد ورود یا رجاء جایز و صحیح است؟

ج: هو العالم؛ به نظر ما جماعت در نماز طواف مشروع نیست.

س ۲۵۱: شخصی اعلام داشته که جهت حج تمتع تعدادی را با مبلغی به مکّه معظمه می برد. فردی برای رضای خدا تعدادی از دوستان و آشنایان را برای تشرّف از این امر آگاه می سازد و آنها هم اعلام آمادگی نموده و مبلغی را به واسطه می دهند و واسطه هم با تحقیق و شناخت و مدرک به مدعی می پردازد. بعد معلوم می شود آن فرد کلاهبرداری کرده است و واسطه هم مبلغی را به کلاهبردار داده که به مکّه برود و مال او هم با مال دیگران از بین

رفته، حال صاحبان پول از واسطه وجه خود را طلب می کنند. آیا واسطه به این اشخاص مدیون است یا خیر؟

ج: هو العالم؛ چنانچه واسطه فقط ارایه طریق نموده و خود طرف قرارداد نبوده و ضمانت هم ننموده که به حسب ظاهر این گونه بوده است، واسطه ضامن نیست.

س ۲۵۲: اگر محرم روی لباس احرام، لباس مخیط بیندازد از گرما یا سرما محفوظ باشد کفاره دارد؟

ج: هو العالم؛ در غیر صورت اضطرار جائز نیست و در صورت اضطرار معلوم نیست کفاره واجب باشد، ولی احتیاط حسن است، چون جمعی از فقها فتوی به وجوب داده اند.

س ۲۵۳: اگر زن مستطیع باشد و بخواهد به حج برود، زوج او می گوید من با این قافله مطمئن نیستم و قافله دیگر هم نیست، آیا زن اطاعت از زوج کند یا به حج برود یا سال دیگر برود؟

ج: هوالعالم؛ اطاعت شوهر دراین موردلازم نیست.

س ۲۵۴: آیا زن یا خنثی را می توان برای حج صروره از طرف مرد نائب قرار داد یا نه؟

ج: هو العالم؛ بلی جائز است و کراهت هم ندارد.

س ۲۵۵: پس از اتمام اعمال و خروج از احرام در عمره مفرده آیا می توان مجدداً محرم شد یا خیر، مرقوم فرمایید؟

ج: هو العالم؛ می تواند و مانعی ندارد.

س ۲۵۶: اگر می داند که اگر قرض کند و به حج برود می تواند بعداً ادای آن را بکند آیا حج بر او واجب است؟

ج: هو العالم؛ خیر واجب نیست.

س ۲۵۷: اگر کسی به مقدار استطاعت، مالی داشت لکن جاهل یا غافل، از وجوب حج بود و بعد از تلف شدن مال متوجه شد، آیا حج بر

او مستقر شده است.

ج: هو العالم; خیر واجب الحج نیست.

س ۲۵۸: اگر معتقد بود مستطیع نبوده و به حج مستحبی رفت، و قصد امتثال امر کرد و حج را انجام داد. آیا بعد از آن که کشف خلاف شد که مستطیع بوده کفایت از حج واجب می کند؟

ج: هو العالم; بلی کفایت می کند چون خطاء در تطبیق است یعنی قصد امتثال امر موجود نبوده - و اشتباهاً خیال کرده موجود امر استحبابی است در حالی که وجوبی بوده است.

س ۲۵۹: شخصی تاجر با احرام وارد مکه می شود ولی قصد عمره یاحج ندارد و فقط قصد تجارت دارد بیرون آمدن او از احرام به چه وجه می باشد؟

ج: هو العالم; دخول مکه برای غیر هیزم کش و علاف و امثال اینها بدون احرام برای حج یا عمره مفرده جائز نیست، بنابراین باید با اتمام عمل عمره مفرده از احرام خارج شود.

س ۲۶۰: اگر کسی نایب از ده نفر بشود برای ذبح هدی در منی، ده گوسفند را می کشد ولی یادش می رود که نام یکی را ببرد، آیا کفایت از او می کند با اینکه در نیت از اول بوده؟

ج: هو العالم; چون اجمالا در ذهن او باقی است نیت اول کفایت می کند.

س ۲۶۱: اگر علم اجمالی بود به این که زن یا شوهر او طواف نساء را انجام نداده اند، چه باید کرد؟

ج: هو العالم; چنانچه در جائی است که قاعده فراغ نسبت به هر دو جاری است، هیچ کدام تکلیف خاصی ندارند و این علم اجمالی اثرش فقط نسبت به زن است که علم تفصیلی پیدا کند که تمکین از

جماع با آن مرد جایز نیست، چون یا برخودش حرام است یا شوهرش بنابراین نباید تمکین کند.

س ۲۶۲: پدر من فوت کرده و چون ایشان به سفر و زیارت حج و عتبات نرفته بودند، این حقیر که فرزند اصغر هستم در پی به جا آوردن این مناسک می باشم و تاکنون توانسته ام به کربلا (عراق) رفته و حال عندالاستطاعت به قصد رفتن به حج عمره را با توکل به خدا دارم. حال سؤال این است که با توجه به این که خود، این کار را می خواهم بکنم، آیا می توانم به جای پدر این کار را کرده و شرایط آن چیست و آیا می توان به جای پدر و خود مشترکاً عمل کرد؟

ج: هو العالم؛ نیابت از پدر شرایط خاصی ندارد نیابت از او را، قصد کند البته در حجِ واجب نمی توان مشترک عمل نمود ولی در مستحب اشکال ندارد.

س ۲۶۳: آیا کسی که عمره می رود، می توان او را حاجی خطاب کرد؟

ج: هو العالم؛ خیر، به او نمی شود حاجی گفت.

س ۲۶۴: آیا حج عمره اعمال خاصی دارد و چگونه باید بر آنها واقف شد؟

ج: هو العالم؛ اعمال و طریقه انجام حج عمره در مناسک حج شرح داده شده است.

س ۲۶۵: اگر شخصی مدیون دین خود را قبل از تمام شدن مدت بدهد، و دائن مال را نگیرد، آیا حج بر او مستقر می شود یا نه؟

ج: هو العالم؛ بلی چون متمکن است از این که پولش را بگیرد و مکه رود.

احکام قضا

س ۲۶۶: قضاوت قضات شیعه که از جانب حکومت کابل منصوب می شوندچگونه است؟

ج: هو العالم؛

در صورتی که واجد شرایط باشند، اشکال ندارد.

س ۲۶۷: جهت تحقیقات علمی به پاسخ حضرتعالی به موارد مطروحه ذیل نیاز مبرم دارم، لذا از حضرت عالی استدعا می شود به عقاید ابن عربی در موارد ذیل پاسخ بفرمایید.

الف آیا ملاک در صدور حکم به مجازات در جزییات اسلام علم و اقناع وجدانی قاضی است یا نه؟ بر فرض نخست اگر از بینه، اقرار، و قسامه به علم نرسد می تواند متهم را با توجه به اصل برائت تبرئه کند یا باید مطابق مدلول آنها حکم صادر نماید.

ج: هو العالم; ملاک در صدور حکم علم قاضی نیست، بلی، یکی از اموری که قاضی می تواند حکم کند علم او است والا بینه و اقرار مقدّم بر امور دیگر است.

ب: با توجه به پیشرفت علوم و تکنولوژی در راستای اثبات جرم راه های علمی جدیدی نظیر آزمایش خون، منی، مو و... و کارشناسی در موارد فنی مثل تشخیص جعلیت اسناد مالی... ایجاد شده است آیا ادله علمی ایجاد شده در محاکمات کیفری در جهت محکوم کردن متهم حجیت دارد یا نه؟

ج: هو العالم; در صورتی که علم پیدا نشود، خیر حجیت ندارد.

ج: و در فرض نخست آیا ما بین جرایم مستوجب حدود، قصاص و دیات، تعزیرات و مقررات جزایی که دولت اسلامی در راستای انتظام جامعه به تصویب رسانده (مجازات های بازدارنده) تفاوتی وجود دارد؟

ج: هو العالم; تفاوت بین جرائم نیست.

د: در فرض دوم اگر قاضی از این طریق به علم یا قناعت وجدانی برسد، می تواند مطابق آن حکم به مجازات صادر کند؟

ج: هو العالم; جواب این مساله از جواب مساله اول معلوم می

شود.

س ۲۶۸: اگر فردی به عللی محکوم به اعدام شده باشد و حکم، قطعی و لازم الاجرا شده باشد، آیا این فرد مجرم می تواند تقاضا کند که مرا طوری از حیات باز دارید که باعث مرگ مغزی شوم تا بتوانید اعضای بدنم را در اختیار افراد مورد نیاز قرار دهید؟ و آیا این تقاضای فرد مجرم جایز است، یعنی امکان پذیر است یا خیر؟ آیا رضایت شاکیان در این فقره ترتیب اثری دارد یا خیر؟

ج: هو العالم؛ با رضایت شاکیان اشکال ندارد و بدون رضایت محل اشکال است.

س ۲۶۹: همانگونه که مستحضرید یکی از ارکان سازمان ملل دیوان دادگستری لاهه است که دولت ها اختلافات خود را برای حل و فصل به آن ارجاع می دهند و به لحاظ حقوقی و قضایی حل اختلاف می نمایند. حال سؤال این است که اولا با توجه به شرایط قضاوت و قاضی در اسلام به ویژه اسلام و عدالت قاضی حال این عمل کشورهای مسلمان و دولت های اسلامی که به حکمیت دیوان تن داده و حکم آن را اجرا نموده و فصل الخطاب اختلافات خود را رای دیوان قرار می دهند، به لحاظ فقهی چه حکمی دارد؟ آیا صلاحیت قضایی از منظر فقه به ویژه باتوجه به دو شرط مذکور که نوعاً قضات دیوان فاقد آن هستند پذیرفته است.

به طور کلی آیا اجرای رای صادره مجاز است یا لازم و واجب و یا اینکه حرام است؟

ج: هو العالم؛ به هر مقام و شخصی که برای حل اختلاف مراجعه می شود قاضی نمی گویند به آن معنی که در فقه شیعه شرایطی برای آن ذکر می کنند.

بنابر این حکومت اسلامی چنانچه لازم می داند برای ادامه زندگی در مملکت اسلامی و پرهیز از اذیت و آزار و اختلال نظام به حکمیت دیوان تن دهد، جایز است و باید به حکم آن در صورتی که خلاف شرع نباشد، عمل نماید و حرام نیست.

س ۲۷۰: چنانچه اکثریت قضات دیوان موصوف غیرمسلمان باشند، آیا می توان مسلمانی را که به ارتکاب یکی از جنایات بین المللی متهم شده است، جهت محاکمه و مجازات به آن مرجع تحویل داد؟

ج: هو العالم; چنانچه تحویل ندادن آن مسلمان مستلزم مفسده اهمّ بشود جائز است والا جائز نیست.

س ۲۷۱: در صورتی که ایران تصمیم به قبول صلاحیت دیوان بگیرد، باید جنایات بین المللی مذکور را در قوانین داخلی خود پیش بینی و برای آنها مجازات تعیین کند. دراین فرض آیا جنایتی مثل قتل عمد را که از مصادیق جنایت نسل کشی یا جنایت علیه بشریت تلقی شده می توان تحت عناوین اخیر و احیاناً با مجازاتی متفاوت ازقصاص، مجازات کرد؟

ج: هو العالم; در صورتی که بر مجازات شرعی مفسده مترتب شود، قهراً به واسطه قواعد باب تزاحم می توان حکم به جواز نمود.

س ۲۷۲: اگر بعضی از مجازاتهای اسلامی مثل سنگسار، صلب و قطع عضو و اعدام که در تکرار برخی جرائم مستوجب حد مقرر شده و به ندرت نیز اجرا می شوند یا تا کنون اجرا نشده اند، طبق اسناد و رویه بین المللی مصداق شکنجه و جنایت علیه بشریت تلقی می گردد، آیا می توان تحت عنوان مصلحت یا هر عنوان دیگر، آن کیفرها را کنار گذاشت و به جای آنها مجازات های معمولی

دیگر چون حبس را اجرا نمود؟

ج: هو العالم؛ عملاً بلی، ولی با رسمیت دادن وقانونی نمودن چون مستلزم هتک حرمت اسلام است، جایز نیست.

س ۲۷۳: نظر فقهی و اجتهادی حضرتعالی در خصوص الحاق ایران به اساسنامه دیوان و پذیرش صلاحیت آن من حیث المجموع چیست؟

ج: هو العالم؛ چنانچه مفسده مهمی مترتب بر عدم الحاق نشود به نظر من الحاق جایز نیست چون حکومت اسلامی است و الحاق مستلزم عدم قبول عده ای از احکام اسلام است و این اهانت رسمی به قوانین اسلامی است.

س ۲۷۴: نظر فقهی معظم له را درباره علم قاضی از نظر الحاق به اقرار یا بینه بیان فرمایید و اگر علم قاضی طریق سومی است حکم عفو چگونه می باشد؟

ج: هو العالم؛ قاضی می تواند به علم خود قضاوت کند. تفضیل این مسئله را در کتاب «استفتائات قوه قضائیه و موسسه حقوقی وکلای بین الملل» نوشته ام .

حقوق

س ۲۷۵: آیا پدر حق تصرّف بدون هر گونه اجازه در اموال پسر را دارد؟

ج: هوالعالم؛ با علم به عدم رضایت،خیرحق ندارد.

س ۲۷۶: شخصی در یک اداره یا سازمان خصوصی مشغول به کار می باشد و شرایط کاری وی به گونه ای است که حق و حقوق قانونی وی بنابر دلایل غیر قانونی به او پرداخت نمی شود و در معرض اجحاف واقع می شود و رؤسای وی نیز آگاه هستند که در حق این شخص عملکردی ناروا دارند و لیکن نامبرده به دلیل شرایط بد اشتغال در جامعه ناگزیر به کار کردن در آنجا می باشد. آیا اگر این شخص کارمند از برخی امکانات موجود در این مجموعه مانند لوازم التحریر و

غیره به نفع شخصی خود استفاده کند مرتکب عمل حرام شده است یا خیر؟ لطفاً در صورت امکان دلیل را هم ذکر کنید.

ج: هو العالم؛ چنانچه در موقع استخدام مبلغی را تعیین می کنند، و در مقام اداء از آن مبلغ کمتر می دهند و این شخص هم راهی برای گرفتن حقّش ندارد به همان مقدار از حقّش را که نمی دهند، می تواند به عنوان تقاص بردارد والا خیر.

س ۲۷۷: بر روی نوارهای کاست و سی دی ها نوشته شده است هر گونه کپی و تکثیر شرعاً حرام است. حال اگر فرض کنیم کپی و تکثیر حرام باشد در این مسئله ۲ حالت قابل تصوّر می باشد.

۱- کسی که به صورت غیر شرعی کپی و تکثیر می کند.

۲- مشتری سی دی هایی که به صورت غیر شرعی تکثیر و کپی شده است.

آیا علاوه بر کسی که سی دی ها را به صورت غیر شرعی تکثیر می کند، مشتری هم چیزی را ضامن می باشد؟ (گناهکار به حساب می آید؟)

ج: هو العالم؛ اوّل امر بلی، چون تکثیر اول حرام است و مطالب آن کپی مال صاحب آن است و تکثیر کننده ضامن است، ولی بعد از دیدن اصل مطالب از مالیت می افتد و کسی ضامن نیست.

س ۲۷۸: از حضرتعالی استدعا دارد راجع به عبارات آمده در مسئله ۱ و ۲ احکام حق تألیف، بیشتر توضیح بفرمایید و چگونگی مصداق احکام آمده در این مسائل درباره موضوع استفاده از سی دی های مادر و کپی و طبع در حد زیاد، موارد ضروری و مبتلا به را شرح دهید.

ج: هو العالم؛ به نظرم

واضح نوشته ام. خلاصه تکثیر نسخه با چاپ و غیره جایز نیست، ولی مطالعه کردن و گوش دادن جائز است.

س ۲۷۹: اگر کسی درسال های قحطی که شوهر و برادر شوهرش با هم زندگی می کردند، از مال آن دو به فقراء نان بدهد و حالا متوجه می شود که باید از آن دو اجازه می گرفت و هر دوی آنها (شوهر و برادرش) مرده اند، حالا تکلیف زن در مورد حلیت چیست؟

ج: هو العالم; اگر شوهر و برادرش رضایت داشته اند، ضامن نیست و اگر رضایت نداشته اند، زن نسبت به مال شوهروبرادرشوهرضامن است.

س ۲۸۰: فیلمی در داخل کشور با هزینه های گزاف مثلا ۵۰۰ میلیون تومان ساخته می شود و تنها امید تهیه کننده، برگشت سرمایه اش از طریق فروش فیلم در سینماها می باشد. چندی است عدّه ای بدون اجازه تهیه کننده از فیلم کپی کرده و آن را در بین مردم پخش می کنند و باعث ضرر تهیه کننده می شوند.

الف) آیا کپی کردن، دزدی محسوب می شود؟

ب) آیا می توان این فیلم را از واسطه ها گرفت و تماشا کرد؟

ج) آیا بین فیلم هایی که ترویج دین می کنند و فیلم هایی که حدود شرعی در آنها رعایت نمی شود، تفاوتی هست؟

ج: هو العالم; ۱) کپی کردن کاری است خلاف شرع ولی دزدی که «حد» معین دارد محسوب نیست. ۲) استفاده از مال غیر، مادامی که تصرف در آن نباشد، و به خصوص بعد از شیوع جایز است. ۳) چون فیلمی که رعایت موازین شرعی در آن نمی شود، مالیت ندارد، بین دو فیلم تفاوت است.

س ۲۸۱:

بر اساس قوانین اداره کار هر کارمندی دارای حقوق و مزایایی است. در صورتی که کارمند از حقوق خودش مطلع نباشد آیا بر صاحب کار لازم است به او اطلاع دهد؟ و آیا صاحب کار حتی اگر کارمند تا پایان کارش تقاضایی نکرد مدیون خواهد بود؟

ج: هو العالم; بر صاحب کار لازم است حقوق کارمند را رعایت نموده و حقّ او را بپردازد ولو خود او خبر نداشته باشد.

س ۲۸۲: اگر طلبه ای با حقوق کارمندی از پول شهریه بی نیاز باشد، آیا می تواند شهریه حوزه را بگیرد؟ آیا می تواند آن را برای دادن به طلبه های محتاج بگیرد؟

ج: هو العالم; برای خودش می تواند بگیرد. بهتر آن است که بگیرد و تملک کند، بعد از طرف خودش به طلبه های محتاج بدهد.

س ۲۸۳: آیا رضایت زن برای حضور شوهر در عرصه فعالیت های دینی و فرهنگی مثل مسجد و بسیج شرط است؟

ج: هو العالم; خیر شرط نیست.

حدود

س ۲۸۴: در این مسئله چه می فرمایید: چنانچه شخصی که خوداقراربه ارتکاب قتل نموده، قبل از اجرای حکم قصاص از اقرار خود عدول و انکار نماید، آیا انکار وی موجب سقوط حد و عدم اجرای حکم قصاص خواهدشدیاخیر؟

ج: هو العالم; انکار بعد از اقرار، تأثیر در سقوط حد نمی نماید. مگر در مورد اقرار به زنای محصنه که موجب سقوط رجم است والا در سایر موارد از قبیل قصاص، دلیل بر سقوط نیست و علما هم فتوی به عدم سقوط داده اند.

س ۲۸۵: آیا شرایط عامّه تکلیف در مسائل کیفری (حدود، قصاص و تعزیرات) نیز لازم الرعایه است یا صرف بلوغ، شرط صدور

احکام کیفری است (ولو کودک به درک کافی عقلی نرسیده باشد)؟

ج: هو العالم؛ در کلمات فقها متخذه از روایات است که در حدود، تکلیف معتبر است به ماله من المفهوم سعه و ضیقا – و نیز در قصاص تکلیف به ماله من الشرائط معتبر است و در تعزیرات چنین نیست. بلکه در بعضی موارد روایات خاصی وارد شده است در تعزیر صبی و غیر بالغ و فروع زیادی در مقام است. مانند آنکه اگر غیر بالغ کسی را کشت دیه بر عاقله ثابت می شود، و اگر سفیه عملی را انجام داد که موجب حدّ است، بعضی گفته اند حد ندارد و جماعتی گفته اند حد ثابت است و در این مختصر بیان فروع نمی گنجد.

س ۲۸۶: آیا درک تکلیف از نظر عقلیوداشتن قدرتورشد(به معنی درک حسن و قبح) و علم به گناه بودن و علم به مجازات عمل ارتکابی در مسائل جزایی را شرط برای مکلّفین می دانید یا خیر؟ در صورت امکان توضیح داده شود؟

ج: هو العالم؛ غیر از شرایط عامّه تکلیف و علم در جریان حدود، شرط دیگری معتبر نیست. چون عمومات شامل همه است و مخرج و مقید مختص به حدیث رفع و روایه ان الحدود تدرأ بالشبهات و ما دل علی اعتبار علم است، در بقیه موارد به عمومات رجوع می شود.

س ۲۸۷: آیا بین عقل و کمال العقل در کلام فقها فرق قایلید؟ آیا عقل همان رشد و کمال عقل داشتن رشد اشدّ است؟

ج: هو العالم؛ کمال عقل را من در روایات ندیده ام. در بعضی کلمات فقهاء در مقام بیان اشتراط تکلیف می فرمایند – یعتبر البلوغ

و کمـال العقل - و در مقام دلیل، دلیل اعتبار عقل را ذکر می کننـد،ماننـد حـدیث رفع، معلوم می شود مرادشان از کمال عقل همان عقل است.

س ۲۸۸: بر فرض جواز تـداوی به خمر آیـا مشـروط به انحصـار تـداوی به خمر است یـا مطلقاً جایز است؟ و نیز آیا نظر طبیب شرط است یا نظر خود بیمار؟ و نیز در مقـدار خمر برای تداوی اگر به حدّی که از بیماری مفرط نجات یابد جایز و بیشتر حرام می باشد؟

ج: هو العـالم؛ جواز تـداوی در خصوص خوف تلف نفس است و مشـروط به مجوز؛ است قول طبیب حجت است و نظر خود مریض، در صورتی که از روی میزان عقلانی باشد نیز مجوز است.

س ۲۸۹: آیا مراد از تعزیر، زدن و به درد آوردن می باشـد و یا مطلق تأدیب اعم از هشـدار، تهدیـد، توبیخ، تبعید، حد شـلاق، منع موقت از کسب و کار، منع برخی از حقوق اجتماعی، مصادره اموال و یا از بین بردن آن می باشد.

ج: هو العالم؛ آنچه از روایات فهمیده می شود تعزیر با زدن است، ولی چنانچه حکومت اسـلامی صلاح بداند اعمال دیگر هم جایز است.

احکام بیع

س ۲۹۰: تاجری کویتی به یکی از دوسـتان مقدار زیادی مال داده تا کتابهای فراوان فقهی و اصولی وتفسـیری و عقائدی شیعه را برای کتابخانه بزرگی در کربلا خریداری کند. به هنگام خرید کتب، فروشـنده مقداری نوشـته جات و کیسه های پلاستیکی و مقـداری نـخ و طناب و پوستر به خریـدار می دهد. آیا خریدار می تواند این اشـیا را برای خود نگه دارد و در آنها بدون اذن آن تاجر تصرف

کند و به عبارت دیگر آیا او مالک است یاتاجر؟ (با علم به اینکه اگر خریداری نمی کرد، فروشنده به او این وسائل را نمی داد.)

ج: هو العالم؛ بلی مالک است، چون فروشنده به عنوان واسطه بودن به او می دهد نه به عنوان تملک آن اجناس.

س ۲۹۱: به موجب مبایعه نامه پیوست شخصی خانه ای را خریداری کرده و دو سوم ثمن را پرداخته و یک طبقه از خانه هم به تصرف خریدار داده شده است. به موجب مبایعه نامه طرفین تعهداتی را پذیرفته و شروطی هم در قرار داد گنجانده اند از جمله اینکه می بایستی ظرف مدت ۹۰ روز از تاریخ امضای قرار داد در دفتر خانه حاضر شده و انتقال رسمی سند به نام خریدار صورت گیرد. همچنین در قرار داد مرقوم شده: خریدار می تواند به استناد این مبایعه نامه مورد معامله را قبل از تنظیم سند رسمی به دیگری واگذار کند و اسقاط کافه خیارات نیز به عمل آمده است. همچنین هر گونه تصرف و ادعای فروشنده در مورد معامله غاصبانه و تصرف عدوانی محسوب شده است.

حال با توجه به متن قرار داد و تعهدات و شروط مندرج در آن: ۱- آیا طرفین ملزم به اجرای مفاد قرار داد و تعهدات آن می باشند؟ ۲- آیا درج عباراتی مانند «چنانچه هر یک از طرفین از قول خود برگردد روزانه مبلغ ده هزار تومان باید به طرف دیگر بپردازد» و «چنانچه تخلیه دیرتر و زمان نقل و انتقال دیرتر انجام شد روزانه مبلغ ده هزار تومان بپردازد»، که در ذیل قرار داد مرقوم شده موجب بطلان معامله می گردد

یا خیر؟

ج: هو العالم؛ ۱- طرفین به مقتضای (المؤمنون عند شروطهم) ملزم به اجرای مفاد قرار داد می باشند. ۲- درج عبارات ذکر شده چون به عنوان شرط ضمن عقد می باشد نه تنها موجب بطلان معامله نمی شود بلکه لازم الاجرا است، بلی، چنانچه عمل به شرط نشود آن کسی که شرط به نفع او است خیار فسخ دارد و آن کسی که باید وجه را بپردازد، خیار فسخ ندارد.

س ۲۹۲: اگر بعد از بیع یکی از دو نفر از مجلس بلند شد و با فاصله کمی چای خورد آیا صدق تفرق از مجلس عقد می شود یا نه؟

ج: هو العالم؛ با بلند شدن و چای خوردن تفرق صدق نمی کند، بلکه تفرق یک معنای ظاهری دارد که معلوم است.

س ۲۹۳: آیا معاملات باطل مطلقاً حرام است یا اگر طرفین راضی به آن معامله باشند، صحیح می باشد؟ آیا خرید و فروش کلیه در حال حیات و چشم بعد از فوت جایز است یا نه؟

ج: هو العالم؛ همه معاملات باطله حرام نیست و در موارد عدم جواز با رضایت معامله جایز نمی شود ولی تصرف در ثمن با رضایت مالکش جایز می شود. حکم معامله کلیه و امثال آن را در ذیل رساله توضیح المسائل نوشته ام مراجعه شود.

س ۲۹۴: اگر کسی خانه ای را به عنوان اینکه ۱۰۰ متر است خریده، بعد معلوم شده ۸۰ متر است. آیا تفاوت قیمت در ۲۰ متر بالنسبه از مجموع ثمن را می تواند بگیرد یا معامله را فسخ کند؟

ج: هو العالم؛ بلی، می تواند قیمت ۲۰ متر را مطالبه کند، اگر نداد می تواند

فسخ کند، و معامله را از اول هم به واسطه خیار تبعض صفقه می تواند فسخ کند.

س ۲۹۵: ۱- شخصی خانه ای را طبق نظر کارشناس خبره (از نظر قیمت) خریداری کرده و دو سوم ثمن آن را پرداخت کرده و یک طبقه آن راتصرف کرده، ولی فروشنده بعد از مدتی ادعای غبن نموده و از گرفتن بقیه ثمن و حضور در محضر برای امضای دفاتر رسمی خودداری نموده است. آیا این ادعای غبن صحیح است؟ ۲ آیا درج عباراتی نظیر (چنانچه هر یک از طرفین از قول خود برگردد، باید روزانه ده هزار تومان بپردازد) که برای الزام طرفین به حضور در محضر جهت امضای دفاتر رسمی می باشد و به اصل معامله ارتباطی ندارد، موجب بطلان معامله می گردد؟

ج: هو العالم؛ ۱) ادعای غبن به تخیّل این که بعد از معامله ترقی قیمت نموده، مسموع نیست و لغو است و اگر ادعای غبن نموده که در آن وقت قیمت زیادتر بوده است، در صورتی که اسقاط خیارات شده است باز ادعا بیهوده است، و اگر اسقاط خیار نشده است، چنانچه نمی تواند اثبات غبن نماید، حرفش بی اثر است. بلی در صورتی که اثبات کند غبن حین المعامله و اسقاط خیار هم نشده باشد، آن وقت خیار غبن داشته و می تواند معامله را فسخ کند. ۲) و اما شرط مذکور چنانچه در حین معامله شرط شده است لازم است به آن عمل شود والا شرط ابتدایی است و لازم الوفا نیست.

س ۲۹۶: مفهوم بیع در شرع مقدس چگونه بیان گردیده است؟

ج: هو العالم؛ تبدیل مال به مال یا تملیک

شیء به عوض.

س ۲۹۷: به مفاهیم ذیل بیع اطلاق می گردد؟

در تحقق بیع که کتابت گردیده و ذیل آن را دو نفر شاهد امضاء نموده اند، این مبایعه اثبات می شود یا خیر؟

ج: هو العالم; چنانچه به طریقی باشد که در مبایعه نامه ذکر شده است، بلی، مبایعه اثبات می شود.

س ۲۹۸: حدود سه ماه پیش سه دانگ از شش دانگ نمایشگاه و فروشگاه مبل را از شخصی خریداری کردم و طبق ورقه ضمیمه دو نفر ذیل آن را امضاء نمودند و در ورقه ضمیمه، فروشنده حق فروش و استفاده از نمایشگاه و فروشگاه مربوطه را به خریدار اجاره داده، با توجه به عرایض بالا ـ این بیع از نظر شرعی صحیح است یا فروشنده می تواند مبایعه ای را که دو نفر شاهد ذیل آن را امضاء نموده اند باطل اعلام نماید.

ج: هو العالم; بیع صحیح است و بایع حق اعلام بطلان را ندارد.

س ۲۹۹: شرکتی نسبت به فروش محصولات مختلف اقدام نموده است. بدین ترتیب که هر شخص می تواند به طور حضوری یا غیر حضوری مبادرت به خرید این محصولات از شرکت و یا شعب آن بنماید. شرکت برای فروش اجناس دو پیشنهاد برای مشتریان در نظر دارد:

۱ هر شخص می تواند مبلغ هر نوع جنس و یا کالای مورد نظر را تماماً پرداخت نماید و کالای مذکور را از طریق پست یا حضورا دریافت نماید. ۲ نفراتی که با شرکت قرارداد منعقد می نمایند به عنوان بازاریاب فعالیت می نمایند و به هر میزان که اجناس شرکت را به فروش برسانند و یا مشتری معرفی نمایند شرکت درصدی از سود فروش اجناس

را برای بازاریاب در نظر می گیرد که این درصد می توانـد نقدی و یا به صورت کالا در اختیار بازار یاب قرار گیرد. همچنین شرکت برای مشتریان و یا بازاریاب ها حق انصراف قائل شده است. ۱خریداران کالا می توانند جنس مورد نظر را به شرکت و یـا شـعب آن عودت دهنـد و شـرکت پس از کسـر هزینه هـای جـانبی (پست و...) الباقی مبلغ مـذکور را مسترد می گردانـد. ۲ بازاریاب در هر مرحله می توانـد از ارائه فعالیت انصـراف داده و الباقی طلب خود را کالا یا وجه نقد دریافت نماید. با توجه به مشـروح طرح و اهـداف آن خواهشـمند است اعلام فرماینـد خریـد و فروش محصولات شـرکت از طریق ذکر شـده و پرداخت کمسیون شرکت به نفرات بازاریاب شرعاً جایز است یا خیر؟

ج: هو العالم؛ معامله مذکوره با تمام تفصـیلی که ذکر شده است صـحیح است هم از حیث بایع که شرکت است و هم از حیث واجد بودن قیود معتبره در بیع نقد و نسیه و هم از حیث شرط ضمن العقد هیچ اشکالی ندارد.

س ۳۰۰: احتراماً در این مسـأله چه می فرماییـد چنـانچه بعـد از ایقاع عقـدالبیع، بایع به علت جهل به قیمت عادله حین المعامله احساس نماید که در معامله علی نحو الفاحش مغبون شده است. شرعاً ولایت در فسخ بیع و تملک مجدد مبیع را دارد یا خیر و چنـانچه فقـط اسـقاط غبن شـده باشـد، لکن غبن از مرتبه و درجه فاحش باشـد، در این صورت نیز فسـخ معامله برای بایع جایز است یا خیر؟

ج: هو العالم؛ در صورتی که اسقاط خیار غبن ننموده و بعد از معامله

متوجه شود که مغبون شده است، خیار فسخ دارد و اگر اسقاط نموده، ولی توجه به فاحش بودن نداشته و قید نکرده است که مرتبه خاص از غبن را اسقاط نماید، بلکه اسقاط مطلق است، در این صورت حق فسخ معامله را ندارد.

س ۳۰۱: اگر کسی برای فروش محصولات شرکتی بازاریابی کند و پورسانت بگیرد، حکم شرع مقدس اسلام در خصوص خرید از این شرکت و گرفتن پورسانت که به عنوان حق الزحمه است را اعلام و در زیر برگه مکتوب فرمایید.

ج: هو العالم؛ مورد عمل یعنی خرید از شرکت و گرفتن حق الزحمه اگر کار دیگری نباشد مانند اینکه پورسانت را جزء ثمن قرار دهد و از مشتری بگیرند، بدون آنکه به او بگویند، جایز است خلاصه این عمل اشکال ندارد.

س ۳۰۲: مورد معامله: تمامی یک باب خانه و حیاط آن به مساحت ۹۰۰ متر مربع واقع در شهر علامرودشت که حدود اربعه جغرافیایی آن شمالا به کوچه، جنوباً به منزل غرباً به منزل ورثه مرحوم و شرقاً به کوچه منتهی می شود و تجهیزات و منضمات آن آب و برق و چند اصله نخل می باشد.

ثمن معامله کلاً مبلغ سی و پنج میلیون ریال معادل سه میلیون و پانصد هزار تومان می باشد که مبلغ مذکور نقداً و طی چکی توسط خریدار به فروشنده پرداخت گردیده است.

صیغه شرعی بیع بین طرفین جاری شد و اسقاط کافه خیارات خصوصاً خیار غبن فاحش از طرفین به عمل آمد و این مبایعه نامه که در بردارنده بیع قطعی شرعی واقع شده با توجه به مادتین ۳۳۸ و ۳۳۹ قانونی مدنی و ماده ۱۰ همان قانون بین

طرفین (فروشـنده و خریدار) امضاء و مبادله شد و این سـند مشـتمل بر دونسـخه با اعتبار واحد می باشد که یک نسخه از آن به فروشنده و نسخه دیگر نیز به خریدار تحویل گردیده است.

ضمناً طرفین بـاعلم و اطلاـع از کمیت و کیفیت معـامله بـدون اکراه و اجبار و با رضا و رغبت کامل این مبایعه نامه را امضاء و حق هرگونه دعوی و یا اعتراض بعدی را از خود سلب و ساقط نمودند.

بـا توجه به محتویـات اجـاره نـامه و مبـایعه نامه ای (که تصویر آن به ترتیب در ظهر و بالای این ورقه مشـخص می باشـد)، این سؤال مطرح است که: چنـانچه فروشـنده مضـطر بوده و قیمت مورد معـامله بیش از مبلغ منـدرج در مبایعه نامه مـذکور باشـد و خریدار نیز قصدش این باشد که در صورت اجراء شدن کلیه شـروط و ضوابط اجاره نامه از سوی فروشنده یا مستاجر، در وقت معینی مورد معامله را به همان مبلغ خریـداری شـده به فروشـنده مسترد نماید آیا از نظر شـرعی چنین معامله ای صـحیح است یا خیر؟ و آیا خریدار یا مؤجر حق مطالبه اجاره طبق قرارداد دارد یا خیر؟

ج: هو العالم؛ اضـطرار سـبب بطلان معامله نیست، و قصد تنها هم مادامی که انشاء یعنی معامله یا شرطی نباشد در معاملات اثر ندارد بنابراین معامله مذکور صحیح است و مؤجر حق مطالبه اجاره را طبق قرارداد دارد.

س ۳۰۳: نتیجه قرارداد تایم شـر (بیع زمانی) مالک شدن شـخص بر ملکی در زمان معین و محدودی همچون ماه خرداد در هر سال است و در غیر این زمان هیچ حق مالکیتی بر عین و منافع آن ندارد.

با گسترش این نوع قراردادمسائل و پرسش های گوناگونی درباره آن وجود آمده است، مستدعی است پاسخ سوالات ذیل را حتی المقدور با ذکر دلایل مرقوم فرمایید.

الف) با توجه به اینکه این نوع قرارداد در عرف، خریدو فروش تلقی می گردد، آیا از جهت فقهی نیز می توان آن را در قالب عقد بیع محقق ساخت؟

ب) با عنایت به عدم تبعیت عقد صلح در احکام و شرایط از سایر عقود آیا می توان قرارداد یاد شده را در قالب عقد صلح ابتدایی، منعقد کرد؟

ج) آیا می توان قرارداد فوق را که به نظر می رسد فاقد منع عقلی، عرفی و شرعی است، به عنوان عقدی جدید و مستقل پذیرفت؟

د) آیا مالکان مشاع در صورت توافق بر افراز و تقسیم ملک خود می توانند آن را بر اساس زمان تقسیم نمایند، به گونه ای که هر یک مالک ملک در بخش خاصی از زمان همچون ماه خرداد باشد؟

ج: هو العالم; ۱) این قرارداد ولو متعارف نبوده و لذا فقهاء ادعاء انصراف احل البیع از آن می نمایند، ولی ما چون اینگونه انصرافات را مانع از تمسک به اطلاق نمی دانیم و لذا مانعی از صحت آن قرارداد به عنوان بیع نمی دانیم.

۲) قرارداد را به عنوان صلح و با اباحه به عوض (که معامله مستقلی است) می توان تصحیح نمود.

۳) و نیز به عنوان عقد مستقل می توان تصحیح نمود و عمومات از قبیل اوفوا بالعقود نیز دال بر صحت آن است.

۴)تبدیل ملک مشاع البته به عنوان تقسیم راهی ندارد، ولی چون در ملک مشاع به نظر ما مملوک همه مال است به ملکیت ناقصه،

می توان با این گونه مبادله به عنوان مصالحه یا اباحه به عوض به آن نحو که اشاره کردند معامله نمود.

س ۳۰۴: شخصی مبلغی را نزد کسی دارد و آن شخص سال ها با آن مبلغ کار کرده است. آیا سود آن مبلغ به کدام یک تعلق دارد؟ (البته آن مبلغ به صورت قرض نبوده است و آن شخص اجازه کار کردن با آن مبلغ را نداشته است.)

ج: هو العالم؛ چنانچه با عین آن پول معامله کرده باشد، صحت آن معاملات منوط است به اجازه صاحب پول و منافع و سود آن هم مال صاحب پول است.

س ۳۰۵: در صورتی که سود، متعلق به صاحب پول باشد، آیا تصرف در آن بدون رضایت وی جایز است؟

ج: هو العالم؛ در فرض عدم رضایت، جایز نیست.

س ۳۰۶: آیا مضاربه در اسکناس جایز است یا مختص به طلا و نقره می باشد.

ج: هو العالم؛ مضاربه در اسکناس جائز است .

س ۳۰۷: در صورتی که جایز نباشد آیا آنچه را که شخص تصرف کند، غاصبانه و حرام نیست؟

ج: هو العالم؛ معنی غصب تسلط بر مال غیر بدون رضایت او است. پس حتماً غصب و حرام است.

س ۳۰۸: اگر در رابطه با این مال اعم از عبادی و غیرعبادی اعمالی را انجام داده است چه صورتی دارد؟

ج: هو العالم؛ اعمال با عین این پول ها، عبادی باشد یا غیرعبادی، جایز نیست و حرام است.

س ۳۰۹: خرید و فروش چک به طور مطلق چه حکمی دارد، و همینطور کم کردن چکی که انسان بابت طلب خود از دیگری دارد آیا جایز است به کمتر به خود طلب کار یا فرد دیگری

فروختن یا کلا جایز نیست. مشروحاً بیان فرمائید.

ج: هو العالم؛ خود چک مالیت ندارد. اگر از کسی طلب دارد و چک گرفته، آن چک را به کسی دیگر بفروشد قهراً دین را به کمتر می فروشد، این معامله اشکال ندارد، چک بی محل را نمی تواند بفروشد، ولی جایز است به خود طلب کار بفروشد.

س ۳۱۰: حیل شرعیه در باب ربا به نظر حضرتعالی جایز است یا خیر، و اگر کسی نیاز به پول نقد داشته باشد آیا جائز است جنسی را با قیمت بیشتری از صاحب پول بخرد و مجدداً به قیمت نقد و ارزانتر به صاحب پول بفروشد و به وجه نقد که نیاز دارد برسد یا جایز نمی باشد.

ج: هو العالم؛ چنانچه در ضمن بیع اول شرط بکند که نقداً به کمتر بفروشد بیع باطل است و همچنین اگر نقد یا مؤجل باشد بعد از حلول اجل باطل است والا صحیح است.

س ۳۱۱: معامله با افراد کافر غیر حربی، اعم از کسانیکه در کشور اسلامی زندگی می کنند و در پناه مسلمانان هستند یا در کشور غیر اسلامی هستند چه حکمی دارد.

ج: هو العالم؛ معامله با کافر اشکال ندارد.

س ۳۱۲: اسکناس که جزء معدودات است و قرض دادن آن به زیادتر ربا و حرام می باشد آیا اگر آن را به قیمت بیشتر بفروشند مثلا یک میلیون تومان را به یک میلیون و صد هزار تومان بفروشند جائز است یا حرام .

ج: هو العالم؛ بنظر ما اگر نسیه به قیمت بیشتر بفروشد جایز نیست.

س ۳۱۳: سپرده های بانکی که بانک مدعی است در آنها معامله انجام می دهد و علی الحساب سودی

به سپرده گذار می دهد یا پولی که بانک به عنوان مضاربه به افراد می دهد و سود می گیرد، از نظر شرعی چه حکمی دارد و اگر به نظر حضرت عالی اشکال دارد، راه حلّی بیان فرمائید.

ج: هو العالم؛ سپردهای بانکی و ربحی که بانک می دهد اشکال ندارد و حلال است و اما پولی که بانک می دهد، چنانچه شرایط مضاربه رعایت شود، حلال است.

س ۳۱۴: در بازار متداول شده جنس را اینگونه معامله می کنند می گویند نقد مثلا صد تومان یک ماهه صدو ده تومان و دو ماهه صد و بیست تومان و... بعد جنس را برای مشتری می فرستند و مشتری یکی از اینها را انتخاب می کند یا نقد و یا نسیه آیا چنین معامله ای صحیح است یا خیر؟

ج: هو العالم؛ چنانچه اول معامله نباشد، بلکه مقاوله و وکیل کند صاحب مال، مشتری را که یکی معین را انتخاب کند و بعد معامله را بر آن قرار دهند، اشکال ندارد.

س ۳۱۵: قریه ای کوچک است، نصف زمین های زراعتی آن با نصف آب مال یک نفر است و نصف دیگرش متعلّق به چند نفر است و مالیات از طرف حکومت بین آن شخص با دیگران نصف شده است و رجع در آن زمین حق موات و آبها چشمه ها تصرف نمائید چه حکم دارد آیا طبق زمین ها زراعتی تصرف نمائید یا خیر لطفاً جواب مرقوم فرمائید.

ج: هو العالم؛ مالیات بر ملک است نه بر مالک، بنابراین باید مالکین به نسبت مالشان بپردازند و به هر تقدیر مالیات ربطی به تصرف در چشمه ها ندارد، باید طبق زمینهای

زراعتی تصرف نمایند.

س ۳۱۶: در پیمان مشارکتی، ضمن عقد خارج لازم شرط شده، آیا یکی از طرفین پیمان مشارکت می تواند بدون جلب نظر و توافق شریک، پیمان را لغو نماید.

ج: هو العالم; پیمان مشارکتی چنانچه شرائط شرکت عقدیه را واجد باشد خود آن عقدی است لازم و اگر واجد شرایط نباشد چنانچه آن گونه که شرط شده است در ضمن عقد لازم خلاف مشروع نباشد نیز یک طرف نمی تواند پیمان را بهم بزند.

س ۳۱۷: اگر قیمت جنسی (مثلا فرشی) ۲۰ هزار تومان باشد و انسان آن را از کسی به صورت نسیه با دادن پنج چک مدّت دار ۵ هزار تومانی بخرد و همان جنس را به صورت نسیه با گرفتن شش چک ۵ هزار تومانی به فرد دیگری بفروشد آیا معامله اوّل و دوّم صحیح یا باطل است ؟

ج: هو العالم; هر دو معامله صحیح است.

س ۳۱۸: آیا حق زارعانه یا اولویّت رعیّتی که اقتباسی است کاملا عرفی که مورد شناسایی قانونگذار نیز قرار گرفته و بر مبنای آن، صاحبان چنین حقوقی در قبال واگذاری آن، مبالغی از مالک زمین (نوعاً به هنگام انتقال ملک) اعمّ از آنکه قرار دادی وجود داشته باشد یا نه می گیرند، شرعاً و قانوناً قابل مطالبه است یا نه؟

ج: هو العالم; ظاهر سئوال این است که این حق مانند حق سرقفلی است، چنانچه امر عرفی عام و قانونی باشد، پس زارع که زمین را از مالک اجاره می نماید یا با معامله دیگری زمین را به زارع می دهد یک شرط صریح یا ضمنی در عقد است که مالک اگر بخواهد ملک را انتقال

بدید باید حق زارع را بدهد- در این صورت باید مالك حق زارع را خصوص در صورت شرط صریح بدهد.

س ۳۱۹: فروختن طلاجات (انگشتر، پلاک، مدال) به مردان با در نظر گرفتن اینکه خودشان از آنها استفاده می کنند آیا شرعا جایز است یا نه؟

ج: هو العالم؛ انگشتر طلا برای مرد حرام است. فروختن آن، اگر به قیمت طلای آن بفروشید، جایز است اگر هیئت انگشتر هم جزء مبیع باشد، جایز نیست و معامله به آن مقدار هم باطل است، مگر آنکه هیئت آن مشترک بین انگشتر زنانه و مردانه باشد در آن صورت از آن حیث هم اشکال ندارد و از جهات دیگر هم که جایز است.

س ۳۲۰: در صنف زرگری مرسوم شده است روی دست خانم دستمال می اندازند و النگو یا بازوبند می اندازند. سؤال این استکه اگر بدون ریبه این کار انجام شود اشکال شرعی دارد یا نه؟

ج: هو العالم؛ خیر، اشکال ندارد.

س ۳۲۱: حضرتعالی چه می فرمایید در مورد کارمندان بانکها آیا کار کردن در بانکها با عنایت به وضعیت موجود معاملات صحیح می باشد یا خیر؟

ج: هو العالم؛ کارکردن کارمند چون منحصر به کار خلاف شرع نیست، اشکال ندارد. حقوقی هم که می گیرند حلال است به شرط آنکه پول مقابل کار حرام نگیرند که ظاهراً چنین است.

س ۳۲۲: فردی برای دریافت وام از بانک به فروشنده مراجعه می کند و بدون اینکه معامله ای انجام دهند درخواست فاکتور فروش جهت ارائه به بانک می کند، دادن چنین فاکتوری جایز است یا خیر؟

ج: هو العالم؛ جایز نیست مگر با اجازه مصدر امر در بانک.

س ۳۲۳: فردی از فروشنده

جنس خریده و فاکتور خود را پس از چند ماه یا حتی یک سال اخذ نکرده، اگر برای دریافت وام، درخواست فاکتور نماید صدور آن جایز است یا خیر؟

ج: هو العالم؛ دادن فاکتور به تاریخ سال قبل مانعی ندارد و به تاریخ فعلی جایز نیست.

س ۳۲۴: فردی معامله ای به مبلغ دویست هزار تومان انجام می دهد و برای دریافت وام فاکتوری به مبلغ پانصد هزار تومان درخواست می کند. صدور چنین فاکتوری جایز می باشد یا خیر؟

ج: هو العالم؛ جایز نیست.

س ۳۲۵: اگر در ضمن عقد معاملات با انسان شرط شود که وضوء بگیرد یا غسل کند یا نماز بخواند، بیان نمایید آیا از نظر فقهی اولاً این شرط صحیح یا باطل است؟

ج: هو العالم؛ صحیح است.

س ۳۲۶: ثانیاً عمل نمودن به شرط فوق چه حکمی دارد؟

ج: هو العالم؛ واجب است.

س ۳۲۷: دخول در حمام و استفاده از آب سقاء و مسافر خانه و هتل ها داخل در چه عقدی است؟

ج: هو العالم؛ داخل در عقد اباحه به عوض است که ما آن را مفصل در کتب فقهیه با ادله صحت و لزوم آن نوشته ایم.

س ۳۲۸: وجوهی که در بانک ها به قصد محفوظ ماندن، نه سود بردن گذاشته می شود. ولی هنگامی که می خواهیم دریافت کنیم، متصدیان بانک مبلغی که خودشان حساب نموده اند، اضافه بر اصل پول به صاحب وجوه می دهند. آیا این مبلغ حلال است یا نه؟

ج: هو العالم؛ حلال است.

س ۳۲۹: استفاده کردن از نوشابه ها و مواد خوراکی که از خارج از کشور وارد می شود چه حکمی دارد؟

ج: هو العالم؛ خوردن آنها به غیر

از گوشت جایز است.

س ۳۳۰: در روستای غریب دوست یک باب اطاق است. معمرین می گویند زمان قبل دکّه القضاء بوده، بعد در زمستان مردم آنجا جمع می شدند مسئله می گفتند، مرثیه خوانی و ذکر مصیبت می کردند. فعلاـ مورد نیاز این قبیل مسائل نیست. جای خوب دیگری درست کردند، و آنجا خراب شده است آیا می شود فروخت یا نه؟

ج: هو العالم؛ بلی، می شود فروخت و پول آن را صرف امور خیریه بنمایند.

س ۳۳۱: مالی که از راه قاچاق کالای مباح در جمهوری اسلامی تحصیل شود آیا حلال است؟ یا فقط جایز نیست؟ یا غیر آن؟

ج: هو العالم؛ خلاف موازین حکومت چه اسلامی و چه غیراسلامی نبایدانجام شود والا اختلال

نظام می آید.

خیارات

س ۳۳۲: در خیار رؤیت به تخلف وصف، چه شرط بدل کند یا نکند، آیا مشتری خیار دارد یا نه؟ و آیا این خیار در غیر بیع جاری است یا نه؟

ج: هو العالم؛ خیار رؤیت در مورد شرط ضمن عقد ثابت است و مختص به بیع نیست.

س ۳۳۳: ۱) آیا مغبون اختیار دارد بیع دارای غبن غیر فاحش را فسخ نماید؟ ۲) آیا مغبون اختیار دارد بیع دارای غبن فاحش را فسخ نماید؟ ۳) آیا خیار فسخ برای مغبون از هنگام عقد ثابت است، یا آن که در وقتی که غبن را بفهمد، خیار فسخ پیدا می شود؟

ج: هو العالم؛ ۱) در بیع دارای غبن غیرفاحش (مراد از غیر فاحش آن است که عقلاء آن را غبن نمی شمارند و معامله را به مثل آن فسخ نمی کنند) خیار ثابت نیست. ۲) بلی، مغبون مختار است در مورد

غبن فاحش معامله را فسخ کند. ۳) خیار از وقت عقد ثابت است.

قرض

س ۳۳۴: به شخصی بدهکاری داریم و بعد از جست و جوی بسیار از یافتن او نا‌امید شده ایم. در اینجا پول طلب تأثیر به سزایی در زندگی شخص طلبکار دارد. وظیفه ما چه خواهد بود؟

ج: هو العالم; پول مذکور مجهول المالك است باید به مجتهد رجوع شود چنان چه آن شخص مستحق است، مجتهد از طرف مالکش صدقه به او بدهد، مشروط به این که اگر صاحبش پیدا شد عوض آن به او داده شود.

س ۳۳۵: شخصی مبلغ صد هزار تومان به یک نفر کاسب می دهد و شرط می کند که هر ماه پنج هزارتومان بدهد، آیا گرفتن پول مذکور جایز است؟

ج: هو العالم; چنانچه قرض باشد حرام است، و اگر مضاربه باشد، با رعایت شرایط جایز است.

س ۳۳۶: فروختن یک چک نهصد تومانی نقد، به چک هزار تومانی یک ماهه چه حکمی دارد؟

ج: هو العالم; به نظر من حرام است و ربای در بیع است. اگر چه اسکناس مکیل و موزون نیست ولی فروختن معدود و مطلق غیرمکیل و موزون به زیاده نقداً اشکال ندارد، ولی به طور نسیه جایز نیست.

س ۳۳۷: مبالغ دیر کردی که بانکها، موسسه های اعتباری و صندوق های قرض الحسنه برای وام می گیرند چه صورت دارد؟

ج: هو العالم; اشکال ندارد.

ربا

س ۳۳۸: در محل ما رسم است شخصی که پول قرض می کند یا مقداری گندم می گیرد اگر سر موعد نتواند باز پرداخت کند طلبکار آن مبلغ یا جنس را دو برابر می کند. باز سر مدت نداد به همان مقدار بالا می برد. آیا این صحیح است؟

ج: هو العالم; خیر صحیح نیست، چون

ربا است.

س ۳۳۹: لطفاً معنی فقهی ربا را مرقوم بفرمایید؟ آیا این نوع قرض الحسنه ها و وام های با بهره در بانک های معمول، شرعی می باشد؟

ج: هو العالم; ربا قرض دادن به شرط زیادی است، ولی سودی که بانک به سپرده ها می دهد، ربا نیست و حلال است.

س ۳۴۰: عدّه ای با هیئت به زیارت حضرت امام رضا(علیه السلام) مشرّف می شوند و گردانندگان هیئت در اثر بی توجهی از افراد رباخوار نیز ثبت نام به عمل می آورند. تکلیف بقیه در این مورد که با آنها هم غذا و هم منزل می شوند (پول همه مخلوط می شود) چیست؟

ج: هو العالم; برای بقیه اشکال ندارد.

رهن و اجاره

س ۳۴۱: موجر و مستأجری که با هم خانه را معامله می کنند، مثلا مبلغ دو میلیون رهن و ماهیانه مبلغ پانزده هزار تومان اجاره و طرفین قولنامه را در بنگاه امضاء می نمایند به دلیل تعمیرات منزل و موجود نبودن پول کامل رهن فقط ۲۰۰ تومان از مستأجر به موجر پرداخت می گردد. الباقی رهن و کلید منزل بین طرفین قبض و اقباض نمی گردد و به دلیل شرط و شروط مستأجر و شرایط خاص موجر، طرفین توافق می کنند از خیر معامله بگذرند که می گذرند. در این حالت آیا حق العملی که بنگاه معاملات دریافت نموده باید مسترد نماید یا خیر؟ البته مستمسک بنگاه در اخذ حق الزحمه، بندی از قرار داد است که فسخ و اقامه تأثیری در میزان حق الزحمه نخواهد داشت. امید است با اظهار نظرتان ما را راهنمایی فرمایید.

ج: هو العالم; با خصوصیاتی که نوشته اید، حق العمل

بنگاه بایـد داده شود به همان گونه که مرسوم است و قیـد می شود که هر دو طرف معامله یا یک کدام هر نحو که در قرار داد ذکر می شود.

س ۳۴۲: مستاجری آپارتمانی را برای ۱۲ یا ۱۸ ماه از موجر اجاره می کند و تنها موجر برای ۱۲ ماه از او بابت اجاره بها ۶ عدد چک می گیرد، پس از گذشت حدود سه ماه موجر به مسـتاجر اعلام می نماید محل اجاره را خودم به علت بیماری همسر نیاز دارم و بیش تر از ۱۲ ماه به فکر اقامت در در مورد اجاره نباشید و مجدد موجر با تشدید بیماری همسر خود، حدود دو ماه قبل از اتمام ۱۲ ماه به مسـتاجر اعلام تخلیه در موعـد ۱۲ ماه می نمایـد. مسـتاجر اعلام می کند به بنگاه سپرده است با این صـحبت برای موجر محرز می شود که مسـتاجر در اتمـام ۱۲ مـاه مورد اجـاره را تخلیه و تحویل می دهـد. لیکن بعـد از ۱۲ ماه مستاجر دلایل موهوم می آورد و حاضر به تخلیه مورد اجاره نمی باشد به نظر می رسد حرکت مستاجر غصب مال موجر می باشد و به مسـتاجر اعلام غصبی بودن اقامت خود و خانواده اش را در محل مورد اجاره می نماید. خواهشـمند است حکم شرع مقدس را در این مورد اعلام فرمایید.

ج: هو العـالم؛ در مـدتی که آپارتمـان اجـاره شـده است و مسـتاجر تـاخیر در اداء مـال الاجاره ننموده است، موجر حق نـدارد مستاجر را بیرون کند و رضایت و عدم رضایت او هیچ اثری ندارد. بلی، اگر مستاجر تاخیر در اداء مال الاجاره بنماید موجر

حق فسخ دارد و در صورت فسخ رضایت او در ماندن مستاجر در آپارتمان شرط است و با عدم رضایت، اقامت مستاجر در آن خانه غصب و حرام است و اما بعد از انقضاء مدت اجاره چنانچه در حین اجاره مالك حق سرقفلی را به او با پول یا بدون آن واگذار کرده است، باز موجر نمی تواند مستاجر را به زور بیرون کند، ولی چنانچه موجر سرقفلی را به مستاجر نداده است، مستاجر حق ندارد ولو یک ساعت در خانه بدون رضایت موجر بماند و ماندنش حکم غصب دارد.

س ۳۴۳: شخصی مکانی را به ۲۵۰هزار تومان اجاره می دهد ولی برای آن که اداره دارایی برای او مالیات کمتری بنویسد او در برگه دارایی مبلغ را ۱۵۰ هزار تومان ذکر می کند. حکم این عمل چه می باشد و آیا موظفیم مبلغ اصل را اطلاع دهیم؟

ج: هو العالم؛ اشکال ندارد و موظف به اطلاع دادن مبلغ نیستید.

ازدواج (نکاح)

س ۳۴۴: روحانی عقد دختر را با اصرار داماد بدون احراز رضایت دختر و پدر دختر می خواند. بعد اعلام می کند عقد باطل بوده. آیا اثبات بطلان می شود؟ یعنی این عقد باطل است یا خیر؟ در صورتی که بعد از عقد فضولی دختر امضاء کند و عاقد اعلام بطلان نکند؟ حکم چیست؟

ج: هو العالم؛ عقد صحیح است. ولی اگر عاقد بگوید عقد باطل بوده یا آن که دختر امضاء نکند و رد کند، عقد باطل است.

س ۳۴۵: دختر در طول یک سال شوهرش عنین بوده و از او جدا شده و سپس آن شوهر، زن گرفته و از او اولاددار شده، آیا این دختر

می تواند بدون طلاق شوهر کند یا باید طلاق بدهند، آنگاه شوهر نماید؟

ج: هو العالم؛ خیر، نمی توانـد چون معلوم می شود عنّین به آن معنی که زن می توانـد فسـخ کنـد و احتیـاج به طلاق نباشـد، نبوده. البته این در صورتی است که آن زن با دخول حامله شده باشد.

س ۳۴۶: با عرض پوزش از محضر رفیع حضرتعالی همانگونه که مستحضرید شرایط اقتصادی و مالی جامعه به نحوی است که تحمـل آن برای اقشار آسـیب پـذیر که اکثریت جامعه ما را تشـکیل می دهنـد دشوار می باشـد و مرد خانواده برای جوابگویی مخـارج زن و فرزنـدان و... می بایست که با تحمل کارهای سـخت و طاقت فرسا یا اضافه کار روزانه و یا پـذیرش مشاغل دوم همچون سـرایداری و نگهبانی و... بتوانـد بر مخارج فایق آید. حال با تحمل این مشـکلات وقتی به منزل می آید و می بیند که امور منزل و خـانه داری و بچه داری و.. لنـگ است و خـانم خـانه در جواب این کـاستی ها با اسـتناد به احادیث حضـرات ائمه معصومین سـلام الله علیهم اجمعین می گوید (بنده هیچ وظیفه ای ندارم مگر اینکه به من اجرت بدهید) و یا (به کسـی دیگری بگویید که این کارها را انجام دهد مگر من کنیز شـما هسـتم) و خانم خانه با کوچکترین حرفی زود قهر کرده و مرد خانه را از حق شرعی زوجیت (تمکین) محروم می کند...

خواهشمند است تکلیف مرد خانواده و زن خانواده را دراین خصوص روشن فرمایید و به خاتم شریف ممهور فرمایید؟

ج: هو العالم؛ چند مسأله است ۱ بر مرد واجب است که مخارج زندگی زوجه را

در آن مقدار واجب بدهد. اگر زوجه بگوید من اجرت مهیا کردن می خواهم حق دارد، ولی مرد در زندگی معمولی زیادتر از واجب تهیه می کند چه خوراک چه لباس و می تواند آن زیادتر را به حساب اجرت کار زن حساب کند. ۲ در زندگی مشترک همان گونه که تا حال رسم بوده است، غذا و خوراک خانه و تهیه مواد به عهده مرد است و زن کار خانه را انجام می دهد. خانم شما اگر روایت بلد است بگویید زندگی فاطمه زهرا (سلام الله علیها) را ملاحظه کند. ۳ خروج زن از خانه بدون اجازه مرد جایز نیست. ۴ عدم تمکین از عمل زناشویی حرام است مگر آنکه مرد در نفقه کوتاهی نموده و نفقه ندهد. ۵ اساسا تا حال شرط ضمن العقد کلی در حین عقد ازدواج بر این است که در زندگی مشترک کار بیرون خانه و تهیه مواد خوراکی با مرد است و کار خانه با زن، چنانچه بخواهند خلاف این عمل شود باید در حین عقد یا بعداً در ضمن عقد لازمی شرط کنند والا ـ زن حق اجرت گرفتن ندارد. در خاتمه به هر دو یعنی زوج و زوجه توصیه می کنیم در زندگی مشترک رعایت همه موازین شرعیه را بنمایید که هم در دنیا و هم در آخرت سعادتمند خواهید بود.

س ۳۴۷: اگر زن در رحم خود عیبی داشت که بچه دار نمی شود و شوهر شرط کرده بود که عیب نداشته باشد و او نگفت. بعد از ازدواج، زوج فهمید. آیا زن مقصر است و در صورتی که مرد بخواهد زن دوم بگیرد و در آن

مناطق به او نمی دهند، آیا بر این زن واجب است زنی برای او پیدا کند تا بچه دار شود یا نه؟

ج: هو العالم؛ زن مقصر است ولی واجب نیست بر او زن پیدا کند. ولکن خود مرد می تواند عقد زن اول را فسخ کند یا طلاق دهد و زن دیگر بگیرد.

س ۳۴۸: اگر زن مسلمان با مرد غیرمسلمان در خارج از کشور ازدواج کند و اینکه این ازدواج ازلحاظ شرعی جایز نیست و زن به این امر نیز جاهل بوده و ثمره این ازدواج چند فرزند می باشد، اولا وضعیت شرعی این فرزندان چگونه است؟ و ثانیا این زن می تواند به علت جایز نبودن این ازدواج بدون کسب طلاق از آن مرد غیرمسلمان با یک مرد مسلمان ازدواج کند؟

ج: هو العالم؛ فرزندان چون از وطی به شبهه است حرام زاده نیستند، و از حیث اسلام و کفر چون فرزند تابع اشرف ابوین است محکوم به اسلامند تا موقعی که خودشان بتوانند تشخیص بدهند.

و این زن هم بعد از فهمیدن حکم برای جدا شدن احتیاج به طلاق ندارد و می تواند با یک مرد مسلمان ازدواج کند نهایت باید عده نگه دارد و بعد از تمام شدن عده ازدواج صحیح است.

س ۳۴۹: احتراماً به استحضار می رساند اینجانب... که در مورخه ۹/۴/۷۰ با دختر خانمی ازدواج نمودم. که حاصل این ازدواج یک فرزند پسر دوازده ساله است و در تاریخ ۱۵/۸/۷۹ طلاق خلع دادم و در مدت عده، زوجه اینجانب مراجعه و گفتند: مهری را که بخشیدم، نبخشیده و رجوع کردند که من هم رجوع او را قبول کردم و به خاطر احتیاط

شرعی، خودمان هم از روی رساله صیغه عقد را خواندیم که متأسفانه همسر به خاطر مخالفت خانواده اش با ثبت رجوع مخالفت می کرد. بعد از هفت ماه باز هم بر اثر حساسیت زوجه که خدای ناکرده گناه نباشد باز هم صیغه عقد را خواندیم و در عرض این مدت تا مورخه ۲۶/۹/۸۲ رابطه زناشویی داشتیم که هم شهود رجوع وجود دارد و هم گواه ارتباطات و رفت و آمدهای شرعی.

فرزندم بسیار عاقل با هوش است و از لحاظ شرعی بالغ می باشد و او هم شاهد همه جریانات و حتی یک بار هم ناخواسته همبستر شدن ما را دیده و خانواده همسرم زن شرعی من را در تاریخ ۳۰/۹/۸۲ چهار روز قبل از آخرین رابطه زناشویی ما به عقد شخص دیگری درآورده اند. چون پایبند مسائل شرعی نیستند و احکام مبین اسلام و قرآن را قبول ندارند و زن و شوهر را فقط با شناسنامه قبول دارند و زن اینجانب را با تهدید به مرگ مجبور به ازدواج با شخص دیگری نمودند و او را به خلاف شرع و گمراهی وادار کردند و او را اغفال نمودند و در زمان خواستگاری خودم و دیگران با آن مرد خدانشناس صحبت کرده و حقایق را به او گفتیم. ولی متأسفانه او هم پایبند شرع نبوده، حتی مقدسات را مورد تمسخر قرار داده زیرا که او مردی بی نماز و شراب خوار است و اعتقادی به دین و مذهب نداشته و هم اکنون زنم در برابر خانواده ام حقیقت را گفته است و می گوید، ولی در جای دیگر انکار می نماید. حال درخواست فتوای مسأله ذکر

شده را دارم.

ج: هو العالم; به این گونه که نوشته اید این زن زوجه شما است صیغه خواندن هم لازم نبود زن که رجوع به مهر کرده شما هم می توانستید بدون صیغه خواندن هم بسترشوید و عقد دومی باطل بوده و عملش هم زنا و خلاف شرع بوده خداوند همه را هدایت کند و به شما توصیه می کنم که در موقع همبستر شدن مواظب باشید که کسی بخصوص فرزندتان شما را نبیند.

س ۳۵۰: آیا اذن شوهر برای خروج از منزل، در هر خروج باید احراز شود؟ یاهمین که بداند راضی است، می تواند خارج شود؟

ج: هو العالم; علم به رضایت کافی است.

س ۳۵۱: چرا مادر زن انسان نمی تواند دختر دخترش را شیر بدهد، والا بر شوهرش حرام می گردد، ولی دختر پسرش را می تواند و حرمت بر زوجش پیدا نمی کند.

ج: هو العالم; برای اینکه از احکام رضاع یکی عدم جواز نکاح پدر مرتضع در اولاد مرضعه است. چنانچه جدّه شیر بدهد دختر دخترش را، پدر او که شوهر دخترش است نمی تواند ازدواج با اولاد مرضعه بنماید که زنش اولاد جده مرضعه است و این علت در شیر دادن به دختر پسر جاری نیست .

احکام عقد موقت (صیغه)

س ۳۵۲: به نظر شما آیا این کار به صلاح است که جوانی ۲۱ ساله که امکان ازدواج دائم ندارد، برای جلوگیری از وقوع گناه و کاهش آتش شهوت با زنی یائسه صیغه کند؟

ج: هو العالم; بسیار کار خوبی است و صلاح است.

س ۳۵۳: خطرات و محظورات این کار چیست ؟

ج: هو العالم; خطری ندارد. مگر اینکه می گویند در صورتی که خیلی

پیر باشد مجامعت با او مضر است و رفع این هم ممکن است که جماع با وسیله مخصوص نماید یا اینکه دفع شهوت با استمتاعات دیگر غیر از جماع بنماید.

س ۳۵۴: اگر بدانیم زنی عده نگه نمی دارد، آیا می توان او را به عقد موقت در آورد؟

ج: هو العالم؛ چنانچه بدانید ولو از خبر دادن خودش که در عده نیست، بلی، جایز است حتی اگر بدانید که پس از انقضای مدتی که به عقد شما در آمده، عده نگه نمی دارد و به عقد دیگری درمی آید.

س ۳۵۵: من صیغه آقایی بودم. این آقا ۲ ماه را به من بخشید و الآن در عدّه می باشم. آیا در این مدت که در عدّه هستم می توانم با این آقا در حد صحبت معمولی حرف بزنم و این صحبت عادی رجوع حساب می شود یا نه؟ خواهشمند است سریع جواب دهید؟

ج: هو العالم؛ صحبت کردن معمولی اشکال ندارد، و رجوع محسوب نمی شود. چون رجوع در مدت عده صیغه، مشروع نیست.

س ۳۵۶: آیا صیغه عقد موقت باعث تقلیل قوه شهوانی می شود مخصوصاً برای افراد مجرد یا برعکس باعث تهییج یا اشتهای بیشتر شده و باعث مشکلات بیشتر پس از اتمام مدت می گردد؟

ج: هو العالم؛ من مسئول افتاء و بیان حکم شرعی می باشم و از این امور طبیعیه اطلاع ندارم.

س ۳۵۷: آیا زنان متّهمه را می شود صیغه کرد؟

ج: هو العالم؛ بلی، اشکال ندارد.

س ۳۵۸: آیا زنان یائسه احتیاج به نگه داشتن عده دارند؟

ج: هو العالم؛ خیر، ندارند.

س ۳۵۹: آیا صیغه در موقع ضرورت باعث رشد معنوی است یا باعث تنزل انسان

از معنویت می باشد؟

ج: هو العالم؛ بلی باعث رشد معنوی می باشد چون ازاعمال مستحبه است.

(ت) س ۳۶۰: به نظر شما برای افراد مجرد، ریاضت نفسانی بهتر است یا صیغه؟

ج: هو العالم؛ قطعاً صیغه بهتر است.

س ۳۶۱: زنی که عقد موقت شده و حامله می شود، آیا از زمان حمل تا زمان وضع حمل اگر چه دیگر به عقد زوج نیست، حق خرجی دارد یا خیر؟ آیا این حق را دارد که بعد از به دنیا آمدن فرزند، دو سال فرزند را در اختیار داشته باشد؟ و از پدر فرزند خرجی بگیرد یا مرد می تواند بچه را گرفته به دایه بسپارد.

ج: هو العالم؛ در زمان حاملگی، نفقه زوجیت ندارد. بلی نفقه ولد دارد و بعد از به دنیا آمدن، چنانچه مادر زیادتر از دیگران اجرت شیر دادن بخواهد، پدر می تواند بچه را گرفته و به دیگری بسپارد و اگر زیادتر نخواهد مادر احق است و حق الحضانه با اوست.

س ۳۶۲: من با خانمی برای مدت ۲ ماه عقد موقت بستم، ولی بعد از یک ماه، یک ماه دیگر را بخشیدم. اگر من در این مدت بخشیده شده با وی در محدوده شرعی فقط صحبت کنم، آیا این نشانه بازگشت است و در کل حکمش چیست؟

ج: هو العالم؛ اولاً صحبت کردن، نشانه بازگشت نیست. ثانیاً عقد موقت بازگشت ندارد.

س ۳۶۳: اجازه پدر در عقد باکره در همه حال شرط می باشد؟ حتی اگر پدر نقایصی داشته باشد، مثلاً لاابالی یا معتاد و بی فکر باشد، حکم چه می باشد و اگر بدون اجازه پدر منعقد شده باشد، اجازه بعدی او مصحح خواهد بود؟

ج: هو

العالم: اجازه پدر در عقد باکره رشیده در هیچ جایی شرط نیست، فضلا در مواردی که اشاره کرده اید.

س ۳۶۴: آیا زن مجبور به انجام کارهای منزل از نظر شرع و قانون می باشد؟ خواهشمندم حکم را بیان فرمایید.

ج: هو العالم: خیر مجبور نیست حتی اگر برای خودش غذا تهیه نکند واجب است غذای او را مرد مهیا کند. مگر آنکه در حال عقد شرط شده باشد ولو به شرط ضمنی (که تا حال چنین بوده) که مرد کار خارج خانه و زن کار داخل خانه را مجانا بنماید.

س ۳۶۵: با توجه به اینکه در نظر است که تحقیقی از منظر فقه و حقوق در مورد محرمیت و علقه نکاح بعد از فوت زوجه انجام گیرد، مستدعی است نظر استدلالی فقهی خویش را نسبت به مسایل ذیل بیان فرمایید.

۱ آیا با فوت زوجه علقه زوجیت از بین می رود یا باقی است؟

۲ آیا با فوت زوجه، محرمیت بین زوجین زایل می شود یا باقی است؟ و فرضا زوج می تواند زوجه میّت خود را ببوسد یا خیر و آیا زوج می تواند عکس ها و فیلم های زوجه را بعد از موت وی تماشا کند؟

۳ اگر مردی زنی را به عقد خود در آورد و قبل از دخول زوجه فوت نماید و زوج بای نحو کان با زوجه مقاربت کند، در این صورت نصف مهریه زن را باید بپردازد یا تمام آن را؟

۴ در فرض سؤال فوق اگر مقاربت با زوجه بعد از اتمام غسل زوجه باشد، آیا غسل جنابت بر زوجه وی واجب می گردد یا خیر؟ اصلا فرض تحقق جنابت در میت وجود

دارد یا خیر؟

ج: هو العالم؛ ۱ علقه زوجیت از بین نمی رود.

۲ محرمیت باقی است و لذا می تواند او را ببوسد و عکس ها و فیلم های زوجه را تماشا کند.

۳ بنابر اینکه موت زوجه موجب تنصیف مهر است به مجرد فوت نصف مهر ثابت است و دخول بعد از موت اثر ندارد.

۴ غسل جنابت زوجه واجب است، یعنی باید او را غسل دهند.

س ۳۶۶: چگونه باید مطمئن شد زن عده را نگه می دارد؟

ج: هو العالم؛ قول زن در عده حجت و معتبر است. اگر بگوید عده ام تمام شده است، ترتیب اثر به قول او داده می شود.

س ۳۶۷: اگر دخول انجام نشود باز هم احتیاج به نگه داشتن عده هست؟

ج: هو العالم؛ خیر بدون دخول و با ملاعبه و ملامسه اگر قضای حاجت بشود، نگه داشتن عده لازم نیست، مگر آنکه منی داخل فرج او بشود که در این صورت عده لازم است.

س ۳۶۸: شخصی با زنی شوهردار زنا کرده است و بعد از جدا شدن از شوهرش با همان شخص زانی ازدواج کرده است و فعلا دارای فرزند می باشد، آیا به نظر حضرت عالی این دو نفر حرام مؤبد هستند یا خیر؟ البتّه خودشان بدون توجه به حرام بودن مؤبد ازدواج کرده اند؟ توضیح آنکه ازدواج شخص زانی بعد از عده بوده است؟

ج: هو العالم؛ حرام مؤبد نمی شوند، ولی متنبه بفرمایید که چه عمل خلاف شرعی نموده و این فتوای من سبب کوچک شمردن آن معصیت نشود و حتی المقدور کسی متوجه این عمل شنیع آنان نشود و توبه هم بنمایند.

س ۳۶۹: آیا می شود چند

زن را به عقد واحد محرم کرد یا نه؟

ج: هو العالم؛ بلی مانعی ندارد.

س ۳۷۰: اگر عروسی به هم بخورد، خرج مصارف داماد شرعاً چه می شود؟

ج: هو العالم؛ کسی ضامن نیست.

س ۳۷۱: مهریه زن پنجاه سال قبل ده تومان بوده حالا می خواهد بپردازد چه مقدار بدهد؟

ج: هو العالم؛ آن چه به نظر می رسد آن است که حساب نمایند ده تومان در آن سال چند مثقال طلا می دادند، فعلا معادل قیمت آن را بدهند، آن هم باید با یک مصالحه شرعی عمل نمایند.

س ۳۷۲: تمکین چیست؟ اطاعت چیست؟ خروج از تمکین چگونه تحقق می یابد؟ خروج از اطاعت چطور؟ حقوق شرعی هر یک از زن و شوهر چیست و حد ممنوع استمتاع زن و شوهر از همدیگر چیست؟

ج: هو العالم؛ تمکین عبارت است از آنکه هر موقع که مرد بخواهد مقاربت کند و زن هم مانع شرعی نداشته باشد و بر او ضرر ندارد و موجب مشقت و حرج هم نیست، واجب است بر زن تسلیم شود. بقیه خصوصیات به رسائل عملیه رجوع شود.

س ۳۷۳: اگر زن بدون اجازه شوهرش و عدم تمکین از خانه بیرون رود، حکم ناشزه را دارد در صورتی که مرد ظالم باشد یا غیر ظالم فرق دارد یا نه؟

ج: هو العالم؛ در صورتی که مرد ظلم به او می کند و برای فرار از آن ظلم بیرون برود ناشزه نیست والا ـ ناشزه است ولو مرد ظالم به غیر باشد.

س ۳۷۴: در بعضی از عشایر چنین مرسوم است: اگر قاتلی کسی را از قبیله ای بکشد، دیه مقتول را از همه قبیله قاتل می گیرند و علاوه

بر آن دختر یا خواهر قاتل، یا شخصـی از قبیله او را به پسر مقتول می دهند چه دختر راضی باشد یا نه; آیا اینها درست است یا نه؟

ج: هو العالم; هر دو حکم باطل و غیرصحیح است.

س ۳۷۵: آیـا در عقـد دایم مهریه شـرطوبدون آن عقـدباطل است؟واگرزن درعقـد ازدواج مـوقت شـرط کنـد که شوهر بـا او مقاربت کند آیاعقدصحیح می باشد؟

ج: هو العالم; در عقـد دائم چنانچه شـرط بکنـد که بـدون مهر باشـد، عقد باطل است، و اگر ذکر مهر نکند متعین می شود در مهرالمثل و عقد صحیح است. و در عقد منقطع اگر شرط مقاربت کند، اشکال ندارد عقد صحیح است.

س ۳۷۶: آیا عقد دائم و یا موقت (بیشتر موقت مدنظر است)، یک سیده برای یک غیر سید گناه دارد؟

ج: هو العالم; گناه ندارد.

س ۳۷۷: اگر زنی بچه فرزنـد خود را (دخترزاده خود را) شـیر دهـد و بعد از توجیه و ادراک از حرام ماندن دخترش به همسـر خود اعتنا نکرده و دختر از همسـرش جـدا نشود و حتی صاحب فرزنـد دیگر می شونـد و بداننـد که این کار حرام است، حکم مرد با آنها چیست و حکم فرزندبعدازاطلاع آن چیست؟

ج: هو العالم; در صورتی که می دانسـتند حرام شـده انـد، بچه ولـدالزنا است به هیچ کدام ملحق نمی شود و اگر نمی دانسـتند وطی به شبهه است بچه حلال زاده است.

س ۳۷۸: اگر چند دختر و پسـر شخصـی را وکیل نمایند که آنها را به عقد یکدیگر در آورند. آیا اجرای صیغه عقد به صورت جمع صحیح می باشد یاخیر؟ مثلا اگر عاقد بگوید: زوجت موکلّاتی لموکلینی علی المهور المعلومین.... آیا

خواندن صیغه به این صورت صحیح است یا خیر؟

ج: هو العالم; چنانچه ارکان عقد از زوج و زوجه و مهر معین و معلوم باشد و مجری عقد به همان گونه قصد کند، عقد مذکور صحیح است.

س ۳۷۹: اگر پدری بر اثر اختلاف خانوادگی و فشار توأم با کذب و هر گونه اهانات و بهتانها و فحاشی فرزندان به پدر خانه خود را ترک و در همین شهر زندگی می کند و زن بدون اذن شوهر، دختر باکره را به عقدبرادرزاده خویش درآورده که شوهرش اصلا به این ازدواج رضایت ندارد، آیا این عقد شرعاً صحیح است یا خیر؟

ج: هو العالم; چنان چه دختر بالغه و رشیده باشد و با اذن و رضایت او آن عقد واقع شده است; عقد شرعاً صحیح است چون من ولایت پدر را بر بالغه رشیده قبول ندارم به خصوص در صورتی که پدر بدون وجه صحیحی امتناع از ازدواج با مرد کفو او بنماید و مادر هم اختیار ندارد و در مورد سئوال چنان چه مادر بدون نظر دختر او را شوهر داده، آن ازدواج باطل است. خلاصه میزان نظر خود دختر است.

س ۳۸۰: اگر زن مهریه خود را با حضور بینه ببخشد بعد از مدتی از آنچه را که بخشیده به زوج برگردد، و آیا می تواند رجوع کند یا نه؟ با قصد لوجه الله و ثواب و بدون قصد، آیا فرق دارد یا نه؟

ج: هو العالم; هبه زن به شوهرش لازم است و قابل رجوع نیست .

بلوغ

س ۳۸۱: اگر پسر بچه ای چند سال قبل از رسیدن به سن طبیعی بلوغ با خود استمنا

کند و از او منی خارج شود، آیا شرعاً او بالغ محسوب می شود یا نه؟

ج: هو العالم؛ خروج منی به هر کیفیتی باشد، موجب بلوغ است و شرعاً او بالغ محسوب است.

س ۳۸۲: زهار چیست و خواهشمند است دقیقاً بفرمایید حکم شرعی آن چیست؟

ج: هو العالم؛ زهار شرمگاه را گویند که اطراف یا خصوص پشت ذکر و فرج است، روییدن موی خشن در آن محل یکی از علامات بلوغ است.

نفقه

س ۳۸۳: آیا زن در عده وفات مستحق نفقه از اموال شوهرش می باشد.

ج: هو العالم؛ خیر، مستحق نفقه نیست، ولی اگر حامله باشد به عنوان نفقه اولاد باید به او داده شود به هر حال در صورت عدم حمل استحقاق ندارد.

س ۳۸۴: آیا نفقه زن که به گردن شوهر می باشد شامل غذا، پوشاک و مسکن می باشد و چیزهای دیگر از قبیل مسافرت بردن همسر، کفاره روزه های زن در ایام مسافرت را شامل می شود یا خیر و یا کفاره روزه های خود را از مال خود پرداخت نماید یا خیر؟

ج: هو العالم؛ نفقه واجب شامل غذا، پوشاک و مسکن و پول حمام در صورت حاجت که در خانه ممکن نباشد. تنظیف و مصارف ولادت و اجرت طبیب و دواء و امثال اینها می باشد.

س ۳۸۵: ملاک اساسی نشوز زن چه می باشد. زن در حال نشوز که معلوم نیست به خانه شوهر برگردد، آیا حق دارد جهیزیه خود را مطالبه کند. آیا نشوز اضطراری به این معنا که زوج آن قدر زوجه خود را اذیت کند که زوجه نتواند متحمل آن شود و بدون اجازه شوهر از خانه بیرون

رود، مسقط نفقه هست یا نه؟

ج: هو العالم؛ نشوز عبارت است از عدم تمکین از جماع و از مقدمات آن یعنی سایر استمتاعات. خود نشوز مانع از نفقه است، و زن بدون اجازه نمی تواند بیرون برود.

س ۳۸۶: پدری دارم دو زن اختیار کرده، از زن اول چهار دختر و دو پسر دارد که اکنون چهار دختر ازدواج نموده اند و دارای فرزندانی می باشند و پسرها هم ازدواج کرده و دارای فرزندانی بوده و پسر اولی بازنشسته بسیج و پسر دوم ستوان دوم سپاه می باشند و هر دو خانه مسکونی نیز دارند. اما زن دوم یک دختر دارد که اکنون شوهر اختیار کرده و دارای دختری می باشد و ۶ پسر که پسر بزرگ طلبه و پسر دوم درجه دار نیروی انتظامی و سومی هم از کمیته امداد وام گرفته و اکنون مغازه لبنیاتی دارد. اما سه پسر دومی یکی سربازی رفته و دومی امسال در کنکور سراسری قبول شده و سومی در حال حاضر سرباز می باشد. اما پدرم از اول عمرش کار و کاسبی نداشته و از دسترنج دو برادر بزرگمان امرار معاش نموده و اکنون یک خانه مسکونی و یک قطعه زمین در مجاورت این خانه مسکونی دارد و خود پدرم و مادرم از مددکاران کمیته امداد می باشند و امرار معاش می نمایند. در این اواخر پدرم سرناسازگاری با مادرم و ۳ تا برادر مجردم که در این خانه مسکونی سکنی دارند، گذاشته و می خواهد زمین مسکونی در مجاورت خانه را خود تصاحب و خانه را به بقیه واگذار نماید. لطفا مشروحا تکلیف مادرم را با سه برادر

مجردم که در این خانه سکنی دارند روشن کنید. آیا نباید پدرم نفقه مادرم را بپردازد و تکلیف این دو تا خانواده که ۴ تا متزوج ۲ تا صاحب خانه و ۲ تا مستأجر و ۳ تا با پدر و مادرم در این خانه سکنی دارند روشن کنید.

ج: هو العالم؛ با بیان این خصوصیات که نوشته اید، نمی شود حکومت کرد. باید پدر حاضر باشد، جریان را بگوید، بعد حکم کرد.

س ۳۸۷: آیا مرد می تواند از نفقه فرار کند؟

ج: هو العالم؛ خیر، نمی تواند.

عقیقه نمودن برای فرزند

س ۳۸۸: عقیقه کردن چه حکمی دارد و وظیفه پدر و مادر و دیگران چیست. خلاصه ای از ویژگی های آن را بیان فرمایید. و آیا والدین می توانند از گوشت عقیقه فرزندشان بخورند و آیا عقیقه دعایی دارد اگر دارد آن دعا را بیان فرمایید.

ج: هو العالم؛ عقیقه کردن از مستحبات است و بهتر است برای پسر گوسفند یا گاو یا شتر نر و برای دختر، ماده ذبح شود و برای سلامتی نافع است و تاکید شده است که تا روز هفتم باشد، ولی بعد از آن هم خوب است و اگر پدر و مادر عقیقه نکردند و بچه بالغ شود، مستحب است خودش عقیقه کند و مستحب است عقیقه به صفات قربانی عید اضحی باشد و مکروه است خانواده از گوشت آن بخورند و کراهت شدید می شود نسبت به پدر و مادر و بین آن دو نسبت به مادر شدیدتر می شود. بهتر است استخوان آن را نشکنند مستحب است یک سوم یا یک چهارم به قابله داده شود و اگر قابله نباشد صدقه بدهند، و بقیه

را یا آب گوشت بپزند و اقلا ده نفر را طعام دهند یا آنکه گوشت آن را بین فقراء تقسیم کنند.

لقاح مصنوعی

س ۳۸۹: چون تولید مثل انسان با لقاح مصنوعی به نحوی از انحا با افعال مکلفین ارتباط دارد و آثار علمی و اجتماعی بر آن مترتب است، هم از نظر حکم تکلیفی (جواز و حرمت) قابل بررسی است و هم از نظر احکام وضعی (قرابت، نسب، توارث و...) و در حقوق ایران نیز تدوین قوانین و مقررات خاص ضروری به نظر می رسد.

با توجه به اینکه اخیرا بین فقهاء شیعه موضوع مذکور مطرح گردیده و گروهی بر جواز آن فتوا داده اند و در تاریخ ۲۹/۴/۸۲ «قانون نحوه اهداء جنین به زوجین نابارور» به تصویب مجلس شورای اسلامی و درتاریخ ۸/۵/۸۲ به تایید شورای نگهبان رسیده است، در حال حاضر لازم به نظر می رسد مباحث علمی در زمینه احکام وضعی به ویژه نسب متمرکز گردد تا علاوه بر رفع ابهامات موجود در قانون مصوب وضیعت حقوقی کودکان به دنیا آمده روشن و پیشنهاداتی به مراجع قانونی جهت تدوین آیین نامه های اجرایی ارایه گردد.

روش های متداول در مراکز درمانی ناباروری با توجه به اختلالات موجود در سیستم تولید مثل زنان و مردان به شرح ذیل است:

۱ زوج، فاقد اسپرم بارور است، ولی زوجه از نظر تخمک و رحم سالم است و برای درمان ناباروری، تلقیح با اسپرم مرد بیگانه، خواه در داخل لوله رحمی و خواه در محیط آزمایشگاهی ضروری است.

۲ تخمک زوجه نابارور است، ولی اسپرم زوج بارور بوده و زوجه توانایی حمل جنین و زایمان را داراست و برای درمان ناباروری

باید از تخمک اهدایی بیگانه استفاده شود.

۳ اسپرم زوج و تخمک زوجه نابارور است و رحم توانایی حمل جنین و زایمان را داراست و برای درمان ناباروری اهدای جنین بیگانه (زوجین) ضرورت دارد.

۴ اسپرم زوج و تخمک زوجه بارور است، ولی رحم زوجه نمی تواند جنین را حمل کند و برای درمان ناباروری زن دیگری خواه دارای شوهر و خواه بدون شوهر حمل را تا زمان زایمان در رحم خود نگهداری وبه صاحبان جنین تحویل می دهد.

با توجه به ادله اجتهادی و فقاهتی و قواعد و اصول عقلی و حقوقی مستدعی است با ذکر ادله مورد استناد به پرسش ذیل پاسخ دهید:

سؤال: با توجه به اینکه نسب حقیقت شرعیه ندارد و عرف آن را از واقعیات خارجی انتزاع می کند و اینکه در تولید مثل انسان، زن دو نقش را ایفا می کند، (نقش تخمک و نقش رحم) و آشکار شدن این تمایز یک امر جدید و نتیجه پیشرفت علوم است و درلسان روایات و مضمون آیات چنین تفکیکی به طور روشن به چشم نمی خورد لطفا نظر خودتان را در زمینه انتساب کودک به صاحب تخمک و صاحب رحم بیان کنید.

ج: هو العالم؛ موضوعاتی که در لسان شرع گرفته شده است، منزل بر متفاهم عرفی است. و در هر موردی نظر شارع مقدس برخلاف آن باشد تصریح به آن می کند.

در مورد سؤال احکامی که مترتب است بر نسب شارع مقدس نه تنها اشاره به دخالت تخمک ننموده، بلکه در آیه کریمه انّ امهاتهم الا اللائی و لدنهم تصریح نموده است به اینکه تمام موضوع پرورش در رحم است و اما نبوی شریف

الولـد للفراش ای الزوج و الزوجه چون قاعـده ای است در مورد شـک در اینکه بچه مسـتند به منی شوهر است یـا اجنـبی و در مورد سوال جنین نیست بنابراین قطعاً به حسب ظاهر ادله کودک منتسب بصاحب رحم است.

س ۳۹۰: اگر زوجینی که مشـکل باروری دارنـد، نطفه خود را در رحم زن دیگر مثلاً خاله زوج پرورش دهند، آیا شـرعاً جایز است؟

ج: هو العالم؛ چنانچه این عمل انجام شود بچه حرام زاده نیست و ملحق به پـدر می شود و مادر او هم خاله زوج است نه زوجه ولی تکلیفاً خلاف احتیاط است.

س ۳۹۱: آیـا کاشـتن نطفه مرد در رحم زن خود، برای بچه دار شـدن جایز است یا نه؟ و آیا جایز است، برای حفظ آبروی زن به دست نامحرم این عمل انجام دهد؟

ج: هو العالم؛ کاشـتن نطفه اشـکال ندارد ولی با دست نامحرم جایز نیست، مگر آنکه با دست لمس موضع را ننماید و نظر هم نکند که هر دو بعید است.

س ۳۹۲: پس از اثبات تعلق نطفه به مردی (به وسـیله اقرار زوج یا همسـرش) و تولد فرزندی از این نطفه، چنانچه مرد ادعا کند که همسـرش بـدون اطلاع او نطفه اش را به خواهر مطلقه خود می داده و او به خودش تلقیـح می نموده و حاصل آن فرزنـدی شده است. حتی با توجه به بعید بودن این نحوه انتقال نطفه و لقاح نهایتاً به وجود آمدن فرزند:

۱- آیا فرزند مورد نظر ملحق به صاحب نطفه می باشد؟

۲- آیا فرزند مشمول حقوق شرعی پدر و فرزندی از قبیل حضانت، نفقه و ارث می گردد؟

ج: هو العالم؛ ۱- در

صورت احراز آن که این بچه از نطفه آن مرد است، بلی، ملحق به او است. تکراراً می گویم که اگر احتمال آن که نطفه از فرد دیگری باشد داده نشود، ملحق به او است.

۲- و مشمول جمیع حقوق شرعیه پدر و فرزندی می باشد، و از جهت مادر، ملحق به خواهر مطلقه می باشد که در رحم او پرورش یافته.

سقط جنین

س ۳۹۳: آیا اسقاط حمل در هر مرحله از تکامل و رشد با حسن نیت و با هدف حفظ حیات مادر و یا سلامت جسمی یا روحی ایشان صورت گیرد آیا مجاز است و مستلزم مسئوولیت کیفری نیست؟

ج: هو العالم؛ اسقاط حمل فی نفسه حرام و دیه هم ثابت است، ولی چنانچه مزاحم با لزوم حفظ حیات مادر بشود و ثابت شود ولو با قول اهل خبره که در صورت عدم اسقاط، جان مادر در خطر است، به مقتضای قاعده باب تزاحم، اسقاط حمل جایز است و اگر مزاحم با سلامت مادر شود، بعد از ولوج روح جایز نیست و قبل از آن چنانچه سلامتی مادر خیلی شدید از بین برود بلی جایز است والا جایز نیست و در موارد جواز مسئولیت کیفری ندارد.

س ۳۹۴: آیا پس از حصول اطمینان از معلول بودن جنین توسط سه پزشک متخصص متدین قبل از ولوج روح می توان جنین را به خاطر منافع جنین، والدین و جامعه سقط نمود یا خیر. پس از ولوج روح چطور؟

ج: هو العالم؛ بعد از ولوج روح جایز نیست، و قبل از ولوج روح در صورت تضرر جامعه و یا والدین و یا خود جنین به ضرر معتد به، یا عسر

و مشقت معتنی به جایز است.

س ۳۹۵: اگر به تشخیص پزشکان متخصص، تنها راه نجات جان مادر سقط جنین یا فسخ بارداری باشد، وظیفه پزشکی که دارای تخصص لازم در این امر است چیست؟ در صورت توجه تکلیف، مسئولیت کیفری دارد یا خیر؟ آیا باید دیه بپردازد یا خیر؟

ج: هو العالم; در صورت جواز دیه نه بر پزشک و نه بر مادر ثابت نیست و در صورت عدم جواز چنانچه مادر یا پدر از پزشک بخواهند که او اسقاط حمل نماید مانند امر به اتلاف مال است که آمر ضامن است در این مورد هم طبیب ضامن نیست.

س ۳۹۶: تشخیص خطر اساسی بر جان مادر به عهده مادر است یا پزشک و معیار چیست؟ در بارداری متضمن خطر جدی تنها اوضاع و احوال و شرایط قبل از زایمان معیار است یا اوضاع و احوال و شرایط پس از زایمان هم می تواند مبنای تصمیم قرار گیرد؟

ج: هو العالم; معیار نظر هر کدام است که خطر بر او ثابت شود چه قبل از زایمان چه بعد از آن. و از طرق ثابت شدن بر مادر قول پزشک متخصص است.

س ۳۹۷: چنانچه احراز شود ادامه بارداری منجر به بروز صدمه دائمی شدید برای سلامت جسمی یا روحی زن باردار (حرج کامل) خواهد شد، قبل از ولوج روح سقط جنین جایز است یا خیر، پس از ولوج روح چطور؟

ج: هو العالم; قبل از ولوج روح جایز است و بعد از آن مجرد حرج مجوز نیست. بلی حرج شدید غیرقابل تحمل موجب جواز است.

زنا

س ۳۹۸: اگر زن آلت بچه مّمیز یا غیر مّمیز را داخل فرج خود کند،

آیا حکم زنا را دارد یا نه؟

ج: هو العالم; نسبت به زنی که شوهر ندارد، بلی و نسبت به محصنه، خیر یعنی رجم و سنگسار ندارد.

س ۳۹۹: مردی زنای محصنه انجام داده است، یعنی مردی همسردار با زن شوهردار عمل نامشروع انجام داده اند و بعد از فاش شدن این عمل، شوهر زانیه زنش را طلاق می دهد و بعد از اتمام عدّه، مرد زانی با همان زن زانیه ازدواج می کند. آیا این عمل سبب حرام موبّد می شود یا نه و آیا عقد ایشان باطل است یا صحیح است؟

ج: هو العالم; تمام فقهاء فتوا داده اند به این که این زن بر زانی حرام مؤبّد است و عقد او باطل است، ولی من فتوا ندارم و احتیاط ترک آن است.

طلاق

س ۴۰۰: در طلاق زن، اگر بعداً ثابت شود که دو شاهد عادل، فاسق بودند و زن نیز بعد از عده ازدواج کرده بود، حکم مسئله چیست؟

ج: هو العالم; آنچه فعلا استنباط نمودم، چنانچه فسق آنها در زمان اجراء صیغه طلاق به دلیل شرعی ثابت شود معلوم می شود طلاق باطل بوده است.

س ۴۰۱: اگر زوجی مجبور به اجازه اجرای صیغه طلاق شده و صیغه طلاق توسط محضردار جاری شود، در این صورت صیغه طلاق صحیح است یا خیر؟ ضمناً زوج در هنگام صدور رأی دادگاه به قاضی وقت آقای... با صراحت کامل اعلام کرده است که راضی به صدور حکم طلاق نمی باشد و برگه صورت جلسه طلاق توافقی با وجود تهدید و فشار خانواده زوجه توسط زوج امضاء شده است؟

ج: هو العالم; در صورتی که اکراه نباشد، رضایت باطنی و

اظهار آن موجب بطلان طلاق نیست.

س ۴۰۲: چه مواردی شامل مکروه بودن زوج در اذن به صیغه طلاق می شود؟

ج: هو العالم; در صدق اکراه چند امر معتبر است: ۱ اینکه مکره او را مجبور کند و دستور به طلاق دهد. ۲ ضرر متوعد بر مکره حقی نباشد، مثلا اگر بگوید: «طلاق بده والا مطالبه مهر و نفقه می کنم» صدق اکراه نمی کند. ۳ مکره احتمال ترتب ضرری که به آن تهدید شده را بدهد. ۴ واداشتن او به طلاق منضم به توعید به ضرر باشد.

س ۴۰۳: با توجه به اینکه مهریه، دینی است بر عهده زوج و در عرف مردم، غالباً زوجه طلب مهریه نمی کند و مهریه به عنوان یک سنت الهی نوشته و مشخص می شود، با توجه به مطلب فوق، آیاتهدید کردن زوج را، مبنی بر به اجرا گذاشتن مهریه با توجه به عدم استطاعت زوج در پرداخت نقدی مهریه و ایجادمشکلات وتنش های فوق العاده که در این زمینه به وجود می آید، ملحق به مکره بودن زوج می شود یا خیر؟ در فرض مزبور حکم صیغه طلاق را بیان فرمائید؟

ج: هو العالم; از جواب مسأله قبل معلوم می شود که در این مورد صدق اکراه نمی کند.

س ۴۰۴: اگر زوج تحت فشارهای بسیار شدید عصبی و روانی ایجاد شده توسط اطرافیان و علی رغم میل باطنی، اذن به جاری شدن صیغه طلاق دهد، در این صورت حکم صحت و عدم آن و همچنین ادعا و انکار زوج را بیان فرمائید؟

ج: هو العالم; چنانچه سلب اختیار بشود اعتباری به آن طلاق نیست والا معتبر است.

س ۴۰۵: در فرض

عدم صحت طلاق، آیا ادعای زوج در رابطه با عدم صحت و همچنین ادعای اکراه، از نظر شرعی مسموع است یا خیر؟ و در صورت انکار زوجه، حکم شرعی را کاملا بیان فرمائید.

ج: هو العالم; صاحب ادعاها چنانچه بینه دارد قبول است والا ـ قسم متوجه منکر می شود. اگر قسم بخورد انکار او ثابت می شود، و اگر قسم نخورَد و مدعی، قسم بخورد ادعای او ثابت می شود والا خیر.

س ۴۰۶: با فرض بطلان صیغه طلاق، آیا زوجه می تواند ادعای مهریه کند. با توجه به اینکه ایشان مهریه خویش را جهت اجرای صیغه طلاق بخشیده اند؟

ج: هو العالم; بلی، چون بخشیدن مهریه به ازای طلاق صحیح بوده و در صورت عدم صحت مالك مهریه است و می تواند مطالبه کند.

س ۴۰۷: اختلافی بین زوجین ایجاد شده و متاسفانه اطرافیان زوجین با سخنان خویش باعث بزرگنمایی غیرقابل تصور اختلاف شده و طوری وانمود شده که زوجین صلاحیت زندگی با یکدیگر را ندارند و جو ایجاد شده طوری متشنج می باشد که امکان اصلاح وجود ندارد و از طرفی خانواده زوجه در پی جدایی هر چه سریع تر زوجین هستند، حال اگر زوج در محضر حاضر شده(با توجه به مکره بودن) و در حالی که غیر قاصد هم می باشد اذن به اجرای صیغه طلاق دهد به این نیت که صحبتهای اطرافیان و تحریک آنها برای جدایی تمام شده و به قول معروف جو مناسب شده تا دوباره بین زوجین اصلاح صورت گیرد، در فرض مذکور حکم صیغه طلاق و همچنین حکم ادعا و انکار زوج و زوجه را به صورت کاملا مشروح بیان فرمائید.

ج: هو العالم; اختلافات مشارالیها موجب صدق اکراه نیست و ادعای غیر قاصد بودن مسموع نیست و اگر صیغه طلاق صادر شده، صحیح است و چنانچه بخواهند ازدواج نمایند، باید دو باره صیغه ازدواج خوانده شود.

س ۴۰۸: اگر شخصی با دختری نامزده شده باشد و صیغه عقد دائم خوانده شود و سپس دخول وتصرفی انجام نگرفته باشد، بخواهد مرد او را طلاق بدهد، آیا نفقه مدتی که نامزد بوده می رسد یا نمی رسد و اگر بر فرض شرط کرده باشند بعد از شش ماه عروسی کنند، ولی بر اثر بعضی از مشکلات از طرف مرد یا زن بوده باشد و عروسی نکنند و به خانه شوهر نبرند باز نفقه می رسد یا نمی رسد، و آیا در نظر فقهاء نسبت به نفقه غیر مدخول بها اختلاف هست یا نه؟

ج: هو العالم; دخول شرط وجوب نفقه نیست، ولی تمکین زن به دخول شرط است و در مدت نامزدی چون به حسب ظاهر زن تمکین نمی کند، قهراً نفقه واجب نیست و اگر شرط کنند که تا مدتی عروسی نکنند، قهراً شرط می شود که مرد هم نفقه ندهد، به هر حال اگر زن تمکین نموده و شرط تأخیر نبوده و مرد خودش دخول نکرده، در آن مورد نفقه واجب می شود.

س ۴۰۹: اگر زن مهریه خود را از زوج ابراء می کنـد تـا او را طلاق بدهد، بعد از طلاق از ابراء خود برمی گردد، آیا طلاق رجعی منقلب می گردد؟

ج: هو العالم; اگر مادامی که در عده است بر گشت، مرد هم می تواند بر گردد، یعنی طلاق رجعی می شود.

روابط زن و مرد

(ت) س ۴۱۰: دست

دادن زن به مرد نامحرم چه حکمی دارد؟

ج: هو العالم; مصافحه بدون حائل جایز نیست.

س ۴۱۱: حکم توهین به زن و بر عکس چه می باشد و اختلاط زن و مرد در زمان ساخت فیلم سینمایی چه حکمی دارد؟

ج: هو العالم; ۱ توهین مسلمان به مسلمان جایز نیست. ۲ اختلاط زن و مرد، چنانچه مستلزم ارتکاب محرمی نباشد فی نفسه اشکال ندارد.

س ۴۱۲: روابط مردان در محل کار آزاد با زنان اجنبی مثل شغل زرگری و غیره با مساله نظر چگونه است؟

ج: هو العالم; اجتماع زن و مرد اگر ملازم با حرام باشد، جایز نیست والا اشکالی ندارد.

س ۴۱۳: بیرون رفتن دختران نامزد (در خانه پدر بودن) به همراه عقد دائم بدون اجازه شوهر جایز است یا خیر؟

ج: هو العالم; بیرون رفتن زن شوهردار، بدون اجازه شوهرش جایز نیست.

س ۴۱۴: اگر زن بدون اجازه شوهر بیرون رفت و معامله کرد، آیا معامله او صحیح است یا نه؟

ج: هو العالم; بلی، صحیح است.

س ۴۱۵: آرایش کردن بانوان در بیرون از خانه یا سرکار و درس، چه حکمی دارد و ابرو برداشتن که در میان بانوان مرسوم است چه حکمی دارد و آیا پوشاندن آن الزامی می باشد؟

ج: هو العالم; آنچه موجب تحریک قوای شهوانی اجانب بشود، جایز نیست. بلی، چنانچه مأمون از این مفاسد باشد آرایش کردن و ابرو برداشتن اشکال ندارد.

س ۴۱۶: صحبت کردن دختر و پسر از طریق اینترنت به صورت نوشتاری و در چارچوب مسائل روزمره چه حکمی دارد؟

ج: هو العالم; اشکال ندارد.

حجاب

س ۴۱۷: استفاده از لباس هایی که به تن می چسبند چه حکمی دارد؟

ج: هو العالم; فی

نفسه اشکال نـدارد. ولی برای خانمها در صورتی که در منظر نامحرم قرار گیرند، اشکال دارد. چون موجب تهیج قوه شـهویّه نامحرم می شود.

س ۴۱۸: اگر زن در خانه ای باشد که احتمال می رود نامحرم بیاید آیا لازم است قبل از آمدن او حجاب بپوشد؟

ج: هو العالم؛ لازم نیست. مگر آنکه احتمال عقلائی به آمدن بدهد. در این صورت لازم است.

س ۴۱۹: آیـا تاکنون هیـچ عالمی از علمای اسـلام نسـبت به لزوم حجاب و وجوب تستّر بر زنان با قطع نظر از حـدود و ثغور و کیفیت و کمیت آن، خـدشه نموده است، و نمایان بودن زیر گلو و مقداری از مو، برآمدگی های سـینه و قسـمتی از پایین بدن برای هنرپیشـگان زن چه حکمی دارد، و بعضـی در خصـوص حجـاب بـانوان می گوینـد که نزد پسـرهای زیر ۱۵ سال رعایت حجاب به طور کامل لازم نیست، آیا صحیح می باشد؟

ج: هو العالم؛ ۱- هیچ عالمی چنین فتوایی نداده است. اصل حجاب برای زن از ضروریات است.۲- و نمایان نمودن موارد ذکر شده جایز نیست.۳- تحفّظ از دیدن پسر غیربالغ در صورت مأمون بودن از نظر شهوانی لازم نیست.

س ۴۲۰: حجـاب مرد در برخورد بـا زن نـامحرم را بیـان فرماییـد. آیـا پوشـیدن لبـاس بـدون آستین یا آستین کوتاه طبق عرف متـداول جایز است، و اسـتفاده کردن از مواد خوشـبو کننـده برای بانوان هنگام رفت و آمد در خیابان ها و معابر و مغازه ها چه حکمی دارد؟ و آیا زن می تواند با اجازه شوهرش آرایش کند و به جمع نامحرمان بیاید؟

ج: هو العالم؛ هر عملی که موجب تهیّج قوه شهویّه جوانان شود،

بر زن جـایز نیست ولو شوهرش دسـتور دهـد و در غیر این صورت موارد ذکر شـده اشـکال نـدارد و امـا پوشـیدن لباس آستین کوتاه برای مرد اشـکال ندارد. بلکه بدون آستین هم برای مرد اشکال ندارد، ولو اینکه برای زن جایز نیست به بالای دست مرد در صورت عریان بودن نگاه کند.

س ۴۲۱: معنی آیه مبـارکه الا ماظهر منها در مورد حجاب چیست؟ آیا بیرون گذاشـتن صورت و دست و پا با معنی عورت چه فرقی دارد.

ج: هو العـالم; برای الامـا ظهر منهـا در آیه، معـانی متعـددی ذکر شـده است. امـا وجه وکفّین در صورتی که وجه خیلی جالب نباشد و زینت نشود و موجب هیچ قوه شهوانی جوانان نباشد، نظر به آنها جایز است والا جایز نیست.

س ۴۲۲: خانم هایی که حجاب اسلامی را رعایت نمی کنند، لباس تنگ می پوشند، موها را بیرون می گذارند یا با لباسی مثل بلوز و شـلوار بیرون می آینـد، آیـا وظیفه حـاکم مبـارزه بـا آنهاست. چه مجازاتی بایـد برای آنها اعمال شود؟ آیا در حکومت اسـلامی می توان مکان هایی را به عنوان مراکزی که در آنجا زنان و مردان آزادانه رابطه جنسـی داشته باشند مقرر نمود. و آیا چنین پیشنهادی در اوایل انقلاب مطرح شد؟ از طرف چه کسی؟

ج: هو العالم; ۱ نهی از منکر بر عموم افراد و در رأس آنها بر حاکم اسـلامی لازم است و چنانچه بدون تعزیر، نهی از منکر اثر نکند بر خصوص حکومت اسـلامی لازم است مجازات هایی را به عنوان تعزیر به نحوی که صلاح مجتمع بداند تعیین نماید. ۲ در مجازاتها افراد غیر مأمور نباید دخالت نمایند، چون

هرج و مرج می شود، ۳ و از احدی پیشنهاد تعیین محل هایی که آزادانه رابطه جنسی برقرار شود، نشنیدم که پیشنهاد نموده باشد.

احکام لواط

س ۴۲۳: شخصی با کسی عمل شنیع لواط انجام می دهد و بعد دخترش را به عقد او در می آورد آیا این ازدواج به نظر معظم له حلال است یا حرام مؤبد.

ج: هو العالم؛ خواهر و دختر ملوط بر لواط کننده با شرایطش حرام است، ولی دختر و خواهر لواط کننده بر ملوط حرام نیست.

تراشیدن ریش

س ۴۲۴: تراشیدن صورت با تیغ یا با ماشینی که مثل تیغ از ته می تراشد چه حکمی دارد؟

ج: هو العالم؛ حرام است.

س ۴۲۵: شکل دادن به موها یا ریش ها که امروزه رواج دارد چه حکمی دارد؟

ج: هو العالم؛ حرام نیست.

س ۴۲۶: آیا تراشیدن ریش با تیغ و یا ماشین ریش تراشی که از ته محاسن را می تراشد جایز است یا خیر و آیا تراشیدن محاسن با ماشین در حد متعارف که ریش اطلاق شود، جایز است یا خیر و تراشیدن قسمت هایی از ریش به اصطلاح غربی ها پروفسوری چه حکمی دارد و اجرتی که برای تراشیدن ریش پرداخت می شود جایز است یا خیر؟

ج: هو العالم؛ تراشیدن ریش با تیغ یا ماشین که موجب سلب ریش شود، و همچنین تراشیدن قسمتی از آن حرام است. ولی ماشین کردن در صورتی که عرفاً بر باقی صدق ریش بکند اشکال ندارد.

احکام حیوانات

س ۴۲۷: اگر پس از ذبح حیوان شک کنیم که آیا چهار رگ را بریدیم یا نه تکلیف چیست؟ حیوان حلال است یا حرام؟

ج: هو العالم؛ به مقتضای قاعده تجاوز و فراغ حکم به حلیت می شود.

س ۴۲۸: کشتن گربه هایی که ایجاد مزاحمت می کنند چه حکمی دارد؟

ج: هو العالم؛ حتی المقدور نکشید، در صورت اضطرار اشکال ندارد.

س ۴۲۹: حکم فضله لاک پشت چه می باشد؟

ج: هو العالم**;** پاک نیست.

س ۴۳۰: آیا خوردن گوشت خرگوش مکروه است یا حرام؟ چرا؟

ج: هو العالم**;** حرام است. چون کما فی الخبر از مسوخ است.

س ۴۳۱: ماهی هایی که در کارخانجات به شکل تن در می آیند و از خارج از کشور وارد می

شوند چه حکمی دارند؟

ج: هو العالم؛ چنانچه از بلاد اسلامی باشد و یا بدانند زنده از آب گرفته شده است، حلال است والا حرام است.

س ۴۳۲: به علت نزدیک بودن چراگاه ها اگر حیوانات در چراگاه های یک دیگر بروند:

۱- در این فرض کشتن و اذیّت کردن حیوانات جائز است یا خیر؟

ج: هو العالم؛ جائز نیست.

س ۴۳۳: اگر حیوانی را بکشند، قیمت آن را ضامن می شود یا خیر؟

ج: هو العالم؛ بلی، ضامن می باشد.

س ۴۳۴: سگ های بی صاحب که در کوچه و خیابان می گردند و چه بسا باعث ترسیدن زن و بچه مردم می شوند، آیا کشتن چنین سگهایی جایز است؟

ج: هو العالم؛ بلی جائز است.

غصب

س ۴۳۵: اگر زنی که تابع شوهرش است در سفر، به خانه پدر شوهر که مرحوم شده برود و خانه ارثی است و معلوم نیست تمام ورثه راضی باشند، آیا زن در صورت حرج اطاعت از شوهر نکند و چه باید کرد؟

ج: هو العالم؛ قهراً تزاحم بین حکمین است. ظاهراً اطاعت واجب نیست و نباید به آن خانه برود.

عهد و قسم

س ۴۳۶: اگر شخصی مفاد قسمنامه را کذباً امضاء کند یعنی مفاد آن در مورد امضاء کننده صادق نباشد ولی به دروغ روی مصالحی یا به اعتقادبه اینکه چون من قسم را بر زبان جاری نکردم پس اشکالی ندارد به هر حال امضاء کرد یا انگشت زد آیا گناه کرده و کفاره دارد؟

ج: هو العالم؛ چنانچه ظاهر امضاء این باشد که قسم می خورم با شرایطی که قسم دروغ دارد، ظاهراً هم معصیت است و هم کفاره دارد.

س ۴۳۷: کسی که در حال غضب قسم می خورد و بر قرآن دست می زند یا اینکه قرآن از دست او می افتد، آیا اهانت به قرآن کرده و کفاره دارد؟

ج: هو العالم; کفاره ندارد، اهانت قهری هم حرام نیست.

نذر

س ۴۳۸: آیا در نذر شرعی خواندن صیغه لازم است یا نه ؟

ج: هو العالم; لازم نیست.

س ۴۳۹: اگر زن از مال خودش بخواهد نذر کند بازهم اجازه شوهر لازم است یا نه؟

ج: هوالعالم;بلی اجازه شوهرشرط صحت نذراست.

س ۴۴۰: نذر کردن در مورد موضوعاتی مثل فوتبال و مثلا برای پیروزی فلان تیم نافذ است یا خیر؟

ج: هو العالم; خیر نافذ نیست.

س ۴۴۱: اگر انسان قسم بخورد یا نذر یا عهد کند که ۴ رکعت نماز مستحبی مانند عصر، ۳ رکعت نماز مستحبی مانند مغرب، ۱ رکعت نماز مستحبی مانند نماز وتر بخواند، بیان نمایید خود این قسم یا عهد یا نذر و عمل به آن چه حکمی دارد؟

ج: هو العالم; نذر باطل است و عمل به آن تشریع محرم است.

س ۴۴۲: اگر کسی در نذر صیغه نخواند یا بلد نباشد ولی منظورش نذر کردن باشد، آیا

عمل به آن بر وی واجب است؟

ج: هو العالم؛ بلی، واجب است.

(گنگ) س ۴۴۳: در مورد دیگر اموال فوق الذکر نظر معظم له چیست؟

ج: هو العالم؛ صدقات و رد مظالم و نیز موقوفات عامه را می توان مصرف نمود. سهم سادات را نمی توانند و از سهم مبارک امام ارواحنا فداه یک سوم را می توانند، صرف نمایند.

س ۴۴۴: لطفاً برای اشخاصی که اهل وجوهات شرعیه مانند (خمس و زکات) نیستند، نصیحتی مرقوم فرمایید؟

ج: هو العالم؛ کسی که به حکم الهی اعتنا نمی کند، نصیحت من چه تأثیری می تواند داشته باشد.

وقف

س ۴۴۵: لطفاً نظر مبارک را بیان فرمایید: باغی است که درختان، دیوارها، و ساختمان آن ملک شخصی می باشد و زمین آن قطعا وقف مدرسه علمیه آن منطقه است، لکن وقفنامه اش ظاهراً مفقود شده و به همین جهت متولی و نحوه و مورد صرف ثمره، مشخص نیست.

اولا: با این شرایط تولیت آن فی الحال تعلق به چه کسی دارد؟

ج: هو العالم؛ تولیت با مجتهد جامع الشرایط است.

س ۴۴۶: ثانیاً: آیا عدول مؤمنین و بعض اهل علم، می توانند با تعذر از دست یافتن به متولی، تولیت آن را برعهده بگیرند؟

ج: هو العالم؛ خیر نمی توانند چون با وضع فعلی تصور نمی شود که دسترسی به مجتهد نباشد.

س ۴۴۷: ثالثاً: موقوف علیهم (با اینکه اجمالا مدرسه علمیه است) طلاب مدرسه می باشند یا بناء مدرسه، یا باید به طور کلی وقف تعلق به مصالح مدرسه گیرد؟

ج: هو العالم؛ باید در آنچه مربوط به مدرسه می باشد اعم از طلاب و بناء مدرسه و مصالح آن صرف شود.

س ۴۴۸: رابعاً: محصول به

عمل آمده از این باغ، چه مقدارش، تعلق به موقوفه دارد؟ (در حالی که زمین از موقوفه و آب، درختان و کار شخصی است)؟

ج: هو العالم; حق شخص به مقدار اجرت کار و پول آب می باشد بقیه تعلق به موقوفه دارد.

س ۴۴۹: خامساً: آیا این زمین را می شود اجاره کرد یا باید عقد مضاربه، برقرار کرد؟ اولویت با کدام یک است؟

ج: هو العالم; بلی، می شود اجاره کرد و مانعی ندارد.

س ۴۵۰: برای بعضی مساجد و حسینیه ها تعداد زیادی ساعت و یا وسائل مستعمل و غیرمستعمل را وقف می کنند در صورتی که مسجد لازم نداشته باشد می توان آنها را تبدیل به احسن کرد یا خیر؟

ج: هو العالم; بلی، می توان تبدیل نمود.

س ۴۵۱: استفتاء و استعلام می گردد که شخصی زمین خود را به همسرش هبه نمود. سپس همسر، زمین رابه تولیت شوهرش و بعد از او اولاد ارشد ذکور مورد وقف یک مسجد و سه باب مغازه که آنها را فروخته و سرقفلی آنها را به همراه دیگر منافع جهت مخارج مسجد از قبیل خادم قرار داده و یک باب آپارتمان در بالای مغازه ها جهت خدمه مسجد (وقف) نموده است. سپس بعد از ۹ ماه طی وقف نامه ای دیگری منافع مغازه ها و آپارتمان را از وقف نامه اول خارج و محدود به همان ۹ ماه و آن را متعلق به همسرش تا پایان عمر نموده است.

عنایت فرمایید که آیا این نحوه وقف شرعا جایز است یاخیر؟

به وقف اول باید عمل نمود یا دوم؟

ج: هو العالم; چنانچه بعد از تمام شدن وقف، قبض هم محقق شده باشد،

میزان وقف اول است، و اگر نشده است واقف با وقف ثانی وقف اول را باطل کرده است و میزان وقف دوم است.

س ۴۵۲: آیا می توان محلی را به مدت ده سال به عنوان مسجد وقف نمود که بعد از آن به ملک واقف یا ورثه اش برگردد؟

ج: هو العالم؛ بلی وقف موقت بنظر ما صحیح است.

س ۴۵۳: کسانی که در ملک موقوفه زندگی می کنند اجاره ساختمان و مصرف خانه و زندگیشان از ملک موقوفه باشد دیگران می توانند در آن خانه نماز بخوانند یا مهمان شوند یا خیر؟

ج: هو العالم؛ بلی می توانند بروند آنجا و نماز بخوانند.

س ۴۵۴: آیا واقف مسجد مجاز است که مسجد را فقط برای اقامه نماز بسازد و حق انجام هرگونه فعالیتی همچون کلاس های قرآن، معارف، آموزش اذان و برنامه های عقیدتی و آموزشی را خصوصاً از نوجوانان عزیز سلب نماید؟

ج: هو العالم؛ اگر بعد از وقف بخواهد منع از فعالیت های دیگر که به آنها اشاره شده است بنماید، حق ندارد.

وصیت

س ۴۵۵: شخصی که تعدادی اولاد صغیر و عقب مانده دارد، این چنین وصیت می نماید که: ثلث اموالم را بدین صورت قراردادم که پس از مرگم مردم به طور متعارف به خانه ام رفت و آمد نموده و تصرفاتی را از قبیل: اکل و شرب و استفاده از ظرف و فرش و امثال این ها، نمایند و همین تصرفات به عنوان ثلث محسوب گردد آیا چنین وصیتی جائز و صحیح و مستحسن می باشد یا خیر؟ (البته چنین تصرفاتی به حسب معمول تاسال ها به مقدار ثلث نخواهدرسید.)

ج: هو العالم؛ وصیت مذکور

صحیح و جائز است. آن مصارف را از ثلث محسوب نمایند و زاید بر آنها را صرف خیرات و مبرات نمایند، مگر آن که بدانند که مراد آن موصی این بوده است که فقط این مصارف ذکر شده از ثلث مالی که این حق را در آن دارم محسوب گردد. در این صورت زاید بر آن مصارف مال ورثه است.

س ۴۵۶: زنی که خدمت خانه می کند و در عوض چیزی از شوهرنمی گیردآیا شوهر می تواند وصیت کند که از اصل مال بعدازمرگش به زنش چیزی بدهند.

ج: هو العالم؛ بلی می تواند وصیت کند که غیر از ارثیه به او مقداری پول بدهند به شرطی که زاید بر ثلث نباشد.

س ۴۵۷: اگر مرد وصیت کرد فرزند من که به دنیا آمد اگر پسر بود ۵۰ هزار تومان به او بدهید و اگر دختر بود ۱۰۰ هزار تومان و به مادر ۱۰۰ هزار تومان بدهید، بعد از آن مادر دو فرزند پسر و دختر آورد، آیا به مادر چیزی می رسد یا نه؟

ج: هو العالم؛ باید به هر دو سفارش عمل شود و چنانچه آن مقدار وجه زیادی بر ثلث باشد و ورثه امضاء نکنند وجه آن دو نقض توزیع می شود.

س ۴۵۸: مردی وصیت بر ثلث کرده (ثلثی که معین است یکصد و پنجاه هزار تومان) که اگر عیالم دختر به دنیا آورد ۵۰ هزار تومان سهم دخترم و ۱۰۰ هزار تومان سهم عیالم و اگر پسر به دنیا بیاورد ۱۰۰ هزار تومان سهم پسرم و ۵۰ هزار تومان سهم عیالم باشد. متاسفانه عیالش بعد از فوت دو قلو زاییده سهم فرزندان و عیال

از ثلث معین چقدر است؟

ج: هو العالم؛ یکصد پنجاه هزار تومان، نصف آن مال عیال است و پنجاه هزار تومان که ثلث است مال پسر و بیست و پنج هزار تومان مال دختر.

س ۴۵۹: اگر کسی وصیت کرد بعد از مردن مرا در بقیع ببرید و دفن کنید اگر راه بسته بود و مانع بود چه کار باید کرد؟

ج: هو العالم؛ وجوب عمل به وصیت ساقط است. در محل دفن کنند و یا جای دیگر، مختارند.

س ۴۶۰: مؤمنی به وصیّ خود وصیت نموده است که ثلث ترکه او را برای وی در خیرات و مبرات خرج نماید و وصی هنگام فوت موصی ترکه او را پس از تحقیق در حدود دوازده میلیون تومان قیمت گذاری نموده است، ولی ثلث را از ترکه جدا ننموده و تا به حال یک میلیون تومان از ثلث را برای مصالح میت خرج نموده و مابقی آن در ضمن حصه وراث باقی می باشد و اخیرا قیمت ترکه بالا رفته و به حدود شصت میلیون تومان بالغ شده است. حال سؤال این است که چون ثلث از ترکه جدا نمی باشد و قیمت باقی ثلث که خرج نشده به تبع بالا ـ رفتن قیمت کلی ترکه بالا ـ رفته، آیا الان باید قیمت هنگام وفات را مدنظر قرار داد و طبق آن باقی ثلث را محاسبه و اخراج نمود یا طبق قیمت فعلی، باقی ثلث را باید محاسبه و اخراج کرد؟

ج: هو العالم؛ چنانچه وصیت به ثلث ترکه نموده نه به قیمت آن و ترکه هم الان باقی است باید قیمت فعلی بقیه ثلث را حساب نموده و اخراج کنند. بلی، چنانچه

بعد از موت موصی با ورثه معامله نموده به این نحو که تمام ترکه در اختیار شما و دو میلیون پول ثلث در ذمه شما باشد در این صورت میزان قیمت هنگام وفات است.

ارث

س ۴۶۱: کلاله امّی در چه صورت ارث می برد، سهم الارث آن چه قدر می باشد؟

ج: هو العالم; خواهر امی که از دسته دوم وراث است و در صورتی که میت، برادر و خواهر پدر و مادری و برادر و خواهر پدری هم داشته باشد، ارث نمی برد و خواهر پدری در بعضی صور ارث نمی برد و مقدار ارث خواهر مادری را در توضیح المسائل نوشته ام، مراجعه نمایید.

س ۴۶۲: شخص وصی می تواند وصیت میت را از اصل مال بدون اذن ورثه اداء نماید؟

ج: هو العالم; اگر به مال معین وصیت نموده، اذن ورثه لازم نیست و اگر معین نیست قهرا مال مشترک است و اجازه آنها معتبر است.

س ۴۶۳: زمینی که آثار جوی آب داشته و هفتاد سال قبل کشت و زرع می گردیده آیا بدون اذن تمام وراث آن زمین کسی می تواند آن زمین را تصرف نماید و مالک شود.

ج: هو العالم; زمین بایری را که سالها صاحبانش کشت ننموده و معطل مانده است، می شود بدون اذن وراث مالک سابق کشت نمود.

س ۴۶۴: شخصی در سالهای قبل مبلغی جهت حج تمتع واریز نموده و بنا بوده است که در سال ۸۲ به حج مشرّف شود، در همان سال به علت تصادف فوت نموده است. ورثه فعلاً قدرت مالی ندارند حج آن را اداء نمایند، آیا می شود فیش آنرا بفروشند و در سال آتی

که پدر متوفا به حج مشرف می شود در آنجا نایب الزیاره تعیین نماید یا خیر؟ لطفا نظر مبارک اعلام فرمایید؟

ج: هو العالم؛چنانچه واجب الحج بوده، قهراً آن پول مال خودش است. باید بدهند و نایب، حج انجام دهد، و اگر واجب الحج نبوده و وصیت هم نکرده است، پول مال ورثه است، آنها مختارند. می توانند نایب بگیرند و نایب حج را انجام دهد و همه وراث باید به نایب گرفتن حاضر باشند.

س ۴۶۵: مؤمنی دارفانی را وداع گفته و از او یک همسر و چند فرزند باقی مانده که دوتای آنها غیر رشیدند و از طرف دیگر ارثیه و ماترک میت تقسیم و سهم هر کدام از ورثه متعین نشده و مادرشان (یعنی همسر میت) وصی میت می باشد. آیا با توجه به اینکه وصی باید در مصرف اموال این دو شرط غبطه را رعایت کند می تواند از میراث مشاع برای ازدواج فرزندان رشید و بالغ استفاده نماید یا باید اول تقسیم و تعیین صورت گیرد و بعد از حق و سهم هر یک از فرزندان رشید برای ازدواج آنها استفاده نماید؟

ج: هو العالم؛ تقسیم لازم نیست. همین که رعایت غبطه می نماید به اضافه آنکه از اموال زیادتی از حقشان داده نشود، کافی است. مثلاً اگر پول نقد دارد و از مردم هم طلب دارد، پول نقد را به فرزندان رشید بالغ و دیون را بر صغار نگذارد.

س ۴۶۶: در صورتی که حکم بر تعیین سهم هر کدام در عین خارجی است، سؤال این است که با توجه به اینکه این دو فرزند غیر رشید به خاطر ضرورت رسیدگی وصی (مادرشان)

به آنها بایـد با مادرشان زنـدگی کنند، آیا باید مادرشان غذا و پوشاک آن دو و خود را از هم جدا سازد و باید غذا و پوشاک و رختخواب آنهـا و خود را مسـتقیما از مـال شخصـی خود و مـال شخصـی آنها تهیه نمایـد و یا لازم نیست و می توانـد غـذا و پوشاکشان و رختخوابشان مخلوط باشد؟

ج: هو العالم; لازم نیست جدا شوند و مخلوط زندگی کنند اشکال ندارد.

س ۴۶۷: پـدری می خواهـد که مایملک خود را که یک خانه مسـکونی و یک قطعه زمین شـهری می باشد ما بین همسـر و ۷ فرزندش تقسیم کند. به خود پدر و فرزندانش که پسر می باشند چقدر می رسد؟

الف) آیا فرزندانش حق مخالفت دارند یا خیر؟

ب) حد و مرز تادیب فرزند کدام می باشد؟

ج: هو العالم; پدر چنانچه در حال حیات باشد و اموالش را تقسـیم کرده، اشـکال ندارد و اختیار با او است و هر مقدار بخواهد می توانـد تعیین کنـد و کسـی حق مخالفت نـدارد و اگر تملیک می کنـد، بعـد از وفات به مقـدار ثلث حق دارد و در دو ثلث دیگر وصیتش نافذ نیست مگر آنکه ورثه اجازه دهند.

و مقدار تأدیب فرزند امری است عرفی یعنی حدی که جلوی فساد او را بگیرد.

س ۴۶۸: اگر زنی بمیرد و اولاد نداشته باشد حکم مال و اموال او چیست؟

ج: هو العالم; چنانچه شوهر یا ورثه دیگر داشته باشد به آنها می رسد، والا مال امام زمان (عج) است.

س ۴۶۹: اگر فرزندی قبل ازپدرش فوت کند آیا به فرزندان فوت شده ارث می رسد؟

ج: هو العالم; چنانچه آن فوت شده فرزند دارد، از او

به فرزندان فرزند ارث نمی رسد. ولی اگر مالی از پدرشان داشته، ارث می برند.

س ۴۷۰: زن فوت کرده، دختری از شوهر اوّل و پسری از شوهر دوم دارد. منتهی هر چه که ارث از پدر دختر از زمین و غیره باقی مانده بوده، و تحت ید مادرش بوده تحت تصرف شوهر دوم قرار گرفته، حال از مجموع اموال مادر و ارثیه پدرش به دختر یک سهم و به برادر دو سهم داده اند. این صحیح است یاخیر؟

ج: هو العالم; به نحوی که نوشته اید، صحیح نیست. چون اموال پدر دختر در دست مادرش بوده، مقداری از آن مال دختر است. باید رعایت بشود. بلی، چنانچه به نحوی مادر در زمان شوهر دوم مالك آن اموال شده باشد ولو به بخشیدن دختر یا خرید از او تقسیم صحیح است.

س ۴۷۱: شخصی در موقع حیات خود منزل خود را در روستای سیلاچای در حضور حقیر جهت حسینیه در محل وصیت فرمودند، ولی به علّت مهاجرت اهالی به شهرستان ها و کوچکی محل مورد استفاده قرار نگرفته و ساختمان آن خراب شده و هنوز هم صیغه وقف جاری نشده، آیا اجازه می فرمایید وراث و وصی آن مرحوم محل مزبور را واگذار نموده و

وجه آن را به مصارف خیرات و باقیات صالحات در مسجد محل یا

جای دیگر در حق آن مرحوم به مصرف برسانند؟

ج: هو العالم; به آن گونه که مرقوم فرمودید آن منزل برای حسینیه تعیین شده است. ولی چون به آن نحو که وصیت شده است مورداستفاده قرار نمی گیرد، باید صرف در امور خیریه دیگر بشود. لذا جنابعالی مجازید که با وراث

معـامله نمائیـد، وجه آن را در صورت امکـان در همـان محـل مصـرف نموده و اگر امکـان نـدارد در جـای دیگری صـرف در حسینیه یا مسجد بنمایید و می توانید ورثه را وکیل خودتان قرار دهید که تصرف نمایند.

س ۴۷۲: اراضـی زراعی اربابی جهت کشت و کاردر اختیار رعیت قرار گرفته بود که رعیت فوت نموده، یکی از ورّاث عهـده دار وظیفه متوفی در کشت و کار گردیده تا زمان الغای رژیم ارباب و رعیت، تا جایی که از مسـئولین امور اصـلاحات ارضی، سند مالکیت دریافت نموده، حکم ادّعای سهم سایر وراث قبل از صدور سند و بعد از صدور را بیان فرمایید؟

ج: هـو العـالم؛ زمین را که در اختیـار رعیت برای کشت گذاشـته بودنـد، موجب ملکیت یـا آن که حقی بر او ثـابت شود نمی باشد که حتی بعد از موت آن رعیت حقی ثابت باشد.

بنابراین ورثه حقی ندارنـد و اما صدور سـند مالکیت که مسـئول امور اصـلاحات اراضـی داده است، اولا نمی دانم چنین حقی داشته و علی فرض آن که حق داشته، به هر کس سند مالکیت داده، او مالك است و دیگران هیچ حقی ندارند.

س ۴۷۳: خانمی فوت شده، برادرزاده و خواهرزاده پدر و مادری دارد و همچنین خواهرزاده پدری هم دارد، آیا با داشتن برادر و خواهرزاده پدر و مادری خواهرزاده پدری ارث می برد یا خیر؟

ج: هـو العـالم؛ خواهرزاده پـدری در صورتی که بـا خواهرزاده پـدر و مـادری جمع شود ماننـد خود خواهر پـدری در صورت اجتماع با خواهر پدر و مادری ارث نمی برد.

دیات

س ۴۷۴: اگر جانی، دندان مصنوعی شخص را در آورد؟ آیا باید

قصاص شود یا دیه آنرا بدهد؟

ج: هو العالم؛ در این مورد رجوع به حکومت می شود یعنی حاکم شرع آنچه را صلاح بداند که مناسب باشد، تعیین می کند که بپردازد.

س ۴۷۵: حداقل دیه به نظر شما چه ....۲است؟

ج: هو العالم؛ دیه اقسامی دارد: دیه نفس، دیه اعضاء، دیه منافع و... بنابر این باید مراجعه شود به رساله عملیه که کدام یک از آنها حداقل است.

س ۴۷۶: دیه مقتول خمس دارد یا خیر؟

ج: هو العالم؛ دیه مقتول احکام ارث را دارد. میراث ما لا یحتسب خمس دارد و ما یحتسب خمس ندارد.

س ۴۷۷: دیه کامل یک انسان چه مقدار است و آیا دیه قتل عمد و شبه عمد را می توان با پول محاسبه کرد؟

ج: هو العالم؛ یکی از مصادیق آن ده هزار درهم، هر درهم (۶ نخود) که هر ده درهم مساوی است با پنج مثقال و ربع مثقال نقره مسکوک و بپرسند که هر درهم چند قِران است می توانند پول آن را حساب کنند.

س ۴۷۸: ۱ اگر شخصی ضربتی به صورت کسی بزند که سیاه شود، ۱ آیا می توان بگوید عوضش را بزن. ۲ و جرح بر گردن، دیه دارد یا ارش. ۳ و آیا در شکستگی استخوان با قسامه دیه ثابت می شود یا نه؟

ج: هو العالم؛ ۱ در ضربت به صورت می شود مقابله به مثل نمود. ۲ و دیه جرح بر گردن در بعضی موارد مانند آنکه گردن کج شود یا موجب مانع شدن از جویدن شود، ثابت است. ۳ در غیر این موارد ارش ثابت می شود.

س ۴۷۹: آیا صبی ممیز می تواند از جنایتی که

بر او شده عفو کند یا دیه و یا قصاص کند؟

ج: هو العالم؛ خیر، نمی تواند و ولی او هم نمی تواند مگر در بعضی موارد که گفته اند می تواند دیه بگیرد.

س ۴۸۰: احتراماً با توجه به محتویات دادنامه و سند رسمی... تنظیمی در دفتر اسناد رسمی... و با توجه به اینکه امضا کننده سند رسمی مذکور که طبق دادنامه اشاره شده فوق محکوم به قصاص نفس گردیده (حدود یک سال پس از آزادی از زندان و نجات یافتن از مساله قصاص و مختومه شدن پرونده مربوطه) در حالت صحت و اختیار، بدون اکراه و اجبار و بدون هیچگونه قید و شرطی ضمن معرفی نمودن خود به عنوان معاون در قتل، شرعاً و قانوناً رضایت کامل خود را نسبت به کلیه اولیای دم مقتول مورد نظر اعلام نموده و حق هر گونه اعتراض و یا دعوی حقوقی (مالی) و کیفری علیه اولیای دم آن مقتول را از خود ساقط کرده و صریحاً اقرار داشته که طی مدت ۱۱ سال نیز باعث وارد آمدن خسارات هنگفتی بر اولیای دم گردیده، این سؤال مطرح است که:

۱ چنانچه شرعاً و قانوناً ثابت شود که قاتل شخص دیگری بوده، آیا از نظر شرعی امضا کننده سند رسمی فوق الذکر حق مطالبه وجوهی که خود و یا بستگانش (حدود یکسال قبل از تنظیم آن سند) تحت عنوان خسارت و یا وجه المصالحه و حق الزحمه به اولیای دم پرداخته و از آن رضایت گرفته را دارد یا خیر؟

ج: هوالعالم؛ با خصوصیاتی که نوشته شده است، حق مطالبه وجوه را ندارد.

۲ چنانچه امضاء کننده سند رسمی مذکور ضمن استفاده از

اینکه دیگر اولیای دم حق مراجعه به دادگاه جهت تقاضای قصاص وی را ندارند، با اختیار خود و یا احیاناً به خاطر ترس از قاتل واقعی فرضی، مجدداً اتهام قتل را بر عهده بگیرد و با انجام این کار در واقع موجب تبرئه قاتل فرضی و تضییع حق اولیای دم گردد و یا باعث شود که اولیای دم برای به اثبات رساندن حق خود و محکوم و یا قصاص کردن قاتل واقعی باز هم دچار مشکلات و متحمل خساراتی شوند، آیا از نظر شرعی وی ضامن پرداخت دیه مقتول و یا خسارات وارده مجدد بر اولیای دم خواهد بود یا خیر؟

ج: هو العالم؛ خیر، ضامن نیست، چون رضایت گرفته است.

عیدالزهراء

س ۴۸۱: آیا برگزاری مراسم عید الزهرا (س) در شرع مقدس اسلام جایز است؟

ج: هو العالم؛ بلی جایز و مستحسن است به شرط عدم ارتکاب مُحرمی.

س ۴۸۲: آیا کف زدن و یا رقص در این مراسم جایز است؟

ج: هو العالم؛ کف زدن جایز و رقص زن بر زن و مرد بر مرد جایز است ولی رقص زن بر مرد (غیر شوهر) و مرد بر زن (غیر زن خود) جایز نیست.

س ۴۸۳: در شرایط کنونی آیا برگزاری این مراسم با وحدت مسلمین منافات ندارد؟

ج: هو العالم؛ برگزاری مراسم درمنازل و جاهایی که غیر شیعه نیستند و اگر در رادیو و تلویزیون پخش نشود، هیچ منافاتی با وحدت ندارد. البته تعبیر وحدت هم صحیح نیست.

کف زدن

س ۴۸۴: اگر کف زدن در عروسی ها و غیر آنها، سبب رقص شود (رقص آور باشد) چه حکمی دارد؟

ج: هو العالم؛ آواز رقص آور و غنا است و حرام است. کف

زدن رقص آور اشکال ندارد.

س ۴۸۵: کف زدن حکمش چه می باشد؟

ج: هو العالم; جایز است.

س ۴۸۶: کف زدن زن ها در مجالس زن ها جایز است یا خیر؟

ج: هو العالم; بلی، جایز است.

س ۴۸۷: کف زدن در میلاد ائمه اطهار(علیهم السلام) شرعاً چه حکمی دارد؟

ج: هو العالم; فی نفسه در صورتی که اهانت به آن بزرگواران نباشد، جایز است.

س ۴۸۸: آیا حضرت عالی کف زدن در میلاد ائمه(علیهم السلام) راتجویز و تأییدمی کنید؟

ج: هو العالم; بلی، بسیار عمل خوبی است، چنان چه رعایت شود که مرتکب مُحرمی نشونند و به نحوی باشد که موجب اهانت به ائمه(علیه السلام)نباشد.

عزاداری

س ۴۸۹: در این چند سال اخیر در غیر روز عاشورا و روز اربعین حضرت سید الشهداء سلام الله علیه و آخر روزهای ماه صفر در مشهد مقدس (قمه زنی) مرسوم شده است آیا با موازین شرعی سازگار است یا نه؟

ج: هو العالم; اشکال ندارد، تعظیم شعائر است، خوب است.

س ۴۹۰: گاهی دیده می شود در بعضی مجالس جهت عزاداری ده شب اول ماه محرم مداحی دعوت شده و مبلغی حدوداً یک الی چهار میلیون تومان به او پرداخت می شود .ضمناً بعضی از مداحین قبلا مبلغ مذکور را قطعی می کنند و چک می گیرند. آیا پرداخت این مبلغ پول ها با وجود فقرای نیازمند و لزوم احتیاجات اولیه اشکال شرعی دارد؟

ج: هو العالم; چنانچه این وجه از پول های معین شده برای عزاداری نباشد و از مال شخصی خودشان باشد، اشکال شرعی ندارد. و، اگر این مبلغ را به مداح ندهند و به فقرا بدهند (که معمولا چنین نیست) کار خوبی است.

س ۴۹۱: در

مجالس یاد شده با توجه به پرداخت مبالغ زیادی به مداح جهت برپائی مجلس روضه و منبر به روحانی و مبلغ احکام شرعی مبلغ کمتری پرداخت می کنند و همه افراد در جریان این موضوع هستند. آیا این کار باعث هتک روحانیت نیست؟

ج: هو العالم; خیر هتک روحانیت نیست. مقام روحانیت آنقدر عظیم و شریف است که این گونه اعمال کوچک تر از آن است که اهانت به آن باشد والا مردم در مجالس عقد به آوازه خوان خیلی زیادتر از عاقد پول می دهند.

س ۴۹۲: استفاده از شیپور، طبل، سنج، دُهُل، چه حکمی دارد؟

ج: هو العالم; استفاده از آنچه از آلات لهو است بهتر است استفاده نشود.

س ۴۹۳: اگر کسی به نمازهای یومیه اهمیت ندهد به عنوان ترک یا استخفاف به نماز و در عین حال در عزاداری شرکت و مبالغ زیاد خرج کند و ادعای شفاعت حضرت سیدالشهداء(علیه السلام) و ترک نماز صبح چه حکمی دارد؟

ج: هو العالم; ترک نماز غیر جایز است و در استخفاف به نماز امام صادق(علیه السلام) فرمودند: لاینال شفاعتنا من استخف بصلاته - ولی خرج کردن در عزاداری اشکال ندارد.

س ۴۹۴: اگر برپایی مجلس عزاداری باعث اذیت و آزار دیگران از جمله همسایه ها شود یا برپایی یک مجلس باعث بی نظمی و بر هم زدن و هتک مجلس دیگری شود، چه حکمی دارد؟

ج: هو العالم; اذیت مؤمنین جائز نیست، ولی اقامه مجلس تشریفاتی که باعث شود مجالس دیگران بی رونق شود، اشکال ندارد.

س ۴۹۵: دیده می شود افرادی در عزاداری امام حسین(علیه السلام) فعالیت می کنند و پول خرج می کنند در عین حال بعد از

اتمام مجلس عزاداری در مجالس خصوصی گناه می شوند من جمله استعمال مواد مخدر می نمایند چه حکمی دارد؟

ج: هو العالم؛ عمل اولشان خوب است و عمل دوم بد است. بدی آن تأثیر درعمل اول نمی کند.

س ۴۹۶: در ایام دهه محرم که گوسفند زیاد ذبح می شود و باعث جریان خون مخصوصاً در فصل زمستان می گردد و آلودگی افراد لاابالی و بچه های صغیر و ندانستن مسئله وگاهاً ورود به مجالس در مساجد را در پی دارد چه حکمی دارد؟

ج: هو العالم؛ اشکال ندارد. ولی باید در منابر تذکر داده شود که رعایت کنند.

س ۴۹۷: شرکت زنان در ایام عادت در عزاداری و نشستن در معابر و کوچه ها به علت عدم جواز حضور در مسجد و با عبور و مرور افراد لاُابالی و بی بند و بار چه حکمی دارد؟

ج: هو العالم؛ چنانچه خود زن ها رعایت موازین شرعیه را بنمایند، اشکال ندارد.

س ۴۹۸: سر و صدای زنان در نماز جماعت ومجلس روضه و عزاداری در صورت شنیدن نامحرم و بر هم زدن مجلس چه حکمی دارد؟

ج: هو العالم؛ اشکال ندارد.

س ۴۹۹: نظر خود را در مورد قمه زنی بفرمایید.

ج: هو العالم؛ عملی است بسیار خوب و از شعائرالله است و من یعظم شعائر الله فانها من تقوی القلوب.

س ۵۰۰: در روایات متعدد آمده که گریه بر سیدالشهداء باعث غفران جمیع ذنوب می باشد ولو ذنوب خیلی زیاد باشد. بعضی تعجب می کنند که چه طور ممکن است که چند قطره اشک باعث بخشوده شدن گناهان بزرگ باشد. امیدواریم که توضیح بفرمایید.

ج: هو العالم؛ این جملات در مقام بیان مقتضی مانند

آنکه «آتش می سوزاند» می باشد. همان طوری که این جمله شرائطی دارد مانند مماسه و موانعی مانند رطوبت که با عدم شرط و وجود مانع، سوزنده نیست; همین طور این جمله که گریه بر امام حسین(علیه السلام)موجب غفران ذنوب است شرایطی دارد از قبیل عقاید حقه و ندامت از گناهان گذشته و بنا داشتن بر عدم ارتکاب آن ذنوب در زمان های آینده و ادای حق الناس و...

س ۵۰۱: استفاده از علامت های آهنی، قمه زنی و تبلیغ و توزیع و نصب عکس ها و پوسترهای تصاویر منتسب به اهل بیت هر کدام چه حکمی دارد؟ جداگانه مرقوم بفرمایید.

ج: هوالعالم; قمه زنی از اعمال حسنه و از شعائر مذهبی است و نصب عکس بدون انتساب جزمی اشکال ندارد.

س ۵۰۲: در موقعیت کنونی آیا فکر نمی کنید که فتوا به جواز قمه زنی کمی به دور از واقع بینی و آینده نگری باشد و حتی در عبارت شما آمده من احسن التعازی با این حجم وسیعی از توهین ها و اتهامات که به شیعه نسبت می دهند، شما دیگر آتش این اتهامات را تندتر نکنید. قمه زنی در حال حاضر حرام مسلم است. اگر به سربلندی شیعه می اندیشید، باید این گونه فتواها را تعدیل کرد؟

ج: هو العالم; نظیر نامه شما نامه آمده است که به نماز جماعت خصوصاً شرکت بانوان در آن جماعت اعتراض شده است با تعبیر به اینکه آیا به چه مجوزی اجازه می دهید خانم ها در حضور جماعات... بلند نموده به عنوان سجده ارائه دهند، و بعضی دیگر از معاندین هم به تیمم و بعضی دیگر به روزه اشکال نموده

اند و من خیال می کنم شما پاکید ولی گول خورده اید والا بقای دین به وسیله قیام اباعبدالله(علیه السلام)شده و احیاء آن قیام به همین گونه اعمال است و اگر شما دقت کنید در جایی که قمه زده می شود خواهید دید که مردم تا مدتی چه توجهی به دین می کنند و قهراً به سراغ تعالیم دین می روند و هر سال چه مقدار از افراد متجدد مسلک سنی مذهب به تشیع روی می آورند. در خاتمه توصیه می کنم شما اولا به این محکمی فتوی ندهید و ثانیاً چه در گفتار و چه در نوشته هایتان مؤدب باشید. انشاالله تعالی همین امشب دعا می کنم که خدا شما را هدایت کند، در فرض استجابت دعا مرا هم مطلع کنید.

انبیاء و ائمه

س ۵۰۳: با توجه به این که حرم مطهر و مضجع مقدس حضرت ثامن الحجج الامام علی بن موسی الرضا(علیه السلام) در این مملکت وجود دارد، به نظر مبارک حضرت عالی آیا بهتر نیست جامعه مداح و گویندگان مذهبی قبل از مدیحه سرایی و سخنرانی، چند بیتی در فضائل و مناقب آن امام همام بخوانند و یا جلسه را به نام مقدس حضرت غریب الغربا شروع کنند تا مردم بیشتر متوجه به مقام رفیع پاره تن رسول خدا(صلی الله علیه وآله) حضرت رضا(علیه السلام) شوند و به شکرانه این که آن حضرت به ایرانیان نظر خاصی دارند، مردم هم بیشتر متوجه به آن وجودمقدس باشند و فکر می کنم اقل شکرانه وجود مبارک آن حضرت همین باشد که به عالمیان برسانیم سلطان ایران ضامن غریبان حضرت رضا(علیه السلام)هستند و ما در پناه وجود

مبارک آن حضرت زندگی می کنیم؟

ج: هو العالم؛ البته این عمل خوب است ولی به نظر من توسل به امام زمان(علیه السلام) و دعا بر تعجیل در ظهور و استعانت به آن بزرگوار بهتر از تمام امور است.

س ۵۰۴: آیا نقاشی کردن تصاویر ائمه معصومین(ع) جایز می باشد و آیا از دیدگاه فقه اسلامی برای اثبات و احقاق حق می توان رشوه پرداخت کرد وآیا رشوه دهنده هم مجازات دارد یا خیر؟

ج: هو العالم؛ نقاشی تصاویر ائمه(علیهم السلام) با آن که مطابقت با واقع ندارد و گاهی هم ممکن است، اهانت باشد بهتر است ترک شود. اما رشوه به ازای حکم قاضی حرام است.

س ۵۰۵: بعضاً در گوشه و کنار تهران که اکنون مرکز حکومت تشیع می باشد. اخیراً مکرر در مکرر دیده و شنیده شده عده ای از افراد که دست پلید وهابیت ملحد از آستین آنها بیرون آمده در اماکن عمومی و در حضور شاهدان عینی و در بین عده ای از جوانان علنی علیه مذهب حقه شیعه ائمه اثنی عشری تبلیغ سوء نموده و برای ترویج آیین ضاله وهابیت جوانان را اغفال می نمایند و حتی صریحاً و آشکارا به ساحت مقدس حضرت علی(ع) و فاطمه زهرا(س) و امام حسین(ع) توهین و با الفاظ رکیکه فحاشی و سب نموده که قلم از تحریر آن شرم دارد. حکم این توهین چیست؟

ج: هو العالم؛ وظیفه هر فرد شیعی است که برای مقابله با ترویج باطل مبارزه منطقی بنماید و در صورت عدم تمکن با استعانت از دانشمندان این عمل را انجام دهد. همان گونه که انجمن حجتیه در مقابله با بهائیت عمل کرد و

نتایـج بسـیار بـا اهمیتی به دست آورد و امـا در مقابـل افرادی که سب حضـرات معصومین(ع) می نماینـد، چون آنهـا ناصبی و انجس از کلب هسـتند، اول به مصادر امر رجوع نماییـد و چنانچه گوش ندادند در حد قدرت خودتان و رفقایتان مبارزه نمایید و هر چه صـدمه و گرفتاری پیدا کنید، اجرتان فوق حد تصور است و مطمئن باشـید در صورتی که غیرت مذهبی شـما موجب اقدام در این امر مهم شود من از همین امروز در تمام مواقع استجابت دعا به شما جوانان دعا می کنم. وفقکم الله وایدکم.

س ۵۰۶: محل اخذ تربت سیدالشـهداء ارواحنا فداه که جایز الاکل است برای استشـفاء، و حرمت تنجیس دارد و سـجده بر آن فضـیلت دارد و برای تبرک مولود و همراه میت و مسافر و دفع خطر... اسـتفاده می شود، کجاست؟ آیا شامل غبار روی ضـریح مقدس می شود؟

آیا خاکی که از اطراف حرم مطهر سیدالشهداء(علیه السلام) جمع آوری می شود به سبب جاروب کردن حکم تربت قبر مطهر را دارد؟ و اگر خاکی ریخته شود در اطراف قبر مطهر و جمع آوری شود آیا حکم تربت دارد و صـدق تربت بر آن می کند و احکام مطلق تربت بر آن جاری می گردد؟ و روایاتی که یک میل تا ده میل اطراف قبر مطهر را جزء تربت امام حسـین شـمرده است آیا شامل تمام احکام تربت می شود یا نه؟ مهر و تسبیـح کربلا که در بازار رایـج است با علم به این که از کنار قبر مطهر نیست یا با شک در آن، واجب الاحترام است؟ و احکام تربت سیدالشهداء را داردیا نه؟

لطفاً احکام مزبوره را مفصّلا مرقوم فرمائید لکثره الابتلا و الاحتیاج و لکم الاجر و السلام.

ج: هو العالم؛ چند سؤال نموده اید که به ترتیب جواب داده می شود: ۱- تربتی که جائز است خوردن آن برای استشفاء و مقید است به آنکه زاید بر قدر حمصه نباشد آن است که از قبر و ما جاوره عرفاً باشد و محتمل است تا هفتاد ذراع - و اما آنچه در روایات تحدید شده بسبعین ذراع - و سبعین باعا فی سبعین باع - یا به میل - و یا چهار میل- و در بعضی کتب فقهاء: روی اربعه فراسخ و روی ثمانیه، چنین روایتی دیده نشده و آن روایاتی که اشاره شد، همه اش ضعیف السند است به آنها جواز اکل ثابت نمی شود. ۲- چنانچه آن خاک ها کم شود و خاک دیگری بریزند باید مدت زمانی بگذرد که تربت قبر الحسین(علیه السلام) یا طین الحائر بر آن عرفاً صدق کند و اما مقدار خاکی که با جاروب جمع می شود، ظاهراً حکم تربت ندارد. ۳- اما مهر و تسبیح کربلا که رایج است ظاهراً از هر کجای قبر و اطراف آن تا چهار میل فضیلتی که در روایات ذکر شده را دارد. ۴- بقیه احکام غیر لزومی مانند حکم مهر و تسبیح است.

س ۵۰۷: بعضی از علما می گویند که پیکر مقدس ائمه(ع) در قبر نیست و در عرش اعلای خداوند است و از آنجا به محل دفن ظاهری خود به زوار عنایت می کنند. آیا این حرف صحیح است و یا روایاتی در این باب داریم که بدن نازنین امام علیه

السلام در قبر می باشد؟

ج: هو العالم؛ در اینکه بدن آن بزرگواران بعد از دفن به عرش برده می شود، شبهه نیست. خلاف در این است که به قبر برمی گردانند یا همانجا می ماند؟ مشهور این است برمی گردانند، ولی شیخ مفید و صدوق و جماعتی دیگر از بزرگواران معتقدند که برنمی گردانند، ولی توجه خاصی به محل دفن دارند.

س ۵۰۸: زیارت عاشورا با صد لعن و صدسلام آیا معتبر می باشد؟

ج: هو العالم؛ بلی، معتبر است با اینکه در مستحبات دلیل معتبر لازم نیست، بلکه اگر یک روایت غیرمعتبر هم باشد در ثبوت استحباب کافی است چون روایات زیادی از پیغمبر اکرم(ص) وارد شده است که اگر برای یک امر مستحبی، یک خبر ضعیف هم رسید، شما عمل کنید، من ضامنم که ثوابی که آن روایت متضمن است به شما داده خواهد شد.

س ۵۰۹: خواندن زیارت جامعه کبیره در حرم حضرات معصومین(ع) یا در غیر آنجا (مثلاً در مساجد یا در منزل یا حرم امامزادگان) به قصد ورود یا رجاء چه حکمی دارد؟

ج: هو العالم؛ به قصد رجاء بی اشکال است و در حرم حضرات معصومین (ع) به قصد ورود هم اشکال ندارد.

س ۵۱۰: سفر کردن به زیارت عتبات عالیات به صورت قانونی و یا پیاده روی از مرزهای ایرانی (غیرقانونی) چه حکمی دارد؟

ج: هو العالم؛ در صورت احتمال خطر جانی عقلایی جایز نیست والا برای مردها اشکال ندارد و اما خانم ها چنانچه قانونی باشد جائز والا جائز نیست.

استخاره

س ۵۱۱: آیا کسی که استخاره می گیرد، می تواند اجرت طلب کند یا نه؟

ج: هو العالم؛ بلی، مانعی ندارد.

س ۵۱۲: اگر شخصی بدون

مشورت بـا اهـل فن در موضوعی اسـتخاره کنـد، آیـا می توانـد پس از مراجعه به آنهـا و مشورت درباره همان موضوع دوباره استخاره نماید؟

ج: هو العـالم; اساسـاً اسـتخاره محلش بعـد از مأیوس شـدن از خیر و صـلاح فهمیـدن است. بنابراین چنانچه بعـد از مشورت بر خلاف استخاره اولی اهل فن چیزی بگویند، مخالف استخاره قبلی استخاره دومی مانعی ندارد، والا استخاره دوم مورد ندارد.

س ۵۱۳: آیا معظم له تفأل به قرآن را جایز می دانید؟ اگر جایز می دانید طریقه آن را بیان فرمایید؟ ب) همراه داشـتن قرآن در جیب و رفتن به دسـتشویی چه حکمی دارد و آیا ذکر خدا در دسـتشویی جایز می باشد و سوزاندن نام خدا را چه می فرمایید؟ ج) لطمه زدن به صورت یا سـینه در عزاداری اهل بیت(علیه السـلام) چه صورتی دارد؟ د) لطفاً نظر معظم له درباره طبل وسنج هیئتهای مذهبی و شبیه خوانی بیان فرمایید و چه مقدار جایز است انسان در عزاداری حضرت ابا عبدالله(علیه السلام) سینه بزند؟

ج: هو العالم; تفأل به قرآن در روایات نهی از آن شده است. البته تفأل غیر از اسـتخاره است. بردن قرآن در دسـتشویی چنانچه هتك باشد، جایز نیست والا اشکال ندارد. و ذکرالله حسن فی کل حال. لطمه زدن به صورت و سینه زدن و طبل و شبیه خوانی به شرط آن که موجب وهن نباشد همه جایز و خوب است.

لعن

س ۵۱۴: لعن بر دشـمنان اهل بیت ثوابش بیشتر است یا سـلام و درود فرسـتادن برای ائمه(علیهم السـلام)؟ کدامین بیشتر تأکید شده است؟

ج: هو العالم; هر دو تأکید شده است. به هر دو عمل کنید.

محرمات

س ۵۱۵: آیا استمنایی که حرام می باشد آن است که منجر به جنابت شود و یا نفس طلب به هر نحوی باشد محکوم به حرمت است ولو به جنابت نینجامد؟

ج: هو العالم; اسـتمنا از محرمات است و آن عبارت است از ملاعبه با آلت تا انزال شود و اما ملاعبه با آلت بدون قصد انزال و ملاعبه ای که به حسب عادت متعاقب به انزال نمی شود، به عبارت دیگر در معرض انزال نیست، حرام نیست.

س ۵۱۶: نشانه ریبه و شهوت در نگاه به زن نامحرم یانگاه به عکس اوچیست؟

ج: هو العالم; میل و رغبت به نزدیکی با او.

س ۵۱۷: معیار تشخیص گناهان کبیره از صغیره چه می باشد آیا برای کبیر، بودن راهی وجود دارد، اگر دارد چه می باشد؟

ج: هو العالم; به نظر ماه گناه صغیره نداریم. همان نحو که امام معصوم(ع) فرموده کل ذنب کبیر.

س ۵۱۸: آیا استفاده از خمر برای مداوا جایز است یا نه؟

ج: هو العالم؛ در غیر صورتی که اگر تداوی نکند خوف تلف نفس باشد، جایز نیست.

س ۵۱۹: کلام صاحب عروه الوثقی در حالی که محشین نیز با او موافقت نموده اند در باب (ما یوجب القضا) فرموده: کسی که قبل از طلوع فجر خمر بنوشد و سکر آن برای بعد از طلوع فجر باقی بماند، قضای روزه آن روز واجب است (سواءٌ کان علی وجه التحریم او للتداوی) که مفهومش آن

است که برای تداوی حرام نیست، آیا نظر شریف شما نیز همان است؟

ج: هو العالم; نظر ما از جواب مسئله قبل معلوم می شود.

س ۵۲۰: مصرف کردن قرص های تحرّک زا (اکستازی) که جدیداً به طور غیرقانونی وارد کشور شده و در مجالس غیر شرعی مورد استفاده قرار می گیرد چه حکمی دارد؟

ج: هو العالم; ورود غیرقانونی و استفاده در مجالس غیرشرعی موجب عدم جواز مصرف در غیر آن مجالس نمی شود. ولی چون از قرار نقل مصرف آن موجب فلج شدن قوه انسانیت می شود و انسان را از حالت انسانیت خارج می کند مصرف آن بهیچ نحو جایز نیست.

س ۵۲۱: بازی با پاسور بدون برد و باخت چه حکمی دارد؟

ج: هو العالم; احتیاط، مقتضی است که ترک شود.

س ۵۲۲: گاهی روزنامه ها به اصطلاح خودشان افشاگری کرده و اعلام می کنند فلان شخص مثلا اختلاس کرده یا فلان خلاف را انجام داده و ما هم آن را برای دوستان خود نقل می کنیم، بعد از مدتی خلاف آن اتهام ها اثبات می شود در این جا وظیفه ما چیست و کلا در این قبیل موارد که کم هم نمی باشد چه باید کرد؟

ج: هو العالم; اشاعه فحشا و نسبت خلاف به مسلمان دادن فی نفسه جایز نیست و نقل آن در صورت عدم علم دروغ است. البته این مطلب مادامی است که نقل در روزنامه موجب اشاعه نشده است و نقل فرد در این امر تاثیر دارد والا از این جهت اشکال ندارد و از حیث دروغ هم چنان چه نقل از روزنامه بشود. رفع آن محذور هم می شود.

فیلم

س ۵۲۳:

نگاه کردن و خرید و فروش فیلم های مستهجن و مبتذل و شوهای خوانندگان و رقص آنها هر کدام چه حکمی دارد؟

ج: هو العالم; هیچکدام جایز نیست.

س ۵۲۴: آیا صرف نگهداری نقاشی ها، تصاویر و فیلم هایی که عفت و اخلاق عمومی را جریحه دار می نماید حرام است و مرتکب آن قابل تعزیر می باشد.

ج: هو العالم; در صورتی که یقین دارد که تا آخر هیچ گونه خلافی انجام نمی شود، مجردنگه داشتن حرام نیست.

س ۵۲۵: نگاه کردن به فیلم هایی که زنهای بی حجاب و آرایش کرده در آن بازی می کنند و از تلویزیون پخش می شود چه حکمی دارد، لمس و نظر جنس مخالف برای آموزش دانشجویان پزشکی چه حکمی دارد؟

ج: هو العالم; نگاه کردن به زنهای مسلمان در تلویزیون جایز نیست و اما نظر و لمس دانشجو برای تعلیم علم طب و نجات دادن مسلمانان در صورت توقف دانستن بر آنها جایز است.

س ۵۲۶: نگاه کردن به عکس زن نامحرم که حجاب کامل ندارد چه صورتی دارد و دیدن عکس زن مسلمان که حجاب ندارد با توجه به این که او را می شناسد، و بدون قصد لذت و ریبه چه حکمی دارد؟

ج: هو العالم; مقتضای احتیاط این است که نگاه نکند، ولی دیدن زن نامحرم در تلویزیون جائز نیست. چون آن غیر عکس است.

س ۵۲۷: استفاده از لباس های پیراهن و شلوار و کت و تی شرت و کفش هایی به صورت مد روز در آمده و محصولات کشورهای غربی می باشد، چه حکمی دارد؟

ج: هو العالم; فی نفسه اشکال ندارد.

س ۵۲۸: در جوامع اروپایی و غربی و

حتی عربی نوع پوشش خانم ها نسبت به قبل تغییر کرده و در عرف آنها خانم ها با دامن های کوتاه و تا بالای زانو ظاهر می شوند این مسأله در فیلم های آنها هم موجود است. حکم نگاه کردن به فیلم های سینمایی آنها به صورتی که موضوعش غیر اخلاقی نیست و مثلا جنگی یا پلیسی است چه می باشد؟

ج: هو العالم؛ نگاه کردن به فیلم هایی که بدن زنهای مسلمان را نشان می دهد ولو پا باشد جایز نیست، و اما زن غیر مسلمان چنانچه نگاه کردن با قصد ریبه باشد جائز نیست والا به مقدار مختصر مانند سر و گردن و دست تا مرفق و مرتبه پائین پا جایز است و زیادی جایز نیست.

س ۵۲۹: استفاده از ماهواره چه حکمی دارد؟

ج: هو العالم؛ در غیر از موارد خلاف شرع اشکال ندارد.

س ۵۳۰: آیا در آغوش گرفتن دختر یا پسر ممیز توسط نامحرم در صورتی که فرد نقش محرم را ایفا کند، جایز است یا خیر؟

ج: هو العالم؛ چنانچه موجب تهییج شهوت بشود که غالباً می شود جایز نیست.

س ۵۳۱: حکم زنان بی حجاب که در خیابان ها و کوچه ها هستند و اهانت به مقدسات می کنند چیست؟ و آیا فرق بین جاهل قاصر و مقصر در این مساله هست یا نه؟

ج: هو العالم؛ نظر به آنها جایز نیست .

موسیقی

س ۵۳۲: نواختن آلات موسیقی و یا گذاشتن نوارهای موسیقی چه سنتی و غیرسنتی در مساجد و تکایا در اعیاد و میلاد معصومین(ع) چه صورت دارد؟

ج: هو العالم؛ نواختن آلات موسیقی و گذاشتن نوارهای موسیقی همه اش حرام است، سنتی و غیرسنتی

فرق ندارد.

س ۵۳۳: آیا در اسلام موسیقی حلال و حرام وجود دارد؟ ملاک تشخیص کدام است؟

ج: هو العالم؛ خیر، موسیقی مطرب حلال در اسلام نداریم.

س ۵۳۴: احتراماً نظر حضرت عالی در مورد یادگیری و نواختن ساز سه تار به عنوان هنر نه به عنوان استفاده در مجالس لهو و لعب چیست؟

ج: هو العالم؛ چون یاد گرفتن بدون نواختن ممکن نیست، جایز نیست.

س ۵۳۵: نظر حضرتعالی در مورد انواع موسیقی چیست؟

ج: هو العالم؛ همه انواع موسیقی مطرب، سنتی و غیر سنتی حرام است.

س ۵۳۶: میزان شناخت موسیقی حرام از حلال به نظر معظم له چه می باشد و آیا مطلقاً موسیقی حرام می باشد یا خیر؟

ج: هو العالم؛ موسیقی که همان صوت لهوی است مطلقاً حرام است.

س ۵۳۷: حکم استماع موزیک بدون خوانندگی چه می باشد؟

ج: هو العالم؛ اشکال دارد.

س ۵۳۸: غنا در عروسی چه حکمی دارد؟ اگر با محرمات توأم باشد چه می فرمایید؟

ج: هو العالم؛ غنا در شب عروسی بر زن ها در صورتی که مرد نباشد و توأم با آلات موسیقی هم نباشد، جایز است.

س ۵۳۹: مصرف مواد مخدر در معالجات و درمان دردها مطلقا اشکال ندارد یا فقط در صورت انحصار؟ نظر مبارک را در مورد خریدو فروش مواد مخدر به خصوص تریاک بیان فرمایید؟

ج: هو العالم؛ در هر دو مورد اشکال ندارد.

س ۵۴۰: سرودهایی که در صدا و سیما پخش می شود و همراه با موسیقی و غنا است، چه حکمی دارد؟

ج: هو العالم؛ حرام است

س ۵۴۱: لهو چیست و مصادیقش کدام است؟

ج: هو العالم؛ لهو عبارت است از مشغول شدن به لذایذ شهویه و غفلت از خدا، بدون

اینکه قصد غایتی بر آن مترتب باشد و مصادیق متعددی دارد که در این مختصر نمی گنجد.

س ۵۴۲: آیا لهو حرام است؟

ج: هو العالم; لهو بما هو حرام نیست و بعضی مصادیق آن که دلیل خاص دارد، حرام است.

س ۵۴۳: استماع آلات موسیقی و غنا در مذهب شیعه اثنی عشر چگونه می باشد و هم مجلس شدن با آنها در یک مجلس چگونه است ؟

ج: هو العالم; شنیدن غنا و خواندن حرام است و در مجلس غنا مسلمان، نباید بنشیند.

س ۵۴۴: طشت زدن، دایره زدن، همراه با کف زدن و شعر خواندن در عروسی در صورتی که تحریک کننده و مفسده انگیز نباشد چه حکمی دارد؟

ج: هو العالم; غیر از دایره، بقیه اشکال ندارد.

س ۵۴۵: آیا هر «لهوی» حرام است؟

ج: هو العالم; خیر، حرام نیست.

قمار و شطرنج

س ۵۴۶: بازی کردن با آلات قمار در صورتی که قصد برد و باخت نباشد و فقط صرف بازی کردن است چه صورت دارد؟

ج: هو العالم; بازی با شطرنج حرام است ولی بقیه اشکال ندارد.

س ۵۴۷: آیا بازی با آلات غیر قمار همراه با جایزه یا پول مانند فوتبال و غیره... اشکال دارد؟

ج: هو العالم; بازی کردن با غیر آلات قمار بدون برد و باخت حرام نیست ولو جایزه بر آن قرارداده باشند.

مسائل پزشکی

س ۵۴۸: حکم استفاده ازعمل جراحی پلاستیک برای زیبایی چه می باشد؟

ج: هو العالم; مانعی ندارد.

س ۵۴۹: آیا احضار جن برای دفع یا رفع مرض جایز است یا نه؟

ج: هو العالم: اشکال ندارد.

س ۵۵۰: حدد ۷ سـال است که از طریق هیپنوتیزم در خصوص بعضـی از مسایـل از جمله مشـکلات پزشـکی و البته بـا رعایت اصول شـرعی و طهارت و وضوء هنگام انجام هیپنوتیزم مشاوره داشـته ام و الحمـدالله تاکنون موجب رضایت مراجعه کنندگان بوده است. باعنایت به اینکه اعتقاد خاص به احکام شـرعی خصوصا نظر حضـرتعالی دارم، مستدعی است نظر فقهی خود را در خصوص انجام هیپنوتیزم مرقوم فرمایید.

ج: هو العالم; خود عمل فی نفسه به نظر من اشکال شرعی ندارد، ولی اگر منطبق بر آن شود اضرار به غیر یا اینکه موجب تلف جانی یا مالی شود، حرام است و ضـمان هم دارد. و نیز اگر مشـکل پزشـکی را بخواهیـد حل کنید به عنوان حل علمی اشـکال ندارد ولی اگر دستور عملی بر طبق آنچه از این عمل کشف کرده اید بدهید و آن مریض ضرر ببیند یا تلف شود، ضمان دارد و حرام است و به هر

حال نفس عمل و حل علمی مشکل پزشکی اشکال ندارد.

س ۵۵۱: در مورد سؤال اول که ناهنجاری ها و بیماری های مادرزادی جنینی مطرح گردیده است که تشخیص آن در دوران بارداری در جنین قطعی است و داشتن و نگه داشتن چنین فرزندی موجب مشقت و زحمت شدید والدین خواهد بود و تولد چنین کودک معلول و ناقص الخلقه که دچار عقب ماندگی ذهنی و یا جسمی شدید می باشد و به شدت بیمار خواهد بود و از بدو تولد تا پایان عمر در وضع مشقت باری به سر می برد، سبب عسر و حرج برای پدر و مادر می گردد، به طوری که زن و شوهر درخواست سقط جنین می نمایند. لیست چند مورد را متذکر می شویم:

۱- میکرو سفالی(کوچکی سر) که نهایتاً منجر به کاهش رشد مغز و کوچکی مغز و سر می شود و در صورت تولد، طفل دچار عقب ماندگی ذهنی شدید خواهد بود.

۲- هیدرو سفالی که آب داخل حفرات مغزی بیش تر از حد معمول است به طوری که منجر به کاهش رشد قشر مغز می گردد و در صوت تولد، عقب ماندگی ذهنی خواهد داشت.

۳- عدم تشکیل دیواره شکم: بیرون بودن احشاء از شکم.

۴- اسپیناپیفید (باز و بسته) که سطح خارجی ستون فقرات دفاعی تشکیل نمی شود و نخاع از ستون فقرات بیرون زده یا دیده می شود و یاتوسط لایه از پوست پوشیده شده است و در صورت تولد طفل دچار فلج اندام ها خواهد بود.

۵- ناهنجاری های ژنیتیکی نظیر سندرم داون که کروموزم ۲۱ به جای دو عدد سه تا می باشد و در صورت تولد، منجر

به عقب ماندگی ذهنی و مشکلات جسمی خواهد شد.

۶- هموفیلی و تالاسمی ماژور.

۷- بیماری های عفونی نظیر سرخجه و توکسوپلاسموز که مادر حین حاملگی مبتلا گردیده و آزمایش های تکمیلی وجود قطعی بیماری در جنین را مشخص می نماید.

ج: هو العالم؛ قطعا مستحضرید که در مورد دماء احتیاط لازم است و جای جریان اصاله البرائه نیست. پس مادامی که دلیل محکمی بر جواز سقط جنین و یا زهاق روح نباشد، حرام است، و عسر و حرجی که اشاره فرمودید این مرتبه از عسر موجب رفع حرمت نمی شود، خصوصاً اگر بیان شود که خدمت به چنین نوزادی چقدر موجب ترفیع مقام اخروی می شود. شاهدش هم آن که اگر خود شخص مبتلا شود، حاضر به خودکشی نیست. والله العالم.

س ۵۵۲: در مورد سؤال دوم که مربوط به مواردی است که جنین مبتلاـ به ناهنجاری هایی می باشد که مغایر با حیات پس از تولد می باشد و امکان تشخیص قطعی آن در دوران حاملگی وجود دارد، با توجه به این که بیشتر این نوع ناهنجاری ها پس از چهار ماه تشخیص داده می شود و با توجه به این که در پایان این حاملگی قطع نظر از مدت زمانی که حاملگی به طول کشیده باشد قطعاً جنین پس از تولد و یا مدت کوتاهی بعد از تولد علی رغم اقدامات پزشکی خواهد مرد و فقط مشقت و رنج دوران حاملگی و عوارض بارداری برای مادر وجود دارد و ضمناً حاملگی بی حاصل که مادر در نهایت از وضعیت حاملگی خود مطلع است که عاقبتی جز مرگ برای جنین وی متصور نیست، نگهداشتن و پرورش چنین

جنینی در رحم برای مادر موحب عسر و حرج در طی دوران بارداری می باشد و رنج و مشقت جسمی و روحی برای زوجین دارد به طوری که زن و شوهر درخواست ختم بارداری می نمایند. در این موارد حیات جنین فقط منوط به رابطه خونی جنین با مادر است و در بعضی موارد مثل هیدورپس حتی جنین در داخل شکم مادر در ماه های پایان حاملگی ممکن است بمیرد. حال این سؤال مطرح است آیا ختم بارداری در زمان تشخیص قطعی(قبل و پس از چهار ماه) امکان پذیر می باشد لازم به ذکر است که موارد بیماری های فوق محدود می باشدو چندمورد آن به شرح زیر است:

۱- هیدروپس فتالیس: تمامی حفرات بدن جنین نظیر شکم و قفسه سینه و مغز و غیره آب آورده و اعضای بدن متورم می شود.

۲- تریزومی ۱۸ که کروموزم شماره ۱۸ جنین به جای دو عدد سه عدد می باشد و تریزومی ۱۳ که کروموزم ۱۳ جنین به جای دو عدد سه عدد می باشد که منجر به ناهنجاری های شدید مغایر با حیات می شود.

۳- آنانسفالی (جنین بدون سر و مغز).

۴- کلیه های پلی کیستیک: که کلیه های جنین بزرگتر از حد عادی و دارای کیست های متعدد و فاقد عملکرد می باشد.

۵-آژنزی کلیه ها: که کلیه های جنین تشکیل نمی گردد.

۶- عدم وجود حجاب حاجز: که روده ها و کبد و احشاء داخل شکم وارد قفسه سینه شده و جلوگیری از رشد ریه ها می نماید.

۷- ناهنجاری های متعدد در اعضای حیاتی جنین.

۸- ناهنجاری های متعدد در قسمت های مختلف سیستم عصبی مرکزی.

۹- آژنزی ریه: عدم

تشکیل ریه ها.

ج: هو العالم; در صورت احراز موت در مدت قلیل و اطمینان به اینکه در علم پزشکی احتمال دسترسی به چیزی که باعث ادامه حیات او بشود، نباشد به حسب ظاهر سقط جنین اشکال ندارد. ولی فتوی دادن صریح به جواز چنان چه سوء استفاده شود و باعث سقط جنین در هر موردی مستند به این فتوی باشد به عنوان ثانوی فتوی ندادن اولی است.

مواد مخدر

س ۵۵۳: حکم کشت و معامله زرع مواد مخدر چون تریاک چیست؟

ج: هو العالم; حرام نیست.

س ۵۵۴: آیا خرید و فروش سیگار و تریاک و امثالهم اشکال دارد؟

ج: هو العالم; چنانچه مجتهد جامع الشرایطی نهی کند، جایز نیست والا جایز است.

س ۵۵۵: همه در افغانستان تریاک کشت می نمایند و اگر نکنند در معیشت در مضیقه می افتند نظر شما در حرمت وحلیت آن چیست؟

ج: هو العالم; چنانچه حاکم شرعی با تشخیص صلاح امت اسلامی حکم به حرمت کند، جایز نیست والا مانعی ندارد.

اسراف

س ۵۵۶: آیا استفاده از سیفون در دستشویی (توالت) از مصادیق اسراف است؟

ج: هو العالم; خیر از مصادیق اسراف نیست. اسراف عبارت است از مصرف شیء بدون غرض عقلایی و بدون انتفاع شخصی یا نوعی.

احکام زمین

س ۵۵۷: آیا زمینهای موات اصلی و آب چشمه های طبیعی که در حدود و حریم قریه های کوچک می باشد از خود آن قریه است و آیا اگر یک نفر یا چند نفر با زور یا خدعه با قصد تملک تصرف نمایند آیا مالک می شوند یا خیر و آیا باقی اهالی آن قریه حق ممانعت و جلوگیری از احیای آن زمین ها را دارند یا نه؟

ج: هو العالم; زمین های اطراف آن آبادی و قریه، چنانچه حریم قریه باشد و محل چراگاه حیوانات و محل آوردن هیزم و آنچه مربوط می شود به استفاده اهالی، اهالی حق ممانعت و جلوگیری دارند و احیاء کننده ها مالک نمی شوند، والا حق ممانعت ندارند و چشمه ها هم چنانچه مورد استفاده اهالی است، کسی حق تملک ندارد.

س ۵۵۸: آیا شخص با زور یا حیله می

تواند زمین های موات و چشمه های طبیعی که در حریم قریه واقع شده را تصرّف نماید یا خیر؟ آیا اهل قریه حق جلوگیری از احیای زمین های مذکور را دارد یا خیر؟

ج: هو العالم; چنانچه حریم قریه باشد، اهل قریه می توانند جلوگیری کنند. ولی زمین موات حریم نیست، مگر آنکه موات موقت باشد و برای استفاده اهالی در صدد احیای آن باشند.

ادعای مالکیت

س ۵۵۹: اینجانب منزل خودم را به طور صوری طبق سند رسمی به نام مادرم نمودم تا بتواند از حق من دفاع کند و بعداً به خودم برگردد. اما اکنون که مادرم فوت شده، منزل مذکور هنوز به نام او باقی مانده است آیا سایر ورثه حقی از این خانه دارند؟ لطفاً حکم مسأله را بیان فرمائید؟

ج: هو العالم; چنانچه واقعاً تملیک به مادرتان نکرده اید، ورثه حقی به آن ندارند ولی به حسب ظاهر باید اثبات کنید و چنان چه به محاکمه کشیده شود، اگر بینه یعنی دو عادل شهادت بدهند به یک طرف حق با او است والا شما قسم بخورید، حق شما ثابت می شود.

مالکیت دولت

س ۵۶۰: اگر ماشین اداره در اختیار کسی باشد آیا میتواند کس دیگر سوار کند یا خیر؟

ج: هو العالم; به مقدار متعارف مانعی ندارد.

مالکیت معنوی

س ۵۶۱: کپی یا به اصطلاح «رایت» نمودن از روی نوار یا «سی دی»هایی که مالک حقیقی یا حقوقی دارند بدون اجازه آنها چه حکمی دارد؟

ج: هو العالم; جایز نیست و در صورتی که کسی بدون اجازه تکثیر نماید، مالک آن در آن چیزهایی که تکثیر شده است شریک می شود.

س ۵۶۲: در فرض مذکور در صورتی که کپی یا رایت نمودن بدون اجازه به حدی شیوع پیداکندکه اکثرمراکزفروش محصولات فرهنگی درسراسرکشوریا استان یا شهرستان بدون اجازه مالکین حقیقی یا حقوقی مبادرت به انجام آن بنمایند، در این صورت کپی یا رایت نمودن و فروش آن چه حکمی دارد؟

ج: هو العالم; در صورت مفروضه آن حقی که مالک داشت، چون دیگر از مالیت افتاده، ساقط است. بنابراین رایت نمودن و فروش آن بعد

از شیوع جایز است.

س ۵۶۳: فیلم ها و سی دی هایی که در حقیقت متعلق به اشخاص حقیقی یا حقوقی خاصی بوده، ولی با گذشت چندین سال، فعلاـ معلوم نیست صاحبان آنها در کجا هستند یا چه کسانی هستند، آیا کپی نمودن یا رایت نمودن آن فیلم ها و محصولات عموماً و در نتیجه فروختن آنها جایز است یا خیر؟

ج: هو العالم؛ بلی، جایز است و احتیاطاً از مجتهدی اجازه گرفته شود و مبلغی را به عنوان صدقه از طرف صاحبش اگر موجود باشد بدهید.

س ۵۶۴: برخی از مؤسسات فرهنگی با استخدام نیروهای مختلف و به کارگیری امکانات فراوان، اقدام به تهیه نرم افزار کامپیوتری که بعضی از آن درباره قرآن و حدیث است، می نمایند و نسخه های آن را به قیمتی که صلاح می دانند به فروش می رسانند. این مؤسسات با قرار دادن یک قفل نرم افزاری مانع از تکثیر این برنامه ها به وسیله دیگران می شوند تا فروش و سود خودشان تضمین گردد. بعضی افراد به خرید یک نسخه از این برنامه ها اقدام به باز کردن قفل آن می کنند و در نتیجه کپی و فروش آن برنامه به قیمت خیلی ارزان می کنند صحیح است یا تولید کننده حق شرط کردن عدم تکثیر از روی برنامه تولیدی خود را دارد؟

ج: هو العالم؛ چنانچه با تولید کننده شرط می کنند که این عمل را مجاز باشند انجام دهند هیچ اشکالی ندارد و نیز اگر قرارداد با هیچ یکی از دو طرف نشده باشد. ولی اگر تولید کننده شرط کند که کسی حق تکثیر ندارد و او هم عمل معتنی

به انجام داده که به واسطه آن عمل مالیت پیدا کرده است، خریدار حق تکثیر ندارد. و الله العالم.

اطاعت پدر و مادر

س ۵۶۵: در صورتی که فرزند به دلیل سخت گیری والدینش کارهایی را که خلاف شرع هم نیست، ولی با نظر والدین او مخالف است انجام دهد و از آنها مخفی کند یا با دروغ مصلحتی مانع آگاهی آنها شود، آیا این کار صحیح است یا خیر؟

ج: هو العالم; چنانچه از آنها مخفی کند و والدین مطلع نشوند اشکال ندارد، ولی دروغ گفتن جائز نیست.

س ۵۶۶: بعضی افراد در مجالس خانوادگی خود شرکت می کنند و این در حالی است که اقوام آنها پایبند به اصول اخلاقی و شرعی نیستند. در این میهمانی ها دختران بی حجاب یا بعضاً پسرها درحضوردختران می رقصند. وقتی به این افراد اعتراض می کنیم، می گویند مجبوریم و والدین می گویند با شرایط خانواده ما ایجاب می کند. نظرتان درباره این قبیل توجیهات چیست و اصولا اجبار در چه مواقعی توجیه کننده می تواند باشد؟

ج: هو العالم; شرکت در این گونه مجالس جائز نیست و اجبار معنی ندارد و اگر به حد اکراه برسد بر خودشان جائز است نه دیگران.

س ۵۶۷: اگر پدر و مادر به فرزند خود بگویند که می خواهیم به شهر خود برویم، با ما بیا. فرزند بگوید من می خواهم در حوزه علمیه ادامه تحصیل بدهم. ولی پدر یا مادر و یا هر دو ناراحت می شوند یا او را عاق می کنند، در صورت تعارضِ دستور پدر و مادر، قول کدام یک مقدم و در همه امور محدوده اطاعت پدر و مادر و موارد آنها

را بیان فرمائید؟

ج: هو العالم; در فرض اول در صورتی که تالی فاسدی بر رفتن به شهرشان مترتب بر فرزند نشود ولو عسر و حرج یا ضرر معتنی به باید به فرمان پدر و مادر عمل کند والا لازم نیست. و در فرض دوم مخیر است بین اطاعت پدر و مادر ولو در روایات تأکید در اطاعت مادر شده است، ولی لزومی نیست.

تادیب فرزند

س ۵۶۸: این جمله منسوب است به امیرالمؤمنین(علیه السلام) فرمود:«لاتؤدّبوااولادکم با خلاقکم، لأنّهم خلقوا لزمان غیر زمانکم» مراد از این عبارت چیست؟

ج: هو العالم; مراد از این روایت ظاهراً این است که در امور عادی مقتضای خلق حسن این است که به آداب عرفیه زمان و مکان عمل شود.

صله رحم

س ۵۶۹: صله ارحام با کسانی که مفسده دارند و موجب تغییر فرهنگ اسلامی خانواده یا تغییر اخلاق و حرکات و سکنات اهل خانواده می شوند، جایز است یا نه؟

ج: هو العالم; اگر صله رحم با نهی از منکر مزاحم شد، نهی از منکر مقدم است; یعنی صله رحم در این مورد جائز نیست.

س ۵۷۰: حکم صله ارحام با چند دسته زیر چگونه می باشد؟ الف) با اقوامی که از اهل سنت هستند. ب) با اقوامی که علناً احکام شرعی را به سخره می گیرند؟ ج) با افرادی از فامیل که پدر و مادر امر کرده اند که باید با آنها قطع رابطه کنیم؟

ج: هو العالم; ۱) با اقوام اهل سنت نباید قطع رحم شود. ۲) قطع رحم با کسانی که احکام شرعیه را مسخره می کنند جایز است خصوصاً اگر قطع رحم سبب شود که احکام الهی را مسخره نکنند. ۳) اطاعت

پدر و مادر در امر به مُحرّم - قطع رحم - لازم نیست.

مجسمه سازی

س ۵۷۱: نظر مبارک درباره مجسمه سازی و خریدو فروش مجسمه چه می باشد؟ نقاشی و طراحی چه حکمی دارد نظر معظم له درباره نقاشی های مینیاتوری که معمولا هیئت پوشیده ای از زنان را ترسیم می کند، بفرمایید و آیا خرید و فروش این تابلوها جایز می باشد یا خیر؟

ج:هوالعالم؛مجسمه سازی جایزنیست.خریدوفروش آن جائزاستولی نقاشیومعامله برآن اشکال ندارد.

سرقت

س ۵۷۲: تلفن موبایل زیدی را قهراً از او ربودند بدون اینکه سارقین را بتوانند شناسایی کند، ولی الان به کمک مخابرات توانسته متهم یا متهمین به سرقت را ردیابی کند. اما متهم منکر سرقت یا همکاری با سارقین است. وی می گوید: چنین موبایلی پیش من نیست، ولی برای اینکه دادگاهی نشود و به زندان نرود، حتی حاضر است بیش از قیمت آن موبایل را بپردازد. آیا برای شاکی اخذ آن مبلغ از باب مصالحه برای ترک مخاصمه جایز است؟

ج: هو العالم؛ بلی جایز است ولی اگر اطمینان پیدا کند که او برّی است جایز نیست.

سیاسی

س ۵۷۳: گوش دادن به اخبار رادیوهای خارجی اشکال دارد یا خیر؟

ج: هو العالم؛ خیر، اشکال ندارد.

س ۵۷۴: حکم حدود مقررات جمهوری اسلامی، چه می باشد.

ج: هو العالم؛ آنچه با شرع اسلام موافق است باید عمل شود و آنچه مخالف است، جایز نیست.

س ۵۷۵: شخصی که در راه یک حاکم ظلم و جور (هر چند نیت خیر داشته باشد) جان خود را از دست بدهد و حرکتش به سود آن حاکم باشد. آیا این فرد شهید فی سبیل الله تلقی می شود؟

ج: هو العالم؛ ابداً؛ بلی، چنانچه شخصی دردستگاه حاکم ظالم شغلی بگیردفقط برای آنکه به مردم بیچاره کمک کند، مانند علی بن یقطین که به امر امام کاظم(علیه السلام)برای خدمت شیعیان ازوزرای بنی عباس شده بود چنین فردی از بزرگان دین محسوب است.

س ۵۷۶: کسی که در پرسیدن سئوال طوری بپرسدکه بتواندازآن برعلیه هدف یک مرجع استفاده کند حکمش چیست؟آیااین

شخص کارفسق می کندیاخیر؟

ج: هو العالم**;** چنانچه متعمد باشد،فاسق استواگر از روی جهل و نادانی چنین

کاری بکند وبعدبفهمد و توبه کند و عمل خود را تصحیح نماید، خداوند تعالی ارحم الراحمین است و او را می بخشد.

س ۵۷۷: اگر فردی از طرف مجتهد جامع الشرایطی مأمور به امری باشد که هنگام انجام این امر جان خود را از دست بدهد، مثلا جهت حفظ ارض و ایجاد امنیت در مملکت در مبارزه با اشرار مواد مخدر و غیره کشته شود، آیا حکم شهید فی سبیل الله را دارد یا خیر؟

ج: هو العالم; بلی، در صورتی که آن مجتهد جامع الشرائط حکم کند به آن عمل، حتی با احتمال عقلائی به خطر یا اطمینان به آن.

س ۵۷۸: اطاعت از ولایت فقیه در زمان حاضر از لحاظ شرع چگونه است؟ آیا می توان اعتقاد نداشت؟

ج: هو العالم; اطاعت از ولی فقیه اگر مجتهد جامع الشرایط باشد که طبق موازین شرعیه انتخاب شده است و نیز آن امری که به آن امر می کند امری مربوط به اجتماع و اداره مملکت باشد بلی، لازم است. ولی در موارد شخصیه اطاعت لازم نیست.

کذب

س ۵۷۹: اگر تقلب در امتحانات دروغ عملی به حساب آید، آیا تقلب در مواقع اضطرار جایز است؟ چون دروغ در مواقع ضرر عرضی و مالی جایز است؟

ج: هو العالم; بلی، با تشخیص موقع اضطرار موجب سقوط تکلیف است.

س ۵۸۰: اگر شخصی هازل دروغ می گوید ولی قصد دروغ ندارد، آیا از مستثنیات کذب شامل او می شود؟

ج: هو العالم; هازل اگر اخبار کند، حرام است. ولی اگر به قصد انشا باشد، مثل این که به آدم ترسو بگوید: «ای شجاع» حرام نیست.

امر به معروف و نهی از منکر

س ۵۸۱: ملاک تشخیص معروف

از منکر دررفتارهای اجتماعی چه می باشد؟ اگر محرز شود که رابطه پسر و دختر رابطه ای است که حرمتش بیان شده وظیفه آحاد مردم در نهی از منکر چیست؟

ج: هو العالم؛ در همه موارد میزان احکام شرعیه است و در صورت ثبوت منکر برای تمام افراد نهی از منکر در صورت احتمال تأثیر، واجب است.

س ۵۸۲: در زمان حاضر با توجه به شرایط زمانی و مکانی وظیفه مقلدین نسبت به امر به معروف و نهی از منکر چیست و وظیفه ما در برخورد با انحرافات و مسایل خلاف شرع مثل فساد اخلاق و بدحجابی که در جامعه گسترش پیدا کرده با توجه به در نظر گرفتن این مطلب که شرایط امر به معروف حاصل نیست چه می فرمایید؟

ج: هو العالم؛ وظیفه هر فردی است که امر به معروف و نهی از منکر کند، به شرط آنکه احتمال تاثیر بدهد و ضرری هم متوجه او نشود.

س ۵۸۳: رفت و آمد به منازل اشخاصی که نماز نمی خوانند و خمس و زکات نمی پردازند چه حکمی دارد؟

ج: هو العالم؛ چنانچه احتمال دهید نرفتن شما سبب شود که ترک منکر کند، واجب است بلکه چنانچه تالی فاسدی نداشته باشد اولین مرتبه نهی از منکر، ترک مراوده است.

هبه

س ۵۸۴: ملکی در اختیار کمیته امداد جهت آموزشگاه و یا هر نهادی با تشخیص کمیته امداد و موافقت قبلی و کتبی آن قرار داده شده.

ملک فوق الذکر قابلیت انتفاع غرض واهب را ندارد و شهرداری منطقه نیز به جهت نامناسب بودن ملک برای ایجاد کارگاه آموزشی مخالفت نموده است.

لذا این نهاد نیت خیرخواهانه واهب را در تهران، به مرحله

اجرا گذاشته است با شرایطی که واهب ملک را در اختیار کمیته امداد قرار داده و از طرفی نیز قابل اجرا و بهره برداری نبوده، اکنون تبدیل به احسن شده است و در مرحله بهره برداری می باشد و ملک موهوب را در اختیار شهرداری قرار داده است. لذا متمنی است حضرت عالی نظر مبارکتان را نسبت به این تغییر و تحول بفرمایید.

ج: هو العالم; تغییر و تحول اشاره شده همه اش صحیح است و ورثه آن مرحوم حق رجوع ندارند. چون هبه ولو عقد جایز است، ولی مردن واهب موجب لزوم می شود و به عبارت دیگر خود واهب حق رجوع دارد و ورثه حق ندارند. به علاوه تصرف به نقل آنچه هبه شده است و تبدیل آن، موجب سقوط جواز رجوع است. به هر حال ورثه هیچ حقی ندارند.

س ۵۸۵: علی به حسین اتومبیلی را هدیه داد، به شرط اینکه حسین در اتومبیل هیچ تصرفی ننماید. آیا این شرط صحیح است؟ حکم هبه درمساله چیست؟

ج: هو العالم; شرط صحیح است و هبه هم صحیح است، حسین اگر تخلف کرد علی می تواند پس بگیرد ولو تصرفی باشد که فی نفسه موجب لزوم هبه بشود.

س ۵۸۶: از منظر بعضی از آیات عظام هدیه دادن ظروف نقره ای بلااشکال می باشد، حال قبول هدیه و خرید به قصد هدیه دادن چگونه است؟

ج: هو العالم; به نظر من در صورتی که از مصادیق «آنیه» باشد، جایز نیست.

عقاید

س ۵۸۷: شخصی در بعضی مسائل عقیدتی دچار انحرافاتی باشد آیا استفاده یا نقل قول از مطالب او در مواردی که اعتقاداتش صحیح می باشد، جایز است و آیا

این عمل باعث ترویج او نمی شود؟

ج: هو العالم; خیر ترویج باطل صدق نمی کند و اشکال ندارد و به عبارت دیگر: ینظر الی ما قال لا الی من قال.

س ۵۸۸: نظر مبارک در موردشخصیت،افکار،عقایدومذهب ابن عربی چیست؟

کسی که هر چند امثال شیخ بهایی(ره) در «اربعین» و قاضی نورالله شوشتری(ره) در «مجالس المومنین» وی را تأیید کرده و از او تجلیل نموده اند و قائل به تشیع او شده اند.

اما همچون فیض کاشانی(ره) در «بشاره الشیعه» وی را متهم به اختلال عقل کرده و از زمره گمگشتگان و گمراهان به حساب می آورد و چون ابن عربی، خود را در «فتوحات» مستغنی از شناخت امام زمان(س) دانسته وی را ملامت کرده و محکوم به مرگ جاهلیت نموده است. و نیز محدث نوری(ره) وی را در میان علما و نواصب عامه دشمن ترین با شیعه می داند و لذا ملاصدرا را به جهت ستایش ابن عربی مذمت می کند.

اما از طرف دیگر بزرگانی همچون مقدس اردبیلی، در «حدیقه الشیعه»، علامه مجلسی(ره) در عین «الحیوه» آقا وحید بهبهانی در؟ و برخی دیگر وی را به جهت کلمات کفرآمیزش در فصوص و یا فتوحات تکفیر کرده اند و اورا وحدت وجودی ملحدی می دانند.

و ثانیاً از آنجا که عرفان مصطلح امروزی مکتبی است درس آموخته از عقاید و اندیشه های ابن عربی و بسیاری از عرفای شیعه (حتی ازمیان فقها) درقرون اخیر فصوص و یا فتوحات وی را در اعلا مرتبه عرفان نظری تدریس یا تحشی و یا تشریح نموده اند. چون عظیمی از جوانان شیعه که خواستار عرفان حقیقی و منظور نظر امام زمان(ع) می باشند

به سرگردانی و حیرت دهشتناکی دچار شده اند; لذا در وانفسای فقدان امام سلام الله علیه، جهت دستور وارده به حضرتعالی رجوع نموده و از شما که نائب حضرتش و حجت او برمائید عاجزانه التماس دعا داشته، طالب ارشادات و رهنمودهای حضرتتان می باشیم. خداوند متعال سایه عزتتان را بر سرمان مستدام بدارد و شما و ما را در زمره منتظران و یاران امام(ع) قرار دهد.

ج: هو العالم; راجع به محی الدین بهترین کلام، کلام فیض کاشانی است والا کلمات او قابل توجیه نیست. مراجعه کنید به موارد ذیل:

۱ استغناء از وجود امام زمان(عج)

۲ نجات جمیع ملل از عذاب

۳ نوح را اهل تفرقه پنداشتن.

۴ روافض را به صورت خنازیر دیدن.

۵ التزام به وحدت وجود.

مثلاً ـ می نویسد اعتراض حضرت موسی به هارون در آن زمان که به طرف قوم خود برگشت و آنها را گوساله پرست دید، برای این بود که چرا نگذاشتی آنها گوساله را پرستش کنند؟ تا آنکه می گوید: عارف کسی است که خدا را در همه چیز ببیند، بلکه او را عین آن چیز ببیند. یا آنکه می گوید سبحان من اظهرالاشیاء و هو عینها; هاشم معروف حسنی می نویسد که محی الدین مدعی شده است که هنگامی که مرد با زن مباشرت می کند، خداوند در زن قرار می گیرد و در این باره به محبت پیامبر(ص) به زنان استدلال کرده است. ملاطاهر قمی می نویسد که ابن عربی وجود خالق و مخلوق را یکی می داند. در رفض عیسوی می گوید: نصاری که کافر شدند برای این بود که خدا را در عیسی فقط منحصر کردند و گفتند تنها عیسی

خدا است و حال آنکه همه عالم از غیب و شهود خدا هستند. در رفص شعیبی می گوید: من عرف نفسه فقد عرف ربه و هر که خود را شناسد که خدا است، پس خدا را شناخته. زیرا خداوند به صورت خلق خود است، بلکه عین خلق، حقیقت او است برای اطلاع بیشتر به کتاب «عین الحیاه» مجلسی مراجعه کنید.

و اما حقیقت عرفان اختصاص به شخص و جمعیتی ندارد و راه رسیدن به آن، تحصیل عقاید صحیح و عمل به وظایف شرعیه است و عبادات را با حضور قلب انجام دادن است. و اما آنچه مصطلح است بین متأخرین که اطلاق می شود بر جمعیت خاصی، اصل آن دو قسم است: عرفان علمی و عرفان عملی و هر دو قسم شعب مختلفه دارد بعضی در ضلالت و بعضی بهتر. بنابر این تعریف جامع و همچنین قضاوت نمی توان نمود.

س ۵۸۹: مدتی است که در شهر مقدس قم فعالیت فرقه های صوفیه در حال گسترش است و افراد زیادی از جمله جوانان را جذب محفل خود نموده اند. تکلیف مؤمنین به خصوص جوانان در این باره چیست؟

ج: هو العالم؛ فرق صوفیه در فساد مقول به تشکیکند، نمی شود حکم صادر نمود مگر آنکه عقیده آنها را معین نموده، بعد حکم می نماییم.

س ۵۹۰: هر نوع تبلیغ از افکار صوفیه و اعانت به فرقه های مختلف آنان چه حکمی دارد؟

ج: هو العالم؛ تبلیغ افکار خلاف شرع انور از محرمات اکیده است. نهایت باید معلوم شود خلاف شرع است تا حکم به حرمت شود.

س ۵۹۱: قائلین به وحدت وجود از دیدگاه حضرتعالی چه حکمی دارند؟

ج: هو العالم؛ چنانچه

معنای وحدت وجود را بدانند و قائل به وحدت وجود باشند و به توالی فاسده آن معتقد شوند، یقیناً مرتد و کافرند و روی همین اصل عده ای از فقهای بزرگ حکم به ارتداد و فساد محی الدین نموده اند.

س ۵۹۲: فرمایش امیرالمؤمنین(علیه السلام) (اِنَّ الله خَلَقَ الجَنَّه لِمن اطاعُه و لو کان عبداً حبشیّاً و خَلَقَ النّار لِمَن عصاه و لو کان سیّداً قریشیاً) آیا مخصص بر اطلاق و عموم در کلام حضرت وارد شده؟

ج: هو العالم؛ ظاهراً مقیدی ندارد مگر موارد شفاعت و امثال آن.

س ۵۹۳: کافر کیست و آیا کافر غیر حربی هم وجود دارد و آیا حکم به سلب ملکیت از آنها می شود یا نه؟

ج: هو العالم؛ کافر کسی است که خدا را یا پیغمبر اسلام(ص) را قبول ندارد. کافر حربی کافری است که مانند اسرائیل در حال جنگ با مسلمانان است و اموال چنین کافری مباح است.

س ۵۹۴: الف: یکی از استدلال های متکلمین بزرگوار امامیه بر عصمت امام(علیه السلام)این است که یکی از شؤون امامت ریاست دنیویه است و از فرائض این منصب گرفتن حق مظلوم از ظالم می باشد و این فریضه امکان پذیر نیست مگر با عصمت. در مقابل متکلمین عامه گفته اند که این امر با داشتن ملکه عدالت ممکن می باشد و عصمت برای احقاق حق مظلوم از ظالم لازم نیست. سؤال این است که نظر حضرت عالی نسبت به این امر چیست؟ با قطع نظر از سایر شؤون امامت و سایر ادله عصمت، آیا برای احراز ریاست دنیویه داشتن ملکه عصمت شرط است؟

ج: هو العالم؛ آن چه گفته شده است در مقام

استدلال مربوط به ریاست دنیویه نیست، مربوط به امامت است و آن منصبی است به نصّ آیه کریمه بالاتر از منصب نبوت، و اما برای ریاست دنیویه، عصمت شرط نیست.

س ۵۹۵: اگر انسان از گناهان خود توبه کند، فشار قبر را خواهد دید. اگر چنین باشد آیا با عدالت خداوند متعال سازگار است ؟ چون که در قرآن آمده: (انه کان توابا).

ج: هو العالم; اگر انسان با رعایت شرایط از گناه توبه کند به آن نحوی که در کتب نوشته شده و بعد از آن هم هیچ گناهی انجام ندهد، فشار قبر ندارد.

س ۵۹۶: بنده چند وقتی است که به شدت بحث عرفان و نحوه سیرو سلوک و فناء فی الله را دنبال می کنم و خیلی مشتاقم بدانم که عرفا به چه حالی دست پیدا می کنند که جز خدا با هیچ چیز آرامش نمی یابند. ولی چون در این مورد استادی نداشتم، سر درگم مانده ام تقاضا دارم کمک کنید. خیلی زودتر خواهش می کنم.

ج: هو العالم; بحث عرفان و مراتب آن به حدی مختلف و خطرناک است که راجع به یکی از مسائل آن حضرت امیر علیه الآف التحیه و الثناء می فرماید: بحر عمیق ولاتلجه، و بزرگان از عرفا اعتراف به سردرگمی در بعضی مسائل آن نموده اند و جماعتی از آنها گمراه شده اند و روایاتی در مذمّت بعضی از آنها صادر شده است شما اگر مایلید به مقامات عالیه برسید به وظایف شرعیه اتیان واجبات و ترک محرمات عمل کنید که ترک بعضی از آنها بسیار سخت است و; اتیان به مستحبات شرعیه، خواهید درک کرد چه حالات روحانی

و معنوی به شـما دست خواهـد داد و چه لـذتی می بریـد، خلاصه از در خانه اهل بیت علیهم السـلام به جای دیگر نروید، همه چیز در همان جا است.

س ۵۹۷: یکی از برادران روی بـدن خود خـالکوبی داشـته، حال توبه کرده، حکم نماز و غسل و بقیه اعمال ایشان بعـد از توبه کردن چگونه است؟ آیـا بایـد خالکوبی را از بین ببرد یا نه و حکم اعمال وی قبل از توبه قبل از اینکه نمی دانست حرام اسـت چه می شود؟

ج: هـو العـالم; چنـانچه خـالکوبی به نحوی است که روی بـدن جـای وضوء و غسـل جسـمیت دارد و آب به بشـره نمی رسـد نمازهایی که با چنین وضوء و غسـلی خوانده باطل است و برای اعمال بعد باید رفع مانع ولو به وسـیله داروی طبی نموده و بعد وضوء بگیرد و غسل کند و اگر جسمیت در ظاهر بدن ندارد اعمال گذشته صحیح است و برای اعمال بعد هم لازم نیست خال را از بین ببرد.

س ۵۹۸: در آخرت حساب و کتاب چگونه به عمل خواهـد آمـد؟ هر کس به زبان خود یا در آن موقع همه به زبان مشترک و زبان اصلی یعنی زبان قرآن که همان عربی هست، مورد بازخواست قرار خواهیم گرفت؟

ج: هو العالم; کیفیت مکالمه در آن عالم با این عالم فرق داردولذااعضای بدن غیراززبان،شهادت می دهند.

س ۵۹۹: آیا مسـلمانان می توانند با افراد مسیحی که برای کارهای خدماتی اینجا می آیند غذا بخورند و دست بدهند جایز می باشد یا خیر؟

ج: هو العالم; دست دادن جائز است و غذا هم می توانند با هم بخورند، مشروط به اینکه این

گونه رفتار با افراد مسیحی موجب تقویت کفر و کافر نشود.

س ۶۰۰: آیا هر کافری مشرک و هر مشرکی کافر است؟

ج: هو العالم; هر مشرک کافر است ولی هر کافر مشرک نیست. مثلًا اهل کتاب یهود و نصاری کافرند، ولی مشرک نیستند.

س ۶۰۱: مراد از آیه (کل من علیها فان و یبقی وجه ربک) چیست؟

ج: هو العالم; آیه دلالت می کند بر اینکه چون عالم دنیا مقدمه عالم آخرت است پس هر چه در دنیا است زمانش بسر می آید و نشأه آخرت طلوع می کند، و از این مقدمه به غرض اقصی یعنی آخرت منتقل می شوند.

ارتداد

س ۶۰۲: شخصی در تهران خود را روحانی و طلبه ای سابق معرفی می کند و می گوید که الآن مسیحی شده و در مکان های عمومی مثل قهوه خانه ها به نقد دین مبین اسلام، خصوصاً مذهب حقه شیعه اثنا عشری می پردازد و در اثنای نقد دین به ائمه معصومین(علیهم السلام) و علماو مراجع عظام تشیع اهانت های جدی و قبیح می کند و برای تبلیغ مسیحیت و دعوت به آن شرکتی باآرم و نام«صلیب» نیز تأسیس نموده است. آیا در مورد شخص مفروض اولا عنوان مرتد و سب النبی صدق می کند؟ و ثانیاً نتایج دو عنوان مذکور مسیحی حکم اعدام و حرام شدن اموال وزن اوبرخودش;جاری است یاخیر؟

ج: هو العالم; چنانچه مقرّ است به اینکه مسیحی شده است یا بیّنه قائم باشد بر آن و یا این که ثابت شود سب نبی(صلی الله علیه وآله)نموده است، زنش از او جدا می شوند و قتل او شرعاً جائز است. نهایت باید رعایت قوانین

حکومتی بشود تا تالی فاسدی بر کشتن او مترتب نشود و نیز مستلزم هرج و مرج نشود. به هر تقدیر واجب است بر هر فرد مسلمانی که جلوی تبلیغات او را بگیرد. در این امر مراعات تالی فاسدی را نباید نمود.

احکام محارب

س ۶۰۳: توبه محارب در مجازات وی چه تأثیری دارد؟

ج: هو العالم؛ چنانچه قبل از گرفتاری توبه کند، حد ساقط می شود و اگر بعد از آن باشد تأثیری ندارد.

س ۶۰۴: اگر کسی در ملاء عام اسلحه بر مردم بکشد و مردم را بترساند، حکم محارب را دارد و اگر گرفتن او مشکل باشد، می توان او را مجروح کرد یا کُشت تا مردم جان سالم از او داشته باشند؟

ج: هو العالم؛ حد محارب را که بحث مفصلی است من در «فقه الصادق» ج ۲۵ ص ۵۳۰ نوشته ام، مراجعه بفرمایید.

صدقه

س ۶۰۵: برای صدقه دادن بهتر است که چگونه نیّت کنیم؟

ج: هو العالم؛ در درجه اول برای ولی نعمت عظمی امام زمان ارواحنا فداه و بعد برای پدر و مادر.

س ۶۰۶: آیا می شود به خانواده بی بضاعتی که اهل نماز و عبادت نبوده و با مانتو و دستان لاک زده و آرایش کرده در بین مردم آمدوشدمی کنند،کمک نمود یا اینکه کمک و احسان خودراصرف خانواده های مستحقّ مؤمن نماییم؟

ج: هو العالم؛ بلااشکال صرف خانواده مؤمن اولی است بلکه در بعضی موارد صرف آن در خانواده غیر ملتزم به موازین شرعیه به واسطه وجوب نهی از منکر جایز نیست.

س ۶۰۷: آیا عطردان و سرمه دان و... نقره ای نیز می توانند به نحوی مصداق ظروف تزیینی باشند؟

ج: هو العالم؛ هیچکدام، مصداق آنیه که موضوع حرمت است، نیست. بنابراین تصرف در آنها اشکال ندارد.

س ۶۰۸: با عنایت به اینکه ارزش پول در جامعه، عموماً در حال کاهش می باشد و حفظ و ارزش پولی برای ثابت نگه داشتن قدرت خرید، نیاز به نگهداری

پول به صورت کالای قابل ارزش را الزام می نماید، نگه داری اشیاء نقره ای چگونه است؟

ج: هو العالم؛ نگهداری اشیاء نقره غیر از مصادیق آنیه اشکال ندارد و نگاه داشتن آنیه جایز نیست.

غیبت

س ۶۰۹: الف) آیا غیبت کسی که در مجلسی حرفی را زده یا فعلی را انجام داده و نمی دانیم از این غیبت ناراحت می شود یا نه، جایز است یا خیر؟

ب) آیا غیبت مخالف جایز است یا نه؟

ج: هو العالم: ۱ غیبت متجاهر به فسق جایز است و غیر آن جایزنیست،مگراینکه خوداوراضی باشد. ۲ غیبت مخالف عقاید دین و مذهبی جایز است.

س ۶۱۰: در نظر مبارک حضرت عالی، تعریف غیبت، عبارت از بازگویی کردن عیب مستور مؤمن در غیاب اوست یا عبارت است از هر سخنی که در غیاب مؤمن گفته شود که اگر بشنود ناراحت و رنجور می شود ولو اینکه عیب مستور او نباشد؟

ج: هو العالم؛ غیبت، بازگو کردن عیب مستوراست.

س ۶۱۱: در صورتی که غیبت منحصر در بازگویی عیب مستور مؤمن باشد، آیا اگر عیب غیر مستور او به قصد انتقاص در غیاب او گفته شود، گناه نیست؟

ج: هو العالم؛ خیر گناه نیست، مگر آن که عنوان اهانت مؤمن بر آن صدق کند که در آن صورت گناه است.

س ۶۱۲: آیا گناه شنونده غیبت به اندازه گوینده آن می باشد؟ از فردی غیبت کرده ام. بعد پشیمان شدم و تلاش کردم رضایت او را کسب کنم و او اصلا راضی نمی شود، چه کنم؟ و آیا از نظر شرع حدی مشخص شده که برای شناسایی منکرات و مفاسد اخلاقی تجربه کنیم؟

ج: هو العالم؛ شنیدن

غیبت هم حرام است ولی اگر پشیمان شود و استغفار کند، خداوند غفار و رحیم است.

س ۶۱۳: شخصی در صحبت هایش در مورد اشخاص مختلف بی مبالات است و راحت تهمت زده یا غیبت می کند. آیا باید از هم صحبتی با او خودداری کرد و یا اگر احتمال می دهیم که با حضور نزد او گاهی بتوانیم جلوی او را بگیریم، می توانیم با او همنشین شویم؟

ج: هو العالم؛ اولین مرتبه نهی از منکر ترک مراوده است. ولی این در صورتی است که احتمال تاثیر داده شود والا لازم نیست خصوصاً در صورتی که با مراوده احتمال تاثیر در رفع منکر داده شود، که در این صورت قطعاً مراوده حسن است.

س ۶۱۴: انسان به شخصی تهمت زده و از او حلالیت می طلبد و آن شخص می گوید نمی بخشم. این جا وظیفه ما چیست؟

ج: هو العالم؛ اگر نبخشید، کفاره آن طلب مغفرت برای او است و خود توبه نموده، خداوند تعالی از او می گذرد.

س ۶۱۵: شخصی نحوه برخوردش با دیگران بد بوده و مرتب تهمت زده و غیبت می کند و به هیچ راه حلی اصلاح نمی شود. آیا می توان برای این که او اصلاح شود به روش خودش با او برخورد کرد و مثل خودش با او رفتار نمود؟

ج: هو العالم؛ خود آن شخصی که تهمت به او زده شده است و یا غیبت او را نموده، شاید بتواند مقابله به مثل کند. البته آن هم اشکال دارد. ولی دیگران قطعاً نمی توانند.

دفاع

س ۶۱۶: آیا در اسلام آمده است که می شود در مقابل ظلم و جور ساکت ماند

و حرفی نزد، اگر آمده است علت آن چه می باشد؟

ج: هو العالم; خیر، چنین نیست بلکه خلاف آن ثابت است. یعنی نهی از انظلام شده است. حتی در آیه شریفه (فمن اعتدی علیکم فاعتدوا الخ) دستور داده شده که مقابله به مثل می توان نمود. در موارد ضرب و جرح و در اموال، تقاص مشروع شده است.

س ۶۱۷: نظر اسلام و فقه شیعه در خصوص دفاع از خود چه می باشد؟

ج: هو العالم; در بعضی موارد واجب است. مانند دفاع از تهلکه و از ناموس و در بعضی موارد مستحب است. مانند آنکه اگر انسان دفاع نکند، ضرر مختصری متوجه او می شود.

گناه

س ۶۱۸: آیا تعزیر در گناهان صغیره را جایز می دانید یا اینکه منحصر به گناهان کبیره می باشد و جرائم مشمول تعزیرات با چه ادله ای اثبات می گردد و به نظر معظم له آیا قاضی می تواند تحت شرایطی از اجرای تعزیر صرف نظرکند؟ و حداقل و حداکثر تعزیرات چقدر می باشد؟

ج: هو العالم; گناه صغیره نداریم. همه گناهان کبیره است و جریمه موجب تعزیر با شهادت ۲ شاهد- یا اقرار واحد ثابت می شود، مقدار تعزیر کمتر از حد است، و حاکم نمی تواند بعد از ثبوت عفو کند.

س ۶۱۹: اگر کسی به خاطر سلامتی بدن خود یا نریختن آبروی خود یا ترس از جهنم از گناه توبه کند آیا صحیح است و اگر این موارد نبود، توبه نمی کرد؟

ج: هو العالم; حقیقت توبه ندامت از معصیت خالق و بنای بر عدم عود است، بنابر این توبه حقیقی در مورد سوال نیست.

رقص

س ۶۲۰: رقص و پایکوبی

جوانان در اعیاد و میلاد معصومین(ع) چه صورت دارد؟

ج: هو العالم; رقص مرد در مجلس مردانه و زن در مجلس زنانه جایز است. ولی رقص زن در مجلس مردانه و مرد در مجلس زنانه، جایز نیست.

س ۶۲۱: رقص زن در مقابل زنان و رقص مرد در مقابل مردان در مجلس عروسی شرعاً چه حکمی دارد؟

ج: هو العالم; در صورتی که توأم با کار محرم دیگری نباشد جایز است.

س ۶۲۲: رقص زن در مقابل شوهرش شرعاً چه حکمی دارد؟

ج: هو العالم; جائز است.

مسابقات ورزشی

س ۶۲۳: در هنگام مشاهده مسابقات فوتبال، افراد دچار احساسات شده و گاهاً با الفاظ زشت از بازیکنان تیم های فوتبال نام می برند. البته به عنوان انتقاد از نحوه بازی کردن آنها. حکم آن چه می باشد؟

ج: هو العالم; الفاظ زشت قطع نظر از اینکه اهانت به شخص است که جایز نیست در صورتی که از الفاظ قبیحه باشد فی نفسه نیز جایز نیست.

س ۶۲۴: امروزه رسم شده در رادیو و تلویزیون مفسران و کارشناسان (سیاسی، اجتماعی، ورزشی و...) برای پیشبرد نظرات خود به افراد مختلف و گروه های مختلف انواع و اقسام تهمت ها را می زنند. حکم گوش کردن به این مباحث چه می باشد؟ آیا برای صرف اطلاع یافتن می توان گوش کرد؟ آیا می توان برای دیگران نقل کرد؟

ج: هو العالم; گوش کردن به تهمت زدن به مسلمان جائز نیست و نقل آن هم جائز نیست.

مسائل متفرقه

س ۶۲۵: من چون ۱۵ ساله هستم نمی دانم که چطور منی را تشخیص دهم. آیا منی از خود رنگ دارد یا خیر؟ شما را به حق خدا درباره این مسأله توضیح کامل بدهید تا من از این مسئله غافل نمانم.

ج: هو العالم; رجوع کنید به رسائل عملیه مانند توضیح المسائل، مفصلا نوشته شده است و اگر سواد ندارید به روحانی محل رجوع کنید. چون همه، آن علایم را می دانند و چنانچه مانعی از حضور دارید، تلفناً سئوال کنید. موفق باشید.

س ۶۲۶: رسم شده که جوانان به مدرسه علمیه آمده اطاق می گیرند. نصف روز را مکتب کلاس می روند و به نماز جماعت مدرسه شرکت می نمایند و به درس احکام شرکت

می نمایند. آیا از اطاق و امکانات مدرسه طلاب می توانند استفاده نمایند یا خیر؟

ج: هو العالم؛ بلی، می توانند استفاده نمایند.

س ۶۲۷: چرا در استصحاب مَثبِت لوازم عادی و عقلی حجت نیست؟

ج: هو العالم؛ چون استصحاب از امارات نیست و از اصول است و مثبتات اصول حجت نیست، تفصیل آن در اصول فقه است.

س ۶۲۸: آیا جایز است شخصی برای خدمت سربازی پارتی بازی کرده و تسهیلاتی را از قبیل کسر خدمت یا خدمت در شهر خود به دست آورد؟

ج: هو العالم؛ بلی، جایز است مگر در موقعی که خطری متوجه مملکت بشود.

س ۶۲۹: پوشاندن میل (النگو) و یا انگشتری توسط مرد به دست زن نامحرم در صورتی که حائلی مانند دستمال و یا غیره وجود داشته باشد چه صورت دارد؟

ج: هو العالم؛ جایز است، مشروط به اینکه جای النگو نه دیده و نه لمس شود.

س ۶۳۰: در مورد حیوانی به نام زرافه که جزء نشخوار کنندگان می باشد و سم دار هم می باشد با این اوصاف آیا حیوان مذکور حلال گوشت می باشد یا حرام گوشت است؟

ج: هو العالم؛ زرافه که در فارسی به او شتر گاو پلنگ می گویند که سر و گردن او مانند شتر و دست و پای او همچو دست و پای گاو و بدن او به پلنگ می ماند و نوعی پستاندار نشخوار کننده افریقا است قدی بسیار بلند دارد، به هر حال ظاهراً حلال گوشت می باشد، چون درنده نیست.

س ۶۳۱: آیا خبرثقه بنفسه حجت است یا به جهت مخبر بودن او می باشد؟

ج: هو العالم؛ خود خبر حجت است.

س ۶۳۲: آیا فعل نائب خود

را نازل منزله منوب عنه می کند یا فعل او را انجام می دهد؟

ج: هو العالم; هیچکدام بلکه امر مستقل دارد به اتیان عملی که بر منوب عنه امر داشته و بر ذمه او است. تفصیل در کتب فقهی.

س ۶۳۳: اگر در وسائط نقلیه عمومی زنی بغل دست انسان بنشیند و بر اثر تنگی جا با بدن اجنبیه تماس بگیرد، آیا لازم است برخاسته یا از تاکسی خارج شویم؟

ج: هو العالم; چنانچه موجب ریبه نباشد، خیر لازم نیست.

س ۶۳۴: در شهرستان ما فشار آب لوله شهری (آب لوله کشی شده) کم می باشد به طوری که بسیاری از خانواده ها و مساجد از پمپ آب برای افزایش فشار آب منازل یا مساجد استفاده می کنند. به طوری فشار آب کم می باشد که اگر از پمپ استفاده نگردد ۸ تا ۱۰ ساعت آب برای مصارف خانگی (غسل و وضوء موجود نمی باشد).

با این حال در پشت قبض آبی که به منازل و مساجد ارسال می گردد این چنین نوشته شده است «نصب پمپ به صورت مستقیم بر روی شبکه غیرمجاز بوده و پیگرد قانونی دارد» با توجه به اینکه ما از پمپ آب برای افزایش فشار استفاده می کنیم و پول آب را تمام و کمال پرداخت می نماییم، لطف بفرمایید آیا غسل و وضوء ما صحیح می باشد و به تبع آن نماز و روزه و غیر؟

ج: هو العالم; چنانچه استفاده از آب که به عنوان معاوضه و مبادله است مشروط به نصب نکردن پمپ شده باشد، نصب پمپ و استفاده از آب برای وضوء و غسل و به تبع آن برای نماز و

روزه ضـرر نمی زند، نهایت کار خلافی است و مشروع هم نیست ولی اگر به عنوان شرط نباشد بلکه مبادله واقع باشد بین آب بـدون نصب پمپ قهراً ضـرر به وضوء و غسل می زند و قهراً در نماز و روزه هم تاثیر می گذارد. در این صورت راه چاره این است که استجازه از متصدیان امر اقلا برای غسل و وضوء بکنید که در صورت اجازه صحیح و بدون اشکال است.

س ۶۳۵: آیـا جـایز است که زن بـا پولی که شوهرش برای مخـارج خـانه می دهـد برای برپایی مجلس روضه یا ختم انعام و یا مانند این گونه مجالس استفاده کند؟

ج: هو العالم؛ بدون احراز رضایت شوهرش خیر. مگر آنکه به مقدار نفقه واجبه به زن بدهد و زن از پول خودش مصرف کند. از آن پول که مال او شده است می تواند بدون رضایت شوهرش مصرف نماید.

س ۶۳۶: بلند شدن ناخن برای دختر یا زن اشکال شرعی دارد یا خیر؟

ج: هو العالم؛ اشکال ندارد.

س ۶۳۷: می گویند اگر سبیل به گونه ای بلند باشد که داخل دهان بشود حرام است. آیا این گفته به نظر معظم له صحیح می باشد؟

ج: هو العالم؛ نهی شده است، ولی حرام نیست.

س ۶۳۸: خرید گردنبند صلیب چه حکمی دارد؟

ج: هو العالم؛ چنانچه خیلی رایج باشد که دیگر تشبّه به کفار نباشد، اشکال ندارد.

س ۶۳۹: اگر ریش صورت انسـان به طور کامل درنیامـده باشـدآیا جایز است آن مقـداری که درآمـده است را بتراشـد یا مثل تراشیدن ماشین کند؟

ج: هو العالم؛ چنانچه عرفاً صدق ریش نکند، اشکال ندارد.

س ۶۴۰: گرفتن ناخن در شب و ریختن آن در باغچه

چه حکمی دارد؟

ج: هو العالم; اشکال ندارد.

س ۶۴۱: احکام متفاوتی که در منابع فقهی بین زن و مرد و مسلمان و غیرمسلمان دیده می شود، ممکن است به عنوان تبعیض جنسی یا عقیدتی از مصادیق جنایات علیه بشریت تلقی گردد، آیا امکان هر گونه تجدید نظر در احکام مذکور وجود دارد؟

ج: هو العالم; به هیچ عنوان راهی برای تجدید نظر نیست.

س ۶۴۲: روایاتی داریم که زن را از تعلیم سوره یوسف و نوشتن باز داشته اند. آیا این روایات صحیحند؟

ج: هو العالم; اولا روایت معتبری نداریم به این مضمون و ثانیاً اگر باشد و معارضی هم نباشد با قرائنی به بیان حکم غیر الزامی بلکه حکم غیر مولوی محکوم است به هر تقدیر تعلیم زنان شرعاً جایز است، بلکه تعلیم مسائل شرعی لازم است.

س ۶۴۳: اگر کسی عمداً یکی از سادات را اذیت کند، به سیدی فحاشی کند و بگوید و سید و غیر سید ندارد و سادات فضیلتی بر دیگران ندارند و همه بنده خدا هستند و ادعای محبت چهارده معصوم(علیهم السلام) را هم بکند. آیا محبت چنین شخصی که محب اهل بیت و دشمن سادات است، نجات دهنده او است یا خیر؟ آیا محبت به چهارده معصوم(علیهم السلام)کفایت می کند یا باید محبت به ذراری و اولاد فاطمه هم داشته باشد؟

ج: هو العالم; چنانچه علاقه به سادات نداشته باشد، چون سیدند، این همان محبت نداشتن به اهل بیت(علیهم السلام)است، اگر به جهات دیگر باشد فرض کنید چون سیدی است فاسق یا ظالم و امثال این امور علاقه نداشتن به او، اشکالی ندارد.

س ۶۴۴: اگر فردی تجلیل از ظالم کند

و سال ها در محافل و منابر فحش و ناسزا به بزرگان دین و مراجع عظام بگوید، آیا این شخص از دیدگاه دین و حضرت عالی متجاهر به فسق می شود یا خیر؟

ج: هو العالم؛ چنین شخصی از متجاهر به فسق بدتر است، بلکه مشمول توقیع شریف است که فرمود «الراد علیهم کالراد علینا و هو علی حد الشرک بالله» بعبارت دیگر چنانچه یک نفر عالم از علمای سوء و به اصطلاح از وعاظ السلاطین باشد و رعایت موازین شرعیه را نکند و ترویج حاکم ظالم بنماید و به بزرگان دین جسارت کند و احکام الهی را تغییر دهد، چنین عالمی را باید ناسزا گفت و تشخیص آن هم با مرجع تقلید است.

س ۶۴۵: حریم قریه را بیان نمائید؟

ج: هو العالم؛ فقهاء فرموده اند: حریم قریه مقداری است که حیوانات در آن جا می چرند و هیزم از آن جا می آورند.

س ۶۴۶: جوانی هستم مؤمن و مسلمان. لکن به علت ضعفی که در نفس من وجود دارد از انجام فرائض روزانه باز می مانم. شما چه پیشنهادی جهت ترک این کبیره می کنید؟

ج: هو العالم؛ مختصر فکر کنید که چه عواقب وخیم اخروی بر ترک فریضه مترتب است چه سعادت دنیوی و اخروی برایتان با عمل به فرایض مترتب می شود، قطعاً تارک این کبیره می شوید.

س ۶۴۷: بنده متأسفانه دچار عادت زشت مردم آزاری هستم. چگونه خود را اصلاح کنم؟

ج: هو العالم؛ با اراده قوی و اتکال به خداوند تبارک و تعالی و توجه به عواقب بد اخروی و تصمیم مردانه خود را اصلاح کنید.

س ۶۴۸: حکم کسب علوم دینی برای جوانان با

استعدادی که علاقه به علوم دینی دارند چیست؟

ج: هو العالم؛ البته حسن فی کل حال و گاهی در بعضی موارد ولو به وجوب کفایی واجب می شود.

س ۶۴۹: کسی طلب قرائت فاتحه می کند. اگر کسانی که می شنوند سوره حمد را نخوانند، آیا معصیت کرده اند؟

ج: هو العالم؛ خیر، معصیت نکرده اند.

س ۶۵۰: چرا حضرت یوسف(ع) وقتی از چاه نجات یافت به پدرش خبر توسط نامه ای یا مانند آن نداد، تا او را از گریه کردن و غصه نجات دهد؟

ج: هو العالم؛ لابد راهی نداشته است. به هر حال کار خلاف شرعی نکرده است والا پیغمبر نمی شد.

س ۶۵۱: به نظر حضرت عالی سیره عرفانی و صوفی که در چندین سال اخیر توسط کتبی منتشر می شود و معمولاً نظرات همچون شخصیت هایی مولوی، محی الدین عربی، ملاصدرا، بایزید بسطامی، ابوالحسن خرقانی، و حلّاج و... می باشد با سیره اهل بیت تطابق دارد.

ج: هو العالم؛ هر رویّه که با روایات وارده از حضرات معصومین(ع) مخالف باشد، باطلوگمراه کننده است مانند رویه محی الدین و امثال او.

س ۶۵۲: چرا به علی فقط امیرالمومنین(ع) می گویند و حال این که مولی الکونین می باشد و زوجه سیده نساءالعالمین من الاولین و الاخرین است؟

ج: هو العالم؛ چون امیرالمؤمنین از اوصاف اختصاصی است به علاوه مگر منافاه بین اوصاف است و بنا نیست که هر وقت وصفی را ذکر می کنند بقیه اوصاف را نیز ذکر کنند.

س ۶۵۳: در روایاتی درباره زمین کربلا آمده است: حورالعین از حفظه ملایک زوار کربلا می خواهند برایشان سوغات ببرند. این موضوعات چه اثری برای آنان دارد؟

ج: هو العالم؛ معلوم می

شود شما از تکالیف بشر فارغ شده اید و به فکر حورالعین هستید، به هر حال امید است حورالعین قسمتتان شود، آن وقت از خود آنها بپرسید.

س ۶۵۴: ۱) برگزاری مراسم چهارشنبه سوری چه حکمی دارد؟ ۲) در صورتی که هر خانواده(محارم) اقدام به برگزاری مراسم چهارشنبه سوری نمایند چه حکمی دارد؟ ۳) چنانچه محل های جداگانه ای برای زنان و مردان باشد و مراسم بدون اختلاط زن و مرد برگزار شود چه حکمی دارد؟ ۴) در صورتی که هر خانواده(محارم) به طور مجزا و به دور از انظارغیر اقدام به برگزاری مراسم چهارشنبه سوری نمایند چه حکمی دارد؟ ۵) چنان چه مراسم به شکل اختلاط زن و مرد برگزار شود چه حکمی دارد؟ ۶) آیا جمله معروف «زردی من از تو، سرخی تو از من» که در حین مراسم و در حال پریدن از روی آتش گفته می شود حرام است؟

ج: هو العالم؛ من نمی دانم در چهارشنبه سوری چه اعمالی رایج است. چنان چه مشتمل بر محرمات باشد مانند غنا و موسیقی و ساز و آواز و رقص مختلط زن و مرد ولو محرم باشند، جایز نیست و والا مانند جمله معروف که اشاره کرده اید جایز است و مراسم این گونه اشکال ندارد ولو زن و مرد مختلف باشند. ولی با شرط به این که این اختلاط سبب کارهای خلاف بعد هم نباشد. خلاصه به عنوان چهارشنبه سوری حرام نیست، ولی چون دو سال قبل و امسال و دو سال بعد در ایام عزاداری واقع است، شیعه محب اهل بیت(ع) و عاشق آنان قهراً نه این مراسم و نه مراسم عید نوروز

را انجام نمی دهند چون خود آن بزرگواران فرموده اند: شیعیان ما در ایام فرح ما جشن می گیرند و در ایام حزن ما محزونند و مراسم عزاداری برپا می دارند.

س ۶۵۵: مفاد ماده ۱۱۰: نسبت به زمین با بناهای مخروبه و غیر مناسب با وضع محل و یا نیمه تمام واقع در محدوده شهر که در خیابان یا کوچه و یا میدان قرار گرفته و منافی با پاکی و پاکیزگی و زیبایی شهر یا موازین شهرسازی باشد شهرداری با تصویب انجمن شهر می تواند به مالک اخطار کند تا ظرف دو ماه به ایجاد نرده یا دیوار و یا مرمت آن که منطبق با نقشه مصوب انجمن شهر باشد اقدام کند. اگر مالک مسامحه و یا امتناع کرد شهرداری می تواند به منظور تأمین نظر و اجرای طرح مصوب انجمن در زمینه زیبایی و پاکیزگی و شهر سازی هر گونه اقدامی را که لازم بداند معمول و هزینه آن را به اضافه ده درصد از مالک یا متولی و یا متصدی موقوفه دریافت نماید. در این مورد صورت حساب شهرداری بدواً به مالک ابلاغ می شود، در صورتی که مالک ظرف ۱۵ روز از تاریخ ابلاغ به صورت حساب شهرداری اعتراض نکرده، صورت حساب، قطعی تلقی می شود.

سئوال بنده از حضرت عالی این است که با فرض عدم اعتراض مالک و یا متصدی موقوفه دریافت ۱۰٪ اضافه بر هزینه مصروفه توسط شهرداری وجه شرعی دارد یا خیر؟ «ارشدونا ارشدکم الله و ادام الله ظلکم علی روؤس المسلمین».

ج: هو العالم؛ چون شهرداری دستوراتش در صورت عدم مخالفت با شرع باید اجرا شود، و مورد

سئوال شرطی است در ضمن عقدی که با ابلاغ به صاحبان زمین شهرداری انشاء کرده است و شرط جایز الوفا است. بنابراین به نظر حقیر دریافت اضافه مورد سؤال جایز است.

س ۶۵۶: کوتاه کردن موی زن به طوری که شبیه مرد شود و یا بلند گذاشتن مو برای مرد به طوری که شبیه زن شود، حکمش چیست؟

ج: هو العالم; بی اشکال است.

س ۶۵۷: اینجانب در مؤسسه ای کار می کنم که مربوط به ایتام است و در مواقع اعیاد اهل بیت عصمت و طهارت چراغانی می کنم. آیا مصرف برق از مال ایتام صحیح است یا خیر؟ در صورت صحیح نبودن آیا برای چراغانی میلاد ائمه(علیهم السلام)می توان از برق تیرهای برق استفاده کرد یا اشکال شرعی دارد؟

ج: هو العالم; در مورد هر دو سؤال حق ندارید، باید با اجازه باشد.

س ۶۵۸: روایت از امیرالمؤمنین(علیه السلام) است که فرمود: لا ـ ترکبوهن السروج فتهیبوهُنَ الفجور آیا اطلاق تسرج، شامل موتور و دوچرخه می شود یا مخصوص سرج اسب فقط می باشد؟

ج: هو العالم; حکم به هر تقدیر تنزیهی است، ولی ظاهراً فرق نمی کند.

س ۶۵۹: آیا اگر کسی گناه خود را نزد دیگری برای تحذیر وی از عواقب آن و یا برای استشاره یا... ذکر کند و مفسده ای هم (مانند ترغیب به گناه و...) نباشد صرف این عمل حرام است؟

ج: هو العالم; چنان چه مصلحتی بر آن مترتب باشد، اشکال ندارد والا جائز نیست.

س ۶۶۰: اگر حرام است، در صورتی که کسی گناه خود را نزد ما ذکر کرد، آیا گوش دادن به حرف او حرام است یا نه؟

ج: هو العالم; گوش ندادن ۲

اثر دارد: یکی آن که شما معصیت نکرده اید و دیگر آن که جلوگیری از ارتکاب معصیت آن شخص نموده اید که بر این عمل نهی از منکر صدق می کند.

س ۶۶۱: چرا شهرت در سیادت شخص مورد قبول فقها است ولی شهرت در حکمی یا فتوی معتبر نیست. وجه فرق را بیان کنید؟

ج: هو العالم؛ دلیلش همان دلیل ظن انسداوی است. چون می دانیم احکامی مترتب بر سیادت است و راهی جز شهرت بر اثبات سیادت نیست.

س ۶۶۲: ورزش و فراگیری نغمات و آهنگ های قرآنی به منظور نیکو تلاوت نمودن آیات الهی چه حکمی دارد؟ چه اندازه استفاده از صوت حسن در قرائت قرآن و مواعظ و مراثی و مدایح ائمه اطهار(ع) جایز است و غنا در این موارد چه می باشد و آیا گوش دادن به صدای زن نامحرم در مواردی از قبیل قرائت قرآن، خواندن سرودهای انقلابی و محلی و خواندن شعر در جلسات شب شعر در صورتی که موجب فساد و فتنه نباشد، چه حکمی دارد؟

ج: هو العالم؛ صوت حسن اگر به حد غناء نرسد، جایز است، و غنا عبارت است از صوت موجب طرب و خفت و شنیدن صدای زن در صورتی که موجب تهییج قوای شهوانی نشود، اشکال ندارد.

س ۶۶۳: استفاده از مطالب و اخبار یک سایت یا یک خبرگزاری بدون ذکر منبع خبر و نام آن سایت و خبرگزاری چه حکمی دارد؟ «در صورتی که در پایین هر خبر نوشته که استفاده از آن خبر با ذکر منبع آن بلامانع است.»

ج: هو العالم؛ چنانچه نقل بدون ذکر منبع ظهور عرفی دارد در این که از منبع معینی

استفاده نشده است، قهراً این دروغ است و جایز نیست والا اشکال ندارد.

س ۶۶۴: چندی است در میان نویسندگان مرسوم شده که مطالب نشریات و سایت های خارجی را ترجمه کرده و بدون آن که اسمی از نویسنده به میان بیاورند آن را به نام خود چاپ می کنند. حکم این مساله چیست؟ آیاسرقت محسوب می شود؟

ج: هو العالم; سرقت مصطلح نیست، اگر عنوان کذب، صدق نکند، اشکال ندارد.

س ۶۶۵: اگر انسان مطلع شود در مغازه یا مؤسسه ای شؤنات و حدود شرعی رعایت نشده و کارهای خلاف (مثل این که محل قرار دختر و پسرها شده یا حجاب ها را رعایت نمی کنند یا فیلم مبتذل پخش می کنند) انجام می شود، اگر مطئمن هستیم تذکرات بی فایده است، آیا می توانیم به مأموران قانون برای برخورد باآنها اطلاع دهیم؟ (حتی به قیمت تعطیلی آن مراکز)

ج: هو العالم; بلا اشکال اطلاع دادن خوب است; بلکه در بعضی موارد لازم است.

س ۶۶۶: آیا کاشتن استخوان خوک در بدن انسان جایز است، خواه برای علاج درد پا، یا برای زیبایی و... ؟

ج: هو العالم; جایز است و بعد از کاشتن و دمیدن روح انسان به آن از نجاست بیرون می رود و پاک می شود.

س ۶۶۷: آیا همکاری با مشرکان در عراق جهت تأمین آذوقه سربازان آمریکایی یا مردم عراق در موقعیت کنونی چه حکمی دارد؟

ج: هو العالم; همکاری در جهت تأمین آذوقه سربازان آمریکایی که فعلاً کافر حربی می باشند جایز نیست و اما برای مردم عراق کاری بسیار حسن و خوب است.

ملحقات

معانی واژه ها، لغات و اصطلاحات

«آ»

آلات لهو: ابزار و لوازم سرگرمیهای شیطانی و خوشگذرانی های نامشروع.

مانند: لوازم موسیقی، عود، دَف، تار و...

اِبراء: بری کردن; بری کردن ذمه; رفع مسؤولیت

ابن السبیل: مسافری که در سفر; پول، وسیله زندگی و خرجی راه نداشته درمانده باشد.

اتقی: با تقواتر

اجاره: قراردادی که بر اساس آن منافع مال یا کار یا وسیله یک طرف قرارداد، در برابر مدت و قیمت معین به طرف دیگر قرار داد، واگذار می شود.

اجانب: بیگانگان، جمع اجنبی= بیگانه

اُجرت: مزد، قیمت

اجرت المثل: مزد همانند; اگر فردی بدون تعیین قیمت و قرار داد، کاری را انجام دهد و برای گرفتن دست مزد با طرف مقابل اختلاف پیدا کند، باید بدین طریق عمل کنند که: اگر همین کار را فرد دیگری مشابه همین فرد انجام می داد چقدر مزد می گرفت؟ پاسخ هر چقدر که شد، مزد همان است.

اجرت المُسمّی: مزد و قیمتی که در عقد اجاره مشخص و معین شده است.

اجیر: کسی که طبق قرارداد در برابر کار معینی که انجام می دهد، مزد می گیرد.

اِحبال: باردار کردن; آبستن کردن

احتلام: خارج شدن منی از انسان در حالت خواب، نشانه بلوغ.

احتیاط: کارهایی که موجب می شود انسان اطمینان حاصل کند که به وظیفه اش عمل کرده است و کارش به واقعیت نزدیک است.

احتیاط لازم: احتیاطی که مجتهد، لزوم رعایت آن را از طریق دلایل عقلی یافته باشد.

احتیاط مستحب: همیشه همراه با فتواست و مقلد می تواند به فتوا، یا احتیاط، به دلخواه خود عمل کند. در این مسائل نمی تواند به مجتهد دیگر رجوع کند.

احتیاط واجب: همراه با فتوا نمی باشد و مکلف باید به همان احتیاط عمل کند و یا به فتوای مجتهد دیگری نیز می تواند مراجعه کند.

احتیاط را ترک نکند: در

این مورد اگر مکلف احتیاط را رعایت کند، بهتر است.

احراز: بدست آوردن; فراهم کردن; دریافتن.

اِحصار: بازداشتن، مکلفی که برای انجام مراسم حج به مکه رفته و قبل از رسیدن به موقفین (شهر مکه، عرفات، مشعر) و پس از پوشیدن لباس احرام، بر اثر بیماری نتواند اعمال عمره یا حج را انجام دهد. این شخص از حج بازداشته شده و محصور است.

اَحفاد: نبیره ها، جمع حافد و حفد = نبیره

احکام: مقررات شرع، آراء، فرمانها، جمع حکم.

احمر: قرمز، سرخ رنگ، جمع حمر، احامر

احوط: به احتیاط نزدیک تر، شامل تر.

احیاء زمین: زمین مرده را زنده کردن; اگر کسی با کشتکار، زراعت یا ساختمان و غیره، زمینی که مورد استفاده کسی نیست و سکنه ای در آن قرار ندارد را قابل استفاده و بهره برداری کند، در واقع زمین مرده را احیاء یا زنده کرده است.

اَخ: برادر، اخ الزوجه: برادر زن

اُخت: خواهر

اَخته: خواجه

اخفاء: مخفی کردن، پنهان کردن.

اخفات: آرام و آهسته قرائت کردن، نمازهای اخفاتی: نمازهای ظهر و عصر که حمد و سوره در آنها آهسته خوانده می شود.

اخوت: برادری.

اداء: اعمال شرعی که در وقت خودش انجام شود.

ادعیه مأثوره: دعاهایی که از رسول اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) نقل شده است.

ادغام: داخل نمودن، در تجوید باعث تشدید و مشدد شدن آن حرف می شود.

ادلّه: دلیل ها، حجت ها; جمع دلیل.

اذن: اجازه.

ارباح مکاسب: منافع کسب و کار; هر نوع درآمدی که از طریق کار بدست آید.

ارتماس: فرو رفتن به آب (غسل)، فرو کردن در آب (وضو).

اِرتداد: از اسلام برگشتن

اَرش: دیه; تفاوت صحیح و سالم با ناقص و معیوب. این تفاوت شامل بدن، مال یا کالای کسی می شود.

ارکان نماز: رکن

ها و پایه های نماز، مانند: قیام، نیت، تکبیره الاحرام(الله اکبر)، رکوع، و دو سجده.

ازاله بکارت: از بین بردن دوشیزگی.

استبراء: طلب پاکی; کاری که برای اطمینان به پاکی چیزی از آلودگی و نجاست، انجام می دهند. که شامل: ۱ استبراء از بول: کسی که ادرار کرده است، به قصد اطمینان از نماندن ادرار در مجرا.

۲ استبرار از منی: ادرار کردن پس از بیرون آمدن منی به قصد اطمینان از اینکه ذرات منی در مجرا باقی نمانده است.

۳ استبراء حیوان نجاستخوار: بازداشتن حیوانی که به خوردن نجاست انسان عادت کرده است تا وقتی که به خوراک طبیعی خود عادت کند.

استحاضه: خون دیدگی زنان به غیر از خون حیض و نفاس. استحاضه به سه صورت استحاضه کثیره (خون زیاد) استحاضه متوسطه(خون متوسط، بینابین) و استحاضه قلیله (خون کم) قرار دارد.

استرجاع: گفتن «انا الله و انا الیه راجعون».

اِستعاذه: پناه بردن. در اصطلاح گفتن «اعوذ بالله من الشیطان الرجیم»

استعلام: آگاهی خواستن; پرسش کردن از چیزی.

استفتاء: طلب و درخواست فتوا کردن; پرسیدن فتوا; سوال از مجتهد درباره حکم شرعی مسائل.

استطاعت: توانستن; قدرت انجام حج را از نظر بدن، مال و راه داشتن.

استمناء: جلق زدن; انجام عملی با خود که باعث بیرون آمدن منی شود.

استیجار: اجاره کردن.

استیفاء: بدست آوردن.

استیلاء: تسلط; چیرگی; پیروزی.

اشکال دارد: عملی که مکلف جهت تکلیف انجام می دهد و آن عمل قابل قبول شارع نیست.

اصول دین: یعنی توحید نبوت معاد.

اصول مذهب: امامت و عدالت.

اضطرار: ناچاری.

اظهر: ظاهرتر; روشن تر; فتواست. مقلد باید طبق آن عمل کند.

اعاده: از سر گرفتن; دوباره انجام دادن کار.

اعدل: عادل تر.

اعلان: آگاه ساختن.

اعلم: عالم تر.

افضاء: باز شدن; یکی شدن مجرای ادرار و حیض

یا مجاری حیض و غائط یا هر سه مجاری.

اقتدا کردن: پیروی کردن; تقلید کردن از امام جماعت; نمازگزاردن پشت سر پیشنماز.

اقرب این است: فتوا این است مگر این که ضمن کلام قرینه ای بر عدم فتوا باشد.

اقوی این است: نظر قوی بر این است; فتوای صریح و مشخص که باید مقلد به آن عمل کند.

الزام کردن: اجبار کردن; مجبور کردن.

اِمْساک: امتناع کردن; خود را از انجام کاری بازداشتن.

اموال محترمه: اموالی که از نظر اسلامی و شرعی محترم و دارای احترام باشد.

امور حِسبیّه: کارهایی شرعی از جمله رسیدگی به امور یتیمان، دریافت و خرج خمس و زکات و امر به معروف و نهی از منکر و غیره به اجازه مجتهد عادل و یا نماینده ایشان.

اُناث و ذُکور: زنان و مردان.

انتقال: جابجایی; جابه جایی چیزی نجس به طوری که دیگر شیء اول به حساب نیاید; مثل انتقال خون انسان به بدن پشه.

انزال: بیرون ریختن منی.

اَنسب: حکمی که متناسب با اصول و قواعد شیعه باشد.

اودج اربعه: شاهرگ های چهارگانه حیوانات.

اورع: پرهیزکارتر

اوجه: وجه تر; با قدرت تر; وجیه تر.

اولی: بهتر; سزاوارتر.

اولوالعزم: بردبار; صبور; به اعتقاد شیعه تعداد پیامبران اولوالعزم پنج نفر: نوح، ابراهیم، موسی، عیسی، محمد (علی نبینا علیهم الصلاه و السلام). اینان پیامبرانی هستند که دارای دین و آیین جدید و کتاب آسمانی بوده اند.

اهل ذمه: غیر مسلمانی که پیرو یکی از پیامبران صاحب کتاب است; مثل: یهودی ومسیحی.

ایجاب: فرض کردن; واقع ساختن; در صیغه عقد یعنی قبول کردن.

ایماء: اشاره

«ب»

باقیات صالحات: هر عمل نیک; خوب و شایسته که ثواب آن باقی بماند.

باکِره: دوشیزه

بالغ: رسیده; دختر یا پسری که به سن بلوغ رسیده باشد.

باه: نیروی جنسی

بدل:

جانشین؛ عوض؛ هرچه به جای دیگری واقع شود.

بدعت: نوآوری؛ در احکام الهی و شرعی طبق میل و سلیقه خود عمل کردن.

بـدل از غسل: به جای غسل؛ در جایی که شـخص موظف به غسل کردن است اما به آب دسترسـی نـدارد یا آب برایش ضـرر دارد، می تواند به نیت غسل، تیمم انجام دهد.

بدل از وضو: به جای وضو؛ در جایی که شـخص موظف به وضو گرفتن است اما به آب دسترسـی ندارد و یا آب برایش مضر است، می تواند به نیت وضو، تیمم انجام دهد.

برائت ذمّه: در موارد شک، شـخص بایـد آن عمل را بطوری انجام دهـد که یقین پیـدا کنـد تکلیف شـرعی خود را انجام داده است.

برات: سندی که به موجب آن شخصی از دیگری می خواهد تا پول معینی را در وقت معینی به شخص یا اشخاصی بپردازد.

بَرَص: پیسی؛ بیماری پوستی که با کم رنگ شدن نواحی محدود و پررنگ تر شدن نواحی مجاور مشخص می شود.

بُزاق: آب دهان

بَشَره: روی پوست آدمی

بکارت: دوشیزگی؛ ازاله بکارت: دوشیزگی دختر را برداشتن.

بعید است: دور از ذهن است.

بعید نیست: فتوا این است؛ مگر این که قرینه ای در کلام بر خلاف آن باشد.

بلوغ: رسیدن به سن تکلیف؛ پیدا شدن علائم سه گانه در انسان که موجب بالغ شدن می شود.

بول: ادرار

بهائِم: حیوانات چهارپا؛ جمع بهیمه = حیوان چهارپا

بُهتان: دروغ بستن؛ دروغی را به کسی نسبت دادن؛ از گناهان کبیره

بیض: جمع ابیض. ایام البیض: سیزده؛ چهارده و پانزدهم هر ماه را گویند.

بیع: خرید و فروش؛ معامله.

بیگاری: کار اجباری بدون مزد.

بین رکن و مقام: مکانی مقدس در مسجد الحرام بین حجر الاسود و مقام حضرت ابراهیم (س).

بین الطلوعین: فاصله زمانی بین طلوع فجر و طلوع خورشید.

تأنی: آهستگی; به آهستگی و آرامی کاری را انجام دادن; درنگ کردن.

تجافی: نیم خیز نشستن; زمانی که ماموم به رکعت اول امام جماعت نرسیده باشد، هنگام تشهد خواندن امام جماعت، به حالت نیم خیز می نشیند.

تَحْتُ الحنك: زیر چانه; آن قسمت از عمامه را که زیر چانه و روی گلو قرار می دهند.

تحیّت: سلام کردن; درود و سلام و دعا و نیایش; نماز تحیّت مسجد: نماز مستحبی که به هنگام ورود به مسجد، به عنوان احترام و ادب به مسجد خوانده شود. این نماز دو رکعت است.

تخّلی: خالی شدن; ادرار و مدفوع کردن.

تَخْییر: اختیار داشتن; فرد را در انتخاب آزاد گذاشتن; مثلا شخص مسافر; مخیر است که نمازش را در ۴ مکان بطور کامل یا شکسته بخواند، مسجد الحرام، مسجد النبی (مسجد پیغمبر); مسجد کوفه; حرم امام حسین (ع).

تدلیس: پنهان کردن عیب کالا نزد مشتری.

تذکیه: ذبح شرعی حیوانات حلال گوشت.

ترتیبی: مرتب و منظم. غسل ترتیبی: غسلی که به ترتیب ابتدا سر، بعد قسمت راست و بعد قسمت چپ بدن شسته شود.

ترخُّص: آسان گرفتن; حدترخص: مسافتی که مسافر اگر از آن بگذرد، نماز را باید شکسته بخواند و روزه اش را افطار کند.

تسبیحات اربعه: ذکر ۴ گانه «سبحان الله و الحمد الله و لا اله الا الله و الله اکبر»

تسبیح حضرت زهرا(س): از مستحبات بسیار با فضیلت نماز، گفتن ۳۴ مرتبه الله اکبر، ۳۳ مرتبه الحمد الله و ۳۳ مرتبه سبحان الله و یک مرتبه لا اله الا الله

تستّر: خود را پوشاندن.

تسمیه: نام بردن; نام خدا را هنگام ذبح بر زبان جاری ساختن.

تشریح: کالبد شکافی.

تطهیر: پاک کردن;

چیزی را با آب شستن، تمیز و پاکیزه کردن

تعزیر: زدن شخص به قصد جلوگیری در انجام کارهای غیر شرعی و واجبات الهی به قصد ادب شدن دیگران و خودش و جلوگیری از ادامه آن

تعقیب: دنبال کردن; تعقیبات نماز: بعد از نماز به ذکر دعا، قرآن و نمازهای نافله مشغول شدن.

تفریط: تقصیر کردن; کوتاهی کردن.

تقاص: قصاص کردن; طلب خود را از مدیون منکر گرفتن; برداشتن.

تقلید: پیروی کردن از فتاوای مجتهد و عمل کردن به دستورات وی.

تکبیره الاحرام: در شروع نماز «الله اکبر» گفتن; که با گفتن آن شخص وارد نماز می شود و تمام کارهایی که، منافی با نماز است بر او حرام می شود. تکبیره الاحرام از ارکان نماز است و اشتباه در آن، نماز را باطل می کند.

تَکفّل: سرپرستی.

تلبیه: اجابت کردن; لبیک گفتن در مناسک حج. واجب است در آغاز حج و عمره گفتن «لبیک اللهم لبیک، لبیک لا شریک لک لبیک».

تَلذّذ: لذت بردن.

تلقیح: باردار نمودن; تلقیح مصنوعی: نطفه مرد را به وسیله ای مانند سرنگ به رحم زن رساندن.

تمکّن: توانایی مالی; دارایی.

تمکین: فرمانبرداری; اطاعت کردن.

تیمم بدل از غسل مس میت: در وقتی که غسل دادن میت ممکن نباشد و یا آبی برای غسل دادن نباشد، تیمم میت جایگزین غسل می شود.

تیمم جبیره ایی: اگر بر عضوی که می خواهد تیمم کند، باند یا گچ یا جبیره باشد، به نیت تیمم دست را روی آن می کشد.

توديه: پنهان کردن; مخفی کردن حقیقت. اگر کسی به نوعی حرف بزند که نه دروغ باشد و نه راست، این نوعی مخفی کردن و پنهان کردن است که توديه نام دارد.

توکیل: وکیل قرار دادن; نماینده کردن.

تولیت: ولی و

سرپرست قرار دادن؛ متولی کردن.

تهلیل: گفتن «لا اله الا الله»

«ث»

ثلثان: دو سوم؛ اگر دو سوم آب انگور بجوشد و تبخیر شود، آب انگور موجود پاک می شود.

ثمن: بها؛ قیمت؛ ارزش

«ج»

جاعل: فردی که قرارداد جعاله را منعقد می کند.

جاهل به مسأله: ناآشنا به مسأله؛ کسی که مسائل شرعی را نمی داند.

جاهل قاصر: جاهلی که در جهلش مقصر نیست؛ کسی که مسائل شرعی را نمی داند و مقصر هم نیست، چون در شرایطی است که امکان دسترسی به احکام الهی برایش وجود ندارد و یا اصلا خود را جاهل نمی داند.

جاهل مقصر: جاهلی که در جهلش مقصر است؛ کسی که امکان آموختن مسائل و احکام الهی را داشته است ولی عمداً در فراگیری آن کوتاهی کرده است.

جبیره: مرهم؛ پارچه؛ باند یا پوششی که زخم یا شکستگی را با آن می بندند.

جبین: یک قسمت از پیشانی از دو طرف ابروها.

جُرح، جروح: زخم؛ جراحت.

جعاله: قرادادی شرعی که طی آن کسی اعلام می کند اگر هر کس برای او کار معینی را انجام دهد، پاداش و مزد مشخص به او می پردازد، مثلا اگر فردی اعلام کند که هر کس گمشده مرا پیدا کند، فلان مبلغ به او مژدگانی می دهم. فرد قرار گذار را «جاعل» عمل کننده به آن را «عامل» و مبلغ تعیین شده را «جُعل» می نامند.

جّلال: حیوان حلال گوشتی که به خوردن نجاسات انسان عادت کرده است.

جِلد: پوست.

جماع: آمیزش جنسی؛ مقاربت.

جنابت: جُنُب شدن

جُنُب: کسی که بدلیل خروج منی یا آمیزش جنسی، غسل بر او واجب شده باشد.

جنون: دیوانگی**;** صفت کسی که فاقد تشخیص نفع و ضرر، بدی و خوبی است و در روانپزشکی به کسی می گویند که با واقعیت قطع رابطه می کند

و دارای توهم و هذیان است.

جنین: موجود مهره داری که هنوز رشـد کافی برای زنـدگی در بیرون از رحم را پیـدا نکرده، اما دارای ساختار بدنی و اندامها می باشد.

جهر: با صدای بلند چیزی را خواندن; بلند کردن آواز; نمازهای جهری: به نمازهای صبح و مغرب و عشا گفته می شود که بر مردان واجب است حمد و سوره این نمازها را بلند بخوانند.

«ح»

حائض: زنی که در حال عادت ماهیانه باشد.

حاکم شرع: مجتهدی که بر اساس موازین شرعی دارای فتوا باشد.

حَبوَه: بخشـش; در اصـطلاح فقهی به اموال ویژه پـدر گفته می شود که بعـد از مرگش به بزرگـترین پسـرش می رسـد، مـانند قرآن، انگشتر، شمشیر.

حِرز: دعایی که برای پیشگیری از آفت و حوادث یا بیماری بر روی کاغذ می نویسند و همیشه همراه خود دارند.

حَدَث اصـغر: هر کـاری که بـاعث وضو شود و آنهـا عبارتنـد از: ادرار مـدفوع بـاد شـکم خواب کامـل امور زایل کننـده عقل استحاضه هر آنچه موجب غسل شود.

حَدَث اکبر: هر کاری که باعث غسل شود مانند: آمیزش جنسی و احتلام.

حدّ ترخُّص: حدّ و مقدار مسافتی که در آن صدای مؤذن شنیده نشود و دیوارهای محل اقامت (شهر یا روستا) دیده نشود.

حرام: ممنوع; هر عملی که از نظر شرعی ترکش لازم باشد که انجام آن باعث عذاب الهی می گردد.

حَرَج: مشقت; دشواری; سختی.

حُرمت: حرام بودن.

حَشفه: سرآلت تناسلی مرد.

حِصّه: سهم

حِضانت: سرپرستی

حَضَر: وطن; محل زندگی; محل حضور

حنوط: دارویی خوش بو که به بدن میت می زنند، یعنی پس از غسل میت، باید پیشانی، کف دستها، سر زانوها، سر انگشتان بزرگ پارا کافور مالید.

حیض: عادت ماهیانه زنان; قاعدگی

«خ»

خالی از قوّت نیست: فتوا این است، معتبر است; مگر اینکه در ضمن کلام، قرینه ای بر ضد این معنی بیان شود.

خالی از وجه نیست: فتوا این است; بی مورد نیست، مگر اینکه در ضمن کلام، قرینه ای بر ضد آن معنی بیان شود.

خُبره: کارشناس; متخصص.

خَبیث: زشت; پلید.

خُسوف: ماه گرفتگی; زمانی که زمین بین ماه و خورشید قرار می گیرد.

خضاب: رنگ کردن; رنگ کردن

موی سر، ریش، دست و پا

خمر: شراب; می; باده

خمس: یک پنجم; بیست درصد خالص درآمد سالیانه که باید به مرجع تقلید پرداخت شود.

خوف: ترس; بیم; واهمه; هراس.

خون جهنده: اگر رگ حیوانی را ببرند، خون با جستن بیرون می آید.

خیار: انتخاب بهتر; اختیار بهم زدن معامله، که در مورد طرفین معامله یا یکی از آنها می توانند معامله را باطل کنند.

«د»

دائمه: زنی که با عقد دائم به همسری مردی درآمده باشد.

دایه: زنی که فرزند دیگری را شیر دهد.

دُبُر: پشت; مقعد.

دعوی: دادخواهی

دُمل: زخم

دینار: هر دنیار یک مثقال شرعی است که هر مثقال، ۱۸ نخود است. چهار مثقال شرعی سه مثقال معمولی است.

دیه: مالی که در مقابل خون مسلمان یا نقص بدنی او پرداخت شود.

«ذ»

ذبح شرعی: کشتن حیوانات حلال گوشت طبق ضوابط شرعی

ذمّه: تعهد به انجام عملی یا ادای چیزی; عهده

ذُرّیّه: فرزندان; نسل

ذمّی: کافران اهل کتاب مانند یهود و نصارا که در مقابل تعهد شان نسبت به رعایت قوانین اسلامی از حمایت و امنیت نظام و حکومت اسلامی برخوردار می شوند و در کشورهای اسلامی زندگی می کنند.

«ر»

ربح: منفعتی که از راه تجارت بدست آید.

رجاء: امید؛ ضد یأس

رجس: پلیدی؛ زشتی

رجعت: بازگشت؛ رجوع

رَجم: سنگسار؛ سنگ زدن

رَد مظالم: چیزهایی که به عهده و گردن انسان است ولی صاحب آن معلوم نیست و یا در دسترس نیست، مانند این که انسان یقین دارد در مال یا اموال کسی غیر مجاز تصرف کرده و از این استفاده ضرری به آن شخص خورده است، حال برای این که یقین پیدا کند که برائت ذمه پیدا کرده است، باید مقدار معینی را از طرف صاحب آن مال یا اموال، به عنوان رد مظالم به مجتهد جامع الشرایط پرداخت نماید تا آن مجتهد آن را در جایی که شارع مشخص کرده است بپردازد.

رضاعی: همشیر؛ پسر و دختری که از یک زن شیر خورده باشند که با شرایطی نسبت به هم برادر و خواهر رضاعی می شوند و مَحرم ابدی هستند.

رکن: پایه؛ اساس

ریبه: شک؛ شبهه؛ تردید

«ز»

زائد بر مؤونه: زیادی از مخارج؛ اضافه بر هزینه زندگی

زانی: مرد زناکار

زانیه: زن زناکار

زکات: پاکی از آلودگی؛ خارج کردن قسمتی از چیزی جهت پاکیزه کردن آن. مقدار معینی از اموال خاص انسان در صورت رسیدن به حد مشخص که باید در موارد معینی مصرف شود. زکات به نُه (۹) چیز تعلق می گیرد.

زکات فطره: حدود ۳ کیلوگرم گندم، جو، ذرت و غیره یا قیمت آنها که در عید فطر باید به فقرا داده شود و یا در مصارف دیگر زکات صرف گردد.

زهار: پایین شکم، موی زهار: موی اطراف شرمگاه

زهدان: رحم; جای بچه در شکم مادر

«س»

سائل: کسی که مالی را طلب کند; گدا; محتاج

سبیل الله: راه خدا; هر کار خوبی که برای خدا انجام دهند.

سجده: بر زمین گذاشتن پیشانی، کف دستها، سر زانوها، سر دو انگشت پاها، برای عبادت یا اظهار فروتنی; یکی از ارکان نماز

سجده تلاوت: سجده ای که به واسطه قرائت یا شنیدن آیات سجده دار قرآن باید انجام داد. تعداد آیات سجده دار قرآن ۱۵ تاست. ۴ مورد آنها سجده واجب و ۱۱ مورد آنها سجده مستحب است. سجده های واجب قرآن(سجده، ۱۵ فصلت، ۳۷ نجم، ۶۲ علق، ۱۹)

سجده های مستحب قرآن(اعراف، ۲۰۶ رعد، ۱۵ نمل، ۴۹ اسراء، ۱۰۷ مریم، ۵۸ حج ۱۸ و ۷۷ فرقان، ۶۰ نحل، ۲۵ ص، ۲۴ انشقاق، ۲۱)

سجده سهو: سجده ای که نمازگزار در برابر اشتباهاتی که در حین نماز از او سر زده است، به جای کمی می آورد.

سرگین: مدفوع حیوانات

سفیه: بی عقل; دیوانه; کسی که قدرت نگهداری مال خویش را ندارد

و سرمایه اش را در کارهای بیهوده خرج می کند و یا به کارهای غیر عقلانی دست می زند.

سقط شده: افتاده; جنین نارس، ناقص یا مرده که قبل از موعد تولد از رحم زن خارج شده است.

سوره عزائم: سوره هایی که در آنها آیه ای قرار دارد که موجب سجده واجب می شود، که عبارتند از سوره های «فصلت» «نجم» «سجده» «علق»

سنت: سیره; روش

«ش»

شارب: سبیل

شاخص: چوب یا وسیله ای که برای تعیین ظهر شرعی در زمین نصب کنند.

شُرب: نوشیدن; آشامیدن

شفق: سرخی مغرب پس از غروب آفتاب

شارع: بنیانگذار شریعت اسلامی; خداوند، پیامبر اکرم (ص)

شیر کامل: روشی است برای مَحرم شدن نوزادی که متعلق به زن و شوهر نیست; بدین طریق که نوزادی که ۲ سالش تمام نشده ۱۵ مرتبه شیر سیر بخورد و یا یک شبانه روز فقط شیر آن زن را بخورد و در این بین شیر کس دیگر یا غذای دیگر نخورد.

شیربها: پول یا مالی که داماد (یا کسانش) در هنگام ازدواج به خانواده عروس می دهند.

«ص»

صائم: روزه دار

صاع: پیمانه ای به گنجایش حدود ۳ کیلوگرم; پیمانه ای که در کفارات و فطره بکار می رود.

صباوات: کودکی; طفولیت; از ۳ تا ۵ سالگی کودک

صَبّی: کودک; کودک شیرخوار; جمع آن صبیان

صداق: مَهر

صرف برات: نقـد کردن برات؛ در زمانی که برات به صورت مـدت دار تنظیم می شود و طلبکار از بدهکار میخواهد طلبش را زودتر از وقت تعیین شده بدهد با شرط اینکه مقداری از مبلغ برات را کم کند. به «برات» نیز مراجعه شود.

صحیـح: در اصـطلاح حـدیث، حـدیثی صـحیح است که ناقلاـن آن همگی بالغ و امامی مـذهب باشـند مراجعه سلسـله سـند به معصوم برسد.

صغیر: خردسال؛ کوچک؛ سنی که موظف به انجام تکالیف شرعی نیست یا سنی که هنوز به سن قانونی نرسیده است.

صلح: حق دست کشیدن مدعی یا صاحب حق از حق خود و واگذاشتن آن به دیگری در عوض چیزی یا بدون آن.

صوم: روزه داشتن

صِهر: داماد

«ض»

ضعف مفرط: ضعف شدید: ناتوانی و سستی شدید

ضِماد: دارو زخم؛ مرهم زخم

ضِمان: به عهده گرفتن؛ متعهد شدن؛ عهده دار گشتن

«ط»

طبخ: پختن

طفل مُمیز: بچه ای که خوب و بد را از یکدیگر تشخیص می دهد.

طلاق: گسستن پیمان زناشویی؛ رهایی

طلاق بائن: طلاقی است که بعد از آن مرد حق رجوع به همسرش را ندارد مگر این که وی را مجدداً عقد نماید.

طلاق خُلع: طلاقی است که زن علاقه و تمایلی به شوهرش نـدارد، مهر یا مال دیگری (غیر از مَهر) را به مرد می دهـد تا طلاق گیرد.

طلاق رجعی: طلاقی است که مرد می تواند در عده طلاق به همسرش رجوع کند.

طلاـق مُبـارات: طلاـقی است که زن و مرد هیـچ تمایلی و علاقه ای به هم ندارنـد و زن مقـداری مال به مرد می دهـد تا طلاق صورت پذیرد.

طواف: گرد چیزی گشتن; دور زدن; و در شرع عبارت است از ۷ دور طبق شرایط خاص دور کعبه چرخیدن.

طواف نساء: آخرین طواف حج و عمره مفرده که ترک آن باعث حرام بودن همبستری طواف کننده با همسرش می شود.

طوق: گردن بند; آنچه به گردن بیاویزند.

طُمأنینه: آرامش

طهارت: پاکی; نظافت; حالتی است که در نتیجه وضو، غسل، تیمم و تیمم بدل از غسل و وضو در انسان حاصل می شود.

طهارت ظاهری: تا انسان علم و یقین به نجاست چیزی نداشته باشد، آن شیء طاهر و پاک است.

«ظ»

ظاهر این است: فتوا این است، مگر این که در کلام قرینه ای برای قصد دیگری باشد.

ظِلّ: سایه

ظُهر: نیمروز; ظهر شرعی وقتی است که سایه شاخص به کمترین حد آن برسد یا محو شود که ساعت آن با توجه به فصول مختلف و افق های گوناگون، فرق دارد.

«ع»

عاجز: درمانده; ناتوان

عادت ماهانه: حیض; قاعدگی

عادل: کسی که دارای عدالت باشد; کسی که کارهای خوب و شرعی را انجام دهد و از کارهای غیر شرعی اجتناب کند.

عاریه: استفاده موقت از مال کسی بدون پرداخت سود.

عاصی: نافرمان; کسی که نسبت به احکام الهی نافرمان باشد.

عاق: نافرمان; آزار دهنده مادر و پدر

عاطل: بیهوده; بیکاره

عاقد: عهد کننده; اجراء کننده صیغه در معامله.

عایدات: درآمد.

عَبث: بیهوده

عُدول: برگشتن; رجوع کردن; بازگشتن

عُدول مجتهد: برگشتن رأی و نظر مجتهد از فتوای قبلی، در جایی که به مدرک و دلیلی جدید دسترسی پیدا می کند.

عِدّه: دوران ممنوعیت زن از ازدواج، پس از طلاق یا ترک شوهرش

عذر شرعی: بهانه شرعی; توجیه شرعی

عُرف: فرهنگ عموم مردم; عادت

عَرق جُنُب از حرام: عرقی که پس از آمیزش نامشروع یا استمناء از بدن خارج شود.

عَزل: کنار گذاشتن. بیرون ریختن منی مرد خارج از رحم زن برای جلوگیری از حاملگی. برکنار کردن وکیل یا مأمور خود از کار.

عُسرت: سختی; تنگدستی.

عقیقه: قربانی کردن حیواناتی نظیر گوسفند، گاو یا شتر برای نوزاد تازه متولد شده با شرایط خاص.

علقه: صورتی که جنین در رحم زن به صورت آویزان شده یا جایگزین شده یا خون بسته باشد.

عُقود: قراردادهای دو طرفه

عمّال: کارگزاران

عمداً: از روی قصد; کاری را با علم و آگاهی انجام دادن

عمل به احتیاط: کسی که تکالیف شرعی خود را به گونه ای انجام دهد که

یقین پیدا کند از نظر شرعی تکالیفش را انجام داده است، عمل به احتیاط کرده است.

عِنّین: مردی که قادر به آمیزش جنسی نباشد.

عین نجس: آن چیز که به خودی خود نجس باشد، بدون اینکه به واسطه تماس با چیز دیگری نجس شده باشد; مثل خون، مردار

«غ»

غائط: مدفوع

غرض عقلانی: هدف عقلانی; هدفی که از نظر عقلا قابل قبول باشد.

غُساله: آبی که پس از شستن چیزی با فشار یا خود به خود از آن می چکد و جدا می شود.

غُسل: شستشو; شستن تمام بدن با کیفیت مخصوص.

غسل ارتماسی: به نیت غسل، یک مرتبه در آب فرو رفتن

غسل ترتیبی: به نیت غسل، اول سر و گردن، بعد طرف راست، بعد طرف چپ را شستن.

غسل واجب: غسلی که انجام دادن آن الزامی می باشد و آنها عبارتند از: ۱ غسل جنابت ۲ غسل حیض ۳ غسل نفاس ۴ غسل استحاضه ۵ غسل مس میت ۶ غسل میت ۷ غسلی که بواسطه قسم یا نذر واجب شده باشد.

غسل مستحب: غسلی که در ایام خاص یا عبادات یا زیارات یا شب های خاص می توان انجام داد; مثل غسل زیارت، غسل جمعه، غسل توبه.

غسل جبیره: غسلی که اگر در اندام انسان جبیره باشد صورت می گیرد و باید به صورت غسل ترتیبی باشد.

غِش: تقلب; خیانت; تردید.

غِش در معامله: اگر کسی جنس مرغوب را با جنس نامرغوب مخلوط کند و بدون اطلاع مشتری، آنها را به او بفروشد.

«ف»

فتوا: رأی و نظر فقیه در مسائل شرعی

فجر: روشنی آخر شب

فجر اول و دوم: نزدیک اذان صبح از طرف شرق سپیده ایی (روشنایی) به طرف بالا حرکت می کند که آن را «فجر اول» می نامند. زمانی که این سپیده یا روشنایی پخش شد، «فجر دوم» است و اول نماز صبح.

فجر صادق: منظور فجر دوم است.

فجر کاذب: منظور فجر اول است.

فُرادا: تنهایی و جدا; نماز فرادا یعنی نمازی که شخص به تنهایی بخواند نه با جماعت

فرایض: واجبات; جمع

فریضه.

فَرْج: عورت انسان؛ شرمگاه.

فرض: امر الزامی؛ امری که انجام دادن آن واجب است.

فضله: مدفوع حیوانات.

فطره: زکاتی که پس از پایان ماه مبارک رمضان بر هر مسلمان واجد شرایط، واجب است.

فطریه: زکات فطره.

فُقّاع: آبجو.

فقیر: محتاج؛ کسی که نیازمند تأمین مخارج سال خود و خانواده اش باشد و قادر نباشد مایحتاج روزانه خود را تأمین کند.

«ق»

قاصر: کسی که در مورد کاری کوتاهی کرده است.

قُبُل: جلو؛ پیش؛ کنایه از اندام تناسلی انسان.

قتل نفس محترمه: کشتن کسی که خونش از نظر شرعی محترم است و نباید کشته شود.

قتل شبه عمد: کشتن غیر عمد با کشتن خطایی، اشتباهی که باید در مقابل کفاره و دیه بدهد.

قذف: نسبت دادن زنا یا لواط به دیگری.

قرائت: خواندن؛ مراد خواندن حمد و سوره در نماز می باشد.

قُروح: دُمَلها؛ زخمها؛ زخمهای چرکین؛ جمع قُرح

قریب: نزدیک

قسم: سوگند؛ قسم شرعی؛ قسمی است که به یکی از اسامی خداوند بیان شود مانند بالله، والله، تالله .

قَصر: کوتاه کردن.

نماز قَصر: نماز کوتاه شده؛ نماز مسافر.

قصد اقامه: تصمیم مسافر به ماندن ده روز یا بیشتر در یک محل.

قصد انشاء: تصمیم به ایجاد یک امر اعتباری مانند خرید و فروش همراه با ادای کلمات مربوط .

قصد رجاء: تصمیم فرد برای انجام کاری به امید قبول در درگاه الهی.

قصد قربت: تصمیم فرد برای انجام کاری برای نزدیک شدن به مقام رضا و قرب الهی.

قصد ورود: تصمیم فرد برای انجام کاری یا ذکری که در شریعت وارد شده.

قضاء: به جا آوردن عملی که وقت آن گذشته است، مانند قضاء روزه یا نماز.

قَفا: پشت سر و گردن

قُعود: نشستن

قلیل: کم; اندک

قَوّاد: رابط زنا

قوی: محکم; در مورد احکام یعنی فتوا .

قیام: ایستادن; اقامه نماز.

قیام متصل

به رکوع: قیام و ایستادنی که نمازگزار بعد از رکوع باید انجام دهد و از ارکان نماز است.

قی: استفراغ

قَیّم: سرپرست; حامی; کفیل; کسی که بر اساس وصیت یا حکم حاکم شرع مسؤولیت امور یتیم را به عهده می گیرد.

«ک»

کافر: کسی که اعتقادی به توحید و نبوت ندارد.

کافر حربی: کافری که با مسلمانان در حال جنگ باشد

کافر ذمّی: اهل کتاب که در کشورهای اسلامی با شرایط مخصوص در پناه حکومت، زندگی می کنند.

کافور: ماده ای سفید رنگ و خوش بو که بدن میت می مالند.

کبیره: گناه بزرگ

کتاب: در اصطلاح فقه مقصود «قرآن» است

کبیسه: هر ۴ سال یکبار یک روز به سال اضافه می شود، که آن سال را سال کبیسه می گویند; سالی که در آن اسفندماه ۳۰ روز باشد.

کتمان شهادت: پنهان کردن گواهی; از گناهان کبیره

کثیرالشک: کسی که زیاد شک می کند.

کراهت: کاری که ترک آن بهتر از انجام آن است هر چند برای انجام آن منعی نباشد. کراهت در امور عبادی به معنای کمی ثواب است.

کفاره: کاری که انسان برای محو و جبران گناهش انجام می دهد.

کفالت: ضمانت; به عهده گرفتن

کفایت: کافی بودن

کفیل: ضامن; عهده دار

کما فی السابق: قبلا; مثل قبل

«ل»

لازم: واجب؛ اگر مجتهد دلیل الزامی بودن امری را از آیات و روایات استفاده کند به طوری که بتواند آن را به شارع نسبت دهد، تعبیر به «واجب» می کند و اگر الزامی بودن آن را به طریق دیگری از قبیل ادله عقلیه استفاده کند به طوری که استفاده آن به شارع ممکن نباشد، تعبیر به «لازم» می کند این تفاوت در «احتیاط لازم» و «احتیاط واجب» نیز وجود دارد. در نتیجه در مقام عمل برای مقلد تفاوتی بین لازم و واجب نیست.

لاف زدن: به دروغ خود ستایی کردن.

لَحَد: گور؛ شکافی در گور که جای سر مرده است.

لِحیَه: ریش

لِعان: قَسمی که باعث باطل شدن ازدواج می شود. بدین صورت که مرد،

به زن خود نسبت زنا بدهد و در نزد حاکم ۴ بـار قسم بخورد و زن نیز ۴ بار قسم بخورد و این ادعا را رد کنـد، حـد زنا و حد قذف از آنها ساقط می شود و برای همیشه بر یکدیگر حرام خواهند شد.

لغو: بیهوده؛ بی فایده؛ سخن باطل

لقاح: کاری که با اتحاد دوگانه نر و ماده انجام می شود و یاخته یگانه ایی به وجود می آید؛ جفت گیری

لقطه: مالی که گم شده و صاحب آن معلوم نیست مانند: مالی که در خیابان پیدا شود.

لَهو: بازی؛ سرگرمی

لوث: پلیدی؛ آلودگی

لیله الـدفن: شب دفن میت؛ اولین شبی که میت را در قبر می گذارنـد، یکی از مسـتحبات این شب، خواندن نماز وحشت (نماز لیله الدفن) برای میت است.

«م»

مأثور: نقل شده

ماترک: آنچه از متوفی باقی بماند.

مأذون: اذان داده شده؛ اجازه داده شده

مال الاجاره: مالی که مستأجر در مقابل اجاره می پردازد.

مال المصالحه: مالی که در مورد صلح قرار گرفته است.

مالیّت شرعی: مالی که از نظر شرع، مقدس و قابل قبول باشد.

مـالیّت عرفی: چیزهـایی که از نظر عرف مردم (عمـوم مردم) مـال محسوب می شود، هر چنـد که از نظر اسـلام مـالیّت نداشـته باشد، مثل شراب و خوک

ماههای حرام: چهار ماه قمری یعنی ماههای رجب، ذیقعـده، ذیحجه، محرم که جنگ در این ماهها حرام است. اگر قتل در این ماهها صورت گیرد ثلث دیه به دیه اضافه خواهد شد.

ماههای شمسی: دوازده ماهی که از فروردین شروع و در اسفند پایان می یابد.

ماههـای قمری: دوازده مـاهی که از محرم شـروع و در ذیحجه پایـان می یابـد. به ماههای قمری، «ماههای هلالی» نیز گفته می

شود.

مأموم: پیرو، کسی

که در نماز به امام جماعت اقتدا کند.

مؤونه: مخارج یا هزینه

مُباح: هر کاری که از نظر شرعی نه پسنده است و نه ناپسند.

مبتدئه: زنی که برای اولین بار عادت شود.

مُبطل: باطل کننده عبادت; جمع آن مبطلات است

متابعت: پیروی کردن

متأذی: آزار دیده; اذیت شده

متعه: زنی که با عقد موقت به همسری مردی در آمده باشد.

مُتمکِنّ: کسی که توانایی دارد.

مُتنجِّس: هر چیزی که ذاتاً پاک است ولی در اثر برخورد مستقیم و غیر مستقیم با شی نجس، آلوده شده باشد.

متولی: سرپرست

مُثله: بریدن گوش یا بینی یا لب کسی

مجتهد: کوشا; کسی در فهم و بدست آوردن احکام الهی به درجه اجتهاد رسیده و دارای قدرت علمی مناسبی است که می تواند احکام الهی و شرعی را از روی کتاب (قرآن) و سنت (روش) رسول الله (ص) و ائمه اطهار (ع) استباط کند.

مجتهد جامع الشرایط: مجتهدی که شرایط مرجعیت تقلید را دارا باشد

مجهولُ المالک: مالی که معلوم نیست متعلق به چه کسی است. مانند مالی که در ماشین یا مسافرخانه پیدا می شود.

مُجزی است: کافی است.

محتضر: کسی که در حال جان کندن است.

مُحتلم: کسی که در حال خواب، منی از او خارج شده باشد.

مُحْدث: فاقد طهارت; بدون طهارت.

مَحذور: مانع; آنچه از آن پرهیز گشته است.

مَحرم: فامیل های نزدیک; کسانی که ازدواج با آنها حرام ابدی است.

مُحرم: کسی که در حال احرام حج یا عمره باشد.

مُحَرم: چیزی که حرام است; اولین ماه از سال قمری.

محظور: ممنوع; قدغن

محل اشکال است: اشکال دارد; قبول صحت و تمامیت آن مشکل است. مقلد در این مورد می تواند به مجتهد دیگری رجوع کند.

محل تأمل است: باید احتیاط کرد. مقلد در این مورد می تواند

به مجتهد دیگری رجوع کند.

مُخمس: مالی که خمس آن داده شده است.

مُخیّر است: فتواست. مقلد باید یکی از دو طرف را انتخاب کند. اختیار داده شده.

مُدّ: پیمانه ایی که گنجایش سه ربع کیلو معادل ۸۸۳/۶۹۴ گرم است

مَذْموم: ناپسند؛ نکوهیده

مَذی: رطوبتی که پس از مُلاعبه از انسان خارج شود.

مرتد: از دین برگشته؛ از دین خارج شده؛ مسلمانی که منکر خدا و رسول الله (ص) یا حکمی از احکام ضروری اسلام شده که این انکار به انکار خدا و رسولش می انجامد.

مرتد فطری: کسی که از پدر یا مادر مسلمان متولد شده و خودش مسلمان بوده و بعد از دین خارج شده باشد، توبه مرتد فطری قابل قبول نیست.

مرتد ملی: کسی که از پدر یا مادر غیر مسلمان متولد شده و کافر بوده بعد مسلمان شود و دوباره کافر گردد. توبه مرتد ملی قابل قبول است.

مرقوم: نوشته شده

مُردار: حیوانی که خود به خود مرده باشد و یا بدون شرایط لازم کشته شده باشد.

مزارعه: قراردای که بین مالک زمین و کشاورز منعقد می شود که براساس آن مالک درصدی از محصول کشاورزی را صاحب می شود.

مَس: لمس کردن

مُساحقه: تماس و مالیدن اندام تناسلی یک زن به اندام تناسلی زن دیگر برای کسب لذت جنسی.

مساقات: قراردادی که بین صاحب باغ و باغبان منعقد می شود و بر اساس آن باغبان در برابر آبیاری و نگهداری از درختان، حق استفاده از مقدار معینی از میوه باغ را بدست می آورد.

مس میت: لمس کردن انسان مرده؛ دست مالیدن به انسان مرده.

مُستحاضه: زنی که در حال استحاضه باشد.

مستحب: مطلوب; پسندیده; هر کاری که انجام آن موجب ثواب است اما ترک آن عِقاب

و مجازات ندارد.

مستطیع: توانا؛ کسی که امکانات و شرایط سفر حج را داشته باشد.

مستلزم: آنچه که چیز دیگری را لازم دارد، چیزی که لازمه چیز دیگری باشد.

مستمع: شنونده؛ گوش دهنده.

مستهلک: نابود شده؛ از میان رفته؛ نیست شده.

مسح: دست کشیدن بر چیزی؛ دست کشیدن بر فرق سر و روی پاها با رطوبت باقیمانده از شستشوی صورت و دستها در وضو.

مُسکرات: چیزهای مست کننده.

مسکین: بیچاره؛ مفلوک؛ کسی که از فقیر هم محتاج تر باشد.

مشروط: شرط شده.

مشقّت: رنج؛ دشواری؛ سختی.

مُصافحه: دست دادن با یکدیگر.

مصالحه(صلح): سازش؛ آشتی؛ توافق طرفین؛ اصطلاح فقهی آن این است که انسان با دیگران توافق کند که مقداری از مال یا سود خود را به طرف مقابل ببخشد یا از طلب، یا حق خود بگذرد.

مُضاربه: معامله ای که در آن یکی مالی را به دیگری بدهد تا با آن تجارت یا کسب و کار کند و سود بر اساس قرار قبلی میانشان تقسیم شود.

مُضطر: ناچار؛ ناگزیر.

مضطربه: زنی که عادت ماهیانه اش بی نظم است.

مُضْغه: تکه گوشتی شبیه اسفنج که مقدمه غضروف و استخوان شدن باشد؛ از مراحل جنین .

مضمضه: چرخاندن آب در دهان.

مضیقه: تنگدستی؛ سختی؛ دشواری؛ تنگنا.

مطلقاً: به طور کلی؛ ابداً بدون هیچ قید و شرطی.

مطَلَقِّه: زن طلاق داده شده.

مُطَهَّرات: پاک کننده ها .

مظالم: ستمها; جمع مظلمه: دادخواهی.

مُعانقه: دست به گردن یکدیگر درآوردن; یکدیگر را در آغوش کشیدن.

مُعَوِّذتَین: دو پناهگاه; دو سوره آخر قرآن یعنی سوره های «فلق» (قل اعوذ برب الفلق) و «الناس»(قل اعوذ برب الناس). خواندن این دو سوره باعث نگهداری فرد از هر گزندی خواهد شد.

معهود: معمول و متداول; شناخته شده; آنچه بطور ضمنی مورد قبول باشد.

مُفطِرات: چیزهایی که روزه را

باطل می کند مانند خوردن، آشامیدن، سربه زیر آب فرو بردن و...

مُفلس: تهیدست; بی پول; بویژه کسی که بعداً بی چیز و تهیدست شود.

مقاربت: آمیزش جنسی; نزدیکی کردن.

مُقارن: همراه; نزدیک

مُقَلِّد: تقلید کننده; پیروی کننده

مُقَلَّد: کسی که از او تقلید می کنند; مجتهدی که در احکام شرعی صاحب رأی و فتوی است.

مکروه: ناپسند; نامطلوب; آنچه انجام آن حرام نیست ولی ترکش بهتر است

مُکَلَّف: انسان بالغ و عاقل که به سن تکلیف رسیده باشد.

ملاعبه: بازی کردن; معاشقه کردن.

ممیز: بچه ای که خوب و بد را تشخیص می دهد.

مَندوب: مستحب

منذور لَه: کسی که به سود او نذر شده است.

منسوخ: نسخ شده; از بین رفته.

منوط: وابسته; معلق.

موازین شرعیه: معیارهای شرعیه.

مواضع هفتگانه: هفت عضوی که هنگام سجده روی زمین قرار می گیرد، شامل: پیشانی، کف دست ها، سر زانوها، سر انگشتان بزرگ پاها .

موافق احتیاط: فتوایی که به احتیاط نزدیکتر است.

موالات: پشت سر هم; پیاپی انجام دادن.

موثق: مورد اعتماد

موجر: اجاره دهنده

منسوخ: از بین رفته; نسخ شده

مورد اشکال است: محل اشکال است; صحیح نیست; در این مورد می توان به مجتهد دیگری رجوع کرد.

موکِّل: وکیل کننده

میْتِه: مردار

«ن»

نائم: خواب; خفته

نادم: پشیمان

ناسیه: زنی که وقت عادت ماهیانه خود را فراموش کرده باشد

نافله: نماز مستحبی

نجس: ناپاک; پلید

نساء: زنان

نصاب: حد مشخص; مقدار معین

نصاب زکات: مقدار مشخصی که برای هر یک از موارد وجوب زکات در نظر گرفته شده است.

نفاس: خونی که بعد از زایمان از رحم زن خارج می شود

نفساء: زنی که خون نفاس ببیند; زن در حال نفاس

نفس محترمه: کسی که کشتن و آزار او حرام باشد.

نکاح: ازدواج کردن; زناشویی

نماز آیات: دو رکعت نماز مخصوص که در مواردی نظیر زلزله، کسوف (خورشید گرفتگی)

و خسوف(ماه گرفتگی) واجب است خوانده شود.

نماز احتیاط: نماز یک رکعتی یا دو رکعتی (بنا بر شکی که در مورد رکعات می کند) بدون سوره و قنوت که برای جبران شک در تعداد رکعات خوانده می شود.

نماز اخفاتی: مقصود نمازهایی است که مردان باید حمد و سوره را آهسته بخوانند یعنی نمازهای ظهر و عصر

نماز استسقاء: نمازی با آدابی مخصوص که برای طلب باران در بیرون از شهر خوانده می شود.

نماز تراویح: نمازی که اهل سنت در ماه رمضان خواندن آن را مستحب می دانند، این نماز را شیعه قبول ندارد.

نماز جعفر: نمازی است که حضرت رسول (ص) به جعفر بن ابیطالب هنگام بازگشت وی از حبشه به او تعلیم دادند. این نماز بسیار با فضیلت است که برای برآورده شدن حاجات بسیار معتبر است. نماز جعفر طیار دو نماز دو رکعتی با کیفیت خاص است.

نماز جماعت: نماز واجبی که دو نفر یا بیشتر با امامت یکی از آنها (به شرط عدالت) بجای می آورند.

نماز جمعه: دو رکعت نماز مخصوص که در زوال جمعه به جای نماز ظهر و بطور جماعت برگزار می شود و نباید تعداد آنها کمتر از ۵ نفر باشد.

نماز حاجت: نمازی مخصوص که جهت برآورده شدن حاجات و حل مشکلات خوانده می شود.

نماز خوف: نمازهای واجب یومیه انسان در حال جنگ که با کیفیت مخصوص و به طور مختصر خوانده می شود.

نماز شب: نافله شب; نمازی است مستحبی در ۸ رکعت به صورت ۴ نماز دو رکعتی که در ثلث آخر شب خوانده می شود.

نماز شب اول قبر: نماز وحشت; نماز لیله الدفن; دو رکعت نماز مستحبی برای رفع وحشت

میت در اولین شب دفن میت به نامش خوانده می شود.

نماز شَفع: دو رکعت نماز مستحبی که پس از هشت رکعت نماز شب، پیش از نماز وَتر خوانده می شود.

نماز طواف: دو رکعت نماز که در مراسم حج و عمره پس از انجام طواف، پشت مقام ابراهیم خوانده می شود.

نماز طواف نساء: دو رکعت نماز که پس از طواف نساء پشت مقام ابراهیم خوانده می شود.

نماز عید: دو رکعت نماز مخصوص که در روز عید فطر(اول ماه شوال) و عید قربان (دهم ذیحجه) به جماعت خوانده می شود.

نماز غدیر: نمازی مخصوص در دو رکعت که هیجدهم ذیحجه خوانده می شود.

نماز غفیله: دو رکعت نماز مخصوص مستحبی که پس از نماز مغرب تا وقتی سرخی مغرب از بین نرفته خوانده می شود.

نماز قصر: نماز کوتاه؛ نماز مسافر؛ نمازهای چهار رکعتی که باید در سفر بصورت دو رکعتی خوانده شود.

نماز لیله الدفن: به «نماز شب اول قبر» مراجعه شود.

نماز مسافر: «به نماز قصر» مراجعه شود.

نماز مستحب: هر نمازی که خواندن آن کاری است پسندیده اما واجب نیست.

نماز میّت: نمازی مخصوص با ۵ تکبیر که باید بر جنازه مسلمان خوانده شود، داشتن وضو در آن شرط نیست.

نماز واجب: نمازهایی که خواندن آنها برای هر مکلفی واجب و لازم است. این نمازها عبارتند از: نمازهای یومیه، نماز آیات، نماز میت، نماز طواف، نماز قضای پدر و مادر برای فرزند پسر ارشد، نمازی که انسان با قسم، نذر و عهد برای خود واجب کرده است.

نماز وَتر: یک رکعت نماز مخصوص که پس از نماز شَفع خوانده می شود و آخرین رکعت از ۱۱ رکعت نماز شب است

نماز وحشت: به «نماز

شب اول قبر» قبل مراجعه شود

نماز وُسطی: نماز ظهر

نماز یومیه: نماز روزانه; نمازهای واجب که در هر شبانه روز باید خوانده شود که مجموعاً ۱۷ رکعت است.

نماز نوافل یومیه: نمازهای مستحبی روزانه که هر شبانه روز خوانده می شود، مجموعاً ۳۴ رکعت است و در روز جمعه ۳۸ رکعت، یعنی دو رکعت نافله صبح; هشت رکعت نافله ظهر; هشت رکعت نافله عصر; چهار رکعت نافله مغرب; دو رکعت نافله عشاء(که چون نشسته خوانده می شود، یک رکعت به حساب می آید); یازده رکعت نافله شب. در روز جمعه، ۴ رکعت به نافله های ظهر و عصر اضافه می شود.

نیت: قصد; تصمیم به انجام عمل دینی و شرعی با هدف تقرب و نزدیکی به خداوند.

«و»

واجب: لازم; حتمی; هر کاری که انجام آن از نظر شرعی الزامی است.

واجب عینی: واجبی که بر تمامی مکلفین واجب است و انجام آن توسط شخص یا اشخاصی از دیگران ساقط نمی شود، مانند نماز و روزه.

واجب کفایی: واجبی که اگر به حد کافی کسانی نسبت به انجام آن اقدام کنند، از دیگران ساقط می شود، مانند غسل میت که بر همه واجب است زمینه غسل میت را فراهم کنند، اما اگر کسی یا عده ای به آن اقدام کردند، از دیگران ساقط است.

وارث: کسی که ارث می برد; جمع آن ورثه.

واقف: وقف کننده.

وثیقه: سپرده; گرویی.

وجه: دلیل: عنوان; صورت.

ودی: رطوبتی که گاهی پس از خروج ادرار مشاهده می شود.

ودیعه: امانت; مالی که نزد کسی بگذارند تا آن را حفظ کند.

وَذی: رطوبتی که گاهی پس از خروج منی مشاهده می شود.

وصل به سکون: حرکت آخر کلمه ای را انداختن و بدون وقف

آن را به کلمه بعدی چسباندن.

وصی: کسی که مسؤولیت انجام وصیتی را به عهده داشته باشد.

وصیت: سفارش; توصیه هایی که انسان برای انجام کارهای بعد از مرگش به دیگری می کند.

وضو جبیره: اگر در اندام محل وضو، جبیره باشد، باید وضو جبیره گرفت بدین طریق که اگر مثلا بر روی دست یا پای انسان گچ گرفتگی یا باند زخم باشد باید دست تر را روی آن کشید و یا اگر زخم می باشد، باید پارچه ای تمیز را روی آن قرار داد و دست تر را روی آن کشید.

وطن: جایی که انسان برای زندگی و اقامت اختیار می کند.

وطی: عمل جنسی انجام دادن.

وقف: عقد یا قراردادی که بر پایه آن کسی; واگذاری، فروش یا تملک ملک یا مالی را ممنوع کند تا منافع آن به مصرف معینی برسد.

وکیل: نماینده، کسی که از طرف شخص اختیار انجام کارهای او را داشته باشد.

ولایت: سرپرستی; اختیار داشتن.

ولیّ: کسی که بر اساس دستور شارع مقدس سرپرست دیگری باشد، مانند پدر یا پدر بزرگ

وَیل: وای

«ه»

هِبه: انعام; بخشش

هتک: بی احترامی; بی حرمتی.

هجری: منسوب به هجرت حضرت رسول (ص) از مکه به مدینه. سال هجری از «مُحرم» شروع می شود و به «ذیحجه» ختم می گردد که معادل ۳۵۴ روز می باشد. در احکام شرعی نظیر مکلف شدن دختر و پسر همین تاریخ معتبر است. سال هجری از سال میلادی ۶۲۲ سال و از سال شمسی ۱۱ روز کمتر است.

«ی»

یائسه: زنی که سنش به حدی رسیده است که عادت ماهیانه نمی شود.

زندگینامه حضرت آیت الله العظمی روحانی (مدظله العالی)

ولادت

حضرت آیت الله العظمی آقای سید محمد صادق حسینی روحانی (مدظله العالی) مردی از تبار مرزبانان دین، فقیه اصولی، برج بلند مرجعیت و زعامت حوزه های علمیه، صدای رسای آزادی و عدالتخواهی، مجاهد و مبارزه خستگی ناپذیر در ماه شهادت جد غریبش آقا اباعبدالله الحسین (ع) محرم الحرام سال ۱۳۴۵ ه ق، ۱۳۰۵ ه. ش، تابستان ۱۹۲۶ میلادی در شهر دیرپای علم و تمدن و اندیشه و فرهنگ اسلامی قم در خاندانی حسینی تبار، با پیشینه ای از علم و تقوی و فضیلت دیده به جهان گشود.

والدین

والدشان مرحوم حضرت آیت الله آقای حاج میرزا محمود روحانی (قدس سره) از مفاخر روحانیت و حوزه علمیه قم است که در سال ۱۳۰۷ (ه. ق) در قم بدنیا آمد.

در سال ۱۳۳۰ (ه. ق) وارد نجف اشرف شد تا از محضر حضرات آیات عظام آسید ابوالحسن اصفهانی (ره) و میرزای نائینی(ره) بهره ها برد. مدتی در مشهد مقدس از شاگردان مرحوم آیت الله العظمی حاج آقا حسین طباطبایی قمی (ره) بود. بعد از آن به حوزه علمیه قم آمدند. با تلاش، کوشش و پایمردیهای ایشان، حضرت آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حایری (ره) به قم آمدند و تدریس علوم حوزوی را شروع کردند. ایشان از شاگردان خاص و مخصوص و مورد عنایت آیت الله حایری بودند.

این عالم متقی و زاهدِ متعبدِ با نفوذ، سالیان سال بعد از فوت پدر بزرگوارشان مرحوم آیت الله العظمی آقای آسید صادق روحانی (ره) در مسجد آقا ضمن اقامه نماز جماعت، پاسخگوی مسائل شرعی و گره گشای مشکلات مردم بودند. از اقدامات ایشان می توان به همکاری با

آیت الله کاشانی در قضیه ملی شدن نفت، مبارزه جدی با رضاخان در مورد کشف حجاب و دین زدایی از مملکت، دعوت و تلاش برای ورود آیت الله العظمی حایری به قم، زمینه سازی برای تدریس ایشان و همکاری، همفکری و یاری جهت تأسیس حوزه علمیه قم و... را نام برد.

این مجتهدِ عابد در ۱۸ شعبان ۱۳۸۱ (ه. ق) بعد از یک بیماری طولانی وفات یافت. با پخش خبر فوت این مرد بزرگ، شهرستان قم متلاطم، بازار، درسها و اداره جات تعطیل گردید. در تشییع جنازه بسیار باشکوه ایشان، علاوه بر حضور تمامی مراجع تقلید، بزرگان و مدرسین حوزه، طلاب، بازاریان، کسبه و اداره جات با افراشتن پرچم عزا به صورت هیأت های سینه زنی و زنجیر زنی شرکت کردند و پس از اقامه نماز میت توسط فرزند برومندشان حضرت آیت الله العظمی آقای سید محمد صادق روحانی (دام ظله)، در مسجد بالای سر حضرت معصومه (س) به خاک سپرده شدند.

والده شان از سادات حسنی و فرزند آیت الله آقای حاج سید احمد طباطبایی قمی(ره) است که ایشان سالیان متمادی در صحن حضرت معصومه (س) اقامه نماز جماعت داشتند.

تحصیلات

حضرت آیت الله دروس پایه ادبیات عرب را در قم نزد پدر بزرگوارشان فرا گرفتند. سپس در سال ۱۳۵۵ (ه ق) در سن ۱۰ سالگی به همراه برادر بزرگترشان برای استفاده از اساتید بزرگ و نام آور حوزه علمیهِ کهنِ نجف اشرف، رنج و مشکلات هجرت از قم به نجف را پذیرا شدند!! به دلیل هوش و استعداد فوق العاده و حیرت برانگیزشان دوره چند ساله دروس «سطح» را در مدت یکسال به اتمام رساندند و

به امتحان و توصیه آیت الله العظمی خویی در سن ۱۱ سالگی وارد درس خارج فقه و اصول شدند. ورود یک نوجوان ۱۱ ساله به درس خارج فقه و اصول، آن هم همدوش طلاب با سابقه و بزرگسال حوزه علمیهِ کهنِ نجف، برای همگان حیرت آور و شوق آفرین بود.

آیت الله زاده میلانی نقل می کند که: «آیت الله العظمی خویی به پدرم آیت الله العظمی میلانی فرمودند: افتخار می کنم به حوزه ای که در آن نوجوان یازده ساله در کنار شاگردان بزرگسال و علمای بزرگ و همراه با آنان «مکاسب» را می خواند و مطالب مکاسب را بهتر از دیگران می فهمد وتحلیل می کند.»

علاقمندان به علوم اسلامی و حوزوی می دانند که کتاب ارزشمند «مکاسب» از تألیفات مرحوم شیخ انصاری است که در حوزه های علمیه تدریس می شود و یکی از کتابهای مهم و سنگین حوزوی است که فهمیدن و درک مطالب آن نیاز به شاگردان با کفایت و پر استعداد دارد.

اساتید

معظم له به دلیل علاقه و پشتکار فراوانشان هر روز در چندین درس مراجع و بزرگان حوزه علمیه که جهان اسلام و عالم تشیع به وجودشان افتخار می کند، شرکت می کردند. عمده اساتید ایشان عبارتند از:

۱ حضرت آیت الله العظمی آقای حاج شیخ کاظم شیرازی (قدس سره)(۱۳۶۷ ۱۲۹۰)

۲ حضرت آیت الله العظمی آقای حاج شیخ محمد حسین اصفهانی معروف به کمپانی (قدس سره)(ت ۱۳۶۱)

۳ حضرت آیت الله العظمی آقای حاج شیخ محمد علی کاظمینی(قدس سره)

۴ حضرت آیت الله العظمی آقای حاج سید ابوالحسن اصفهانی(قدس سره) (۱۳۶۵ ۱۲۸۴)

۵ حضرت آیت الله العظمی آقای حاج شیخ محمدرضا

آل یاسین(قدس سره)

۶ حضرت آیت الله العظمی آقای حاج سید ابوالقاسم خویی(قدس سره)(۱۴۱۳ ۱۳۱۷)

۷ حضرت آیت الله العظمی آقای سید محمد حسین طباطبایی بروجردی (قدس سره) (۱۳۸۰ ۱۲۹۲)

آیت الله العظمی روحانی از وجود تمای اساتید نام آور خود استفاده نمودند و خود را همیشه مدیون محبتها و الطاف خالصانه آن بزرگواران (رضوان الله تعالی علیهم) می دانند. اما در این میان نقش آیت الله خویی برجسته تر و قابل توجه تر است. پرورش روح اجتهاد و تکوین فقهی و علمی ایشان، مرهون ۱۵ سال شرکت در دروس خصوصی و عمومی آیت الله العظمی خویی می باشد. هوش، پشتکار و استعداد معظم له، ایشان را مورد علاقه و توجه خاص اساتید و مراجع، بخصوص مورد عنایت خاصه آیت الله خویی قرار داده بود. آیت الله العظمی خویی (ره) در آن زمان، به اتفاق رأی اغلب علماء، بزرگان و کارشناسان فقه و اجتهاد ; یک فقیه بی نظیر بودند که در اغلب علوم حوزوی نظیر فقه، اصول، کلام، تفسیر، رجال، فلسفه; مجتهد و صاحب نظر بودند و آثار منتشره ایشان گواه این مدعاست.

در دروس عمومی آیت الله خویی صدها طلبه شرکت می کردند که امتیاز آیت الله العظمی خویی در شناخت و کشف استعدادهای طلاب تیزهوش و بسیار موفق بود و سعی فراوان می کردند تا آن طلبه را زیر نظر گرفته و با ایجاد ارتباط بیشتر با او; بتوانند در تربیت آن طلبه کوشا نقش بیشتری را ایفا کنند.

با ورود آیت الله روحانی در دوران نوجوانی به نجف اشرف و شرکت در دروس آیت الله العظمی خویی; حوزه علمیهِ کهنِ نجف اشرف شاهد حضور

یک نابغه با درک و استعداد شگرفی بود که چهره اش نشان از مقام آیت اللهی می داد.

این نوجوان نابغه باید در دروس سنگین فقه اصول شرکت کند، دروس مختلف را نوشته و آنها را در منزل پاکنویس کند، با دوستان همدوره تحصیلش مباحثه کند و پیش مطالعه برای درس های فردا را هم انجام دهد. این مطالعات سنگین آنهم در غربت و با کمترین امکانات موجود; در شبانه روز ۱۶ ساعت وقت ایشان را می گرفت. علاوه بر آن، رسیدگی به کارهای شخصی از قبیل: تهیه مایحتاج زندگی و تحمل فشارهای اقتصادی نیز با خودشان بود. معظم له اغلب دورانی را که در نجف اشرف بودند با وضع بسیار سخت و طاقت فرسای اقتصادی مواجه بودند و اغلب، زندگیشان با قرض گرفتن از مغازه داران محل سپری می شد. و این بزرگترین رمز و سرمایه گذاری برای تحصیل و عشق و علاقه به آموختن دانش علوم اسلامی است.

تدریس

معظم له تدریس دوره های مختلف علوم اسلامی را در همان ایام نوجوانی در صحن حرم مطهر حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) در نجف اشرف آغاز کردند. تقریر دروس حوزه توسط این نوجوان برای طلاب بزرگسال و میانسال، برای همگان حیرت آور و قابل تقدیر بود.

آیت الله العظمی روحانی پس از مدت کوتاهی که در دروس آیت الله العظمی خویی (ره) شرکت کردند، با تقریر دروس اصول و فقه استاد; آنان را برای عده ای از طلاب و علاقمندان به دروس حوزوی، تدریس می کردند. دیری نپائید که چونان خورشیدی در نجف اشرف درخشیدند و به سان درختی پربرگ و بار، برآمدند و در سایه شان خیل

مشتاقان را آرامش می بخشیدند.

به همین دلیل بود که ارتباط آیت الله خویی روز به روز با معظم له بیشتر می شد. با اینکه اغلب آیت الله العظمی خویی در جلسه تدریسشان به کسی اجازه طرح اشکال نمی دادند به آیت الله العظمی روحانی در میان عده ایی از شاگردان می فرمودند: «چرا در مباحثه ها اشکال نمی کنی. من از شما می خواهم اشکال و ایرادهایی که به نظرتان می رسد را مطرح کنید». و این نشان از نبوغ فکری و شایستگی ویژه آیت الله العظمی روحانی دارد.

ارتباط تنگاتنگ استاد و شاگرد تا آنجا ادامه یافت که زیادی از شبهای تعطیلی آن مرجع فقید (ره) به حجره آیت الله العظمی روحانی می آمدند و ساعتهای مدیدی به بحث و بررسی مسائل علوم اسلامی می پرداختند و در انتها معظم له، استاد را تا درب منزلشان همراهی می کردند.

حضرت آیت الله العظمی خویی در سال ۱۳۶۰ (ه. ق) هنگامی که آیت الله العظمی روحانی فقط ۱۵ سال بیشتر نداشتند. طی نامه ای بسیار مهم، عظمت علمی، قدرت و استنباط قوی، هوش و ذکاوت این نابغه بزرگ را تأیید و ستودند (متن کامل نامه که به دست خط مبارك آیت الله العظمی خویی می باشد درسایت اینترنت آیت الله العظمی روحانی و در کتابهای زندگینامه که به زبان عربی و فارسی در لبنان به چاپ رسیده است، موجود است). معظم له به تأیید و مکتوب مهم مراجع و اساتید بزرگوارشان در سن ۱۴ سالگی به درجه اجتهاد نائل آمدند.

ایشان در اواخر سال ۱۳۲۹ (ه. ش) وارد قم شدند و در اوایل سال ۱۳۳۰ (ه. ش) به

تدریس دروس خارج فقه و اصول در صحن مطهر حضرت معصومه (س) پرداختند. بیش از نیم قرن است که ایشان به تدریس علوم آل محمد (ص) و تربیت هزاران طلبه فاضل و تشنگان دانش ائمه اطهار می پردازند. اغلب شاگردان، پرورش یافتگان و حلقه نشینان منبر تدریسشان; از مدرسین نام آور، فضلا و دانشمندان حوزه و عده ای در مسیر مرجعیت قرار دارند.

ایشان به هنگام تدریس، متین و گویا سخن می گویند. به دلیل وسعت احاطه شان بر موضوعات علمی، از پرداختن به زواید پرهیز می کنند. درس ایشان فشرده ای از آراء و مبانی بزرگان و فقیهان نامی به همراه نظریات خودشان است که با بحث و استدلال، بر رد یا قبول آن مبانی می پردازند. در جلسات تدریسشان به مبارزه با جمود، یکسونگری، احتیاط زدگی، تقلید و پیروی کورکورانه از بزرگان می پردازند، زیرا معتقدند که تقلید و تعصب ناروا و غیر منطقی روی اقوال بزرگان و مبارزه با هر نظر نو، توان علمی را از حوزه می گیرد. از این رو معظم له با حفظ احترام بزرگان و تأکید بر این امر، با نظرات آنها نقادانه برخورد می کنند. نظریات جدید و نو، ابتکار در مبانی، خروج از آراء پیشینیان و ژرف نگری در تدریس ایشان موج می زند.

هر چند ایشان به عنوان یک مرجع و فقیه نو اندیش شهرت دارند اما هیچگاه «حکم الله» را به نام «مصلحت» یا «نواندیشی» زیر پا نمی گذارند. فقیه نواندیشی که هیچگاه به انکار سنت و حذف باورهای دینی نمی پردازد.

تألیفات

معظم له از ابتدای زندگی علمی خویش در راستای نشر معارف اهلبیت و گسترش

دانش اسـلام، هرگز آرام نگرفتند. زمانی بر مسـند تدریس می نشینند و به تربیت و پرورش هزاران دانشمند فاضل و فرزانه می پردازند و زمانی دیگر دست به قلم می شوند و به تألیف کتب ماندگار اسلامی می پردازند.

ایشان به محض ورود به حوزه علمیه قم و احساس نیاز جامعه حوزوی و اسـلامی، همزمان با تـدریس درس خارج فقه و اصول در سـنین جوانی، دست به تألیف دایره المعارف فقه اسلامی می زنند. کتابی ماندگار که بزرگان و اساتید نام آورِ خبره حوزه، مراجع بزرگ تقلید و مدرسین، سر تعظیم و تمجید در برابرش فرو می آورند.

حضـرت آیت الله العظمی بروجردی (ره) دوبـار کتـاب «فقه الصادق» را همراه خود به جلسه تـدریس شان می برنـد و به عنوان سند از آن نقل قول و به آن استناد می کنند.

حضـرت آیت الله العظمی خویی (ره) طی نامه ایی مرقوم فرمودند که: من کتاب «فقه الصادق» را شخصا برای آیت الله کاشف الغطاء بردم و گفتم: ببیند من چه خدمت بزرگی به عالم اسلام و فقاهت نموده ام و چنین عالم محققی را تربیت کرده ام.

رییس دانشگاه الازهر (مهمترین و عالی ترین مرکز علمی اهل تسنن) نیز طی نامه ای کتاب عظیم «فقه الصادق» را می ستاید.

این کتـاب سالیـان سـال است که یکی از رساترین، معتبرترین و مهمترین منبع تـدریس فقه و اصول تشـیع است. یکی از دلایل مرجعیت و اعملیت ایشان، ناشی از این تألیفات بخصوص کتاب گرانسنگ «فقه الصادق» است.

۱ فقه الصادق(بزبان عربی): دایره المعارف کامل فقه تشیع. این کتاب عظیم و بزرگ که به عنوان یک منبع مرجع شناخته شده است در ۲۶ جلد

بارهادر داخل و خارج کشور به چاپ رسیده است. چاپ جدید آن بزودی در ۴۰ جلد (با ذکر منابع و مصادر) به چاپ خواهد رسید.

از تـألیف کتـاب عظیم «جـواهر الکلام» که شامـل تمـامی ابواب فقه می باشـد نزدیـک به ۲۰۰ سـال می گـذرد و کتـاب «فقه الصـادق» که به اعتقـاد بعضـی از مراجع و بزرگـانِ خبره حوزه، از «جواهر الکلام» رساتر و کامل تر است; اولین و کامل ترین دایره المعـارف تمـام ابواب فقه در دو سـده اخیر است. این کتاب که در سـنین جوانی معظم له به رشـته تحریر درآمـده، مورد عنایت خاصه تمامی مراجع تقلید و بزرگان حوزه های علمیه است. این کتاب در میان علماء عامه (اهل تسـنن) نیز شناخته شده و مورد اسـتناد است. کتـاب «فقه الصادق» در دانشـگاه های معروف غرب (بخش مطالعات اسـلام شناسـی) یکی از منابع مورد قبول و قابل استناد است.

۲ «زبـده الاـصول»(بزبان عربی): دوره کامل علم اصول فقه که به صورت بحث اسـتدلالی ارائه گردیـده است. این کتاب در ۶ جلد می باشد.

۳ «منهـاج الفقاهه»(بزبان عربی): در ۶ جلد می باشد که حاشـیه ایی است بر «مکاسب» شـیخ انصاری (ره) که به شـیوه ایی نو و ابتکاری تمامی موارد ارائه شده را بحث و بررسی کرده اند.

۴ «المسائل المسـتحدثه»(بزبان عربی): حضرت آیت الله مبتکر مسائل مستحدثه و ارائه مسائل جدید با ذکر مسایل فقهی، روایی هسـتند. این کتـاب که بارهـا وبارها در خارج و داخل کشور به چاپ رسـیده است شامل ارائه مسائل جدیـد، نو و مورد ابتلای جامعه با ذکر دلایل و مستندات فقهی، روایی و قرآنی می باشد.

۵ تعلیق بر «منهاج الصالحین» در ۲

جلد (بزبان عربی)

۶ تعلیق بر «عروه الوثقی» در ۲ جلد(بزبان عربی)

۷ تعلیق بر «وسیله النجاه» (بزبان عربی)

۸ رساله در لباس مشکوک (بزبان عربی)

۹ رساله در قاعده لاضرر (بزبان عربی)

۱۰ الجبر و الاختیار (بزبان عربی)

۱۱ رساله در قرعه (بزبان عربی)

۱۲ مناسک الحج (بزبان عربی)

۱۳ المسائل المنتخبه (بزبان عربی)

۱۴ رساله در «فروع العلم الاجمالی» (بزبان عربی)

۱۵ الاجتهاد و التقلید (بزبان عربی)

۱۶ القواعد الثلاثه (بزبان عربی)

۱۷ اللقاء الخاص (بزبان عربی) مربوط به «سایت یا حسین»

۱۸ رساله «توضیح المسائل» (بزبان فارسی و اردو)

۱۹ تحقیقی در مورد جبر و اختیار (بزبان فارسی)

۲۰ «نظام حکومت در اسلام» (بزبان فارسی و ترکی و اردو)

۲۱ مناسک حج (بزبان فارسی)

۲۲ منتخب احکام (بزبان فارسی)

۲۳ «استفتائات قوه قضائیه و مؤسسه حقوقی وکلای بین الملل» (بزبان فارسی)

۲۴ احکام فقهی مسائل روز (بزبان فارسی)

۲۵ استفتائات (پرسش و پاسخ های مسائل شرعی) (بزبان فارسی): که تاکنون در ۲ جلد به صورت سؤال و جواب ارائه شده است.

۲۶ «الف سؤال و جواب» (بزبان عربی): شامل استفتائات و پاسخ های مسائل شرعی می باشد که در ۶ جلد تهیه شده است. هرجلد شامل ۱۰۰۰ سؤال و جواب است.

مرجعیت

بعد از تشریف فرمایی ایشان از حوزه علمیه نجف اشرف و شروع به تدریس درس خارج فقه و اصول و با توجه به نگارش کتاب عظیم «فقه الصادق» بعد از فوت آیت الله العظمی بروجردی (ره) به پیشنهاد علماء، فضلاء و مدرسین نام آور، رساله عملیه ایشان منتشر شد. طبق آنچه در کتابخانه ملی ایران موجود است، اولین چاپ رساله توضیح المسائل ایشان مربوط به سال ۱۳۴۰ (ه. ش) می باشد.

معظم له اولین مرجع تقلید صاحب رساله در خاندان بزرگ «روحانی»

است و مهمترین دلیل معروفیت بین المللی این خاندان، مربوط به شخصیت و موقعیت جهانی حضرت آیت الله العظمی سید صادق روحانی (مدظله العالی) می باشد و مقلدین حضرتش در سراسر دنیا پخش می باشد.

بعضی از ویژگی ها سیاست و حیات سیاسی

ایشان دین را از سیاست جدا نمی دانند، روح سیاست را در پیکره دیانت می بینند. به همین دلیل، ضرورت مبارزه با حُکام جائر در هر زمان، لزوم مبارزه با استعمار، استکبار و صهیونیسم؛ شرکت و اظهار نظر در تمامی مسائل سیاسی جهان اسلام، تلاش برای برقراری آزادی و عدالت اجتماعی، فقر زدایی، زدودن خرافات از چهره تشیع و... از همین تفکر نشأت می گیرد. در نتیجه در هیچ مقطع از زمان، کناره گیری از صحنه سیاست و تکالیف اجتماعی را جایز نمی دانند.

معظم له در دوران رژیم ستمشاهی پهلوی از رهبران کلیدی مبارزات مردمی بودند. زمانی که ناز و نعمت حکومت خیلی ها را به عجز و تسلیم وادار کرده بود، زمانی که خیلی از مقدس نمایان مبارزه را عقیم می دانستند، ناامید شده و به تسلیم کشیده شدند؛ مبارزات، تلاش ها و پایمردیهای این رهبر بزرگ ملی و مذهبی بود که دل به ایستادگی و پایداری سپردن، از دولت وقت نهراسیدن، به میدان کارزار و مبارزه برآمدن و دیگران را به جهاد فراخواندن؛ کاری بود کارستان! ایشان تلاششان حق گویی، حق گرایی، حق مداری و بر موضع حق پای فشردن است.

این طراح بزرگ انقلاب تفکر مبارزه و قهر ستیزی و سرنگونی حکومت وقت را در سرلوحه برنامه های خود قرار دادند و رهبری مبارزات را برای آشتی ناپذیری با دولت و برقراری حکومت اسلامی را بزرگترین وظیفه در

این «مملکت شیعه» و از مصادیق خدمتگزاری به آستان ملکوتی صاحب الزمان (عج) می دانستند. به همین جهت بود که با همه سختی ها، رنج ها، سنگ اندازی ها، تبعیدها، زندانی شدنها؛ پرچم حق مداری را بر زمین ننهادند. ایشان بر بلندای «فاستقم کما امرت» ایستادند تا این نهال را به باور بنشانند (که نشاندند) تا از آن هزاران میوه برآید (که برآمد) که شیرینی آن برکام ملت بزرگ ایران بنشیند(که نشست). و این یکی از بزرگترین دستاوردهای رهبری این مرزبان بزرگ دین است.

از آنجا که این مرد بزرگ متاع دنیا را با همه وسعتش به سُخره گرفته و به پَشیزی نمی خرد و تنها چشم بر آخرت دوخته است و همچون مولای مظلومش علی (ع) دنیا را سه طلاقه کرده است؛ هیچگاه برای بدست آوردن پست و مقام تلاش نکرد و هرگز با حق ستیزان از در آشتی درنیامد!

هر چند تاریخ نویسان تحریف گر و قلم بدستان مغرض و معاند، تلاش داشته و دارند تا از نقش بزرگ و انکار ناپذیر این رهبر مذهبی و ملی در مبارزات مردمی با رژیم پهلوی و پیروزی انقلاب؛ به سادگی بگذرند و در تلاشند تا در عرض ایشان، جمعی دیگر را در رهبری و هدایت انقلاب چهره کنند و اندوهمندانه باید اعتراف کرد تا حدودی نیز این تلاش های مذبوحانه جواب داده است و گروهی معاند با جعل سند که بعدها به شکست خفت بار خود اعتراف کردند ناکام مانده و می مانند که همیشه ماه پشت ابرها باقی نمی ماند!؟

اعلامیه های پرشور، سخنرانی های داغ و مبارزانه، پرونده های تابناک موجود ساواک، تبعیدهای

سخت و طاقت فرسا به زابل، یزد، میگون، تهران، زندان انفرادیِ طاق سوزِ کمیته شاه، حصرهای خانگی، ممنوع الملاقات، ممنوع التدریس، ممنوع الخروج بودن، زندانی شدن یاران، شاگردان و مریدان معظم له، و... خود گواه صادق این مدعاست.

احترام به مراجع

یکی از ویژگی های معظم له، حفظ و احترام مراجع تقلید است. با آن که در دیدگاهها و سلایق، ناسازگاری هایی با بعضی از مراجع داشته و دارند، اما هیچگاه زبان به دشنام، بدگویی یا تخریب موقعیت آنها نگشوده اند. بارها اتفاق افتاده است که یک مرجع یا فردی که در مسیر مرجعیت است به هر دلیل موجه یا غیر موجه مورد شماتت یا دشنام قرار گرفته، ایشان به دلیل همان احترامی که برای مقام مقدس مرجعیت نه شخص قائل هستند، سکوت را جایز نشمارده و به دفاع از کیان مرجعیت و علوم دینی پرداخته اند. حتی اگر مقام خودشان مورد هجوم قرار گیرد. ایشان معتقدند که اگر دیانت، عزت و حرمت مراجع را نداشته باشیم؛ کج اندیشان، بددهنان و معاندین را به میدان عرض اندام و ضربه زدن به کیان و نظام مرجعیت فرا خوانده ایم. در این راه دیدید و دیدیم که چه ها کردند!؟

اندرزها و سفارشات

حضرت آیت الله العظمی روحانی به شاگردان، مقلدان و مریدان بی شمارشان در سراسر دنیا اندرزهایی نه فقط با زبان که با رفتار و عمل خود، آموزانده اند. که:

یادمان داده اند که «حق و باطل» را با افراد و بزرگان نشناسیم!

اندرزمان داده اند که تفاوتی بر «مدح و ذم» دیگران قائل نشویم!

ایشان با زندگی شگرف خویش بی اعتنایی بدنیا را به ما آموزش داده اند و یادمان داده اند که می توان «ساده زیست» و «اسیر تجملات دنیا» نشد!

معظم له درس فروتنی و تواضع را با عمل خویش یادمان داده اند !

نهیبمان زده اند که نکند «حوادث در شما اثر کند» و فرازونشیب روزگار شماها

را از راه بازدارد!

از معظم له آموخته ایم که هیچ کاری در روی زمین به عظمت «هدایت و انسان سازی» نیست!

«دریا صفتی» و «بزرگی روح» را از رفتار و منش بزرگوارانه اش آموخته ایم!

معظم له یادمان داده اند که هرگز به دنیا و مافیهایش چشم ندوزیم تا به هنگام مرگ نگویند: «چشم از جهان فرو بست»!

یادمان داده اند که آخرت و جهان دیگر را چنان آمیخته لحظه لحظه زندگیمان کنیم تا به هنگام مرگ نگویند: «به دار باقی شتافت»!

یاد آورمان شده اند که برای «بقای روح» باید رنج کشید که سختی و رنج و مشقت، صیقل دهنده روحمان است!

زُهد ایشان درزندگی شخصی بهترین آموزشگر ماست!

استقامت و پایداری شگرفش، بیانگر اوج احساس مسؤولیت و پایمردی ایشان است!

نهیبمان زده اند که قدر لحظات زندگی خود را بدانید و پیاممان داده اند که فقط یک بار به این دنیا می آیید و برای زندگی ابدی خود از همین یک بار باید هر آنچه را که می توانید استفاده کنید و ره توشه بردارید!

گذشت و بزرگواری اش یادآور کرامتی است که قرآن و سنت اهل بیت به گوشمان خوانده اند!

اخلاص فراگیر ایشان در تمامی لحظات، جایی برای بروز امیال نفسانی، خودنمایی و خودخواهی، تکبر و فخر فروشی، مدح طلبی و ثناجویی، باقی نمی گذارد!

معظم له اخلاص، بلند همتی، عفو و گذشت، صبر و استقامت، دقت و ریزبینی، خدمت به مردم، آزادی و عدالت خواهی و بالاخره قدرشناسی از اساتید را به ما آموزش داده اند!

اگر چه خود هرگز قدرشناس او نبوده ایم!!؟

حیات مذهبی

ایشان تقید خاصی به خواندن زیارت کامل عاشورا دارند. حدود نیم قرناست که معظم له

هر روز صبح زود به مدت یکساعت و نیم زیارت کامل عاشورا را می خوانند و با یاد آقا اباعبدالله الحسین (ع) روحشان را جلا می دهند.

آنان که به عشق امام زمان (عج) و ارتباط با حضرتش به مسجد جمکرانمشرف می شوند، می دانند که سالهاست هر هفته یک سید نورانی; آرام، آرام و عصا زنان به عشق مولا ـ و تجدید عهد و پیمان، ابراز علاقه و توان بخشی روحی به مسجد جمکران می آید تا گزارش یک هفته خدمتگزاری خود را به مولای و مقتدا خود، ارائه دهد. این سید نورانی جلیل القدر، کسی نیست جز حضرت آیت الله العظمی روحانی. بعد از جمکران، به قصد عرض ادب به ساحت کریمه اهل بیت حضرت معصومه (س) به حرم مشرف می شوند و به هنگام خواندن زیارت، دستها را به حلقه های ضریحش قلاب می کنند و بعد از خواندن نماز زیارت، برای خواندن فاتحه و عرض ادب بر سر مزار پدر بزرگوارشان در مسجد بالای سر حضرت معصومه، حاضر می شوند.

ایشان تقید خاصی به برقراری مراسم عزاداری برای ائمه اطهار بخصوص آقا ابا عبدالله الحسین (ع) دارند. در طول دو ماه محرم وصفر تمام لباسهای ایشان سیاه است، بیت معظم له سیاه پوش می شود. در این ایام هیأت های مذهبی و سینه زنی که از اقصی نقاط ایران به بیت ایشان می آیند، پس از مراسم عزاداری به همراه معظم له و اقامه نماز جماعت، با ایشان مهمان سفره آقا اباعبدالله الحسین خواهند بود. فقط مظلومیت مولایش علی و مقتدایش مهدی (علیهما السلام) و مادر پهلو شکسته اش زهرا (س) است که بر

پهنای چهره شان اشک می نشاند.

در اعیاد مذهبی هم معظم له برای شرکت در شادی دل امام زمان (عج) مجلس جشن و سرور برقرار می کنند و مداحان و عاشقان ائمه اطهار در این مراسم ها شرکت می کنند.

بیت معظم له به دور از هر سازمان یا تشریفاتی اداره می شود، در نتیجه ارتباط مستقیم با ایشان به سهولت امکان پذیر است. ملاقات هر روزه در دفتر ایشان بطور مستقیم با معظم له در یک ساعت مشخص و معین، امکان پذیر است. مخارج بیت زیر نظر مستقیم معظم له است و هر نوع خرج و برجی را مستقیماً نظارت دارند. وجوهات شرعی را شخصاً دریافت می کنند و حساب های بانکی نیز به نام خودشان است. زندگی ساده و بی آلایش ایشان زبانزد عام و خاص است.

گاه گاهی بعضی از افراد و البته به قصد ضربه زدن به بیت ایشان وارد شده اند تا آنچه را که خود می خواهند و می پسندند به کرسی بنشانند. زمانی که معلوم و ثابت شود که این افراد از تقوای لازم برخوردار نیستند، در کمترین زمان ممکن و بدون هیچ رودر بایستی عذر آنها خواسته می شود و از نفوذ آنها جلوگیری بعمل می آید.

از دیگر خصوصیات اخلاقی ایشان؛ تواضع و فروتنی، ساده زیستی، کمک و یاری به طلاب علوم دینی برای سنت دیرینه حضرت رسول (ص) ازدواج کمک هزینه برای مداوای بیماری طلاب و خانواده های آنها، تهیه لیست چند ده هزار نفری ایتام، بیوه زنان، ضعفا و درماندگان و کمک های ماهانه به آنها. اجازه و شرکت در ساخت صدها مسجد، حسینیه، مدرسه، بیمارستان،

درمانگاه و مراکز عام المنفعه در سراسر ایران و خارج از کشور.

سالهاست معظم له هر ماه به مـدت ۵ روز مرحمتی آقـا امام زمان (عـج) را به دهها هزار طلبه حوزه علمیه مقـدسه قم، پرداخت می کنند. دیگر طلاب علوم دینی در استانها دیگر نیز از این مرحمتی امام زمان (عج) توسط معظم له، استفاده می کنند.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹